

سجده



صعود چهل سالهٔ در نزدیکی قد

اندیشکده راهبردی سعداء



اندیشکده راهبردی سعداء

زیر نظر: سید محمد حسین راجی

نویسندگان:

سید محمد رضا خاتمی و محسن فوجی

سایر پژوهشگران: سجاد کمالی‌نیا، حامد حسین‌زاده، محمدجواد هاشمیان، مهدی طالبی، مهدی کیانی، سیدمحمد مهدی، مهدی‌زاده موسی‌الرضا سلطان‌زاده، محمدجواد مقیم‌زاده، فضل‌الله طاهری، مریم سادات مجتهد سیستانی، سکیته دودگاری، فاطمه شالچیان، آمنه خسروی، یگانه شیرازی، آمنه صفایی، وجیهه نشاطی.

صفحه آرا: محمد صادق صالحی؛ طراح جلد: مهدی سیاه مهر.

ناشر: اندیشکده راهبردی سعداء

شایک: ۹-۳-۹۵۱۱-۶۲۲-۹۷۸ قیمت: ۲۴۰,۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: هفتم / ۱۴۰۳ تیراز: ۳۰۰۰ نسخه

سامانه فروش کتاب اندیشکده راهبردی سعداء www.soada.ir/shop

[illegible]

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست

۱۳	مقدمه
	بخش اول
۱۵	مراحل صعود ابر قدرت‌ها
۱۷	فصل اول
	هلند
۱۹	وابستگی و هزینه‌های غیر قابل تحمل آن
۲۰	۱. انقلاب برای استقلال
۲۲	۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌ها
۲۲	الف - جنگ خارجی
۲۳	ب - ترور رهبران
۲۳	ج - فشار و تحریم اقتصادی
۲۴	۳. پیشرفت علمی و پر کردن شکاف فناوریانه
۲۷	۴. تولید محصول فناوریانه با رویکرد جایگزینی واردات
۲۷	۵. حمایت از تولید داخلی و کاهش ناترازی تجاری
۲۸	۶. مدیریت نقدینگی و روزآمدسازی ساختارها
۲۹	سوداگری دلالت و انتظارات تورمی
۳۱	۷. صادرات محوری و گسترش بازارهای جهانی
۳۳	۸. سهم بالا از بازارهای جهانی و تبدیل شدن واحد پول ملی به ارز ذخیره جهانی
۳۷	فصل دوم
	بریتانیا
۳۹	وابستگی و هزینه‌های غیر قابل تحمل آن
۴۱	۱. انقلاب برای استقلال
۴۲	۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌ها

۳. پیشرفت علمی و پرکردن شکاف فناوریانه	۴۳
۴. تولید محصول فناوریانه و انقلاب صنعتی	۴۵
۵. حمایت از تولید داخل	۴۶
سیاست‌های حمایتی والپول	۴۷
۶. مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها	۵۰
۷. صادرات محوری و توسعه بازارهای جهانی	۵۳
۸. تبدیل ارز پوند به ارز ذخیره جهانی و تعریف نظم نوین	۵۵

فصل سوم

ایالات متحده آمریکا

غیر قابل تحمل شدن هزینه‌های وابستگی	۶۳
۱. انقلاب برای استقلال	۶۵
۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌ها	۶۵
۳. پیشرفت علمی و پرکردن شکاف فناوریانه	۶۷
۴. تولید محصول فناوریانه و جایگزینی واردات	۶۹
۵. حمایت از تولیدات داخلی و کاهش ناترازی تجاری	۷۲
الکساندر همپلتون؛ آغازگر حمایت از تولید داخلی در آمریکا	۷۲
تاریخچه بررسی نرخ تعرفه‌های واردات در آمریکا	۷۳
تصویب قانون تعرفه بر واردات و افزایش آن طی سال‌های متمادی	۷۳
کاهش نرخ تعرفه‌ها و افت رشد اقتصادی	۷۴
آبراهام لینکلن، منجی بزرگ	۷۴
۶. مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها	۷۴
۷. صادرات محوری و توسعه بازارهای جهانی	۷۶
۸. تبدیل ارز دلار به ارز ذخیره جهانی و سهم بالا از تجارت جهانی	۷۷

فصل چهارم

آلمان

غیر قابل تحمل شدن هزینه‌های وابستگی	۸۷
۱. انقلاب برای استقلال اقتصادی	۸۸
۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌ها	۸۸
۳. پیشرفت علمی و پرکردن شکاف فناوریانه	۸۹
۴. تولید محصول فناوریانه و جایگزینی واردات	۹۰
۵. حمایت از تولید داخل	۹۰

۶. مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها	۹۲
۷. صادرات محوری و ورود به بازارهای جهانی	۹۴
۸. سهم بالا از تجارت جهانی و تبدیل شدن ارز ملی به ارز ذخیره جهانی	۹۴

بخش دوم

مسیر ملی شده توسط ایران

۹۹	
۱۰۱	وابستگی و هزینه‌های غیر قابل تحمل آن
۱۰۱	دوران قاجار
۱۰۳	سلطه دولت‌های استعمارگر بر اقتصاد ایران
۱۰۴	ناپودی تولید داخلی ایران
۱۰۵	نا ترازوی تجاری
۱۰۶	کاهش ارزش پول
۱۰۷	قحطی ایران نتیجه سیاست‌های روس و انگلیس در دوران جنگ جهانی اول
۱۰۹	دوران رضاشاه پهلوی
۱۰۹	سلطه اقتصادی انگلیس در دوران رضا شاه
۱۱۴	وابستگی اقتصادی به آلمان
۱۱۴	کاهش ارزش پول
۱۱۷	بحران جنگ جهانی دوم و کاهش ارزش پول در یک اقتصاد وابسته
۱۱۹	نتایج اقتصاد وابسته دوران رضاشاه در زندگی مردم
۱۲۱	دوران محمدرضا شاه پهلوی
۱۲۱	اقتصاد پس از کودتا
۱۲۳	افزایش قیمت نفت
۱۲۳	انتخاب مسیر خرج کردن افزایش درآمدهای نفتی
۱۲۴	برنامه‌های ایران برای استفاده از درآمدهای نفتی و نتایج آن
۱۲۷	رشد صنعتی و وارونه صنعت
۱۳۰	نتایج سیاست‌های اقتصادی محمدرضا پهلوی در زندگی مردم
۱۳۲	۱. انقلاب برای استقلال
۱۳۳	تلاش‌های امیرکبیر برای استقلال کشور و رهایی از وابستگی
۱۳۳	فرمان آزادی استخراج معادن
۱۳۴	فرستادن صنعتگران به روسیه و عثمانی برای کسب مهارت‌ها
۱۳۵	حمایت امیرکبیر از کارخانه‌های داخلی
۱۳۶	تولید ملی، محور سیاست امیرکبیر
۱۳۷	تلاش‌های نهضت ملی شدن صنعت نفت برای استقلال و رهایی از وابستگی

تلاش‌های مصدق در برابر بحران‌سازی‌های دشمنان	۱۳۸
وابستگی ۲۰۰ ساله؛ زمینه‌ساز انقلاب بزرگ اسلامی	۱۴۰
۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌ها	۱۴۲
الف- تهدیدات امنیتی و نظامی و تحمیل جنگ خارجی	۱۴۳
برخی از فشارها و توطئه‌ها علیه حرکت تمدنی ج.ا.ا.	۱۴۴
ب- ترور رهبران	۱۴۶
ج- فشار و تحریم اقتصادی؛	۱۴۸
راز مقاومت ایران در برابر توطئه‌های امنیتی، نظامی و اقتصادی	۱۶۸
وحدت	۱۶۸
اتکای به مردم	۱۶۹
حاکمیت قانون	۱۷۰
تقویت بنیه نظامی	۱۷۱
توجه به علم و فناوری	۱۷۲
۳. پیشرفت علمی و پر کردن شکاف فناوریانه	۱۷۲
الگوی پیشرفت علمی	۱۷۳
الگوی پیشرفت علمی از دیدگاه امام علیه السلام	۱۷۳
الگوی پیشرفت علمی از دیدگاه امام خامنه‌ای مد ظله العالی	۱۷۴
توجه به علم و فناوری و هدف‌گذاری کلان مرجعیت علمی در اسناد بالادستی کشور	۱۷۶
علم، فناوری و تحقیق و نوآوری در قانون اساسی	۱۷۶
مرجعیت علمی و فناوری در نقشه جامع علمی کشور	۱۷۷
مرجعیت علمی و فناوری در سیاست‌های کلی نظام در علم و فناوری	۱۷۹
مرجعیت علمی و فناوری و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۱۷۹
گام‌های مهم ج.ا.ا. برای استقلال علمی	۱۸۰
ریشه‌کنی بی‌سوادی؛ نخستین گام	۱۸۰
دهه ۷۰: نخستین گام‌ها در استقلال علمی و فناوریانه کشور	۱۸۱
دهه ۸۰: تعقیب هدفمند توسعه علمی و فناوریانه	۱۸۲
دهه ۹۰: توسعه زیست‌بوم نوآوری و کارآفرینی	۱۸۳
انتخاب یک مسیر مطمئن برای پیشرفت علمی	۱۸۳
مرحله اول؛ آموزش محوری	۱۸۴
مرحله دوم؛ پژوهش محوری	۱۸۹
۴. تولید محصول فناوریانه با رویکرد جایگزینی واردات	۲۰۴
مرحله سوم؛ دانشگاه فناور و تولید فناوری	۲۰۴
مرحله چهارم؛ تبدیل فناوری به ثروت	۲۱۱

گزارش سال ۲۰۲۱ یونسکو درباره رشد و پیشرفت شرکت‌های دانش بنیان	۲۱۳
فناوری نانو الگوی موفق تبدیل دانش به فناوری و فناوری به ثروت	۲۱۹
۵. حمایت از تولید داخلی و کاهش ناترازی تجاری	۲۲۳
میزان صادرات محصولات با تکنولوژی متوسط و بالا	۲۲۵
میزان تولید محصولات با ارزش افزوده	۲۲۶
۶. مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها به نفع تولید	۲۳۵
کنترل و مدیریت نقدینگی	۲۳۵
تلاش برای رفع کسری بودجه	۲۴۰
کاهش هزینه‌های تولید با کاهش تورم تولیدکننده	۲۴۱
هدایت اعتبار و نقدینگی	۲۴۲
رفع ناترازی نظام بانکی	۲۴۴
حذف حاشیه امن ابردهکاران بانکی	۲۴۴
رفع ناترازی بانک‌ها	۲۴۵
خروج بانک‌ها از زیان‌دهی	۲۴۵
روزامدسازی ساختارها	۲۴۶
اصلاح ساختار بودجه	۲۴۶
اصلاح سازوکارها با هدف تسهیل فضای کسب و کار	۲۵۱
اصلاح ساز و کارهای خصوصی سازی	۲۵۴
اصلاح ساختارهای فسادزا	۲۵۵
۷. صادرات محوری و گسترش بازارهای جهانی	۲۶۰
آمارهای صادرات دانش بنیان	۲۶۲
نمونه‌هایی از صادرات دانش بنیان کشور	۲۶۳
صادرات شرکت‌های دانش بنیان پزشکی	۲۶۳
صنعت نانو	۲۶۴
ریات جراح سینا	۲۶۵
استفاده از ظرفیت دانش بنیان صنعت نفت جهت بازسازی ۱۷ پالایشگاه فراسرزمینی	۲۶۵
خانه‌های نوآوری و فناوری ایران در دنیا	۲۶۷
خدمات صادراتی به شرکت‌های دانش بنیان	۲۶۸
باشگاه سرآمدان صادرات دانش بنیان	۲۶۹
اقدامات جمهوری اسلامی در ۱۴۰۰ به بعد در جهت افزایش صادرات و تجارت جهانی	۲۷۰
الف: تضمین پرداخت‌ها	۲۷۰
ب: تسهیل پرداخت‌ها	۲۷۰
ج: تکمیل زنجیره تأمین	۲۷۱

- ۲۷۱ «فرصت ۱۰۰۰ میلیارد دلاری» در اقتصاد ایران
- ۲۷۳ ۸. سهم بالا از بازارهای جهانی و تبدیل شدن واحد پول ملی به ارز ذخیره جهانی

بخش سوم

افول ابرقدرتها

- ۲۷۷ افول امپراتوری هلند ۲۸۰
- ۲۸۲ افول امپراتوری بریتانیا ۲۸۳
- افول آمریکا و دیدگاه اندیشمندان ۲۸۳
- نظریه ری دالیو در مورد افول آمریکا با استدلال الگوی ۱۸ مرحله ای ۲۸۴
- کاهش بهره‌وری ۲۸۶
- فزون‌گستری بیش از توانایی ۲۸۷
- کاهش رقابت‌پذیری ۲۸۸
- افزایش نابرابری ۲۹۰
- افزایش گسترده بدهی‌ها ۲۹۲
- چاپ پول ۲۹۳
- درگیری‌های داخلی ۲۹۵
- کاهش ذخایر ارزی ۲۹۶
- ضعف در مدیریت و رهبری ۲۹۷
- جنگ شهری و فراهم شدن بستری بزرگ انقلاب‌ها ۳۰۰
- دیدگاه فریدمن و هرتز در مورد افول آمریکا با استدلال شکاف طبقاتی ۳۰۲
- دیدگاه آلفرد مک کوی در مورد افول آمریکا با استدلال عناصر سه‌گانه ۳۰۳
- دیدگاه افکار عمومی آمریکا در مورد فروپاشی ایالات متحده ۳۰۳
- دیدگاه یوشکا فیشر درباره افول غرب با استدلال ضعف‌های داخلی غرب ۳۰۵
- دیدگاه مایکل پمبروک در مورد افول آمریکا با استدلال بی‌توجهی این کشور به حقوق بین‌الملل ۳۰۶
- دیدگاه جیمز پتراس در مورد افول آمریکا با استدلال صدمات لابی صهیونیسم بر آمریکا

بخش چهارم

تفاوت‌های پیشرفت اسلامی ایرانی با توسعه غربی

- ۳۰۷ الف- پایبندی به معنویت و اخلاق ۳۰۹
- همه چیز فدای اقتصاد ۳۱۲
- رشد اقتصادی، ماحصل تجارت جنسی ۳۱۴
- سران حکومت، طلایه‌دار فساد اخلاقی ۳۱۵
- ب- عدالت ۳۱۹

نادیده گرفتن عدالت در مسیر توسعه ابرقدرت‌ها	۳۲۱
اقتصاد ابزار عدالت در ایران	۳۲۳
ج- پایبندی به اصول انسانی در روابط بین‌الملل و دوری از خوی استعمارگری در ارتباط با کشورهای ضعیف‌تر	۳۲۵
مدل جمهوری اسلامی در کمک به انسان‌ها	۳۲۹
د- پایبندی به لزوم آگاهی سیاسی مردم و ارتقاء آن	۳۳۲
ناآگاهی و جهل سیاسی مردم در آمریکا	۳۳۴

پیوست

بیراهه‌ای به نام خام‌فروشی

عربستان	۳۳۹
نرخ ارز ثابت؛ مکانیزم اجرا و پیامدها	۳۴۱
روند فزاینده تقاضای ارز و حجم نسبتاً ثابت درآمد ارزی	۳۴۱
تلاش‌های ناکام برای کاهش وابستگی به نفت	۳۴۲
آرزانتین ۱۹۹۰؛ سرانجام قطعی روند فعلی عربستان	۳۴۶
بقای عربستان در گرو بقای آمریکا	۳۴۸
تغییر راهبرد عربستان از واشنگتن به پکن	۳۵۱
ملتی ثروتمند، مردمی فقیر	۳۵۱
اختلاف طبقاتی در عربستان	۳۵۲
کمپین تویتری فقر در عربستان	۳۵۳
فقر را پنهان کنید!	۳۵۳
درآمد نفتی فوق‌العاده	۳۵۳
کووید ۱۹ و اثرات آن	۳۵۴

جمع‌بندی

منابع کتاب

مقدمه

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

دهه ۱۳۹۰ شمسی بود و انقلاب اسلامی ایران چهارمین دهه حیات خود را سپری می‌کرد. در همین روزها، دشمن شعار «ناکارآمدی جمهوری اسلامی» را سرداد و بدین ترتیب، هجمه شدیدی ضد جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت.

در آن دوران، کتاب «صعود چهل ساله» با هدف نمایاندن کارآمدی نظام اسلامی، توسط نخبگان تألیف شد که در داخل و خارج از کشور، با استقبالی حیرت‌آور روبه‌رو گردید. این کتاب با تکیه بر آمارهای بین‌المللی اثبات نمود که جمهوری اسلامی با تمام فرازها و نشیب‌ها، راه پُرافتخاری را طی کرده و در حال صعود به سمت قلّه هاست.

با گذشت شش سال از تألیف آن کتاب و با وجود انتشار ویرایش جدید آن در سال ۱۳۹۹، دیگر بار پرسش‌های مهمی در ذهن مخاطب به وجود آمده است که پاسخ به آنها، بسیار ضروری می‌نماید. برخی از این پرسش‌های اساسی عبارتند از:

- ریشه مشکلات کشور چیست؟
- مسیر طی شده به سمت قلّه کدام است؟
- به راستی، آیا قطار جمهوری اسلامی از ریل خارج نشده است؟
- آیا مسائل پیش آمده از قبیل کاهش ارزش پول و... طبیعی است؟
- و

پاسخ‌گفتن به این پرسش‌ها، نیازمند منظومه فکری جدیدی است که پردازش و نمایش آن، در بستر ویرایشی جدید امکان نمی‌پذیرد؛ بلکه باید در پژوهشی نو و در قالب کتابی جدید نمود یابد. با همین نگاه، پژوهشگران اندیشکده راهبردی سعادت، پژوهش جدیدی را آغاز کرده و به مقایسه روند کشورهای ابرقدرت دنیا، از دژه تا قله و تطبیق حرکت آنان با جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. در پژوهش یادشده که به صورت کتاب حاضر مدوّن گشته است، مراحل صعود کشورها، بی‌راهه‌ها، موانع طبیعی و غیرطبیعی این مسیر بررسی شده و اثبات گردیده است که ریل‌گذاری جمهوری اسلامی ایران کاملاً صحیح و در راه رسیدن به اوج بوده است؛ یعنی همان چشم‌روشنی‌ای که رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای عنه‌الله تعالی، از آن چنین یاد کرده‌اند: «ما فصل مُشبعی^۱ را حرکت کرده‌ایم؛ این سربالایی، این شیب تند را عبور کرده‌ایم، به قله‌ها نزدیک شده‌ایم»^۲.

در پایان، مثل همیشه، از پژوهشگران با اخلاص و گمنام اندیشکده راهبردی سعادت که با تحمل همه سختی‌ها، در حال جهاد عظیم و فوری تبیین هستند، صمیمانه تشکر و قدردانی نموده و امیدوارم خداوند شهادت در آغوش حجت‌بن‌الحسن عنه‌الله تعالی را روزی این عزیزان و همه ما بگرداند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
سید محمد باقر
مدیران پژوهش راهبردی سعادت
۲۸ شهریور ۱۴۰۲
لیسند الزنجب
مهرم مطهر علی بن موسی الرضا علیه السلام

۱. طولانی، مفصل.

۲. بیانات مقام معظم رهبری عنه در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۴۰۲/۵/۲۶.

بخش اول

مراحل صعود ابرقدرت‌ها

فصل اول

هلند

وابستگی و هزینه‌های غیر قابل تحمل آن

کشور هلند تا سال ۱۵۶۸ میلادی تحت حاکمیت امپراطوری هابسبورگ اسپانیا قرار داشت. وابستگی هلند به اسپانیا در این سال‌ها ابعاد مختلفی داشت؛ از جمله وابستگی سیاسی، وابستگی نظامی، وابستگی اقتصادی و حتی وابستگی مذهبی. مردم هلند موافق ادامه حیات زیر پرچم اسپانیا نبودند؛ چرا که این وابستگی موجب تحمیل هزینه‌های متعددی بر آنها شده بود.^۱

هلندی‌ها حق تصمیم‌گیری درباره قوانین کشورشان را نداشتند و بارها برای تصویب قانون اساسی خود به امپراطوری اسپانیا درخواست داده بودند؛ اما این درخواست‌ها با کارشکنی و مخالفت روبه‌رو شده بود. مردم مسیحی هلند، مذهب پروتستان را برای خود برگزیده بودند؛ اما به دلیل حاکمیت مذهب کاتولیک در امپراطوری هابسبورگ اسپانیا، مسیحیان پروتستان هلند به شدت سرکوب می‌شدند. جان دی باکر،^۲ اولین فرد هلندی بود که در سال ۱۵۲۵ میلادی به جرم گرویدن به آیین پروتستان، در حالی که به چوب بسته شده بود، زنده زنده در آتش سوزانده شد.

هزینه‌های وابستگی برای هلندی‌ها به این جا ختم نمی‌شد. کشور هلند، که از جهت اقتصادی به شدت به تجارت خارجی وابسته بود و عمده درآمد خود را از محل تجارت دریایی با دیگر کشورهای وابسته به امپراطوری اسپانیا به دست می‌آورد، مجبور بود برای تداوم حیات اقتصادی خود سیاست‌های اقتصادی تحمیلی از جانب اسپانیا را

1. Tracy, James D., *Holland Under Habsburg Rule, 1506-1566 The Formation of a Body Politic*, Berkeley: University of California Press, 1990, p. 50.

2. John D. Bakker.

تحمل کند. هلندی‌ها هم‌چنین مجبور بودند برای امنیت سفرهای دریایی خود در دریای بالتیک، به نیروی دریایی اسپانیا نیز هزینه‌های سنگینی پرداخت کنند.^۱

در اواسط قرن ۱۶ میلادی، امپراطوری هابسبورگ به علت بدهی بالای خارجی در معرض ورشکستگی قرار گرفته بود؛ لذا سعی می‌کرد با اعمال مالیات‌های سنگین بر مستعمرات و کشورهای وابسته به خود، کسری بودجه خود را جبران کند. افزایش مالیات‌ها در دهه ۱۵۴۰ میلادی، دامن تجارت دریایی هلندی‌ها را هم گرفت و آنها مجبور به پرداخت عوارض سنگینی به دولت اسپانیا شدند. از طرفی، امپراطوری اسپانیا در سال‌های افول خود مرتباً درگیر جنگ‌های خارجی در سطح اروپا بود و این جنگ‌ها تأثیر مستقیمی بر اصلی‌ترین منبع درآمد هلندی‌ها، یعنی تجارت خارجی، می‌گذاشت؛ چرا که کشورهای درگیر جنگ، همگی مقاصد تجاری هلندی‌ها را تشکیل می‌دادند و در دوران جنگ پول کافی برای تجارت با هلندی‌ها را در اختیار نداشتند. هم‌چنین این جنگ‌ها امنیت مسیرهای دریایی تجارت هلندی‌ها را هم به شدت تحت تأثیر قرار داده بود. در یک جمله، اقتصاد هلند به شدت وابسته به تصمیمات اقتصادی و سیاسی امپراطوری اسپانیا بود و هزینه‌های این وابستگی در سال‌های میانی قرن ۱۶ میلادی به سطح غیر قابل تحملی رسیده بود.^۲

۱. انقلاب برای استقلال

هلندی‌ها در نیمه دوم قرن ۱۶ میلادی، برای پایان دادن به تحقیرها و تحمیل قوانین پرهزینه امپراطوری اسپانیا تصمیم به انقلاب گرفتند که این اقدام آنها به شورش هلند یا جنگ استقلال هلند معروف شد. انقلاب هلندی‌ها ۴ مرحله را تا پیروزی کامل طی کرد.

در مرحله اول، که از سال ۱۵۶۶ آغاز شد و ۲ سال به طول انجامید، هلندی‌ها به رهبری

1. Tracy, James D., *Holland Under Habsburg Rule, 1506-1566 The Formation of a Body Politic*, Berkeley: University of California Press, 1990, p. 210.

2. Ibid., p. 116.

۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌ها

هلندی‌ها در تمام مراحل انقلاب خود تا رسیدن به اوج قدرت، از طرف امپراطوری اسپانیا با مشکلات و موانع زیادی روبه‌رو شدند. بخشی از بحران‌سازی‌های امپراطوری اسپانیا در مسیر استقلال جمهوری هلند عبارت بودند از:

الف- جنگ خارجی

اسپانیا از ابتدای انقلاب هلند علیه انقلابیون اعلام جنگ کرد و ارتش خود را به مقابله با آنها فرستاد. این جنگ تا سال ۱۶۴۸ میلادی ادامه داشت و به جنگ ۸۰ ساله معروف شد. در مقابل، جمهوری هلند قدرت نظامی خود را برای غلبه بر مداخلات هابسبورگ از طریق چندین استراتژی کلیدی تقویت کرد.

اول، هلندی‌ها اصلاحات نظامی قابل توجهی را در اواخر قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷ میلادی انجام دادند. آنها با ابداع تاکتیک‌ها و روش‌های جدید آموزشی و هم‌چنین ساختارهای سازمانی نوآورانه، ارتش هلند را به یک نیروی نظامی چابک تبدیل کردند که به آنها اجازه داد به‌طور مؤثر با نیروی نظامی اسپانیا رقابت کنند.^۱

دوم، آنها توسعه نیروی دریایی خود را در اولویت قرار دادند. ناوگان دریایی خود را گسترش دادند و کشتی‌های جنگی هدف‌مند را با اسلحه‌های سنگین‌تر ساختند. این تمرکز به قدرت دریایی برای مقابله با مداخلات هابسبورگ بسیار مهم بود؛ زیرا به هلندی‌ها اجازه می‌داد تا بر راه‌های اصلی و مسیرهای تجاری کنترل داشته باشند و در نتیجه تحرکات نظامی اسپانیا را محدود کرده، خطوط تدارکات آنها را مختل کنند.^۲ علاوه بر این، جمهوری هلند اهمیت تخصیص بودجه کافی برای نیروی نظامی را درک کرد. علی‌رغم اینکه جمهوری هلند با فشار مالی قابل توجهی روبه‌رو بود، هزینه نظامی

<https://www.oxfordreference.com/display/10.1093/oi/authority.20110803095736876>.

<https://www.studocu.com/en-gb/document/university-of-wolverhampton/history/the-dutch-revolt/39400677>.

1. Israel, Jonathan, *The Dutch Republic: Its Rise, Greatness, and Fall 1477-1806*, Oxford: Oxford University Press, 1995, pp. 253 & 267.

2. Ibid., p. 767.

خود را برای گسترش و نوسازی نیروهای مسلح خود افزایش داد. این تعهد مالی نسبت به بودجه نظامی، هلندی‌ها را قادر ساخت تا نیروهای نظامی، استحکامات و تجهیزات خود را همواره در شرایط مناسبی که نسبت به حملات دشمن بازدارندگی ایجاد کنند، حفظ کند.^۱

در کنار این راهبردها، هلندی‌ها برای توسعه زیرساخت‌های غیرنظامی و انجام پروژه‌های عمرانی همواره از نیروی نظامی خود بهره می‌بردند. آنها اصرار داشتند که ارتش را تابع اولویت‌ها و الزامات غیرنظامی و نیازمندی‌های عمرانی کشور قرار دهند. این رویکرد نه تنها ثبات جمهوری هلند را تضمین کرد، بلکه کارآمدی و انضباط ارتش را نیز در شرایط غیر جنگی پرورش داد.^۲

ب- ترور رهبران

امپراطوری هابسبورگ اسپانیا بارها رهبران انقلاب هلند را به امید پایان دادن به قیام استقلال‌طلبانه هلندی‌ها به قتل رساند. مهم‌ترین رهبر انقلاب هلند، ویلیام اورانژ، که در مرحله سوم انقلاب به عنوان حاکم و فرمانروای اتحادیه اوترخت برگزیده شده بود، در سال ۱۵۸۴ میلادی ترور شد و به قتل رسید. اما از دست دادن عناصر اصلی انقلاب، حرکت هلندی‌ها را در مسیر استقلال متوقف نساخت و آنان انقلاب خود را تا پیروزی نهایی به پیش بردند.^۳

ج- فشار و تحریم اقتصادی

اقدامات اقتصادی امپراطوری هابسبورگ علیه انقلاب هلند، در درجه اول با هدف ایجاد اختلال در تجارت هلند (اصلی‌ترین منبع درآمد هلندی‌ها) و جلوگیری از رونق اقتصادی آن بود. امپراطوری، اقدامات متعددی را برای ممانعت از تجارت هلند و فلج کردن اقتصاد آن انجام داد. یکی از این اقدامات، تسخیر شهر مهم تجاری آنتورپ

1. Israel, Jonathan, *The Dutch Republic: Its Rise, Greatness, and Fall 1477-1806*, Oxford: Oxford University Press, 1995, p. 818.

2. Ibid., p. 267.

3. Motley, John L., *The Rise of the Dutch Republic*, Harper & Brother, Publishers, 1856, Vol. 3.

بود که سهم مهمی از تجارت هلندی‌ها داشت. اسپانیایی‌ها با بستن بندرگاه‌ها و مسیرهای دریایی اصلی تجاری مانند بندر لیسبون پرتغال بر روی هلندی‌ها، تجارت هلند در دریای بالتیک را بسیار دشوار ساختند. تجارت بالتیک به قدری برای اقتصاد هلند مهم بود که به آن لقب «مادر تجارت» داده بودند.^۱

هلندی‌ها برای فائق آمدن بر این بحران و خنثی‌سازی تحریم تجاری اسپانیا با دو مشکل روبه‌رو بودند: اول اینکه مقاصد تجاری هلندی‌ها زیر سلطه اسپانیا بودند. دوم نیز اینکه صنعت کشتی‌سازی هلند قادر به ساخت کشتی برای تجارت در مسیرهای طولانی‌تر نبود.

هلندی‌ها برای عبور از این تحریم به مهندسی معکوس و نوآوری در صنعت کشتی‌سازی روی آوردند و توانستند با اختراعات مهمی در این صنعت، کشتی‌های سبک‌تر، با ظرفیت باری بیش‌تر قادر به طی مسافت‌های طولانی‌تر بسازند. آنها با این اقدام، تجارت خود را فراتر از دریای بالتیک گسترش دادند و حتی در ماجراجویی دریایی خود به هندوستان نیز رسیدند. آنها توانستند با تجارت ابریشم و ادویه از هند به کشورهای مختلف اروپایی، تحریم تجاری اسپانیا را بی‌اثر ساخته، منافع اقتصادی بسیاری به دست آورند.^۲

۳. پیشرفت علمی و پر کردن شکاف فناورانه

همان‌طور که گفته شد، یکی از اصلی‌ترین استراتژی‌های هلند برای عبور از بحران‌ها و کاهش وابستگی به امپراطوری اسپانیا، نوآوری‌های علمی و اختراعات مهم صنعتی بود. اما اولین گام هلند در این راستا، گسترش آموزش عمومی و راه‌اندازی مراکز علم‌آموزی بود.^۳ در نتیجه اقدامات جمهوری هلند در حوزه آموزش، نرخ سواد در این کشور در مقایسه با دیگر کشورهای اروپا به میزان بالایی رسید. مدارس دولتی و

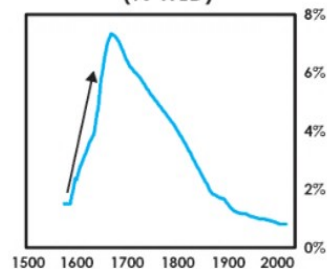
۱. به دلیل اهمیت و نقش بالای تجارت در اقتصاد هلند، برای آن چنین تعبیری را استفاده می‌کردند.

2. Findlay, Ronald and Kevin H. O'Rourke, *Power and Plenty: Trade, War, and the World Economy in the Second Millennium*, New Jersey: Princeton University Press, 2007, pp. 175-176.

3. Israel, Jonathan, *The Dutch Republic: Its Rise, Greatness, and Fall 1477-1806*, Oxford: Oxford University Press, 1995, p. 2.

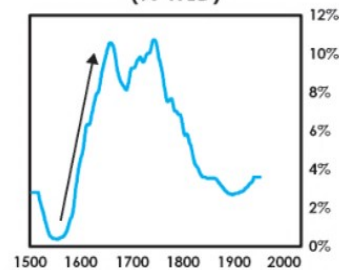
خصوصی و هم‌چنین دانشگاه‌ها و آکادمی‌های تخصصی، گسترش قابل توجهی پیدا کردند و نیز سهم هلند از اختراعات و نوآوری‌های جهانی به اوج خود رسید.

NLD UNIVERSITIES FOUNDED
(% WLD)



تصویر ۱: سهم کشور هلند از مجموع دانشگاه‌های تأسیس شده در دنیا^۱

NLD BOOKS PUBLISHED
(% WLD)

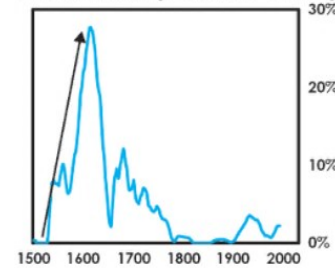


تصویر ۲: سهم کشور هلند از مجموع کتاب‌های منتشر شده در دنیا^۲

1. Dalio, Ray, *Principles for Dealing with THE CHANGING WORLD ORDER, Why Nations Succeed and Fail*, New York: Avid Reader Press, 2021, p. 260.

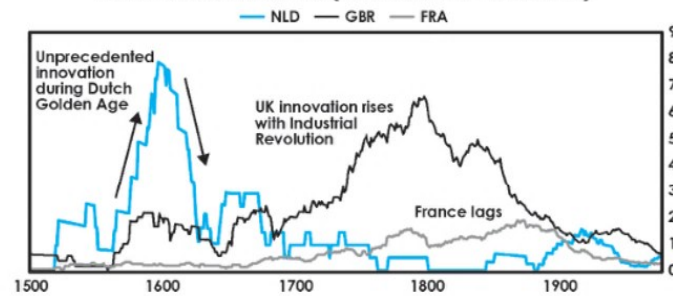
2. Ibid.

NLD SHARE OF MAJOR INVENTIONS (OVER 30 YEARS)



تصویر ۳: سهم کشور هلند از مجموع اختراعات بزرگ دنیا^۱

MAJOR INVENTIONS (PER MLN POPULATION)



تصویر ۴: مقایسه میزان درخواست ثبت اختراع بزرگ سه کشور بریتانیا، هلند و فرانسه به ازای هر میلیون نفر جمعیت در طول تاریخ (به ویژه عصر طلایی هلند و انقلاب صنعتی بریتانیا)^۲

1. Dalio, Ray, *Principles for Dealing with THE CHANGING WORLD ORDER, Why Nations Succeed and Fail*, New York: Avid Reader Press, 2021, p. 260.

2. Ibid.

۴. تولید محصول فناوریانه با رویکرد جایگزینی واردات

نوآوری‌ها و اختراعات در انقلاب علمی هلند، در راستای جبران عقب‌ماندگی صنعتی هلند قرار گرفت. این عقب‌ماندگی موجب وابستگی به برخی ایالت‌های امپراطوری اسپانیا شده بود. به عنوان مثال، هلندی‌ها در تاریخ صنعت کشتی‌سازی خود قادر به ساخت کشتی با قابلیت مسافرت در راه‌های طولانی نبودند و برای تجارت‌های راه دور خود از آلمان، که یکی از ایالت‌های تحت حاکمیت امپراطوری اسپانیا بود، کشتی وارد می‌کردند. اما با حمایتی که نسبت به اختراعات در هلند انجام گرفت، آنها نوآوری‌های مهمی در صنعت کشتی‌سازی انجام دادند که نه تنها آنان را از واردات کشتی خارجی بی‌نیاز کرد، بلکه سطح فناوری ساخت کشتی را در قاره اروپا بسیار بالا برد. یک نمونه از این اختراعات، ساخت کشتی فلویت^۱ بود که یک کشتی بسیار چابک برای حمل بار در مسافت‌های طولانی به شمار می‌رفت.^۲

پیشرفت تکنولوژی در هلند تنها به صنعت کشتی‌سازی محدود نشد. جمهوری هلند در زمینه‌های مختلف علوم و مهندسی مانند نجوم، فیزیک، شیمی، پزشکی، نقشه‌برداری و دریانوردی پیشگام شد و اکتشافات و اختراعات نوآورانه‌ای مانند ساعت آونگی، میکروسکوپ، زیردریایی، ماشین چاپ و آسیاب بادی را به دنیا معرفی کرد. این فناوری‌ها بهره‌وری، کارایی و رقابت‌پذیری اقتصاد هلند را به میزان قابل توجهی افزایش داد و در بسیاری موارد علاوه بر خودکفایی، درآمد صادراتی قابل توجهی نیز برای این کشور به ارمغان آورد.^۳

۵. حمایت از تولید داخلی و کاهش ناترازی تجاری

اختراعات هلندی‌ها تنها زمانی در شکوفایی اقتصادی این کشور اثرگذار شد که دولت هلند با پذیرش ریسک حمایت از تولید داخل و سرمایه‌گذاری روی آنها، زمینه تولید انبوه آنان را فراهم کرد. هرچند اعتماد به تولید داخل در کشوری که

1. Fluit.

2. van Zanden, Jan Luiten and Milja van Tielhof, *Roots of growth and productivity change in Dutch shipping industry, 1500-1800*, Explorations in Economic History, 2009, p. 2.

3. Israel, Jonathan, *The Dutch Republic: Its Rise, Greatness, and Fall 1477-1806*, Oxford: Oxford University Press, 1995, p. 317.

سال‌ها به محصولات فناوریانه خارجی وابسته بوده، امر دشواری است، خصوصاً در صنعت کشتی‌سازی که کوچک‌ترین اشتباه در مهندسی کشتی منجر به مرگ تمام سرنشینان آن می‌شود، اما دولت هلند به تولید نوآرانه مهندسان خود اطمینان کرد و زمینه دریانوردی اغلب تجار هلندی را با کشتی تولید داخل و ساخت هلند فراهم کرد. این مسئله در کنار سفارش‌های زیاد دولت هلند به صنعت کشتی‌سازی برای تقویت نیروی دریایی، مهم‌ترین عامل در توسعه صنعت کشتی‌سازی و تضمین بقای آن در کشور هلند به شمار می‌رفت.^۱

در سایر حوزه‌های اقتصادی نیز دولت هلند با اقداماتی، از جمله حمایت از پناهندگی متخصصان خارجی^۲ در رشته‌های مختلف از جمله نساجی، زمینه انتقال فناوری و تولید داخلی را فراهم کرد و نیازمندی‌های وارداتی هلند را به حداقل رسانید. افزایش تجارت و صادرات، کاهش اقلام وارداتی و در نتیجه کاهش ناترازی تجاری، ثمره حمایت دولت هلند از تولید داخل بود.

۶. مدیریت نقدینگی و روزآمدسازی ساختارها

تأمین مالی جنگ‌های پی‌درپی با اسپانیا و لزوم حمایت و سرمایه‌گذاری در تولید داخل برای استقلال و رونق اقتصادی، هزینه‌های بالایی را برای دولت هلند ایجاد کرده بود. اما با اقتصاد آسیب‌دیده از جنگ در این کشور، تأمین منافع لازم برای هزینه‌های دولت صرفاً از طریق افزایش مالیات ممکن نبود؛ لذا دولت هلند مالیات بر ثروتمندان را بدین منظور افزایش داد.^۳ یکی دیگر از اقدامات دولت هلند برای تأمین منابع درآمدی خود، انتشار اوراق قرضه بود. ثروتمندان و مردم برای کسب سود سالیانه، در شرایطی که اقتصاد اوضاع خوبی نداشت، اموال خود را به دولت قرض می‌دادند. هرچند این روش تا حدی هزینه‌های دولت را جبران کرد، اما حجم بالای

1. Israel, Jonathan, *The Dutch Republic: Its Rise, Greatness, and Fall 1477-1806*, Oxford: Oxford University Press, 1995, pp. 307 & 311.

۲. به جهت جذب مردم برخی از کشورهای منطقه به آیین پروتستان، زمینه جذب آنها به هلند فراهم شده بود و هلند نیز از این مسئله استفاده کرد.

3. Israel, Jonathan, *The Dutch Republic: Its Rise, Greatness, and Fall 1477-1806*, 1995, Oxford: Oxford University Press, p. 479.

مخارج و هم‌چنین لزوم بازپرداخت سود اوراق قرضه، هر دولتی را مجبور به چاپ پول بدون پشتوانه می‌کند و دولت هلند هم از این موضوع مستثنا نبود.^۱

گفتنی است که دو عامل دیگر نیز در افزایش حجم نقدینگی در هلند مؤثر بود. اول، رایج بودن پول امپراطوری هابسبورگ اسپانیا در هلند منجر به سرریز تبعات چاپ پول آن به اقتصاد هلند شده بود. افزایش بدهی‌های اسپانیا و چاپ پول بی‌رویه^۲ برای بازپرداخت آن توسط اسپانیا، ارزش پول اسپانیا را کاهش و قیمت کالاها را افزایش داده بود. دوم، وجود نداشتن یک سیستم منسجم در زمینه ضرب سکه و نظارت بر نظام پولی، چاپ پول بی‌رویه توسط کارگاه‌های پراکنده در کشور را افزایش داده بود و مردم برای تأمین هزینه‌های خود ترجیح می‌دادند از این کارگاه‌ها با بهای پایین‌تری، پول تهیه کنند. بدین ترتیب حجم پول در کشور افزایش یافته و افزایش قیمت کالاها، ثبات اقتصادی جامعه را به هم زده بود.^۳

دولت هلند برای مقابله با چاپ پول بدون پشتوانه و تسلط بر نظام پولی، در سال ۱۵۷۷ میلادی اتحادیه پولی منسجمی را در بین استان‌های شمالی ایجاد کرد تا از کاهش‌های مکرر ارزش پول جلوگیری کند. سپس در سال ۱۶۰۹ میلادی با تأسیس بانک آمستردام و ایجاد واحد پولی مستقل «گیلدر» که بر پشتوانه ذخایر طلا و نقره بود، به نظام پولی کشور سامان بخشید. تأسیس بازار سهام آمستردام نیز از مهم‌ترین اقدامات برای جذب نقدینگی بازار و تأمین مالی شرکت‌های بزرگ دولتی، خصوصاً شرکت «هند شرقی هلند» به حساب می‌رفت.

سوداگری دلان و انتظارات تورمی

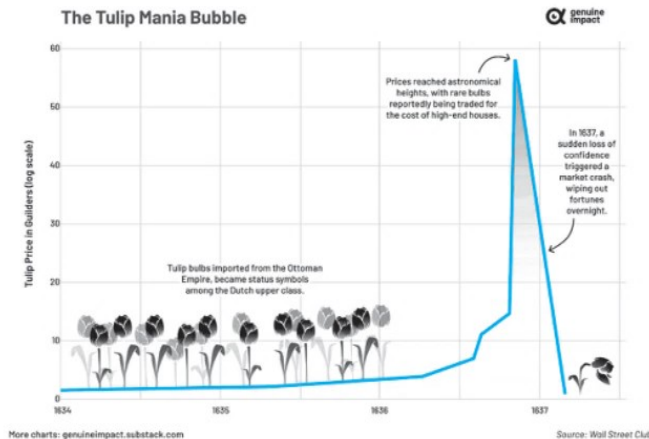
اما «کاهش ناترازی تجاری» و «کنترل رشد نقدینگی» برای کنترل نوسان در بازار هلند کافی نبود. واسطه‌گری و رفتار سرمایه‌ای دلان با کالاهای مصرفی، بازارهای سوداگرانه‌ای را در برخی کالاها پدید آورد که به شدت به اقتصاد کشور آسیب می‌زد.

1. Prak, Maarten, *The Dutch Republic in the Seventeenth Century: The Golden Age*, Cambridge: Cambridge University Press, 2005, pp. 79 & 84.

۲. چاپ پول در این دوره به شکل ضرب سکه‌های طلا و نقره بوده است.

3. Tracy, James D., *Holland Under Habsburg Rule, 1506-1566 The Formation of a Body Politic*, Berkeley: University of California Press, 1990, p. 115.

از مهم‌ترین نمونه‌های آن، پدیده «جنون گل لاله»^۱ بود که در دهه ۱۶۳۰ میلادی به وجود آمد. با افزایش تقاضا نسبت به گل لاله در هلند، قیمت آن در این سال‌ها افزایش پیدا کرد. این رشد قیمتی باعث هجوم سودگران به بازار گل لاله شد و گل لاله را به کالایی سرمایه‌ای تبدیل کرد. اضافه شدن تقاضاهای سوداگران به بازار گل لاله، قیمت این محصول را به‌طور غیر قابل باوری افزایش داد. مردم عادی نیز که از طرفی ارزش پول خود را در برابر خرید گل لاله در حال کاهش می‌دیدند و از طرف دیگر سودای کسب سود هنگفت را با سرمایه‌گذاری در این بازار در سر می‌پروراندند، سرمایه‌های خود را به این بازار آوردند. حباب قیمتی گل لاله ناگهان به قدری بزرگ شده بود که افسران ارتش هلند حاضر بودند حقوق یک سال خود را بپردازند تا فقط یک گل لاله بخرند و آن را به امیدگران شدن در خانه نگه دارند.^۲



تصویر ۵: بررسی تحولات قیمتی در دوره جنون قیمت گل لاله^۳

1. Tulip mania.
2. https://www.investopedia.com/terms/d/dutch_tulip_bulb_market_bubble.asp.
3. <https://www.statista.com/chart/12352/price-developments-during-the-tulip-mania-and-the-bitcoin-bonanza/>

افزایش سرسام‌آور قیمت در بازار گل لاله و سرازیر شدن تورم آن به سایر بازارها، دولت هلند را مجبور به مقابله با این بازار کرد. دولت هلند با غیرقانونی اعلام کردن تمام معاملات گل لاله و از بین بردن بازار آن، حباب قیمتی گل لاله را شکست و بسیاری از مردم و ثروتمندان که به امید ثروت‌افزایی تمام سرمایه خود را به این بازار آورده بودند، به یک‌باره تمام دارایی خود را از دست دادند و به فلاکت و صف‌ناپذیری افتادند. گفته شده تعدادی از مشاهیر هنری تاریخ هلند نیز در آن دوران، تمام سرمایه خود را در سودای گل لاله از دست دادند.^۱

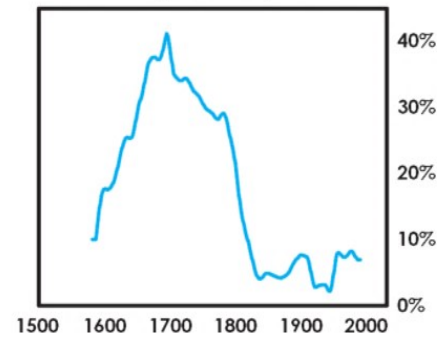
برخورد با این پدیده، که امروزه از آن به عنوان انتظارات تورمی یاد می‌شود، هزینه‌های زیادی برای دولت هلند ایجاد کرد؛ اما دولت توانست با این اقدام ثبات را به بازار برگرداند.

۷. صادرات محوری و گسترش بازارهای جهانی

پس از آنکه زیرساخت‌های فناوریانه و تولیدی کشور به استحکام لازم رسید، حمایت از تولید داخل، رقابت‌پذیری محصولات هلندی را در جهان افزایش داد. در این مرحله، برای آنکه روند رو به رشد تولید دچار رکود نگردد، باید بازارهای جدیدی برای محصولات آماده می‌شد تا سطح درآمد افزایش یابد. جمهوری هلند نیز با گسترش تجارت خود در سطح دنیا و بهره‌گیری از قدرت نظامی خود در ایجاد مستعمرات متعدد در سرتاسر جهان، بازار بسیار بزرگی را برای تجارت خود ایجاد کرد. همه این پیشرفت‌ها در هلند در شرایطی رخ داد که جمعیت هلند بین ۱ تا ۲ میلیون نفر بود و قاعدتاً این جمعیت نمی‌توانست بازاری مناسب برای اقتصادی باشد که در سال‌های بعد ۴۰ درصد صادرات کل جهان را از آن خود کند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای گسترش استعمارگری هلند، شرکت «هند شرقی هلند» بود که در شبه‌قاره هند، بازار بسیار بزرگی را برای تجارت هلند ایجاد کرده بود. از طرفی، این شرکت مواد اولیه مورد نیاز صنایع هلند و هم‌چنین کالاهای مورد علاقه اروپایی‌ها، مانند ادویه و ابریشم، را برای تجارت در اروپا از این طریق فراهم می‌کرد. در این سال‌ها حجم صادرات هلند به شدت افزایش یافت و درآمد سرانه در این کشور از همه کشورهای دیگر جهان پیشی گرفت.

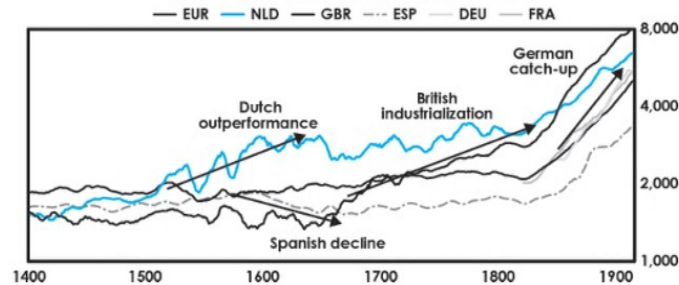
1. https://www.investopedia.com/terms/d/dutch_tulip_bulb_market_bubble.asp.

NLD EXPORTS (% WLD)



تصویر ۶: سهم کشور هلند از صادرات جهانی^۱

REAL GDP PER CAPITA (2017 USD)



تصویر ۷: مقایسه روند رشد سرانه تولید ناخالص داخلی حقیقی (بر حسب دلار بین‌المللی ۲۰۱۷) برای شش کشور هلند، بریتانیا، آلمان، اسپانیا، فرانسه و اتحادیه اروپا^۲

1. Dalio, Ray, *Principles for Dealing with THE CHANGING WORLD ORDER, Why Nations Succeed and Fail*, New York: Avid Reader Press, 2021, p. 260.

2. Ibid.

۸. سهم بالا از بازارهای جهانی و تبدیل شدن واحد پول ملی به ارز ذخیره جهانی

در این مرحله بود که ارز هلند، یعنی گیلدر، به عنوان اولین ارز ذخیره جهانی مورد استفاده قرار گرفت و کشورهای اروپایی تمام معاملات خارجی خود را با گیلدر هلند انجام می دادند. ارزش پول هلند در این دوران به اوج خود رسید و با پیروزی نهایی هلند بر اسپانیا در سال ۱۶۴۸ میلادی و پذیرش استقلال هلند توسط هابسبورگ، نظم جدیدی در جهان به محوریت هلند و واحد پولی گیلدر شکل گرفت.^۱

گسترش صادرات هلند و افزایش سهم آن در بازارهای جهانی علاوه بر تولید ثروت زیاد، هلند را به جایگاه تحریم ناپذیری رساند. این قدرت بازدارندگی از تحریم ناشی از نقش غیرقابل حذف آن در اقتصاد جهانی بود و حتی به هلند قدرت تحریم سایر کشورها و تعریف نظم جدیدی در جهان، مبتنی بر هژمونی هلند اعطا کرد. هلندی ها برای رسیدن به این نقطه اوج، هزینه های زیادی پرداختند و حتی در سال های آخر منتهی به این نقطه اوج، نوسانات زیادی را تجربه کردند که ممکن بود با سازش در برابر اسپانیا توسط برخی عناصر کم تر انقلابی در حکومت، مسیر صعودشان به قله متوقف شود. اما سخت کوشی و ایستادگی شان مانع از توقف شد و فتح قله اقتصاد و جهان ثمره مقاومت مردم هلند در سال ۱۶۵۰ میلادی بود.

جدول زمانی تحولات هلند

تاریخ	اتفاقات و رویدادها
تا ۱۵۶۸	هلند تحت حاکمیت امپراطوری هابسبورگ اسپانیا
۱۵۲۵	جان دی باکر، اولین فردی که به جرم گرویدن به آیین پروتستان، درحالی که به چوب بسته شده بود، زنده زنده در آتش سوزانده شد.

1. Dalio, Ray, *Principles for Dealing with THE CHANGING WORLD ORDER, Why Nations Succeed and Fail*, New York, Avid Reader Press, 2021, p. 263.

تاریخ	اتفاقات و رویدادها
قرن ۱۶	اعمال مالیات‌های سنگین بر مستعمرات امپراطوری هابسبورگ به علت بدهی بالای خارجی و قرار گرفتن در معرض ورشکستگی
دهه ۱۵۴۰	افزایش مالیات‌ها بر تجارت دریایی هلند
۱۵۶۸-۱۵۶۶	مرحله اول انقلاب برای استقلال به رهبری «ویلیام اورانژ» و درخواست خودمختاری به اسپانیا
۱۵۶۸-۱۶۴۸	جنگ ۸۰ ساله اسپانیا با هلند
۱۵۷۶-۱۵۷۲	مرحله دوم انقلاب برای استقلال؛ اعلام ویلیام اورانژ به عنوان حاکم شهرهای تصرف شده توسط انقلابیون + حمایت انگلستان و فرانسه از انقلابیون
۱۵۸۸-۱۵۷۶	مرحله سوم انقلاب برای استقلال؛ تشکیل «اتحادیه اوترخت» در استان‌های شمالی و «اتحادیه آراس» در استان‌های جنوبی؛ ویلیام اورانژ حاکم و فرمانروای اتحادیه اوترخت شد + نظام‌سازی انقلابیون و اعلام موجودیت سیاسی تحت عنوان «جمهوری هلند»
۱۵۷۷	ایجاد اتحادیه پولی در استان‌های شمالی برای کاهش مکرر ارزش پول
۱۵۸۴	ترور ویلیام اورانژ
تا ۱۶۴۸	مرحله چهارم انقلاب برای استقلال؛ منسجم کردن نظام سیاسی و نیروهای نظامی انقلابیون و قدرتمندسازی اقتصاد خود از طریق پیشرفت فناوری و نوآوری علمی
۲۰ مارس ۱۶۰۲	تأسیس شرکت هند شرقی هلند
۱۶۰۹	تأسیس بانک آمستردام + ایجاد واحد پول مستقل «گیلدر»
دهه ۱۶۳۰	پدیده جنون گل‌لاله
۱۶۴۸	صلح امپراطوری اسپانیا با انقلابیون و به رسمیت شناختن جمهوری هلند و پایان دادن به دشمنی‌ها

منابع برای مطالعه بیشتر

برای مطالعه بیشتر در مورد تاریخچه اقتصادی هلند می‌توانید به منابع زیر رجوع کنید:

1. Darby, Graham, *The Origins and Development of the Dutch Revolt*, London and New York: Routledge, 2001.
2. Findlay, Ronald and Kevin H. O'Rourke, *Power and Plenty: Trade, War, and the World Economy in the Second Millennium*, Princeton and Oxford: Princeton University Press, 2007.
3. Ghai, Dharam P., "Concepts and Strategies of Economic Independence", The Journal of Modern African Studies, Vol. 11, Issue 01, 1973, P. 21-42.
4. Holk van, André F.L., "Innovation, institutions and migration: transfer of technology in Dutch shipbuilding, 500-1700", Archaeonautica, No. 21, 2021, P. 33-40.
5. Israel, Jonathan I., *The Dutch Republic: Its Rise, Greatness and Fall 1477-1806 (Oxford History of Early Modern Europe)*, New York: Oxford University Press, 1995.
6. Parker, Geoffrey, *The Dutch Revolt*, London: Penguin Books, 1977.
7. Prak, Maarten, *The Dutch Republic in the Seventeenth Century The Golden Age*, Diane Webb, Cambridge: Cambridge University Press, 2005.
8. Schama, Simon, *The Embarrassment of Riches: An Interpretation of Dutch Culture in the Golden Age*, New York: Vintage Books, 1987.
9. Tracy, James D., *Holland Under Habsburg Rule 1506-1566: The Formation of a Body Politic*, Berkeley and Los Angeles and California and Oxford: University of California Press, 1990.
10. Zanden, Jan Luiten van and Milja van Tielhof, "Roots of Growth and Productivity Change in Dutch Shipping Industry, 1500-1800", Explorations in Economic History, Vol. 46, Issue 4, 2009, P. 389-403.

فصل دوم

بریتانیا

وابستگی و هزینه‌های غیر قابل تحمل آن

انگلستان تا ابتدای قرن ۱۴ توانایی تولید هیچ کالایی را نداشت.^۱ معیشت مردم این کشور از طریق فروش پشم گوسفندان به دلال‌ها و خرید کالاهای خارجی تأمین می‌شد. آنها حتی توان تبدیل پشم خام گوسفندان را به پارچه و لباس برای خود نداشتند و فقط از لباس خارجی استفاده می‌کردند. در قرن ۱۳ و ۱۴ میلادی به دلیل بالا رفتن قیمت پشم خام انگلیس در بازار اروپا و تقاضای بالا نسبت به آن، تجارت پشم در این کشور رونق گرفت.^۲

هلندی‌ها و ایتالیایی‌ها که صنعت نساجی داشتند، حاضر بودند مبالغ بالایی را برای پشم گوسفندان انگلیسی بپردازند و تجار انگلیسی از این محل سود خوبی به دست می‌آوردند. در زمان ادوارد اول، مالیات‌هایی از طرف دولت برای درآمدزایی از تجارت پشم اعمال شد؛ اما در زمان حاکمیت ادوارد سوم در اوایل قرن ۱۴، دولت انگلستان تصمیم گرفت تا برای کسب درآمد از تجارت پشم خود به این بازار ورود کند. با این تصمیم ادوارد سوم، مردم یا مجبور بودند پشم گوسفندان خود را به دولت بفروشند تا دولت از محل صادرات آن درآمد کسب کند، یا اگر خودشان خواستند پشم خود را در خارج از کشور به فروش برسانند، می‌بایست حتماً از دولت مجوز دریافت کرده و مبالغ بالایی را نیز به‌عنوان عوارض صادراتی به دولت انگلستان بپردازند. این تصمیم باعث ایجاد درآمد بالایی برای پادشاهی انگلستان شد. اما مسئله به اینجا

1. Defoe, Daniel, *A Plan of the English Commerce 1728*, Hoboken: Blackwell, 1927, p. 46.

2. Kindleberger, Charles P., *World Economic Primacy: 1500-1990*, Oxford: Oxford University Press, 1996, p. 109.

ختم نشد؛ وابستگی دولت انگلستان به تجارت پشم خام روزه‌روز افزایش می‌یافت، تا جایی که ۶۳ درصد از کل درآمد دولت پادشاهی به صادرات پشم وابسته بود. از پشم گوسفندان، که «جواهر قلمرو پادشاهی» لقب گرفته بود، به شدت محافظت می‌شد. تا پیش از این، ادوارد اول دستور داده بود که تمام گرگ‌های انگلستان را برای محافظت از گوسفندان بکشند و به شکارچیان گرگ، هدایا و القاب ارزشمند می‌دادند. اما اکنون نه تنها می‌بایست از گوسفندان موجود محافظت شود، بلکه باید مزارع پرورش گوسفند تا جای ممکن توسعه می‌یافت تا پشم بیش‌تری تولید شود. لذا دولت انگلستان اقدامی را تحت عنوان «حصارکشی» گسترش داد تا زمین‌های کشاورزی را به دام پروری تغییر کاربری دهد.^۱

این اقدام، تولید گوسفندان را افزایش داد؛ اما بسیاری از دهقانان خرد را بیکار کرد و سبب ناآرامی‌ها و اعتراضات متعددی در سرتاسر انگلستان شد که البته غالباً با سرکوب مواجه می‌شد. وضعیت آن روز انگلستان دقیقاً مشابه وضعیت خام‌فروشان نفت امروزی بود؛ دولتی با درآمد بالا از محل خام‌فروشی و مردمی که هرچه به تجارت پشم و دولت نزدیک‌تر باشند، زندگی بهتر و هرچه دورتر باشند، فقر و فلاکت بیش‌تری را تجربه می‌کردند.^۲

این مسئله، آسیب‌پذیری اقتصاد انگلستان را نسبت به نوسانات تجارت پشم خام افزایش داده بود. عوامل متعددی باعث ناپایداری در بازار صادراتی پشم خام می‌شد که مهم‌ترین آن جنگ‌های خارجی بود. در قرن ۱۴ و ۱۵ میلادی انگلستان وارد جنگ ۱۰۰ ساله با فرانسه شده بود. کشورهای دیگر اروپا نیز از طرف فرانسه و اسپانیا درگیر جنگ شده بودند. ناامنی مسیرهای دریایی و هم‌چنین مصادره کشتی‌های انگلیسی توسط فرانسوی‌ها، تجارت انگلیسی‌ها را با چالش جدی مواجه کرده بود. دولت انگلیس هم که برای تأمین هزینه‌های جنگ با مشکل مواجه شده بود، مالیات بر صادرات پشم خام را افزایش داد. این کار منجر به کاهش سود تجار پشم خام شد. این

1. Chang, Ha - Joon, *Kicking away the ladder: Development Strategy in Historical Perspective*, London: Anthem Press, 2002, p. 19.

2. refer to: Defoe, Daniel, *A Plan of the English Commerce 1728*, Hoboken: B. Blackwell, 1927; and: Sharpe Metcalf Fund, Louisa D., Book Name, The John Carter Brown Library, Brown University.

مسائل دست به دست هم داد تا تجارت نتوانند منابع لازم برای واردات البسه خارجی را تأمین کنند؛ به همین خاطر واردات منسوجات به شدت کاهش یافت، منسوجات خارجی کمیاب و گران شد و از طرف دیگر پشم خام نیز فروش نمی‌رفت و در کشور نیز به علت نداشتن متقاضی به سرعت ارزان شد. این مشکلات زندگی مردم انگلستان را دچار مصائب متعددی کرد و اعتراضات مردم نسبت به گرانی و تورم اوج گرفت.^۱

۱. انقلاب برای استقلال

از اولین اقداماتی که ادوارد سوم برای مقابله با وضعیت نابسامان به وجود آمده انجام داد، تبدیل تهدید به فرصت بود. پشم ارزان و لباس گران شده بود. اگر راهی برای تولید لباس در داخل کشور پیدا می‌شد، می‌توانستند از این بحران عبور کنند. ادوارد سوم و پادشاهان بعد از او با پناهندگی دادن به بافندگان و متخصصین نساجی کشورهای سفلی، که به علت حملات کشور فرانسه تمایل به مهاجرت از کشورهاشان داشتند، زمینه انتقال فناوری نساجی را به انگلستان فراهم کردند.^۳

بدین ترتیب انگلیسی‌ها توانستند با تبدیل پشم خام گوسفندان خود به پارچه، البسه مورد نیاز خود را تأمین کنند. این امر در دوره حکومت هنری هفتم به اوج خود رسید، تا جایی که هنری هفتم دستور داد دیگر هیچ پشم خامی از کشور بیرون نرود. همه تولیدات پشم خام توسط بافندگان داخلی به منسوجات تبدیل می‌شد. هنری هفتم شهرک‌هایی را در اختیار بافندگان پناهنده خارجی قرار داد تا کارگاه‌های خود را در آنجا تأسیس کنند. شهرهای جدید ایجاد شده که قطب تولید منسوجات در انگلیس بودند، به ثروتمندترین شهرهای این کشور تبدیل شده و حتی صادرات پارچه انگلیسی به دیگر کشورهای اروپایی را به میزان قابل توجهی افزایش دادند.^۴

1. Carus-Wilson, E. M., "Trends in the Export of English Woollens in the Fourteenth Century", *The Economic History Review*, New Series, Vol. 3, No. 2, pp. 163-176.
2. Rose, Susan, *The Wealth of England The Medieval Wool Trade and its Political Importance 1100-1600*, Oxford & Philadelphia: Oxbow Books and the individual contributors, 2018, p. 164.
3. Davis, Ralph, "The Rise of Protection in England", *The Economic History Review*, vol. 19, no. 2, p. 307.
4. Defoe, Daniel, *A Plan of the English Commerce 1728*, Hoboken: B. Blackwell, 1927, pp. 127-129.

در آغاز قرن ۱۶ میلادی، این ملکه الیزابت اول بود که با گسترش تجارت دریایی، درآمد انگلیس از صادرات منسوجات را به اوج خود رساند و ثروت فراوانی را برای انگلستان به ارمغان آورد.^۱ دنیل دفو،^۲ مورخ انگلیسی و رمان‌نویس معروف، در کتاب خود تحت عنوان «برنامه‌ای برای تجارت انگلیسی» چنین می‌گوید:

«هنری هفتم چشمان انگلیسی‌ها را به روی موهبت ثروت گشود و آنها را در مسیر تولید آن قرار داد و بعد از تقریباً هزار سال جهالت، آنان را به مردمی پرکار و پرتلاش تبدیل کرد. تا جایی که لباس تنشان را، که تا آن زمان از بیگانه خریداری می‌شد، از خودشان خریدند. ملکه الیزابت نیز به آنان راه پیدا کردن بازار برای فروش تولیداتشان را نشان داد. او به روی آنان دریچه‌های تجارت را گشود و تجارت نیز دریچه‌های ثروت را. در یک کلمه او از آنان ملتی تاجر ساخت و تجارت از آنان ملتی ثروتمند».^۳

۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌ها

رسیدن به خودکفایی در تولید منسوجات و درآمدزایی از صادرات آنها برای انگلیسی‌ها به سادگی به دست نیامد. تأمین نیروی انسانی متخصص از کشورهای سفلی و تجارت با آنها با توجه به حملات پیاپی فرانسه به هر دو طرف آنها امری پرهزینه بود. انگلستان با تقویت و توسعه نیروی دریایی خود و صرف هزینه‌های قابل توجه نظامی در شرایطی که کشور با مشکلات عدیده اقتصادی روبه‌رو بود، توانست مسیر انتقال دانش و تجارت را برای خود هموار سازد. پیشرفت نظامی بریتانیا به قدری بود که آنها توانستند در قرن ۱۶ میلادی امپراتوری اسپانیا را نیز شکست دهند. البته بحران‌های به‌وجودآمده در مسیر استقلال اقتصادی بریتانیا صرفاً توسط دشمنان ایجاد نشده بود. قحطی بزرگ دهه ۱۳۱۰ میلادی و همه‌گیری طاعون در دهه ۱۳۵۰ میلادی جمعیت این کشور را به نصف رسانده بود.^۴

1. Defoe, Daniel, *A Plan of the English Commerce 1728*, Hoboken: B. Blackwell, 1927, p. 131.

2. Daniel Defoe.

3. Defoe, Daniel, *A Plan of the English Commerce 1728*, Hoboken: B. Blackwell, 1927, p. 153.

4. Mayhew, N. J., "Population, money supply, and the velocity of circulation in England, 1300-1700",

مدیریت‌های نادرست و اجرای مستبدانه سیاست‌های اقتصادی، مانند اقدام به حصارکشی نیز زمینه نارضایتی‌های گسترده و اعتراضات دهقانی را ایجاد کرده بود. دهقانان چندین بار در طول قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی و هم‌چنین قرن‌های پس از آن دست به شورش زده بودند.^۱ هرچند درآمد دولت از محل تجارت محصولات پشمی افزایش یافته بود؛ اما فقر و نابرابری نه‌تنها از بین نرفته، بلکه حتی با اجرای سیاست‌های سرمایه‌داری ثروت‌اندوزانه نخبگان وابسته به دربار تشدید نیز شده بود.^۲

بر همه این‌ها بایستی تورم ناشی از عرضه پول بدون پشتوانه توسط امپراتوری هابسبورگ اسپانیا را نیز اضافه کرد. سرانجام سکه‌های نقره به‌دست‌آمده از معادن مستعمرات در آمریکای لاتین به اروپا برای جبران بدهی‌های اسپانیا، عرضه پول را در این قاره افزایش، قدرت خرید و ارزش پول را کاهش و قیمت کالاها را نیز افزایش داده بود. این پدیده که به «انقلاب قیمتی»^۳ در اروپا مشهور است، مشکلات تورمی را نیز در این دوره برای انگلستان به وجود آورده بود.^۴

۳. پیشرفت علمی و پرکردن شکاف فناوریانه

پادشاهان انگلستان به خوبی دریافته بودند که عقب‌ماندگی علمی و فناوری چه خسارت‌های جبران‌ناپذیری را می‌تواند بر اقتصاد و جامعه این کشور وارد سازد. هم‌چنین فواید و ثمرات دارا بودن فناوری و دانش تولید را هم در تجارت تولیدات نساجی و هم در پیروزی‌های نظامی وابسته به ساخت تسلیحات نوآورانه و جدید، با عمق وجود لمس کرده بودند. بنابراین تصمیم گرفتند برای توسعه بیش‌تر منافع

Economic History Review, XLVIII, 2(1995), p. 244.

1. <https://www.britannica.com/topic/enclosure>.

<https://sage-answer.com/what-was-the-enclosure-act-in-england/>

2. https://www.bbc.co.uk/history/british/tudors/poverty_01.shtml.

The history of inequality - Institute for Fiscal Studies. <https://ifs.org.uk/inequality/wp-content/uploads/2021/11/IFS-Deaton-Review-The-history-of-inequality-1.pdf>.

3. Price revolution.

4. https://en.wikipedia.org/wiki/Price_revolution.

<https://www.worldatlas.com/articles/what-was-the-price-revolution.html>.

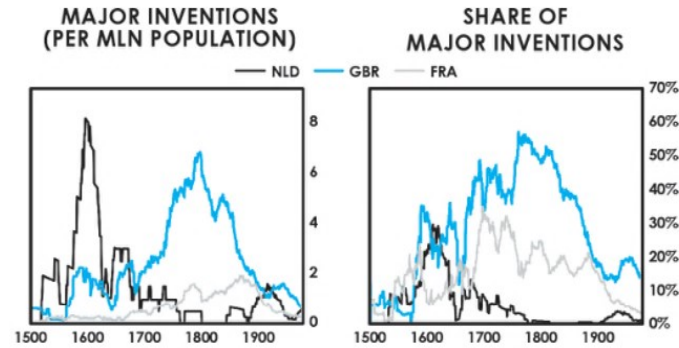
انگلستان در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی بخش مهمی از ثروت به‌دست‌آمده از تجارت خود را به‌گسترش آموزش عمومی و حمایت از نوآوری‌ها و اختراعات اختصاص دهند. این اقدام برای غلبه بر هلند پیشرفته آن روز، که در قرن ۱۷ میلادی به قدرت برتر نظامی در جهان تبدیل شده و بر راه‌های تجارت دریایی اروپا تسلط پیدا کرده بود، امری لازم بود. انگلیسی‌ها که طعم شیرین و پرسود تجارت را چشیده بودند و ثروت فراوان هلند را می‌دیدند که با تسلط به تجارت جهانی به‌دست‌آمده بود، سودای جانشینی هلند و شکست آن را در سر می‌پروراندند.^۱

در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی پیشرفت‌های مهم علمی در انگلستان اتفاق افتاد و این کشور نوآوری‌ها و نوآوران برجسته‌ای را به جهان معرفی کرد. اسحاق نیوتون، نیکلاس کوپرنیک، رابرت بویل و فرانسیس بیکن^۲ از مهم‌ترین دانشمندان انگلیسی هستند، که نوآوری‌های علمی‌شان زمینه بسیاری از اختراعات قرن ۱۸ میلادی را فراهم کرد و به انقلاب صنعتی در بریتانیا منجر شد. البته حمایت‌های دولت بریتانیا از نوآوران علمی تنها دستاورد اقتصادی برای دولت به همراه نداشت، بلکه دستاوردهای سیاسی نیز برای آن رقم زد. بسیاری از دانشمندان انگلیسی در اثر حمایت‌های دولتی، به حامیان پادشاهی تبدیل گشته و به دربار پادشاهی مشاوره نیز می‌دادند. به‌عنوان مثال، فرانسیس بیکن از مهم‌ترین حامیان ملکه الیزابت اول بود. او به درستی اهمیت پیشرفت علمی را در کسب برتری سیاسی و اقتصادی در جهان دریافته بود و می‌گفت: «دانش قدرت است».^۳

1. Carus-Wilson, E. M., "Trends in the Export of English Woollens in the Fourteenth Century", The Economic History Review, New Series, Vol. 3, No. 2, p. 176.

2. Isaac Newton, Nicolaus Copernicus, Robert Boyle and Francis Bacon.

۳. این جمله، یادآور روایتی از حضرت علی (ع) است. آنجایی که می‌فرمایند: الْعِلْمُ شُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالٍ بِهِ، وَفَن لَمْ يَجِدْهُ صَالٍ غُلْبَهُ؛ دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را نیابد، با آن یورش برد و هر که آن را از دست بدهد، بر او یورش برند.



تصویر ۸: سهم بریتانیا، هلند و فرانسه از اختراعات مهم دنیا (سمت راست) و میزان اختراعات مهم این سه کشور، به ازای هر میلیون نفر جمعیت (سمت چپ)

۴. تولید محصول فناوریانه و انقلاب صنعتی

جمعیت تحصیل کرده، همراه با فرهنگ، نوآوری، اختراع و در دسترس بودن سرمایه برای حمایت مالی از ایده‌های جدید، موج بزرگی از رقابت و شکوفایی را در انگلستان به وجود آورد؛ به خصوص ایده‌های نوآورانه در جهت استفاده از ماشین به جای انسان و بالا بردن ظرفیت تولید و بهره‌وری. مواهب طبیعی انگلستان از جمله معادن آهن و زغال سنگ نیز کمک بزرگی در ایجاد این تحول اقتصادی کرد که از این تحول با نام موج اول انقلاب صنعتی یاد می‌کنند.^۱

این تغییرات از نظر ژئوپلیتیکی نقاط قوتی به بریتانیا بخشید که باعث شد آنها از هلندی‌ها که به عنوان قدرت اقتصادی و مالی برجسته در اروپا محسوب می‌شدند، در حدود سال ۱۷۵۰ میلادی پیشی بگیرند. این موضوع، ۳۰ سال قبل از اینکه انگلستان، هلند را در نبرد نظامی شکست دهد و رسماً به امپراتوری پیشرو جهانی تبدیل شود، اتفاق افتاد. تحول در بهره‌وری نیروی انسانی با کشاورزی آغاز شد. اختراعات کشاورزی

1. Kindleberger, Charles P., *World Economic Primacy: 1500-1990*, Oxford: Oxford University Press, 1996, p. 141.

باعث کاهش شدید نیروی کار در بخش کشاورزی و نیل آن به بخش نوپای صنعت شد. هم‌چنین تولید غذا را فراوان‌تر و ارزان‌تر کرد که به افزایش جمعیت منجر شد. بدین ترتیب جمعیت از روستاها به شهرها هجوم آوردند و این موضوع نیز انتفاع بالایی را برای رشد بخش صنعت رقم زد. فهرست زیر حس بهتری نسبت به زمان و سرعت نوآوری‌ها و اختراعات در بریتانیا منتقل می‌کند:

- ۱۷۱۲: موتور بخار اختراع شد.
- ۱۷۱۹: کارخانه ابریشم تأسیس شد.
- ۱۷۳۳: دستگاه بافندگی اولیه اختراع شد.
- ۱۷۶۴: دستگاه بافندگی چنددوکی اختراع شد.
- ۱۷۶۵: کندانسور جداگانه برای موتور بخار اختراع شد.
- ۱۷۶۹: از قدرت هیدرولیک، در بافندگی ماشین استفاده شد و هم‌چنین موتور بخار ارتقا یافت.
- ۱۷۸۵: ماشین بافندگی قدرت اختراع شد. فرآوری آهن توسعه یافت.
- ۱۸۰۱: لوکوموتیو روی چرخ با موتور بخار اختراع شد.
- ۱۸۲۵: ساخت راه آهن در خط منچستر به لیورپول آغاز شد.^۱

۵. حمایت از تولید داخل

بدون شک پیشرفت صنعتی و اقتصادی بریتانیا بدون حمایت دولت این کشور از تولیدات داخلی محقق نمی‌شد. دولت بریتانیا در بازه‌های زمانی طولانی در تحقیق و توسعه صنایع مختلف از جمله نساجی، کشاورزی، نظامی و حمل و نقل سرمایه‌گذاری کرد. ضمانت خرید محصولات تولید داخل را برای حفظ حجم تولید آن فراهم کرد.

1. interestingengineering.com/innovation/what-were-the-main-inventions-of-the-british-industrial-revolution.

اما این حمایت از تولید در تاریخ بریتانیا همواره به یک شکل انجام نگرفت. تا قرن ۱۸ میلادی کالایی که باید از آن حمایت می‌شد، محصولات نساجی بود. محصولات نساجی رقیب خارجی داشتند و اگر تعرفه گمرکی دولت بریتانیا بر پارچه و البسه خارجی افزایش نمی‌یافت، شاید هیچگاه کارگاه‌های نساجی این کشور امکان تداوم حیات نمی‌یافتند. در واقع تا قرن ۱۸ دولت انگلیس با گران کردن کالای خارجی و هم‌چنین ارزان کردن هزینه‌های تولید مثل اعطای مزایای صادراتی، از کالای تولید داخل محافظت کرد. اما با پایان قرن ۱۸ میلادی و آغاز قرن ۱۹ میلادی، در نتیجه انقلاب صنعتی، کالاهایی در بریتانیا تولید می‌شد که یا مشابه خارجی نداشت و یا به دلیل مکانیزه و ارزان شدن تولید در این کشور، کالاهای خارجی امکان رقابت قیمتی با تولیدات انگلیسی نداشتند.^۱ حال این کشورهای دیگر بودند که می‌خواستند با اعمال تعرفه گمرکی و گران کردن واردات کالاهای ساخت بریتانیا، از تولیدات کشور خود محافظت کنند. در این شرایط بریتانیا از دو طریق مانع تعرفه‌گذاری گمرکی دیگر کشورها بر کالاهای ساخت این کشور می‌شد:

۱. معاهدات تجارت آزاد

۲. معاهدات نابرابر

این دو نوع معاهدات در مرحله هفتم صعود انگلستان به قله ثروت دنیا، یعنی صادرات محوری، توضیح داده خواهد شد. اما اکنون به نوع اول حمایت دولت بریتانیا از تولیدات داخلی به خصوص در قرن ۱۸ پرداخته می‌شود.

● سیاست‌های حمایتی والپول^۲

در سال ۱۷۲۱ میلادی رابرت والپول، نخست‌وزیر نخست انگلیس در دوران سلطنت جورج اول (۱۷۱۴-۱۷۲۷ میلادی)، اصلاحاتی اساسی در اقتصاد انگلیس به وجود آورد

1. Chang, Ha - Joon, *Kicking away the ladder: Development Strategy in Historical Perspective*, London: Anthem Press, 2002, p. 78.

2. Robert Walpole.

که حاکی از تمرکز جدی بر صنایع انگلیس و سیاست‌های تجاری بود.^۱ والپول حمایت از صنایع تولیدی بریتانیا در برابر رقبای خارجی، برخورداری آنها از یارانه و ترغیب به صدور کالا را سیاست مستقر و اصلی اقتصادی و تجاری بریتانیا قرار دارد. این سیاست‌ها با هدف ارتقای صنایع تولیدی صورت گرفت. والپول متن یکی از سخنرانی‌های پادشاه را چنین نوشت:

«بدیهی است که هیچ چیز مانند صادرات کالاهای تولیدی و واردات مواد اولیه خارجی، به ارتقای رفاه عمومی کمک نمی‌کند».^۲

قانون سال ۱۷۲۱ میلادی و تغییرات سیاستی در پی آن، مشتمل بر ۶ محور اصلی می‌شد:

- تعرفه واردات مواد خامی که در صنایع داخلی مورد استفاده قرار می‌گرفتند، کاهش یافت.
 - بخشی از تعرفه مواد خام وارداتی که در تولید محصولات داخلی صادراتی به کار می‌رفتند، به صادرکنندگان بازمی‌گشت.
 - پرداخت عوارض برای صادرات اکثر محصولات برداشته شد.
 - تعرفه واردات محصولات خارجی به طور چشم‌گیری افزایش یافت.
 - نه تنها یارانه‌های صادراتی جدیدی برای برخی کالاها مانند محصولات ابریشمی و باروت در نظر گرفته شد، بلکه یارانه‌های صادراتی ماقبل این هم افزایش یافت.
 - دولت نظارت‌هایی را بر کیفیت کالاهای تولید داخل اعمال کرد تا به اعتبار کالاهای انگلیس در خارج از کشور لطمه نخورد.^۳
- نوریس آرتور بریسکو، اقتصاددان بریتانیایی، در کتاب سیاست‌های اقتصادی رابرت

1. Chang, Ha - Joon, *Kicking away the ladder: Development Strategy in Historical Perspective*, London: Anthem Press, 2002, p. 21.

2. Ibid.

3. Ibid., pp. 21-22.

والپول در یک جمع‌بندی درباره این سیاست‌ها می‌نویسد:

«طی این سیاست‌ها، می‌بایست تولیدکنندگان انگلیسی از گزند رقابت با محصولات خارجی در داخل کشور مورد حمایت قرار گیرند؛ در صادرات رایگان محصولات تمام‌شده خود امنیت داشته باشند و در جاهایی که امکان دارد، با اعطای دولتی و مجوزهای خاص مورد تشویق قرار گیرند».^۱

سیاست‌های حمایت‌گرایانه والپول به مدت یک قرن ادامه یافت و به صنایع تولیدی بریتانیا کمک کرد که منجر شد به رقبای خود در قاره اروپا رسیده، در نهایت حتی از آنها پیشی بگیرند. بریتانیا تا نیمه قرن نوزدهم، کشوری شدیداً حمایت‌گرا باقی ماند. در سال ۱۸۲۰ میلادی متوسط تعرفه تجاری بریتانیا برای واردات محصولات ساخته‌شده، ۴۵ تا ۵۵ درصد بود. این رقم را باید با مقادیر ۶ تا ۸ درصد در کشورهای بلژیک و هلند، ۸ تا ۱۲ درصد در آلمان و سوئیس و حدود ۲۰ درصد در فرانسه مقایسه کرد.^۲ با وجود این، سلاح زرادخانه سیاست تجاری بریتانیا علیه دیگر کشورها تنها به تعرفه گمرکی محدود نمی‌شد. بریتانیا برای جلوگیری از ایجاد فعالیت‌های تولیدی پیشرفته در دیگر کشورها، آن‌جا که مطابق منافع خود نبود، بدون ذره‌ای تردید ممنوعیت‌های جدی اعمال می‌کرد. برای مثال، والپول ساخت کارخانه‌های تولید و بُرش ورق‌های فولادی را در آمریکا، که آن زمان مستعمره بریتانیا بود، ممنوع اعلام کرد. بریتانیا هم‌چنین مستعمراتش را از صادرات محصولاتی که در داخل یا خارج با محصولات خودش رقابت می‌کردند، منع می‌کرد؛ از جمله، واردات پارچه نخی از هندوستان که در آن زمان کیفیتی برتر از پارچه‌های نخی بریتانیایی داشت، ممنوع شد. هم‌چنین در سال ۱۷۹۹ میلادی با تصویب قانون پشم، صادرات پارچه پشمی از مستعمرات خود به سایر کشورها را ممنوع کرد و به این ترتیب، صنایع تولید محصولات پشمینه ایرلند را نابود و این صنعت را در آمریکا در نطفه خفه کرد.

1. Brisco, Norris A., *The economic policy of Robert Walpole*, Michigan: University of Michigan Library, 1907, p. 129.

۲. ها جون چنگ، نیکوکاران نابکار، ترجمه مهرداد (خلیل) شهابی و میرمحمود نبوی، ص ۷۴.

اقدام دیگر بریتانیا این بود که با اعمال سیاست‌هایی، تولید کالاهای ابتدایی در مستعمرات را ترغیب می‌کرد. والپول برای صادرات مواد خام مستعمرات بریتانیا در آمریکا نظیر کنف، چوب و الوار، یارانه صادراتی تأمین و در بریتانیا نیز مالیات بر واردات این اقلام را لغو کرد تا بدین وسیله اطمینان حاصل کند که مستعمره‌نشینان بر تولید کالاهای ابتدایی تمرکز کرده و هرگز رقیب تولیدکنندگان بریتانیایی نخواهند شد. بنابراین والپول آنها را وامی‌داشت تا صنایع پرسود و با فناوری پیشرفته را در دست بریتانیایی‌ها باقی گذارند و این خود موجب بهره‌مندی بیش‌تر بریتانیا از مزایای توسعه صنعتی می‌گردید.^۱

بریسکو این جنبه از سیاست والپول را چنین یاد می‌کند:

«در آن دوره، مقررات بازرگانی و صنعتی طوری وضع می‌شد که کشورهای مستعمره را به تولید مواد خام مورد نیاز صنایع انگلستان محدود کند. هم‌چنین آنها را از ساخت هر کالایی که به هر نحو می‌توانست با کشور مادر رقابت کند، دل‌سرد نموده و در مقابل، بازارهایشان را در انحصار تجار و تولیدکنندگان انگلیسی درآورد».^۲

۶. مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها

همان‌طور که گفته شد، حرکت کشور انگلستان در مسیر استقلال اقتصادی و خودکفایی از قرن ۱۴ میلادی آغاز شد و تا انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ میلادی ادامه یافت. در این دوره به دلیل جنگ‌های متعدد با کشورهای فرانسه، اسپانیا و هلند، بریتانیا نیاز شدیدی به سرمایه برای پیشرفت علمی، انتقال فناوری و گسترش آموزش عمومی پیدا کرد و هم‌چنین حمایت از تولید داخل هزینه‌های بالایی برای دولت انگلستان می‌تراشید که آن را مجبور می‌کرد تا علاوه بر اخذ مالیات برای درآمدزایی، از ابزار چاپ پول نیز برای جبران کسری شدید بودجه خود استفاده کند. علاوه بر دولت، کارگاه‌های

۱. ها جون چنگ، نیکوکاران نابکار، ترجمه مهرداد (خلیل) شهابی و میرعمود نیوی، ص ۷۴.

2. Brisco, Norris A., *The economic policy of Robert Walpole*, Michigan: University of Michigan Library, 1907, p. 165.

کوچک نیز در سراسر انگلستان اقدام به ضرب سکه نقره و طلا بدون ضابطه کردند که این مسئله منجر به افزایش حجم نقدینگی در کشور شد. عرضه پول بدون پشتوانه به بازار به افزایش قیمت کالاها و در نتیجه تورم‌های افسارگسیخته در برخی مقاطع گشت. انگلستان قدرت ضرب سکه نقره را از محل غارت منابع نقره مستعمرات خود در قاره تازه کشف شده آمریکا به دست آورده بود.

همانند آنچه که درباره هلند توضیح داده شد، افزایش عرضه پول توسط اسپانیا برای جبران کسری بودجه و بازپرداخت بدهی‌های این کشور که از طریق تبدیل نقره‌های غارت شده از آمریکای لاتین به سکه انجام می‌گرفت نیز بر حجم پول و در نهایت تورم انگلستان افزود.^۱ روند افزایش نرخ دست‌مزد در انگلستان پایاپای با نرخ تورم پیش نمی‌رفت و در خیلی از این سال‌ها دست‌مزد کارگر در نرخ ۴ پنی در روز ثابت مانده بود. جدول زیر حجم پول، سرعت چرخش پول، شاخص قیمت و هم‌چنین نرخ روزانه دستمز کارگر در انگلستان را بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۷۰۰ میلادی نشان می‌دهد.

Table 1. Estimates of population, national income, money supply, velocity, and growth, 1300-1700

Date	1300	1470	1526	1546	1561	1600	1643	1670	1700
Population	6m.	2.3m.	2.3m.	2.9m.	3m.	4.1m.	5.1m.	5m.	5m.
Nat. income Y	£4.66m.	£3.5m.	£5m.	£8m.	£13.5m.	£22m.	£35m.	£40.88m.	£50m.
M	£0.9m.	£0.9m.	£1.4m.	£1.45m.	£1.45m.	£3.5m.	£10m.	£12m.	£14.5m.
Price level	104.8	104.6	151.1	171.3	289.3	475.3	997.8	631.7	662.6
Velocity	5.178	3.889	3.571	5.517	9.310	6.288	3.5	3.407	3.448
Y per caput	0.77	1.52	2.17	2.76	4.5	5.366	6.863	8.176	10
Y deflated	4.66m.	3.51m.	3.88m.	4.87m.	4.87m.	4.87m.	6.14m.	6.74m.	7.91m.
Y per caput deflated	0.78	1.52	1.69	1.68	1.63	1.18	1.20	1.35	1.58
Annual % growth rate	0.40	0.18	-0.03	-0.19	-0.83	0.05	9.42	0.53	
Day wage rate	1d.	4d.	4d.	6d.	6d.	8d.	9d.	12d.	12d.
Bar. 160	4.00m.	6.13m.	6.13m.	7.73m.	12.00m.	21.87m.	30.60m.	40.00m.	41.75m.
Bar. 200	5.00m.	7.67m.	7.67m.	9.67m.	15.00m.	27.33m.	38.25m.	50.00m.	50.00m.

Source: For population, see Wrigley and Schofield, *Population history; Hatcher, *Plagues, population and economy*; Smith, 'Demographic developments'. For national income, see Mayhew, 'Modelling national income'; for 'price level', see Philip Brown and Hughes, 'Seven centuries'; in each case the figure given is an average of that year's figure and those of the preceding nine years. For money supply, see Mayhew, 'Monetary background'; also, 'Money and prices'; Challis, *Factor costs*; also, ed., *New history*. However, the estimates in this table have more often been inferred from the work of these scholars than drawn directly from it.*

تصویر ۹: حجم پول، سرعت چرخش پول، شاخص قیمت و هم‌چنین نرخ روزانه دست‌مزد کارگر در

انگلستان بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۷۰۰ میلادی^۲

1. refer to: Ramsey, Peter Herbert, *The price revolution in sixteenth-century England*, London: Methuen, 1971.
2. Mayhew, N. J., "Population, money supply, and the velocity of circulation in England, 1300-1700", *Economic History Review*, XLVIII, 2(1995), p. 244.

همان‌طور که در جدول بالا مشهود است، در نیمه دوم قرن شانزدهم تورم در انگلستان به اوج خود رسید و قیمت کالاها به شدت افزایش یافت.^۱

در این سال‌ها کاهش ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی و نوسان شدید نرخ ارز، باعث مشکلات زیادی برای تجارت مردم شد. اما با این حال، در پایان قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی تحول بزرگی در نظام پولی انگلستان به وقوع پیوست. تأسیس بانک مرکزی و بازار سهام در لندن، همانند کشور هلند، نظام پولی این کشور را سامان داد، دولت تصمیم گرفت از این طریق جلوی عرضه پول را گرفته و از طرق دیگری برای تأمین هزینه‌های توسعه جهانی خود منابع مالی به دست آورد.^۲ دولت انگلستان مانند کشور هلند برای تأمین مالی حضور استعماری خود در دیگر کشورها برای تصرف بازار آنان، شرکت هند شرقی بریتانیا را تأسیس کرد و برای تأمین مالی آن، اوراق قرضه آن را در بازار سهام لندن عرضه کرد. بدین ترتیب این مردم و ثروتمندان انگلستان بودند که به امید سود هنگفت، هزینه‌های کشورگشایی امپراطوری را پرداخت می‌کردند. این دو اقدام منجر به اصلاح بسیاری از ساختارهای داخلی به نفع توسعه بریتانیای کبیر شد و حال بریتانیا بایستی فقط به اصلاح ساختارهای جهانی که تا آن زمان به نفع هژمونی امپراطوری هلند طراحی شده بود، فکر می‌کرد.^۳

۱. نرخ تورم در این دوره به دلیل مبتنی بودن نظام پولی بر سکه‌های طلا و نقره با نرخ‌های تورم امروزی قابل مقایسه نیست. به عنوان مثال، نرخ تورم متوسط سالیانه ۳ درصد در بلند مدت در سیستم پولی امروزی نرخ بسیار پایین و مطلوبی محسوب می‌شود؛ اما همین نرخ در نظام پولی مبتنی بر سکه‌های طلا و نقره یک ابر تورم به حساب می‌آید. دلیل آن نیز سهولت چاپ پول کاغذی و سرعت بالای چرخش پول مجازی در معاملات امروزی است، درحالی‌که به دلیل کمیاب بودن طلا و نقره، ضرب سکه جدید سخت‌تر بود و چرخش پول فیزیکی نیز برای انجام معاملات سرعت بسیار پایین‌تری دارد؛ لذا درحالی‌که مردم مشکلات فراوان معیشتی را متحمل می‌شوند به این دلیل که پولی که بتواند به آنها قدرت ایجاد تقاضا در بازار بدهد را ندارند، تورم با سرعت کمتری رشد می‌کند.

2. <https://www.bankofengland.co.uk/about/history>.

https://en.wikipedia.org/wiki/Bank_of_England.

<https://www.lseg.com/en/about-us/history>.

<https://www.clevelandfed.org/publications/economic-commentary/2007/ec-20071201-a-brief-history-of-central-banks>.

3. Barth, Jonathan, *THE CURRENCY OF EMPIRE: MONEY AND POWER IN SEVENTEENTH-CENTURY ENGLISH AMERICA*, New York: CORNELL UNIVERSITY PRESS, 2021, pp. 75, 139, 269 & 264.

۷. صادرات محوری و توسعه بازارهای جهانی

به دلیل تسلط هلند بر تجارت جهانی، بارها تجارت بریتانیا با مستعمراتش به خصوص در قاره آمریکا با مشکل مواجه می‌شد. هرگاه که بریتانیایی‌ها درگیر جنگ داخلی بر سر قدرت می‌شدند و توان پرداخت همزمان به مسائل خارجی را نداشتند، دولت هلند در روابط تجاری بریتانیا نفوذ می‌کرد و بازارهایی که بریتانیا در کشورهای دیگر به دست آورده بود را از آن خود می‌کرد.^۱ دولت بریتانیا ابتدا باید دولت هلند را از پیش روی خود برمی‌داشت و سپس به نحوی ساختارسازی می‌کرد که دیگر هیچ یک از بازارهای جهانی بی‌نیاز از کالاهای بریتانیایی نشوند.

در اواخر قرن ۱۸، بالاخره جنگ‌های بین بریتانیا و هلند به نفع بریتانیا به اتمام رسید و این کشور به قدرت مسلط نظامی حاکم بر راه‌های تجاری اروپا به دیگر نقاط جهان بدل گشت.^۲ اما بریتانیایی‌ها به این مسئله اکتفا نکردند. آنها می‌خواستند مطمئن شوند که هیچ کشور دیگری نتواند به جایگاه بریتانیا در تجارت جهانی رسیده و با آن رقابت کند. بریتانیایی‌ها که خود دریافته بودند که پیشرفت علمی و حمایت از تولید، نردبانی است که می‌تواند هر کشوری را مانند آنها از حضيض اقتصادی به قله تجارت جهانی برساند، تصمیم گرفتند با لگد زدن به این نردبان، مانع رسیدن دیگر کشورها به قله‌های اقتصادی شوند.^۳ لذا همان‌طور که در مرحله ۵ عنوان شد، برای تضمین فروش کالای خود در بازار کشورها، دو نوع معاهدات تجاری را به کار گرفتند:

الف) معاهدات تجارت آزاد: تجارت آزاد امروزه به عنوان تنها راه توسعه کشورها مطرح می‌شود. تجارت آزاد یعنی هیچ کشوری نباید برای واردات کالای خارجی تعرفه گمرکی اعمال کند یا به کالاهای تولید داخل یا رانه صادراتی داده که توان رقابت را از کالاهای دیگر کشورها در بازارهای جهانی بگیرد. یقیناً تاریخ بریتانیا نقص هر دو

1. refer to: Barth, Jonathan, *THE CURRENCY OF EMPIRE: MONEY AND POWER IN SEVENTEENTH-CENTURY ENGLISH AMERICA*, New York: CORNELL UNIVERSITY PRESS, 2021, p. chap3.

2. Dalio, Ray, *Principles for Dealing with THE CHANGING WORLD ORDER, Why Nations Succeed and Fail*, New York: Avid Reader Press, 2021, p. 284.

3. refer to: Chang, Ha - Joon, *Kicking away the ladder: Development Strategy in Historical Perspective*, London: Anthem Press, 2002.

این قوانین را به وفور به خود دیده است. آنها با اعمال تعرفه ۵۵ درصد بر گمرک، از کالاهای تولید ملی خود در برابر کالاهای ارزان قیمت خارجی حمایت کردند و با اعطای مشوق‌ها و یارانه‌های صادراتی به تولید کنندگان کشور خود، امکان رقابت در بازارهای جهانی را برای آنها فراهم کردند. اما حال به دیگر کشورها توصیه می‌کردند که اگر می‌خواهید مثل من قدرتمند شوید، نباید از تولید داخل حمایت کنید، بلکه باید بگذارید تولیدات داخلی با تولیدات خارجی رقابت کنند و در این رقابت نابرابر مجبور به رشد کیفیت و کاهش قیمت شوند. این ادعا مانند این است که به والدین یک کودک ۶ ساله توصیه کنید برای اینکه فرزندشان بتواند از جهت اقتصادی توانمند شود، باید او را به بازار کار بفرستید و هیچ حمایتی از او نکنید تا در رقابت با بزرگترها در بازار بتواند رشد کند. شاید این کودک یک دست‌فروش موفق بشود، اما هیچ‌گاه یک جراح مغز یا یک مهندس برق نخواهد شد؛ چرا که رسیدن به چنین جایگاهی نیازمند حمایت‌های تحصیلی، بهداشتی و مالی در سنین کودکی است.^۱

بریتانیا برای اینکه این توصیه غیرمنطقی خود را توجیه کند، دست به نظریه پردازی‌های اقتصادی زد و اقتصاددانان انگلیسی، هم‌چون آدام اسمیت^۲ و دیوید ریکاردو^۳، برای اثبات اینکه تجارت آزاد راه حل مشکلات اقتصادی کشورها است، تألیفات بسیاری کردند. آنها می‌گفتند هر کشور یک یا چند مزیت نسبی دارد که باید در تجارت جهانی از آنها بهره‌برد. مزیت نسبی بریتانیا، قدرت صنعتی، نیروی انسانی ماهر و سرمایه بالاست. اما همه مواد اولیه مورد نیاز صنعت در بریتانیا یافت نمی‌شد. کشورهایی که مزیت نسبی آنها تولید مواد خام غذایی یا معدنی مورد نیاز بریتانیا است، می‌توانند با صادرات آن به بریتانیا و واردات کالای صنعتی از این کشور، نیاز خود را تأمین کنند. در واقع آنها حرف جدیدی نمی‌زدند، بلکه می‌خواستند وضعیت موجود را به نحوی تئوریزه کنند که تعمیق و تثبیت شود. آنها برای این

۱. رجوع کنید به: ها جون چنگ، نیکوکاران نابکار، ترجمه مهرداد (خلیل) شهابی و میرحمود نبوی، فصل ۳.

2. Adam Smith.

3. David Ricardo.

اقدام خود پیشگام شدند و تعرفه گمرکی واردات غلات را حذف کردند. این اقدام در کنار اعطای تسهیلات به کشورهایی که به این معاهدات تجارت آزاد می‌پیوستند، به کشورهای دیگر انگیزه داد تا تمام توان نیروی انسانی خود را از صنعت به کشاورزی برده و از محل صادرات محصولات کشاورزی به بریتانیا، نیاز به واردات کالاهای صنعتی خود را تأمین کنند.^۱

اما عملاً این کشورها در حال صنعت زدایی بودند و فاصله صنعتی خود را با بریتانیا روز به روز بیش‌تر می‌کردند؛ به نحوی که استقلال اقتصادی از بریتانیا برای آنها به امری ناممکن تبدیل شد.

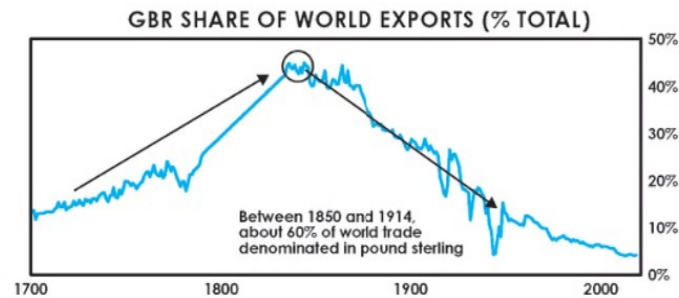
ب) معاهدات نابرابر: کشورهایی که نمی‌خواستند با بریتانیا تجارت آزاد داشته باشند و بر واردات کالاهای انگلیسی تعرفه گمرکی اعمال می‌کردند، با قدرت نظامی بریتانیا روبه‌رو شدند. کشورهایی مانند چین، هند، مصر و حتی ایران و بسیاری از دیگر کشورها که پس از شکست در جنگ در برابر بریتانیا، مجبور شدند به معاهدات نابرابر بپیوندند و اجازه نداشتند تعرفه گمرکی بالای ۵ درصد بر کالاهای بریتانیایی اعمال کنند. بدین ترتیب بریتانیایی‌ها، بازار کل جهان را برای تولید انبوه ناشی از انقلاب صنعتی خود، به دست آوردند.^۲

۸. تبدیل ارز پوند به ارز ذخیره جهانی و تعریف نظم نوین

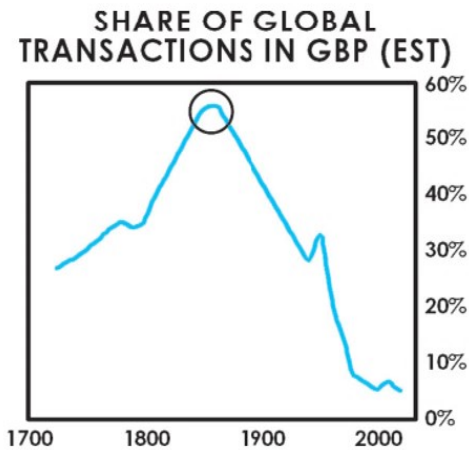
بدین ترتیب، سهم بریتانیا از تجارت جهانی به اوج رسید و عمده کالاهای صادراتی در دنیا از بریتانیا خارج می‌شد. ارز پوند به ارز اصلی معاملاتی دنیا بدل گشت و سلطه امپراطوری بریتانیا تا ابتدای قرن ۲۰ میلادی، شرق تا غرب کره زمین را فرا گرفت.

۱. ها جون چنگ، نیکوکاران نابکار، ترجمه مهرداد (خلیل) شهبانی و میرمحمد نبوی، ص ۴۹.

2. refer to: Wang, Dong, *China's Unequal Treaties: Narrating National History*, Lanham: Lexington Books, 2005.



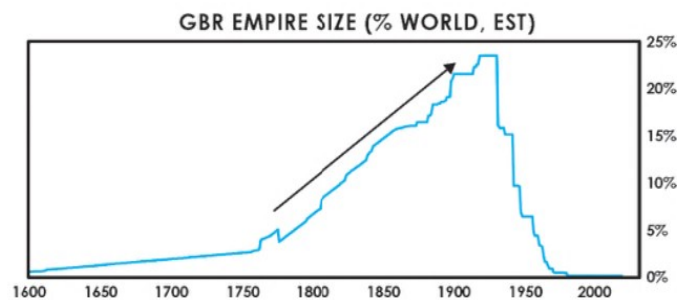
تصویر ۱۰: سهم پوند بریتانیا از صادرات جهانی (در درصد کل) - بین سال‌های ۱۸۵۰ تا ۱۹۱۴ میلادی حدود ۶۰ درصد از تجارت جهانی به پوند استرلینگ انجام می‌شده است^۱



تصویر ۱۱: سهم پوند استرلینگ بریتانیا در معاملات جهانی^۲

1. Dalio, Ray, *Principles for Dealing with THE CHANGING WORLD ORDER, Why Nations Succeed and Fail*, New York: Avid Reader Press, 2021, p. 294.

2. Ibid., p. 295



تصویر ۱۲: گستره نفوذ پوند و مناطق تحت سیطره امپراتوری بریتانیا در جهان^۱

جدول زمانی تحولات بریتانیا

تاریخ	وقایع و رویدادها
تا قرن ۱۴	تأمین معیشت مردم از طریق فروش پشم گوسفندان به دلال ها و خرید کالاهای خارجی
قرن ۱۴-۱۳	رونق تجارت پشم در بریتانیا به دلیل بالا رفتن قیمت پشم خام انگلیس در بازار اروپا و تقاضای بالا نسبت به آن
اوایل قرن ۱۴	اجبار مردم به فروختن پشم گوسفندان خود به دولت - اعمال عوارض صادراتی به پشم گوسفند با ورود دولت به عرصه تجارت آن + گسترش «حصارکشی» و تغییر کاربری زمین های کشاورزی به دام پروری + بیکاری دهقانان خرد و ناآرامی ها و اعتراضات متعددی در سرتاسر انگلستان؛ سرکوب اعتراضات
۱۳۱۰	قحطی بزرگ
۱۳۵۰	همه گیری طاعون

1. Dalio, Ray, *Principles for Dealing with THE CHANGING WORLD ORDER, Why Nations Succeed and Fail*, New York: Avid Reader Press, 2021, p. 294.

تاریخ	وقایع و رویدادها
قرن ۱۵-۱۴	ورود به جنگ ۱۰۰ ساله با فرانسه + ناامنی مسیرهای دریایی و مصادره کشتی‌های انگلیسی توسط فرانسوی‌ها + افزایش مالیات بر صادرات پشم خام برای تامین هزینه‌های جنگ + عدم تامین منابع لازم برای واردات البسه خارجی و کاهش شدید واردات منسوجات + ارزان شدن پشم خام به علت بی‌مشتري ماندن + اوج گرفتن اعتراضات مردم نسبت به گرانی و تورم + دادن پناهندگی به بافندگان و متخصصین نساجی کشورهای سفلی و فراهم کردن زمینه انتقال فناوری نساجی به انگلستان + دستور عدم خروج پشم خام از کشور توسط هنری هفتم + دادن شهرک به بافندگان پناهنده خارجی برای تأسیس کارگاه + افزایش قابل توجه صادرات پارچه انگلیسی به دیگر کشورهای اروپایی
قرن ۱۶	گسترش تجارت دریایی توسط الیزابت اول + به اوج رسیدن درآمد کشور از صادرات منسوجات + به ارمغان آمدن ثروت فراوان برای انگلستان + تورم ناشی از عرضه پول بدون پشتوانه توسط امپراتوری هابسبورگ اسپانیا + «انقلاب قیمتی» در اروپا + پیشرفت نظامی بریتانیا + شکست امپراتوری اسپانیا
قرن ۱۷-۱۶	پیشرفت علمی انگلستان + معرفی نوآوری‌ها و نوآوران برجسته به جهان
۳۱ دسامبر ۱۶۰۰	تأسیس کمپانی هند شرقی بریتانیا
۱۷۱۲	اختراع موتور بخار
۱۷۱۹	تأسیس کارخانه ابریشم
۱۷۲۱	قراردادن سیاست حمایت از صنایع تولیدی بریتانیا در برابر رقبای خارجی، برخورداری آنها از یارانه و ترغیب به صدور کالا، به عنوان سیاست مستقر و اصلی اقتصادی و تجاری توسط نخست وزیر والپول
۱۷۳۳	اختراع دستگاه بافندگی اولیه
حدود ۱۷۵۰	پیشی گرفتن بریتانیا از هلند که به عنوان قدرت اقتصادی و مالی برجسته در اروپا محسوب می‌شد
۱۷۵۴-۱۷۵۲	نخستین جنگ بریتانیا و هلند
حدود ۱۷۶۰	انقلاب صنعتی
۱۷۶۴	اختراع دستگاه بافندگی چنددوکی

تاریخ	وقایع و رویدادها
۱۷۶۵	اختراع کندانسور جداگانه برای موتور بخار
۱۷۶۹	استفاده از قدرت هیدرولیک در بافندگی ماشین
۱۷۷۶	توصیف نظریه مزیت مطلق توسط آدام اسمیت
۱۷۸۴-۱۷۸۰	چهارمین جنگ بریتانیا و هلند؛ اتمام جنگ ها به نفع بریتانیا
۱۷۸۵	اختراع ماشین بافندگی قدرت + توسعه فرآوری آهن
۱۷۹۹	تصویب قانون پشم؛ ممنوع شدن صادرات پارچه پشمی از مستعمرات بریتانیا به سایر کشورها
۱۸۰۱	اختراع لوکوموتیوروی چرخ با موتور بخار
۱۸۱۷	توصیف نظریه مزیت نسبی توسط دیوید ریکاردو
۱۸۳۰	اعمال تعرفه ۵۵-۴۵ درصدی برای واردات محصولات
۱۸۳۵	آغاز ساخت راه آهن در خط منچستر به لیورپول

منابع برای مطالعه بیشتر

برای مطالعه بیشتر در مورد تاریخچه اقتصادی بریتانیا می‌توانید به منابع زیر رجوع کنید:

1. Barth, Jonathan, *The Currency of Empire Money and Power in Seventeenth-Century English America*, Ithaca and London: Cornell University Press, 2021.
2. Broadberry, Stephen, Bruce M. S. Campbell, Alexander Klein, Mark Overton and Bas van Leeuwen, *British Economic Growth: 1270-1870*, the United Kingdom: Cambridge University Press, 2015.
3. Carus-Wilson, E. M., "Trends in the Export of English Woollens in the Fourteenth Century", *The Economic History Review*, Vol. 3, No. 2, 1950, p. 162-179.
4. Chang, Ha-Joon, *Kicking Away the Ladder_ Development Strategy in Historical Perspective*, London: Anthem Press, 2002.
5. Kindleberger, Charles P., *World Economic Primacy: 1500 to 1990*, New York and Oxford: Oxford University Press, 1996.
6. Mayhew N.J., "Population, money supply, and the velocity of circulation in England, 1300-1700", *The Economic History Review*, Vol. 48, No. 2, 1995, p. 238-257.
7. Postan, M. M., "The Costs of the Hundred Years' War", *Past & Present*, No. 27, 1964, p. 34-53.
8. Rose, Susan, *The Wealth of England: The Medieval Wool Trade and Its Political Importance 1100-1600*, Oxford & Philadelphia: Oxbow Books, 2018.
9. Sumption, Jonathan, *Trial by Battle: The Hundred Years War I*, London and Boston: Faber and Faber Limited, 1990.

فصل سوم

ایالات متحده آمریکا



غیر قابل تحمل شدن هزینه‌های وابستگی

سرزمین ایالات متحده پیش از استقلال و اعلام موجودیت سیاسی، تحت استعمار بریتانیای کبیر بود. ساکنان آمریکای شمالی، که خود از اروپا و اغلب از بریتانیا به این قاره مهاجرت کرده بودند، تحمل نداشتند که دولت بریتانیا به شیوه سایر مستعمرات با آنان برخورد کند. آنها مانند بقیه مستعمره‌ها به بریتانیا مالیات پرداخت کرده و از قوانین وضع شده دولت بریتانیا تبعیت می‌کردند. در سال‌های میانی قرن ۱۸، انگلیسی‌ها محدودیت‌های تحمیلی بر مستعمرات خود را به اوج رساندند و مالیات‌های جدیدی بر آنان وضع نمودند. مستعمره نشین‌های آمریکای شمالی نیز از این قاعده مستثنا نبودند. جان آدامز^۱ که از رهبران انقلاب آمریکا و دومین رئیس جمهور ایالات متحده پس از پیروزی انقلاب بود، ریشه انقلاب مردم آمریکا علیه بریتانیا را «مالیات‌های هنگفت، مالیات‌های سنگین، مالیات‌های ظالمانه، ویرانگر و غیر قابل تحمل» می‌دانست.^۲

از طرف دیگر دولت بریتانیا برای حمایت از تولیدات داخلی خود در برابر کالای تولیدی کشورهای دیگر، جلوی تولید کالاهایی که با محصولات آن رقابت می‌کردند را در مستعمرات خود می‌گرفت. در این دوره بریتانیا مقررات متعددی را برای محدود کردن توان آمریکا در تولید کالا و وادار کردن آنها به تکیه بر واردات از بریتانیا به اجرا درآورد. این مقررات شامل منع آمریکا از تعرفه‌گذاری گمرکی برای حفاظت از صنایع داخلی، ممانعت از صادرات محصولاتی که با کالاهای بریتانیایی رقابت می‌کردند و

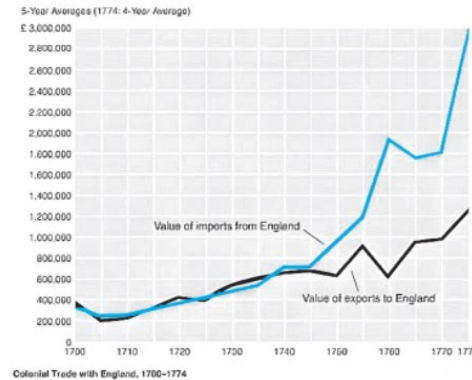
1. John Adams.

2. Carnes, Mark C., *American destiny: narrative of a nation*, London: Pearson, 2012, p. 79.

محدودیت‌های آشکار بر هر آنچه که آمریکایی‌ها می‌توانستند بسازند بود.^۱ خلاصه این محدودیت‌ها را می‌توان در جمله ویلیام پیت^۲ بزرگ، نخست وزیر بریتانیا، در اواخر دهه ۱۷۶۰ میلادی مشاهده کرد. او می‌گفت:

«مستعمرات آمریکایی نباید اجازه داشته باشند هیچ کالایی تولید کنند، حتی یک میخ نعل اسب».^۳

این وضعیت، اقتصاد آمریکا را به شدت به واردات از بریتانیا وابسته کرد و تراز تجاری بین آمریکا و انگلستان روزه روز منفی‌تر می‌شد. تصویر ۱ روند افزایشی شکاف بین واردات و صادرات آمریکا از انگلیس را نشان می‌دهد.^۴



تصویر ۱۳: مقایسه میزان صادرات و واردات آمریکا از بریتانیا

1. Chang, Ha-Joon, *Bad Samaritans: The Myth of Free Trade and the Secret History of Capitalism*, London: Bloomsbury Publishing, 2009, p. 45.
2. William Pitt.
3. Chang, Ha-Joon, *Bad Samaritans: The Myth of Free Trade and the Secret History of Capitalism*, London: Bloomsbury Publishing, 2009, p. 50.
4. Chernow, Ron, *Alexander Hamilton*, London: Penguin Books, 2005, pp. 54-55, 87, 157, 434.

۱. انقلاب برای استقلال

مستعمره‌نشینان آمریکای شمالی برای مقابله با محدودیت‌های تحمیلی بریتانیا علیه این کشور شورش کرده، جنگ استقلال آمریکا را آغاز کردند. این جنگ در سال ۱۷۷۵ میلادی آغاز شد و ۸ سال به طول انجامید. در مرحله اول این جنگ که به رهبری جورج واشنگتن انجام شد، ارتش مستعمره‌نشینان منسجم و در چند نقطه از منطقه با ارتش بریتانیا وارد جنگ شد. در همین مرحله آمریکایی‌ها بیانیه استقلال خود را به جهانیان اعلام کردند. در مرحله دوم جنگ استقلال، گستره درگیری‌ها در مناطق دیگر آمریکا هم وسعت پیدا کرد. در این مرحله آمریکایی‌ها، شکست‌های سنگینی را تجربه کردند و از سوی دیگر پیروزی‌های مهمی نیز به دست آوردند. رقبای بریتانیا به حمایت از استقلال آمریکا و جدا شدن آن از بریتانیا برخاستند و ارتش آمریکا را پشتیبانی کردند. کشورهای اسپانیا، فرانسه و هلند علاوه بر پشتیبانی تسلیحاتی، آمریکایی‌ها را از پشتیبانی مالی خود نیز بهره‌مند ساختند. در مرحله سوم و آخر جنگ، آمریکایی‌ها که با تاکتیک‌های جنگ نامتقارن، ارتش بریتانیا را به ستوه آورده بودند، این کشور را وادار به مذاکره برای صلح کردند و بالاخره در سال ۱۷۸۳ میلادی طی قرارداد پاریس، بریتانیا، مجبور به پذیرش استقلال آمریکا شد.^۱

۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌ها

بریتانیا حتی پس از رسمیت یافتن استقلال ایالات متحده، دست از تلاش برای به چالش کشیدن و از بین بردن آن نکشید. برخی از اقدامات بریتانیا علیه انقلاب مردم آمریکا، که برای این کشور هزینه‌های بالایی ایجاد کرد، اما حرکت آنان را متوقف نداشت، عبارت‌اند از:

1. Wood, Gordon S., *The American Revolution: A History* (MODERN LIBRARY CHRONICLES), New York: THE MODERN LIBRARY, 2022, pp. 20-21, 34, 78, 79; <https://www.britannica.com/list/timeline-of-the-american-revolution>; <https://www.nps.gov/vafo/learn/historyculture/upload/Timeline%20of%20American%20Revolution.pdf>; <https://glimpsesofhistory.com/phases-of-american-revolution/>.

- دست‌گیری ملوانان آمریکایی و الحاق آنان به نیروی دریایی بریتانیا، که این مسئله یکی از علل آغاز جنگ بین دو کشور در سال ۱۸۱۲ میلادی بود؛^۱
- حمایت از قبایل سرخ‌پوستان بومی آمریکا در برابر گسترش حاکمیت ایالات متحده بر آمریکای شمالی که جنگ تکامسه^۲ و جنگ کریک^۳ را بر ایالات متحده تحمیل کردند؛^۴
- تحریم و فشار اقتصادی بر ایالات متحده، به خصوص در دوره جنگ‌های ناپلئونی که بریتانیا، کشور فرانسه و متحدان تجاری آن را تحریم کرد و به تجارت آمریکا نیز صدمات زیادی وارد کرد؛^۵
- حمله نظامی مستقیم به ایالات متحده و آغاز جنگ در سال ۱۸۱۲ میلادی که طی آن سربازان بریتانیا، واشنگتن‌دی‌سی را در آتش سوزاندند و به بالتیمور،^۶ نیواورلئان^۷ و دیگر شهرها حمله کردند. این جنگ بدون برنده به پایان رسید، اما حس ملی‌گرایی و اعتماد به نفس ملی را در مردم آمریکا به اوج رساند؛^۸
- کمک سیاسی، مالی و تسلیحاتی غیر مستقیم به کنفدراسیون ایالت‌های تجزیه‌طلب جنوبی در جنگ داخلی خونین آمریکا بین سال‌های ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ میلادی در عین اینکه بریتانیا در این جنگ اعلام بی‌طرفی کرده بود.^۹

1. <https://www.pbs.org/opb/historydetectives/feature/british-navy-impressment/>.

2. Tecumseh.

3. Creek.

4. <https://www.history.com/topics/native-american-history/tecumseh>.
<https://www.nps.gov/stories/courting-victory.htm>.

5. <https://www.encyclopedia.com/history/encyclopedias-almanacs-transcripts-and-maps/napoleonic-wars-impact-us-economy-issue>.
<https://www.britannica.com/topic/Embargo-Act>.
<https://www.monticello.org/research-education/thomas-jefferson-encyclopedia/embargo-1807/>.

6. Baltimore.

7. New Orleans.

8. https://en.wikipedia.org/wiki/War_of_1812.

9. <https://www.smithsonianmag.com/history/the-unknown-contributions-of-brits-in-the-american-civil-war-2478471/>.
<https://www.goodreads.com/book/show/8796854-a-world-on-fire>.

ایالات متحده برای مقابله با تهدیدهای نظامی بریتانیا از چند طریق اقدام به قدرتمندسازی نیروی نظامی خود کرد. توسعه و تقویت نیروی دریایی از اولین اقدامات ایالات متحده بود که به آنان قدرت تأمین امنیت کشتی‌های تجاری آمریکایی و به چالش کشیدن برتری نیروی دریایی بریتانیا را اعطا کرد. آمریکایی‌ها هم‌چنین اولین کشتی با موتور بخار را در سال ۱۸۱۴ میلادی ساختند. توسعه و به‌کارگیری تسلیحات و تاکتیک‌های نوآورانه مانند تفنگ «کنتاکی»^۱ که دقت و برد بالاتری از تفنگ‌های بریتانیایی داشت و هم‌چنین شیوه جنگ پارتیزانی و نامنظم برای به ستوه آوردن ارتش بریتانیا، دیگر اقدام آمریکایی‌ها برای تقویت نیروی نظامی خود بود. آمریکایی‌ها برای مقابله نظامی با بریتانیا از حمایت‌های نظامی فرانسه نیز بهره بردند.^۲

عامل بسیار مهم دیگر در تقویت نیروی نظامی آمریکا در مقابله با بریتانیا، تقویت حس ملی‌گرایی، میهن‌پرستی و بسیج عمومی نیروی انسانی و امکانات برای جنگ بود. آنها برای مشارکت دادن مردم در تأمین هزینه‌های جنگ نیز اوراق قرضه منتشر کردند و از سرمایه مردم خود برای تأمین مالی جنگ بهره بردند.^{۳ و ۴}

۳. پیشرفت علمی و پرکردن شکاف فناوریانه

آمریکایی‌ها، که به دلیل وابستگی به محصولات فناوریانه بریتانیا هزینه‌های زیادی متحمل شده بودند، تصمیم به پر کردن شکاف دانشی بین خود و بریتانیا گرفتند. آنها به خوبی دریافته بودند که اولین گام رسیدن به قدرت علمی، گسترش آموزش

<https://ldhi.library.cofc.edu/exhibits/show/liverpools-abercromby-square/britain-and-us-civil-war>.

https://en.wikipedia.org/wiki/United_Kingdom_and_the_American_Civil_War.

1. Kentucky Rifle.

2. <https://www.battlefields.org/learn/articles/strange-bedfellows-why-france-intervened-american-revolution>.

https://en.wikipedia.org/wiki/France_in_the_American_Revolutionary_War.

3. Wood, Gordon S., *The American Revolution: A History (MODERN LIBRARY CHRONICLES)*, New York: THE MODERN LIBRARY, 2022, pp 78-81; <https://www.britannica.com/event/American-Revolution>; https://en.wikipedia.org/wiki/Military_history_of_the_United_States.

4. Jasanoff, Maya, *Liberty's Exiles: American Loyalists in the Revolutionary World*, New York: ALFRED A. KNOPE, 2011, p. 400.

عمومی در سراسر کشور است. این مسئله در اساس نامه ایالت‌های آمریکا نیز به چشم می‌خورد. در اساس نامه ایالت ماساچوست آمده: «عقل و دانش در کنار ایمانی که بین مردم منتشر شده است، برای حفظ حقوق و آزادی‌های آنها ضروری است». ثمره این تفکر انقلابی، سیل سخنرانی‌ها و نوشته‌ها درباره اهمیت آموزش بود که به‌ندرت در تاریخ آمریکا مشابه آن اتفاق افتاده است. بدین ترتیب علم‌آموزی در فرهنگ مردم آمریکا، همراه با انقلاب متولد شد.^۱

تا سال ۱۷۷۶ میلادی تنها ۹ کالج در آمریکا وجود داشت. اما در ۲۵ سال اول انقلاب، ۱۶ کالج دیگر نیز تأسیس شد. در همان زمان بسیاری از رهبران انقلاب برنامه‌های مفصلی را برای ایجاد سیستم‌های مدارس جامع با حمایت دولتی، طراحی کردند. البته تأسیس مدارس و دانشگاه‌ها تنها بخشی از آرمان انقلابیون بود. آمریکایی‌ها سازمان‌های علمی و انجمن‌های پزشکی متعددی تشکیل دادند و کشور را در کتب و مقالات چاپ شده خودشان غرق کردند. سه چهارم تمام کتاب‌های منتشر شده در بین سال‌های ۱۶۳۷ تا ۱۸۰۰ میلادی در آمریکا، در ۳۵ سال پایانی قرن ۱۸، یعنی سال‌های اولیه انقلاب، چاپ شده بود. بین سال‌های ۱۷۸۶ تا ۱۷۹۵ میلادی و تنها در ۹ سال، ۲۸ مجله علمی تأسیس شد؛ درحالی‌که کل مجله‌های علمی که در دوره استعمار تأسیس شده بود، ۲۲ عدد بود. در سال‌های پس از انقلاب چاپ روزنامه و علاقه مردم به روزنامه‌خوانی نیز اوج گرفت و آنان را به روزنامه‌خوان‌ترین مردم دنیا تبدیل کرد.^۲

روحیه علم‌آموزی و یادگیری مهارت چنان در مردم آمریکا اوج گرفت که در سال‌های بعد، آنان به یکی از پیشگامان موج دوم انقلاب صنعتی تبدیل شدند و مخترعین و دانشمندان بزرگی را به جهان معرفی کردند؛ افرادی مانند توماس ادیسون،^۳

1. Wood, Gordon S., *The American Revolution: A History (MODERN LIBRARY CHRONICLES)*, New York: THE MODERN LIBRARY, 2022, p. 117.

2. Ibid.

3. Thomas Edison.

الکساندر گراهام بل،^۱ نیکلا تسلا^۲ و بسیاری از نوآوری‌های علمی، مانند اتومبیل، دوربین عکاسی، تلفن، لامپ برقی و...^۳

۴. تولید محصول فناورانه و جایگزینی واردات

همان‌طور که گفته شد، یکی از هزینه‌های وابستگی آمریکا به بریتانیا، نفوذ روز افزون کالاهای وارداتی از انگلستان بود. آمریکایی‌ها که به شدت وابسته به واردات کالاهایی از قبیل منسوجات، فولاد، ماشین‌آلات، کفش و مواد غذایی از انگلستان بودند، در صدد برآمدند تا پیشرفت علمی خود را در راستای کاهش وابستگی به واردات قرار دهند. لذا از نوآوری‌ها و اختراع محصولاتی که بتواند آنها را در تولیدات صنعتی خودکفا کند، حمایت می‌کردند. نتیجه این حمایت‌ها تولید محصولات فناورانه‌ای چون تلگراف، تلفن و فونوگراف در حوزه ارتباطات، لوکوموتیو بخار، اتومبیل و دوچرخه در حوزه حمل و نقل و چرخ خیاطی، چراغ روشنایی برقی، یخچال و... در حوزه صنعت بود که زمینه شکوفایی و خودکفایی در نیازمندی‌های مردم آمریکا شد.^۴

این تولیدات هم‌چنین بازار صادراتی نیز پیدا کرد و تراز تجاری آمریکا را از حالت منفی به مثبت تبدیل کرد. تصویرهای زیر مثبت شدن تراز تجاری آمریکایی‌ها را در این بازه به خوبی نشان می‌دهد:

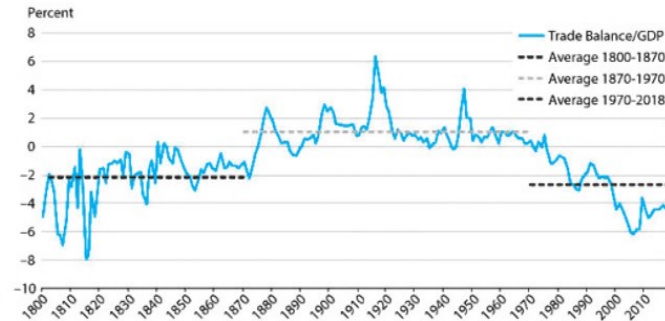
1. Alexander Graham Bell.

2. Nikola Tesla.

3. <https://www.thoughtco.com/inventions-nineteenth-century-4144740>.
<https://american-history.net/19th-century-america/19th-century-inventions/>.

4. refer to: List, Friedrich, *The National System of Political Economy*, translated by Sampson S. Lloyd, 1885.

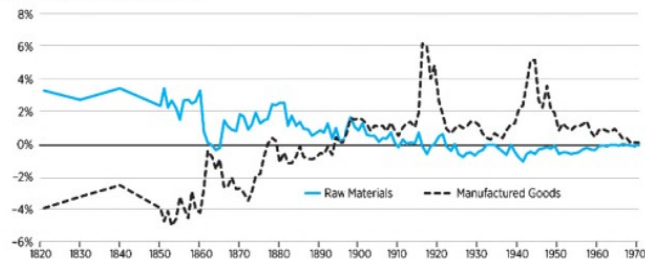
Figure 1
U.S. Goods Trade Balance to GDP



SOURCE: Bureau of Economic Analysis, World Trade Historical Database, Measuring Worth, and authors' calculations.

تصویر ۱۴: مثبت شدن تراز تجاری ایالات متحده نسبت به تولید ناخالص داخلی (GDP) در طی سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۷۰

U.S. Trade Balances of Raw Materials and Manufactured Goods as a Percentage of GDP



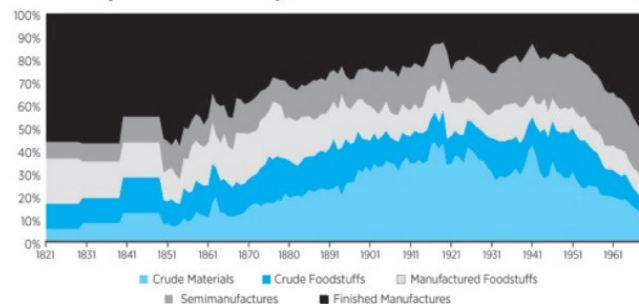
SOURCES: U.S. Census Bureau, 1975; measuringworth.com; and authors' calculations.

NOTE: Data begin in 1821.

■ FEDERAL RESERVE BANK OF ST. LOUIS

تصویر ۱۵: تراز تجاری ایالات متحده به تولید ناخالص داخلی: مواد اولیه و کالاهای تولیدی

Goods Composition of U.S. Imports

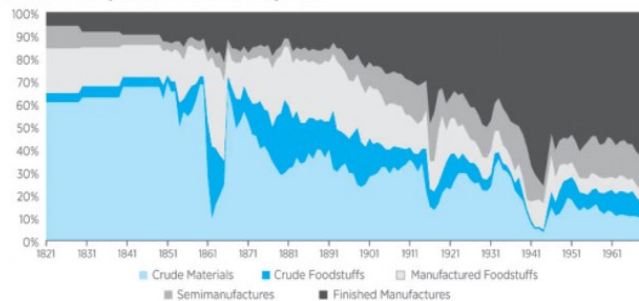


SOURCES: U.S. Census Bureau, 1975; measuringworth.com; and authors' calculations.
NOTE: Data begin in 1821.

■ FEDERAL RESERVE BANK OF ST. LOUIS

تصویر ۱۶: تنوع و درصد اقلام و کالاهای وارداتی آمریکا در سال‌های ۱۸۲۱ تا ۱۹۶۱ میلادی از کل واردات آن: روند افزایشی واردات مواد خام و روند کاهشی واردات محصولات صنعتی کامل

Goods Composition of U.S. Exports



SOURCES: U.S. Census Bureau, 1975; measuringworth.com; and authors' calculations.
NOTE: Data begin in 1821.

■ FEDERAL RESERVE BANK OF ST. LOUIS

تصویر ۱۷: تنوع و درصد اقلام و کالاهای صادراتی آمریکا در سال‌های ۱۸۲۱ تا ۱۹۶۱ میلادی از کل صادرات آن: روند افزایشی صادرات محصولات صنعتی کامل و روند کاهشی صادرات مواد خام

۵. حمایت از تولیدات داخلی و کاهش ناترازی تجاری

روحیه میهن‌پرستی مردم آمریکا از سال‌های منتهی به انقلاب باعث شده بود تا آنها از تولیدات داخلی خود در برابر واردات کالاهای بریتانیایی محافظت کنند. آنها پیش از اعلام استقلال، با توصیه رهبران خود به کمپین خریدن کالاهای انگلیسی پیوسته بودند. رهبران انقلاب آمریکا معتقد بودند عدم مصرف کالاهای انگلیسی توسط مردم آمریکا باعث ذخیره پول مورد نیاز برای پرداخت بدهی‌های ناشی از تراز تجاری منفی با بریتانیا می‌شود.^۱

زنان آمریکایی از پیشگامان این کمپین بودند و با خریدن البسه، چای، مواد غذایی و سایر محصولات انگلیسی تأثیر مهمی در کاهش وابستگی به واردات از بریتانیا داشتند. آنها با دوختن لباس با پارچه‌های بی‌کیفیت موجود در کشور، تولید مواد غذایی در خانه و کاهش مصرف کالاهای لوکس به نقش آفرینی اقتصادی پرداختند.^۲ این روحیه میهن‌پرستی بعد از پیروزی انقلاب در اداره کشور توسط رهبران آمریکا نمود یافت و آنان با وضع تعرفه گمرکی بر واردات، امکان ظهور صنایع جدید در کشور را فراهم کردند.^۳

الکساندر همیلتون؛ آغازگر حمایت از تولید داخلی در آمریکا

الکساندر همیلتون، نخستین سیاست‌مدار در آمریکا بود که سیاست‌های حمایت‌گرایانه را در این کشور تبیین و اجرا کرد. سیاست‌های او شباهت بسیاری با سیاست‌های والپول در بریتانیا داشت. همیلتون سیاست‌ها و اقدامات متنوع و گوناگونی را در این جهت در پیش گرفت. اولین اقدام او کنترل هوشمندانه واردات بود. از طرفی، بر کالاهای وارداتی تعرفه اعمال کرد و حتی واردات برخی کالاهای ممنوع کرد؛ اما برای بهره‌برداری از تکنولوژی کالاهای خارجی، واردات برخی کالاهای

1. https://www.masshist.org/revolution/non_importation.php.

2. Ibid.

3. Chang, Ha-Joon, *Bad Samaritans: The Myth of Free Trade and the Secret History of Capitalism*, Bloomsbury Publishing, 2009, p. 199; refer to: List, Friedrich, *The National System of Political Economy*, translated by Sampson S. Lloyd, 1885.

صنعتی را آزاد گذاشت. هم‌چنین جهت ترغیب به تولید کالاهای پیشرفته، جوایزی برای اختراعات در نظر گرفت. او برای پیشرفت اقتصادی کشور، صادرات مواد خام اصلی را ممنوع کرد و در مقابل، برای تأمین منابع مالی لازم برای تولید، به شرکت‌ها و کارخانه‌ها یارانه اختصاص داد. همیلتون جهت افزایش صادرات کالاهای باکیفیت و با ارزش افزوده بالا، استانداردها و ضوابطی برای برخورداری از حداقل کیفیت لازم تنظیم نمود، ساختارهای مورد نیاز برای امور مالی را ایجاد کرد و هم‌چنین زیرساخت‌های لازم برای حمل‌ونقل کالا را فراهم نمود.^۱

تاریخچه بررسی نرخ تعرفه‌های واردات در آمریکا

نرخ تعرفه‌های گمرکی بر واردات کالاهای خارجی یکی از پارامترهای مهم در ارزیابی میزان توجه و اهتمام دولت‌ها به سیاست‌های حمایت‌گرایانه است. نرخ تعرفه‌ها در آمریکا در طول سال‌های مختلف، روند پرفراز و نشیبی را طی کرده است.

تصویب قانون تعرفه بر واردات و افزایش آن طی سال‌های متمادی

اولین قانون حمایت از تولید در آمریکا در سال ۱۷۸۹ میلادی تصویب شد و همه کالاهای وارداتی به جز برخی استثنائات، شامل تعرفه مستقیم ۵ درصدی قرار گرفتند. پس از آن در سال ۱۷۹۲ میلادی نیز تعرفه برخی کالاها افزایش بیش‌تری داشت، اما هنوز با پیشنهادات همیلتون فاصله داشت. طی چند سال بعد از آن، سطح تعرفه‌ها تا حدود ۱۲٫۵ درصد رسیده بود؛ اما در سال ۱۸۱۲ میلادی تمام تعرفه‌ها حدود دو برابر شد و به ۲۵ درصد رسید. تغییر عمده و ناگهانی تعرفه‌ها نیز در سال ۱۸۱۶ میلادی رخ داد و با تصویب قانونی، سطح تعرفه تمام تولیدات حدود ۳۵ درصد شد. در ادامه این روند در سال ۱۸۲۰ میلادی نرخ تعرفه‌ها به حدود ۴۰ درصد نیز رسید.^۲

۱. سیاست‌های پیشنهادی وی مشتمل بر بازده بند بود که برای دسترسی به متن آنها می‌توانید به صفحات ۶۹۷ تا ۷۰۷ کتاب زیر که همه مکتوبات به‌جامانده از «الکساندر همیلتون» را جمع‌آوری کرده است، مراجعه کنید:

Hamilton, Alexander, *Writings*, Joanne B. Freeman, New York: Library of America Founders Collection, 2001, pp. 697 - 707.

2. Chang, Ha - Joon, *Kicking away the ladder: Development Strategy in Historical Perspective*, London: Anthem Press, 2002, pp. 25 - 26.

کاهش نرخ تعرفه‌ها و افت رشد اقتصادی

از سال ۱۸۳۳ میلادی قانونی در آمریکا تصویب شد، مبنی بر اینکه در دوره‌های ۱۰ ساله، مقدار تعرفه‌ها کاهش یابد. در سال ۱۸۴۶ میلادی طبق قانون برای ۵۱ مورد از کالاهای وارداتی تعرفه‌ای حدود ۲۷ درصد در نظر گرفته شد. نکته حائز اهمیت این است که از سال ۱۸۴۶ تا ۱۸۶۱ میلادی، که شاهد کاهش سیاست‌های حمایت‌گرانه در آمریکا هستیم، هیچ گونه مدرکی مبنی بر پیشرفت اقتصاد این کشور در این ایام به چشم نمی‌خورد. برعکس، اگر به آمار مربوط به تولید ناخالص ملی رجوع کنیم، می‌بینیم رشد این شاخص در طی سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۶۰ میلادی، که حمایت‌ها تا حدی کاهش پیدا کرده بود، به ۱٫۷ درصد رسید؛ درحالی‌که نسبت به رشد ۲٫۱ درصدی این شاخص در بین سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۸۴۰ میلادی، افت ۲۰ درصدی را نشان می‌دهد.^۱

آبراهام لینکلن، منجی بزرگ

با روی کار آمدن آبراهام لینکلن^۲ (بین سال‌های ۱۸۶۵ - ۱۸۶۱ میلادی)، که آمریکایی‌ها او را با نام «منجی بزرگ» می‌شناسند، تعرفه‌ها مجدداً سیر صعودی گرفت و به اوج خودش، یعنی بین ۴۰ تا ۵۰ درصد رسید. این نرخ تعرفه‌ها تا سال ۱۹۱۳ میلادی در همین مقدار باقی ماند. پیرو این سیاست لینکلن، آمریکا در این سال‌ها به پیشرفت‌های زیادی در تولیدات ملی، خصوصاً در صنایع فولاد، آهن و تجهیزات صنعتی رسید و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی^۳ آن به شدت افزایش یافت.^۴

۶. مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها

حمایت از تولید داخل نیازمند سرمایه‌گذاری‌های دولتی بود که این مسئله بر هزینه‌های دولت در جنگ‌های خارجی افزوده بود. در نتیجه افزایش هزینه‌ها و کسری

1. Bairoch, Paul, *Economics and World History: Myths and Paradoxes*, Chicago: University of Chicago Press, 1993, pp. 52 - 53.

2. Abraham Lincoln.

3. GDP.

۴. جنگ، ها - جون، نیکوکاران نابه‌کار افسانه تجارت خارجی آزاد و تاریخچه پنهان سرمایه‌داری، ترجمه: مهرداد (خلیل) شهبانی و میرعمود نبوی، نشر اختران، تهران، ۱۳۹۵، صص. ۸۴ - ۸۵ و ۸۸.

بودجه دولت، مشکلات متعددی برای اقتصاد ایالات متحده و نارضایتی‌هایی نیز برای مردم به وجود آمده بود. شکست خوردن برخی از سرمایه‌گذاری‌ها و تعطیل شدن برخی کارخانه‌های دولتی به دلیل عدم توان تولید به صرفه و انبوه نیز مزید بر علت شد تا مخالفان سیاست حمایت از تولید داخل دست به اعتراض بزنند. ایالت‌های جنوبی که در ابتدای انقلاب به امید صنعتی شدن با سیاست‌های حمایتی دولت همراهی کرده بودند، حال به دلیل داشتن مزیت نسبی کشاورزی نسبت به ایالات شمالی، به دنبال بازگشت تجارت با انگلیس بودند. آنها می‌گفتند با فروش محصولات کشاورزی‌شان به بریتانیا می‌توانند کالاهای صنعتی ارزان‌تر و با کیفیت‌تر از این کشور وارد کنند. اما ایالت‌های شمالی آمریکا که از توان کشاورزی پایینی برخوردار بودند، تنها راه نجات خود را ادامه مسیر انقلاب و حمایت از صنایع داخلی می‌دیدند.^۱

تحریک ایالات جنوبی به تجزیه و خودمختاری توسط بریتانیا در این زمینه، ایجاد کنفدراسیون ایالات جنوبی و اعلام جنگ به اتحاد ایالات شمالی را فراهم ساخت و بدین ترتیب جنگ داخلی خونین ۴ ساله در آمریکا در سال ۱۸۶۱ آغاز شد. تأمین هزینه‌های جنگ برای ایالات متحده کار دشواری بود. آنها نخستین بار برای جبران کسری بودجه، پول کاغذی بدون پشتوانه چاپ کردند که حجم نقدبینگی را در کشور به شدت افزایش داد.^۲ در این سال‌ها روزه‌روز قیمت مواد غذایی افزایش می‌یافت و تورم اوج می‌گرفت. قیمت کالاها در عرض ۴ سال جنگ ۲ برابر شده بود.^۳ نرخ ارز و نسبت قیمت پوند به دلار نیز در این سال‌ها افزایش یافته بود.^۴

پس از پیروزی ایالات شمالی در جنگ داخلی و حفظ انسجام سیاسی کشور در سال ۱۸۷۵ میلادی، کنگره آمریکا دستور داد تا همه پول‌های کاغذی را جمع نموده و آنها را با سکه‌های طلا و نقره جایگزین کنند. هم‌چنین در سال ۱۹۰۰ میلادی نیز دولت فدرال

۱. <https://www.nps.gov/articles/industry-and-economy-during-the-civil-war.htm>.

۲. Walton, Gary M. and Hugh Rockoff, *History of the American Economy*, Boston: South-Western, Cengage Learning, 2010, p. 246.

۳. محاسبه نرخ تورم در آمریکا در سال‌های مذکور از طریق نشانی زیر امکان‌پذیر است:
<https://www.measuringworth.com/datasets/uscp1/result.php>.

۴. محاسبه نرخ برابری پوند و دلار در سال‌های مذکور از طریق نشانی زیر امکان‌پذیر است:
<https://www.measuringworth.com/datasets/exchangepond/result.php>.

تصمیم گرفت برای کنترل میزان عرضه پول، چاپ پول را بر اساس استاندارد میزان ذخایر طلای کشور انجام دهد و پس از مدتی نیز فدرال رزرو آمریکا، برای نظارت بر چاپ پول تأسیس شد. تأسیس مراکز مالی و بازار سهام نیز از دیگر اقدامات ایالات متحده، برای سامان دادن به نظام پولی و تأمین سرمایه مورد نیاز توسعه از طریق جذب نقدینگی موجود در کشور بود.^۱

۷. صادرات محوری و توسعه بازارهای جهانی

در دهه‌های ۱۸۷۰ و ۱۸۸۰ میلادی تولید کالا در ایالات متحده رشد قابل توجهی پیدا کرده بود. افزایش عرضه کالا و نبودن تقاضای کافی برای آن، از قیمت کالاها در کشور کاسته و سود تولیدکنندگان را با چالش مواجه ساخته بود. بدین ترتیب ایالات متحده دچار رکود در تولید شد. لذا به دنبال راهی برای فروش کالاهای تولید شده توسط صنایع افتاد. در این مرحله ایالات متحده نیز مانند سایر کشورهای استعمارگر، به دنبال تصرف بازار دیگر کشورها افتاد. ابتدا با استفاده از افول قدرت اسپانیا، پرتغال، هلند و انگلستان در قاره آمریکا به سراغ بازار کشورهای آمریکای لاتین مانند مکزیک، کوبا و هاوایی رفت. سپس باتکیه به نیروی دریایی پیشرفته، حوزه نفوذ خود را به شرق آسیا و کشورهای فیلیپین و حتی ژاپن رساند.

هم‌چون بریتانیا، یکی دیگر از ابزارهای آمریکا برای نفوذ به بازارهای جهانی ترویج معاهدات تجارت آزاد بود. آمریکایی‌ها که با پیشرفت صنعتی خود به تولید کالاهای با قیمت پایین‌تر، کیفیت بالاتر و نوآوری بیش‌تر دست پیدا کرده بودند، تعرفه‌های گمرکی خود را در دوره وودرو ویلسون^۲ پایین آورده و دیگر کشورها را به تجارت بدون تعرفه با خود تشویق می‌کردند. بدین ترتیب بازار، برای کالاهای آمریکایی فراهم‌گشت و ایالات متحده در دهه ۱۸۹۰ میلادی از حیث میزان تولیدات صنعتی از بریتانیا پیشی گرفت.^۳

1. Fishlow, Albert, "Trends in the American Economy in the Nineteenth Century", The Journal of Economic History, Vol. 22, No. 1 (Mar., 1962), pp. 71-80.

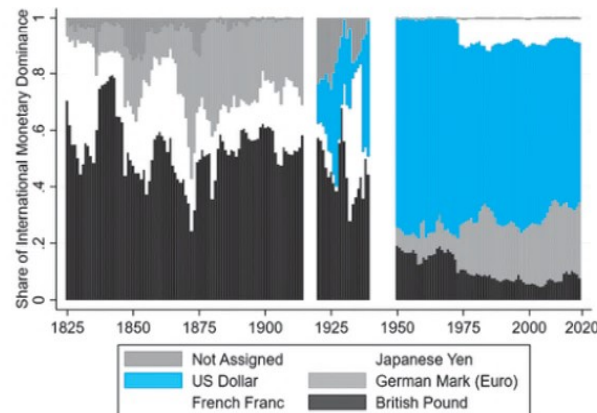
2. Woodrow Wilson.

3. Chang, Ha-Joon, *Bad Samaritans: The Myth of Free Trade and the Secret History of Capitalism*, New York: Bloomsbury Publishing, 2009, p. 26.

۸. تبدیل ارز دلار به ارز ذخیره جهانی و سهم بالا از تجارت جهانی

در دهه ۱۹۴۰ میلادی و پس از جنگ جهانی اول، به دلیل سهم بالای آمریکا از تجارت جهانی، اکثر معاملات جهان با دلار آمریکا انجام می‌گرفت و عملاً دلار آمریکا پیشرو در تجارت جهانی بود. اما پس از پیروزی در جنگ جهانی دوم و رسیدن آمریکا به اوج قدرت سیاسی و اقتصادی، کشورهای اروپایی ذخایر طلای خود را به آمریکا سپرده و تصمیم بر تجارت با دلار متکی به ذخایر طلا کردند. این معاهده که به عنوان برتون وودز^۱ معروف است، در سال ۱۹۴۴ میلادی انجام گرفت و بدین ترتیب دلار آمریکا رسماً به عنوان ارز رایج تجارت جهانی اعلام شد.

THE RISE AND FALL OF GLOBAL CURRENCIES OVER TWO CENTURIES



تصویر ۱۸: افزایش و کاهش سهم ارزهای مختلف در سبد ارزهای ذخیره جهانی طی دو قرن، افزایش سهم دلار آمریکا به عنوان ارز ذخیره جهانی^۲

1. Bretton woods.

2. Vicquéry, Roger H., *The Rise and Fall of Global Currencies Over Two Centuries*, London: London School of Economics, 2021, p. 18.

جدول زمانی تحولات ایالات متحده

تاریخ	وقایع و رویدادها
سال‌های میانی قرن ۱۸	به اوج رسیدن محدودیت‌های تحمیلی بریتانیا بر مستعمرات خود
۱۹ آوریل ۱۷۷۵	آغاز جنگ استقلال آمریکا
۴ ژوئیه ۱۷۷۶	صدور اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا
۳ سپتامبر ۱۷۸۳	امضای قرارداد پاریس و پایان جنگ استقلال آمریکا
۲۰ آگوست ۱۸۰۰	قیام برنامه‌ریزی شده گابریل پروسر ^۱
۱۸۱۵ - ۱۸۰۳	تحریم و فشار اقتصادی بر ایالات متحده در دوره جنگ‌های ناپلئونی
۱۲ آگوست ۱۸۱۰	آغاز جنگ تکامسه
۱۸ ژوئن ۱۸۱۳	آغاز جنگ ۱۸۱۲ که یکی از علل آن دستگیری موانان آمریکایی و الحاق آنان به نیروی دریایی بریتانیا بود
۲۲ ژوئیه ۱۸۱۳	آغاز جنگ کریک
۱۸۱۴	ساخت اولین کشتی با موتور بخار آمریکا
۲۱ - ۲۵ آگوست ۱۸۳۱	شورش نات ترنر
۱۸۶۵ - ۱۸۶۱	کمک سیاسی، مالی و تسلیحاتی غیر مستقیم بریتانیا به کنفدراسیون ایالت‌های تجزیه طلب جنوبی در جنگ داخلی خونین آمریکا

1. Gabriel's Rebellion.

تاریخ	وقایع و رویدادها
۱۷۶۵-۱۸۰۰	چاپ فراوان کتاب در آمریکا که معادل سه-چهارم تمام کتاب های منتشر شده در بین سال های ۱۶۳۷ تا ۱۸۰۰ بود
۱۷۸۶-۱۸۰۵	تأسیس ۲۸ مجله علمی در آمریکا تنها طی ۹ سال
۱۷۸۹	اولین قانون حمایت از تولید در آمریکا و قرار گرفتن تعرفه مستقیم ۵ درصدی بر همه کالاهای وارداتی
۱۷۹۲	افزایش تعرفه های وارداتی
۱۸۱۲	رسیدن تعرفه های وارداتی به عدد ۱۲٫۵ درصد
۱۸۱۶	با تصویب قانونی، سطح تعرفه تمام تولیدات حدود ۳۵ درصد شد
۱۸۲۰	نرخ تعرفه ها به حدود ۴۰ درصد نیز رسید
۱۸۳۳	تصویب قانونی مبنی بر اینکه در دوره های ۱۰ ساله، مقدار تعرفه ها کاهش یابد
۱۸۴۶	طبق قانون برای ۵۱ مورد از کالاهای وارداتی، تعرفه ای حدود ۲۷ درصد در نظر گرفته شد
۱۸۴۰-۱۸۶۰	کاهش سیاست های حمایت گرانه در آمریکا و کاهش رشد تولید ناخالص ملی
۸ فوریه ۱۸۶۱	تشکیل کنفدراسیون جنوب
۱۸۶۵-۱۸۶۱	روی کار آمدن آبراهام لینکون که به منجی بزرگ معروف است + ۲ برابر شدن قیمت کالاها به دلیل چاپ پول بدون پشتوانه و جنگ داخلی
۱۲ آوریل ۱۸۶۱	آغاز جنگ داخلی آمریکا
۱۸۷۰	آغاز موج دوم انقلاب صنعتی که آمریکا یکی از پیشتازان آن بود

وقایع و رویدادها	تاریخ
مثبت شدن تراز تجاری آمریکا به سبب حمایت از نوآوری‌ها و اختراعاتی که آنها را خودکفا می‌کرد + رشد قابل توجه تولید کالا	۱۸۷۰-۱۸۷۵
جمع کردن پول‌های کاغذی و جایگزین کردن آنها با سکه‌های طلا و نقره به دستور کنگره	۱۸۷۵
پیشی گرفتن آمریکا از بریتانیا از حیث میزان تولیدات صنعتی	دهه ۱۸۹۰
چاپ پول بر اساس استاندارد میزان ذخایر طلای کشور به دستور دولت فدرال آمریکا	۱۹۰۰
تعرفه‌ها مجدداً سیر صعودی گرفت و به اوج خود، یعنی بین ۴۰ تا ۵۰ درصد رسید + پیشرفت‌های زیادی در تولیدات ملی، خصوصاً در صنایع فولاد، آهن و تجهیزات صنعتی + افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	تا ۱۹۱۳
تأسیس فدرال رزرو آمریکا	۲۳ دسامبر ۱۹۱۳
پیشرو بودن دلار در تجارت جهانی به دلیل سهم بالای آمریکا از تجارت جهانی	دهه ۱۹۲۰
امضای معاهده برتون وودز و اعلام رسمی دلار به عنوان ارز رایج تجارت جهانی	۲۲ ژوئن ۱۹۴۴

منابع برای مطالعه بیشتر

برای مطالعه بیشتر در مورد تاریخچه اقتصادی ایالات متحده می‌توانید به منابع زیر رجوع کنید:

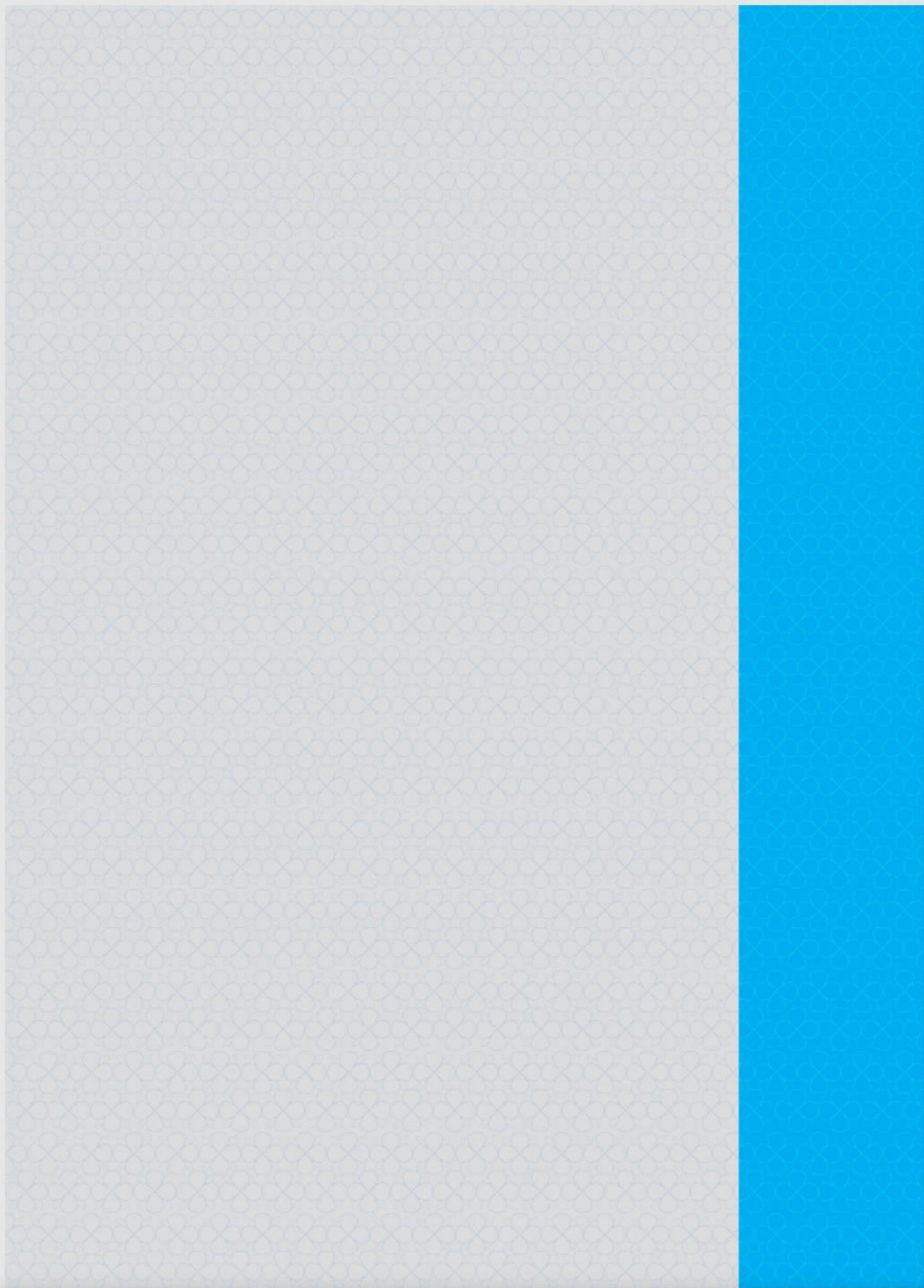
1. Thompson, Robert Ellis, *Protection to Home Industry*, New York: D. Appleton & Company, 1886.
2. Taussig, Frank William, *The Tariff History of the United States*, New York and London: G.P. Putnam's Sons and The Knickerbocker Press, 1910.
3. Taussig, F. W., *Protection to Young Industries as Applied in the United States: a study in economic history*, Cambridge: Cambridge Press, 1883.
4. Sumners, W.G., *Lectures on The History of Protection in the United States: delivered before the International Free-Trade Alliance*, New York: Batoche Books and Kitchener, 2003.
5. Berglund, Abraham, *The Tariff on Iron and Steel: A Study of the Growth and Influence of Combination in the Iron and Steel Industry: The United States Steel Corporation*, New York: Columbia University Press, 1907.
6. McKinley, William, *Speeches and addresses of William McKinley: from his election to Congress to the present time*, New York, D. Appleton and company, 1893.
7. Taussig, Frank W., *Some Aspects of the Tariff Question: An Examination of the Development of American Industries Under Protection*, Cambridge: Harvard University Press, 1931.
8. Irwin, Douglas A., "Did Late-Nineteenth-Century U.S. Tariffs Promote Infant Industries? Evidence from the Tinplate Industry", *The Journal of Economic History*, Vol. 60, No. 2, 2000, p. 335-360.
9. Naknoi, Kanda, *Tariffs and the Expansion of the American Pig Iron Industry, 1870-1940*, Storrs: Connecticut, October 2008.
10. Young, John P., *Protection and progress: a study of the economic bases of the American protective system*, Chicago and New York: Rand McNally & Company, 1900.
11. Wright, Chester Whitney, *Wool-Growing and the Tariff: A Study in the Economic History of the United States*, Cambridge: Harvard University Press, 1910.
12. Kelley, William D., *Reasons for Abandoning the Theory of Free Trade, and Adopting the Principle of Protection in American Industry: Addressed to the Farmers and Working Men of the United States*, Philadelphia: Henry Carey Baird, 1872.

13. Pate, James L., *Historical Statistics of the United States Colonial Times to 1970*, The United States of America: *Government Printing Office; bureau of the Census, Department of Commerce*, 1970.
14. Carnes, Mark C. and John A. Garraty, *American Destiny: Narrative of a Nation*, New York: Pearson, 2011.
15. Walton, Gary M., Rockoff Hugh, *History of the American Economy*, New York: South-Western, Cengage Learning, 2004
16. Rockoff, Hugh, *America's Economic Way of War: War and the US Economy from the Spanish-American War to the Persian Gulf War*, the United States of America: Cambridge University Press, 2012.
17. Rockoff, Hugh, *Drastic measures: A history of wage and price controls in the United States*, Cambridge: Cambridge University Press, 1984.
18. Goldin, Claudia and Hugh Rockoff, *Strategic Factors in Nineteenth Century American Economic History: A Volume to Honor Robert W. Fogel*, Chicago and London: The University of Chicago Press, 1992.
19. Schwartz, Anna J., "*Gross Dividend and Interest Payments by Corporations at Selected Dates in the 19th Century*", The Conference on Research in Income and Wealth, Trends in the American Economy in the Nineteenth Century, the National Bureau of Economic Research: Princeton University Press, 1960.
20. Jerome Cranmer, H., "*Canal Investment, 1815-1860*", The Conference on Research in Income and Wealth, Trends in the American Economy in the Nineteenth Century, the National Bureau of Economic Research: Princeton University Press, 1960.
21. Simon, Matthew, "*The United States Balance of Payments, 1861-1900*", The Conference on Research in Income and Wealth, Trends in the American Economy in the Nineteenth Century, the National Bureau of Economic Research: Princeton University Press, 1960.
22. North, Douglass, "*The United States Balance of Payments, 1790-1860*", The Conference on Research in Income and Wealth, Trends in the American Economy in the Nineteenth Century, the National Bureau of Economic Research: Princeton University Press, 1960.
23. Lebergott, Stanley, "*Wage Trends, 1800-1900*", The Conference on Research in Income and Wealth, Trends in the American Economy in the Nineteenth Century, the National Bureau of Economic Research: Princeton University Press, 1960.
24. Barger, Harold, "*Income Originating in Trade, 1869-1929*", The Conference on Research in Income and Wealth, Trends in the American Economy in the Nineteenth Century, the National Bureau of Economic Research: Princeton University Press, 1960.

25. Marburg, Theodore F., "*Income Originating in Trade, 1799-1869*", The Conference on Research in Income and Wealth, Trends in the American Economy in the Nineteenth Century, the National Bureau of Economic Research: Princeton University Press, 1960.
26. Towne, Marvin and Wayne Rasmussen, "*Farm Gross Product and Gross Investment in the Nineteenth Century*", The Conference on Research in Income and Wealth, Trends in the American Economy in the Nineteenth Century, the National Bureau of Economic Research: Princeton University Press, 1960.
27. Firestone, O. J., "*Development of Canada's Economy, 1850-1900*", The Conference on Research in Income and Wealth, Trends in the American Economy in the Nineteenth Century, the National Bureau of Economic Research: Princeton University Press, 1960.
28. Parker, William and Franklee Whartenby, "*The Growth of Output Before 1840*", The Conference on Research in Income and Wealth, Trends in the American Economy in the Nineteenth Century, the National Bureau of Economic Research: Princeton University Press, 1960.
29. Hoover, Ethel D., "*Retail Prices after 1850*", The Conference on Research in Income and Wealth, Trends in the American Economy in the Nineteenth Century, the National Bureau of Economic Research: Princeton University Press, 1960.
30. Easterlin, Richard, "*Interregional Differences in Per Capita Income, Population, and Total Income, 1840-1950*", The Conference on Research in Income and Wealth, Trends in the American Economy in the Nineteenth Century, the National Bureau of Economic Research: Princeton University Press, 1960.
31. Gallman, Robert E., "*Commodity Output, 1839-1899*", The Conference on Research in Income and Wealth, Trends in the American Economy in the Nineteenth Century, the National Bureau of Economic Research: Princeton University Press, 1960.
32. Parker, William, "*Introduction to 'Trends in the American Economy in the Nineteenth Century'*", The Conference on Research in Income and Wealth, Trends in the American Economy in the Nineteenth Century, the National Bureau of Economic Research: Princeton University Press, 1960.
33. The Conference on Research in Income and Wealth, "*Front matter, Trends in the American Economy in the Nineteenth Century*", The Conference on Research in Income and Wealth, Trends in the American Economy in the Nineteenth Century, the National Bureau of Economic Research: Princeton University Press, 1960.
34. Chernow, Ron, *Alexander Hamilton*, London and New York: Penguin Books, 2005.
35. Hounshell, David A., *From the American System to Mass Production: 1800-1932 The Development of Manufacturing Technology in the United States*, Baltimore and London: The Johns Hopkins University Press, 1984.

36. List, Friedrich, *The National System of Political Economy*, Sampson S. Lloyd, Vernon Press, 1885.
37. Shafaeddin, Mehdi, *What did Frederick List actually say? Some Clarifications on the Infant Industry Argument*, Discussion papers (UNCTAD), 2000, https://digitallibrary.un.org/record/419771/files/dp_149-en.pdf.
38. Andrews, Charles M., *The colonial period of American history: The Settlements*, New Haven and London: Yale University press, 1964.
39. Wood, Gordon S., *The American Revolution: A History*, New York: The Modern Library, 2002.
40. Jasanoff, Maya, *Liberty's Exiles American Loyalists in the Revolutionary World*, New York: Alfred A. Knopf, 2011.

فصل چهارم
آلمان



غیر قابل تحمل شدن هزینه‌های وابستگی

اقتصاد آلمان تا اواخر قرن ۱۸ میلادی و اوایل قرن ۱۹ میلادی تا حد زیادی وابسته به کشاورزی و صادرات مواد خام غذایی بود. ۷۰ تا ۷۵ درصد از جمعیت نیروی کار آلمان در بخش کشاورزی مشغول فعالیت بودند. تجارت آلمانی‌ها در این دوره، در واردات کالاهای صنعتی از بریتانیا در ازای صادرات گندم و پشم خلاصه می‌شد. افزایش واردات آلمان از بریتانیا در مقایسه با میزان صادرات آن منجر به افزایش ناترازی تجاری بین آلمان و بریتانیا شده و این مسئله هزینه‌های زیادی برای مردم آلمان به وجود آورده بود. وابستگی اقتصادی آلمانی‌ها منجر به وابستگی سیاسی‌شان نیز شده بود. آنها مجبور بودند روابط خارجی خود را مبتنی بر منافع بریتانیا تنظیم کنند. این مسئله بارها باعث شده بود آلمان در برابر دیگر کشورهای اروپایی قرار بگیرد. به عنوان مثال آلمانی‌ها مجبور شده بودند در جنگ‌های بریتانیا با اسپانیا و هلند در سال ۱۷۰۱ و ۱۷۵۶ میلادی و هم‌چنین در جنگ بریتانیا با فرانسه در سال ۱۸۰۳ میلادی شرکت کنند که نتیجه آن ائتلاف منابع و از دست دادن نیروی انسانی در جنگ‌های خونین بود. علاوه بر آن وابستگی به خام‌فروشی محصولات کشاورزی، حجم تجارت آلمان را محدود ساخته و اقتصاد این کشور را دچار رکود کرده بود. فقر، تنگ‌دستی و سطح پایین قدرت خرید و مصرف اقتصادی ره‌آورد دیگر این وابستگی غیر قابل تحمل برای مردم آلمان بود.^{۲۱}

1. refer to: Tilly, Richard H. and Michael, Kopsidis, *From Old Regime to Industrial State*, Chicago: University of Chicago Press Economics Books, University of Chicago Press, 2020.

2. Alan John Percivale Taylor, *Bismarck: The Man and the Statesman*, OXFORD: Oxford University, p. 11.

۱. انقلاب برای استقلال اقتصادی

در قرن ۱۸ میلادی، فردریک کبیر^۱ تلاش کرد تا با تأسیس صنایع دولتی در کالاهای مورد نیاز کشور، اعطای یارانه و مشوق‌های مالی در حوزه صنعت و همچنین اعطای امتیازات گسترده به متخصصین صنعتی خارجی برای مهاجرت به این کشور، زمینه صنعتی شدن و کاهش وابستگی به واردات را در کشور آلمان فراهم کند. این مسئله ادامه داشت تا اینکه در اوایل قرن ۱۹ میلادی شخصیت اثرگذار دیگری روی کار آمد و قطار صنعتی شدن آلمان را با سیاست‌گذاری صحیح روی ریل پیشرفت انداخت. پیتر بیوث^۲ در سال ۱۸۱۶ میلادی رئیس دپارتمان صنعت و تجارت وزارت اقتصاد آلمان شد. اقدامات اصولی او برای توسعه صنعت در آلمان که برگرفته از الگوی توسعه بریتانیا بود باعث ایجاد خودکفایی در صنعت آلمان و زمینه ساز ورود آلمان به بازارهای صادراتی جهانی شد.^۳

۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌ها

در مسیر صعود به قله اقتصادی، رقبای آلمان با تحمیل جنگ‌های متعدد قصد متوقف ساختن این کشور را داشتند. ابتدا پس از پشت سر گذاشتن اتریش از لحاظ اقتصادی، اتریش در سال ۱۸۶۶ میلادی با آلمان وارد جنگ نظامی شد. پس از آن نیز وقتی آلمان، فرانسه را از جهت اقتصادی پشت سر گذاشت در سال ۱۸۷۰ میلادی با فرانسه وارد جنگ شد.^۴ عبور از این بحران‌ها تنها با پیشرفت نظامی و سرمایه‌گذاری این کشور بر توسعه نیروی نظامی خود محقق شد. آلمانی‌ها با اخذ مالیات بیش‌تر برای گسترش نیروی انسانی و همچنین توسعه نوآوری‌های تسلیحاتی توانستند نیروی نظامی خود را به کارآمدی لازم برای مقابله با بحران‌سازی‌های رقبای خود برسانند. اختراعاتی هم‌چون مسلسل، در

1. Friedrich der Grobe.

2. Christian Peter Wilhelm Beuth.

3. Chang, Ha-joon, *Kicking Away the Ladder: Development strategy in historical perspective*, London: Wimbledon publishing company, 2002, pp. 33-34.

4. <https://prussianhistory.com/economy-of-prussia/>

جنگ با فرانسه توانست تلفات نظامی آنان را به شدت کاهش داده و آنان را به پیروزان جنگ مبدل سازد.^۱

۳. پیشرفت علمی و پرکردن شکاف فناوریانه

از اولین اقدامات پیتر بیوٹ در آلمان تأسیس دارالفنون، مرکز یادگیری مهارت‌های فنی و مهندسی بود. او افراد برگزیده این مرکز آموزشی را به بازدید از صنایع بریتانیا و دیگر کشورهای اروپا می‌فرستاد تا با فناوری‌های آنان آشنا شوند و اگر بتوانند سرقت علمی کنند. هم‌چنین تعدادی ماشین‌آلات روز بریتانیا و دیگر کشورها را به جهت مهندسی معکوس خریداری کرده بود. در این دوره تأسیس مدارس و دانشگاه‌ها و ارتقاء بخشی به کیفیت آموزشی به قدری رشد کرده بود که مدارس آلمان را به بالاترین تأثیرگذاری در کیفیت آموزشی رسانده بود. کیفیت مراکز آموزشی آلمان تا انتهای قرن ۱۹ میلادی به جایی رسید که ۹ هزار دانشجو از آمریکا برای تحصیل به این کشور رفته بودند.^۲ بدین ترتیب کشور آلمان که در قرن ۱۸ به کشاورزی شناخته می‌شد در این دوره به نوآوری‌های علمی و آموزشی و معرفی اختراعات و اکتشافات جدید شناخته شد. مخترعین و اکتشاف‌کنندگانی مانند رابرت کخ،^۳ کاشف میکروب، ویلهلم رونتگن،^۴ مخترع دستگاه طبعی عکس‌برداری ایکس‌ری، کارل فن لینده،^۵ مخترع یخچال‌های امروزی و صنعت‌گران معروفی مانند کارل بنز^۶ و رودولف دیزل،^۷ ثمره سرمایه‌گذاری آلمان در حوزه علمی طی یک قرن است.^۸

1. <https://www.globalsecurity.org/military/world/europe/de-prussia-army.htm>.

2. Chang, Ha-joon, *Kicking Away the Ladder: Development strategy in historical perspective*, London: Wimbledon publishing company, 2002, p. 34.

3. Robert Koch.

4. Wilhelm Röntgen.

5. Carl von Linde.

6. Karl Benz.

7. Rudolf Christian Karl Diesel.

8. <https://interestingengineering.com/innovation/7-german-inventions-that-changed-the-world>;
<https://www.dw.com/en/5-german-inventions-that-changed-the-world/g-36343646>.

۴. تولید محصول فناورانه و جایگزینی واردات

یکی از مهم‌ترین نیازمندی‌های فناوری‌های فولاد، صنعت نساجی بود. در این دوره با بومی‌سازی فناوری بافندگی، تعداد دوک‌های بافندگی از ۲۲۰۰۰ عدد در سال ۱۸۰۰ به ۸۱۸۰۰۰ عدد در سال ۱۸۴۰ میلادی رسید.^۱ در حوزه فولاد نیز عقب ماندگی صنعتی آلمان با پیشرفت صنعت فولاد این کشور جبران شد. آلمانی‌ها درحالی‌که در حدود سال ۱۸۸۰ میلادی کم‌تر از یک میلیون تن و حدود نصف بریتانیا، تولید فولاد داشتند توانستند تولیدات فولاد خود را در سال ۱۹۱۰ میلادی به بیش از ۱۶ میلیون تن یعنی دو و نیم برابر بریتانیا برسانند.^۲ یکی از بهترین تجربه‌های آلمان در خودکفایی را می‌توان تجربه آنها در ساخت لوکوموتیو داخلی دانست. آگوست بورزیگ^۳ که یکی از مهارت‌آموزختگان دارالفنون تأسیس شده توسط پتر بیوٹ بود در سال ۱۸۴۱ میلادی موفق به تأسیس کارخانه لوکوموتیوسازی شد. در این سال همه ۲۰ لوکوموتیو فعال در آلمان، وارداتی بود. اما با پیشرفت صنعت لوکوموتیوسازی در آلمان در سال ۱۸۵۴ میلادی، دیگر هیچ لوکوموتیوی از خارج خریداری نشد و ۶۷ عدد از ۶۹ لوکوموتیو فعال در آلمان از کارخانه بورزیگ خریداری شده بود. علاوه بر آن آلمان موفق شد ۶ عدد لوکوموتیو به لهستان و ۴ عدد نیز به دانمارک صادر کند.^۴

۵. حمایت از تولید داخل

قطعاً آلمان یکی از حمایت‌گرایان‌ترین کشورها نسبت به صنایع داخلی در طول تاریخ بوده است. تعرفه گذاری گمرکی برای جلوگیری از واردات ارزان قیمت و امکان رقابت کالاهای تولید داخل که از زمان فردریک کبیر آغاز شده بود در قرن ۱۹ میلادی نیز ادامه یافت. به عنوان نمونه، جدول آتی به خوبی می‌تواند تأثیر تعرفه واردات اعمال شده بر

1. Tilly, Richard H. and Michael, Kopsidis, *From Old Regime to Industrial State*, Chicago: University of Chicago Press Economics Books, University of Chicago Press, 2020, p. 36.
2. *Ibid.*, p. 177.
3. August Borsig.
4. Charles P Kindleberger, *World Economic Primacy: 1500-1990*, Oxford: Oxford University Press, 1996, p.153.

آهن خام و آهن فرآوری شده را در رقابت پذیر کردن قیمت تولید داخل با قیمت آهن وارداتی از بریتانیا نشان بدهد.

Table 7.3 Tariff Rate, Selected British & German Iron Prices in Germany, and Import Share of German Iron Consumption, 1830s–1850s (marks per ton)

Indicator	1832–35		1844–47		1850–54	
	Pig Iron	Wrought Iron	Pig Iron	Wrought Iron	Pig Iron	Wrought Iron
Tariff	0	60	20	90	20	90
British price	106	216	106	172	96	251
German price	104 ^b	326	130 ^b	272	87.5	276
(M–X)/P ^a	0.08	0.014	0.33	0.31	0.39	0.04

Source: Fremdling 1986.

^a Import share of German consumption. ^b Charcoal-smelted.

تصویر ۱۹: تأثیر تعرفه واردات اعمال شده بر آهن خام و آهن فرآوری شده در رقابت پذیر کردن قیمت تولید داخل آلمان با قیمت آهن وارداتی از بریتانیا^۱

اما حمایت از تولید داخل تنها در تعرفه گذاری برای واردات خلاصه نمی شد. همان طور که گفته شد، یکی از مهم ترین حمایت های دولت از تولید کنندگان داخلی، خرید محصولات آنها بود. چرا که دولت بزرگ ترین مصرف کننده در کشور بود. خصوصاً در صنایع سنگین مانند لوکوموتیو که نمونه آن در مرحله قبل توضیح داده شد. در سال ۱۸۷۹ میلادی بیسمارک^۲ نخستین صدراعظم آلمان نیز سیاست حمایت از تولیدات و صنایع داخلی را در پیش گرفت و به طور خاص حمایت ها را در دو حوزه کشاورزی و صنایع کلیدی سنگین مانند آهن و فولاد افزایش داد. این دوره به عنوان «انقلاب صنعتی دوم» نیز شناخته می شود.^۳ علاوه بر حمایت دولت از تولید داخل، هر یک از ایالت های آلمان نیز تلاش می کردند تا در تولید کالاهای مورد نیاز خود تا جای ممکن خودکفا شوند. این مسئله رشد سریعی را در صنعتی شدن آلمان به وجود آورد تا

1. Tilly, Richard H. & Kopsidis, Michael, 2020, From Old Regime to Industrial State, University of Chicago Press Economics Books, University of Chicago Press, p. 134.

2. Otto von Bismarck.

3. Chang, Ha-joon, *Kicking Away the Ladder: Development strategy in historical perspective*, London: Wimbledon publishing company, 2002, p. 33.

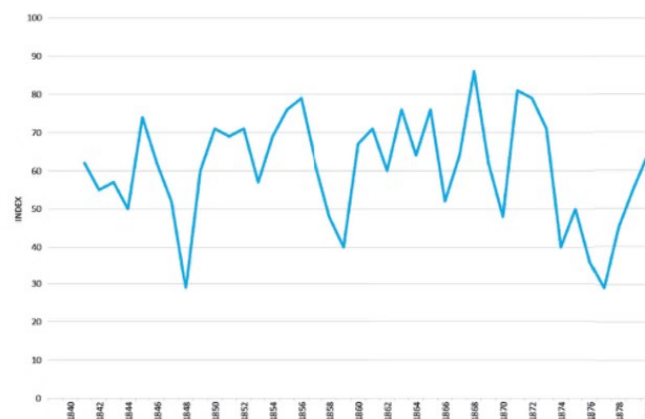
جایی که در آغاز قرن بیستم آلمان از حیث تولیدات صنعتی از بریتانیا پیشی گرفت و به رتبه دوم پس از آمریکا دست یافت.

۶. مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها

حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری‌های علمی در آلمان نیازمند منابع فراوانی بود که دولت آلمان برای تأمین آن علاوه بر اخذ مالیات مجبور به چاپ پول شد. به‌طوری‌که بین سال‌های ۱۸۷۴ تا ۱۸۵۰ میلادی و تنها در عرض ۳ سال، حجم نقدینگی از حدود ۲۵-۳۰ میلیون تیلر^۱ به ۵۳ میلیون تیلر رسید، یعنی رشد ۱۰۰ درصدی نقدینگی. علاوه بر این دولت آلمان قصد داشت ۳۳ میلیون تیلر به‌عنوان تسهیلات برای توسعه صنایع جدید اعطا کند.^۲ این عرضه پول بدون پشتوانه برای کشور هزینه‌های تورمی نیز داشت. این مسئله در کنار ناآرامی‌ها و اعتراضات داخلی باعث نوسانات زیادی در اقتصاد آلمان شده بود.

1. Thaler.

2. Tilly, Richard H. & Kopsidis, Michael, 2020, From Old Regime to Industrial State, Chicago: University of Chicago Press Economics Books, University of Chicago Press, p. 116.



7.1 Index of Economic Fluctuations in Germany, 1841-80 (based on 42 indicators)

Source: 42 indicators from Spree 1977: app., 372-500.

تصویر ۲۰: نوسانات اقتصادی آلمان در قرن ۱۹

نکته جالب توجه آنجاست که در دهه ۱۸۴۰ میلادی که آلمان در مرحله پنجم اقتصادی خود قرار داشت، یعنی وارد مرحله تولید محصولات فتابورانه شده بود و دولت در حال سرمایه‌گذاری برای تولید انبوه آن بود، مشکلات معیشتی ناشی از تورم در این کشور سربه فلک کشیده بود. به طوری که در گزارش‌ها آمده که طبقات پایین‌تر اجتماعی به خاطر قیمت بالای سیب‌زمینی، همه درآمد خود را صرف خرید غذا کرده و هیچ پولی برای خرید چیزهای دیگر حتی لباس نداشتند. دولت آلمان برای مقابله با این معضل، علاوه بر مداخله در قیمت‌گذاری محصولات و برخورد با گران‌فروشی، به مدیریت نقدینگی روی آورد و در سال‌های پس از بحران و در دهه ۱۸۶۰ میلادی بانک پروس،^۲ به عنوان بانک مرکزی، انحصار چاپ پول و مدیریت نقدینگی را به دست گرفت. در

1. Tilly, Richard H. and Michael, Kopsidis, *From Old Regime to Industrial State*, Chicago: University of Chicago Press Economics Books, University of Chicago Press, 2020, p. 131.

2. Prussia Bank.

دهه ۱۸۷۰ میلادی نیز واحد پولی جدیدی به نام فرانک ایجاد شد تا ثبات به نظام پولی و مالی کشور بازگردد.^۱

۷. صادرات محوری و ورود به بازارهای جهانی

دست‌مزد پایین‌تر و بهره‌وری بالاتر نیروی کار در آلمان باعث کاهش قیمت تمام‌شده کالاهای صنعتی شده بود. این مسئله به کالاهای تولید آلمان قدرت رقابت با کالاهای بریتانیایی در بازارهای جهانی را می‌داد. علاوه بر این تولید دانش‌بنیان در حوزه صنایع شیمیایی و برقی، محصولات جدیدی از آلمان برای بازارهای جهانی به ارمغان آورده بود. این مسئله باعث شد تا کالاهای تولید آلمان حتی در خود بریتانیا نیز به فروش بالایی برسد. تا سال ۱۹۱۴ کالاهای ساخت آلمان چنان بازار بریتانیا را تصرف کرده بود که به قول کلایو تربیلکاک^۲ مورخ معاصر بریتانیایی، مردم بریتانیا کالاهایی که عبارت ساخت آلمان بر روی آنها درج شده بود را به اندازه کشتی‌های جنگی آلمان در جنگ جهانی اول، که به بریتانیا حمله کرده بودند، بدشگون و نحس می‌دانستند.^۳ با گسترش بازارهای صادراتی، آلمان فرصت رشد تولیدات خود را پیدا کرد. به‌طوری‌که بین سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۳ میلادی، میزان صادرات کشور آلمان ۳ برابر شد و سهم آلمان از تولیدات صنعتی دنیا به ۱۴/۶ درصد رسید. این میزان حتی از بریتانیا با سهم ۱۳/۶ درصد نیز بالاتر بود.^۴

۸. سهم بالا از تجارت جهانی و تبدیل شدن ارز ملی به ارز ذخیره جهانی

در سال ۱۹۱۳ میلادی صادرات فولاد ایالات متحده و آلمان بر کل بازار فولاد سیطره پیدا کرد. در سال ۱۹۱۴ میلادی تولید فولاد توسط آلمان به ۱۷/۶ میلیون تن رسید که

1. Tilly, Richard H. and Michael, Kopsidis, *From Old Regime to Industrial State*, Chicago: University of Chicago Press Economics Books, University of Chicago Press, 2020, pp. 116, 161, 195.

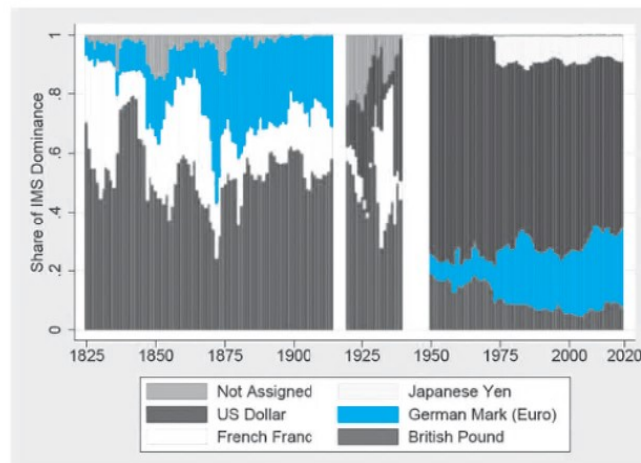
2. Clive Trebilcock.

3. Trebilcock, Clive, *The industrialization of the continental powers 1780-1914*, London: Routledge, 2013, p. 22.

4. Kennedy, Paul, *The Rise and Fall of the Great Powers*, London: Fontana, 1969, p. 271.

این میزان از مجموع تولید فولاد بریتانیا، فرانسه و روسیه بیش‌تر بود.^۱ بالا رفتن سهم آلمان از تجارت جهانی باعث ارزشمند شدن و تبدیل شدن واحد پولی این کشور، یعنی مارک،^۲ به یکی از واحدهای پولی ذخیره جهان گردید.

Figure 2: The Rise and Fall of Global Currencies over Two Centuries



تصویر ۲۱: افزایش و کاهش سهم ارزهای مختلف در سبد ارزهای ذخیره جهانی طی دو قرن، سهم آلمان به عنوان ارز ذخیره جهانی^۳

1. Kennedy, Paul, *The Rise and Fall of the Great Powers*, London: Fontana, 1969, p. 271.

2. Mark.

3. Vicquéry, Roger H., *The Rise and Fall of Global Currencies Over Two Centuries*, London: London School of Economics, 2021, p. 18.

جدول زمانی تحولات آلمان

تاریخ	وقایع و پدیده‌ها
۱۷۵۱	مشارکت آلمان در جنگ بریتانیا و اسپانیا به علت تنظیم روابط خارجه این کشور مبتنی بر منافع بریتانیا
۱۷۷۲-۱۷۴۰	پادشاهی فردریک کبیر
۱۷۵۶	مشارکت آلمان در جنگ بریتانیا و هلند به علت تنظیم روابط خارجه این کشور مبتنی بر منافع بریتانیا
۱۸۰۳	مشارکت آلمان در جنگ بریتانیا و فرانسه به علت تنظیم روابط ی خارجه این کشور مبتنی بر منافع بریتانیا
تا اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹	وابستگی اقتصادی به کشاورزی و صادرات مواد خام غذایی + افزایش واردات از بریتانیا و افزایش ناترازی تجاری بین دو کشور
۱۸۱۶	ریاست پیتر بیوٹ بر دیارتمان صنعت و تجارت و وزارت اقتصاد
۱۴ ژوئن - ۲۲ ژوئیه ۱۸۶۶	جنگ آلمان و اتریش
۱۹ ژوئیه ۱۸۷۰ - ۲۸ ژانویه ۱۸۷۱	جنگ آلمان و فرانسه
۱۸۲۱	تأسیس دارالفنون توسط بیوٹ
۲۲ ژوئیه ۱۸۳۷	تأسیس کارخانه ماشین سازی آگوست بورزیگ با تمرکز بر لوکوموتیو
۱۸۴۰	با بومی سازی فناوری بافندگی، تعداد دوک‌های بافندگی در این سال به ۸۱۸۰۰۰ رسید و در یک بازه چهل ساله، رشد ۷۹۶۰۰۰ عددی داشت
۱۸۴۷-۱۸۵۰	رشد ۱۰۰ درصد نقدینگی
۱۸۵۴	خودکفایی در تولید لوکوموتیو و صادرات این محصول به لهستان و دانمارک
دهه ۱۸۶۰	انحصاری شدن چاپ پول و مدیریت نقدینگی توسط بانک پروس، به عنوان بانک مرکزی

تاریخ	وقایع و پدیده‌ها
دهه ۱۸۷۰	ایجاد واحد پولی جدیدی به نام به منظور برگرداندن ثبات به نظام پولی و مالی آلمان
۱۸۷۶	اختراع یخچال‌های امروزی توسط کارل فن لینده
۱۸۷۹	پیش گرفتن سیاست حمایت از تولیدات و صنایع داخلی، به طور خاص در دو حوزه کشاورزی و صنایع کلیدی سنگین مانند آهن و فولاد، توسط بیسمارک، نخستین صدر اعظم آلمان. این دوره به عنوان «انقلاب صنعتی دوم» نیز شناخته می‌شود
۲۴ مارس ۱۸۸۲	کشف میکروب سل توسط رابرت کخ
۱۸۹۰-۱۹۱۳	۳ برابر شدن صادرات آلمان و پیشی گرفتن این کشور از بریتانیا در سهم تولیدات صنعتی دنیا
۲۸ دسامبر ۱۸۹۵	چاپ مقاله ویلیهلم رونتگن کاشف ایکس ری، با عنوان «نوع جدیدی از ری‌ها»
انتهای قرن ۱۹	شناخته شدن آلمان به عنوان کشوری با نوآوری‌های علمی و آموزشی و معرفی اختراعات و اکتشافات جدید
۱۹۱۰	با پیشرفت صنعت فولاد، تولید فولاد در این سال به بیش از ۱۶ میلیون تن رسید و در یک بازه حدوداً سی ساله، رشد بیش از ۱۵ میلیون تنی داشت.
۱۹۱۳	سیطره صادرات فولاد ایالات متحده و آلمان بر کل بازار فولاد
۱۹۱۴	بیش تر بودن تولید فولاد آلمان در این سال از مجموع تولید فولاد بریتانیا، فرانسه و روسیه + تبدیل شدن واحد پولی آلمان، مارک، به یکی از واحدهای پولی ذخیره جهان
ابتدای قرن ۲۰	پیشی گرفتن از بریتانیا از حیث تولیدات صنعتی

منابع برای مطالعه بیشتر

برای مطالعه بیشتر در مورد تاریخچه اقتصادی آلمان می‌توانید به منابع زیر رجوع کنید:

1. Milward, Alan s. and S. B., Saul, *The Economic Development of Continental Europe 1780-1870*, New York: Routledge Revivals, 2011.
2. Taylor, A.J.P., *Bismarck: The Man and the Statesman*, New York: Cosimo Classics, 1967.
3. Schroter, Alfred and Walter, Becker, *German Mechanical- Industry in the Industrialist Revolution*, Berlin: Institute for Economic History at the College of Economics, 1962.
4. Becker, Sascha O., Erik, hornung and Ludger, Woessmann, «American Economic Association», American Economic Journal: Macroeconomics, July 2011, pp.92-126.
5. Kalbach, Van, *German Empire historical scientific displays and the formation of the history of science discipline*, Elsevier, 2020.
6. Chang, Ha-joon, *Kicking Away the Ladder: Development strategy in historical perspective*, London: Wimbledon publishing company, 2002.
7. Tilly, Richard H., Michael, Kopsidis, *From Old Regime to Industrial State; A history of german industrialization from the eighteen century to world war I*, London: The university of Chicago, 2020.
8. Postan, M.M., D.C., Colema and Peter, Mathias, *The cambridge economic history*, London: Cambridge university press, 2008.
9. Cipolla, carlo M., *The Fontana Economic History of Europe; the industrial revolution*, London: Collins Clear-type press, 1973.
10. Cipolla, carlo M., *The Fontana Economic History of Europe; the emergence of industrial societies-I*, London: Collins Clear-type press, 1973.
11. Henderson, w.o., *The industrial revolution on the continent(Germany, France, Russia)1800-1914*, London: Frank cass & co. LTD, 1961.
12. Trebilcock, Clive, *The industrialization of the continental powers 1780-1914*, New York: Routledge, 2013.
13. Blackbourn, David, *The Long Nineteenth Century; A History of Germany, 1780-1918*, New York: Oxford University Press, 1997.
14. Zussman, Asaf, *The Rise of German Protectionism in A Macroeconomic Perspective*, SIEPR, January 2002, number 01-19, pp 1-40.

بخش دوم

مسیر طی شده توسط ایران

وابستگی و هزینه‌های غیر قابل تحمل آن

دوران قاجار

اقتصاد ایران از دوران باستان تاکنون، فراز و فرودهای متعددی را طی کرده است. از دیرباز، تولیدات صنعتی شهرهای ایران متنوع و مرغوب بود. ایران تقریباً شرایط خوبی برای دست یافتن به یک تجارت گسترده و پیشرفته را داشت؛ خاک خوب، نزدیکی به دریا و شهرهای بندری، اراضی حاصلخیز، معادن غنی و.... شهرهای ایران، خصوصاً آن‌ها که بر سر راه‌های تجاری قرار داشتند، با وجود توسعه نیافتگی راه‌ها، از استعداد صنعتی و بازرگانی زیادی برخوردار بودند.^۱

ریشه فعالیت‌های صنعتی ایران به قرن شانزدهم و هفدهم میلادی که مقارن با حکومت سلسله صفویه می‌باشد، باز می‌گردد. ایران در آن دوره، کشوری صنعتی محسوب می‌گردید و کالاهای تولید شده توسط صنایع دستی آن به کشورهای دیگر صادر می‌شد. صنعت بومی ایران و رشته‌های وابسته به آن به‌ویژه در دوره صفویه و در هنگام سلطنت شاه‌عباس اول در اوج پیشرفت قرار داشت.^۲ با آغاز قرن نوزدهم میلادی که مقارن با شروع انقلاب صنعتی در اروپا بود، ایران دچار جنگ‌های داخلی و خارجی گردید و به شدت زیان دید. ضعف علمی و صنعتی که از اواخر صفویه شروع شده بود و تا زمان تأسیس سلسله قاجار ادامه داشت، در دوره قاجار با سیاست‌های استعماری روس و انگلیس تشدید گردید و «ضعف» به «عقب‌ماندگی» تبدیل شد.

۱. محمدعلی جمال‌زاده، گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران، ص ۵.

۲. راجر سیوری، ایران عصر صفوی، ترجمه احمد صبا، ص ۱۶۹.

در دوره قاجاریه، نفوذ سرمایه‌داری غرب باعث شد که اقتصاد ایران پس از گذشت قرن‌ها، سرانجام تحت سلطه غرب قرار گیرد و زمینه وابستگی آن به سرمایه و اقتصاد جهانی فراهم شود. در دومین انقلاب صنعتی که کشورهای اروپایی به فکر بازارهای خارجی برای فروش کالاهای خود افتادند، کشورهایمانند ایران در دام اقتصادی غرب افتادند. همین موضوع باعث شد تا اقتصاد ایران در دوره قاجار عموماً روزگار خوشی را نگذراند.

در این دوران، ایران محل رقابت دو قدرت روسیه و انگلیس بود. بر اثر این رقابت بود که کشور به حالتی نیمه استعماری تبدیل شد و ادغام آن در بازارهای جهانی، سرآغاز از بین رفتن بازارهای کوچک و محلی، رشد تجارت خارجی، صدور مواد خام، زوال صنایع دستی، اعتیاد به مصرف مصنوعات غربی و به‌طور کلی وابستگی اقتصادی به قدرت‌های استعماری بود. از طرفی توازن پرداخت‌ها بر هم خورده و قرض‌های خارجی افزایش یافت. همچنین قدرت‌های استعماری بر مؤسسات اقتصادی مانند بانک‌ها، گمرک‌ها و بازارهای محلی و بازرگانان و اصناف سلطه قابل توجهی پیدا کردند.^۱

در پی معاهدات تجاری و نفوذ اقتصادی روسیه و انگلیس، سیل عظیمی از مصنوعات صنعتی غرب به‌ویژه انگلستان و روسیه به بازارهای داخلی هجوم آورد. روند تصاعدی ورود کالا به ایران اختلال عظیمی در اقتصاد ایران به وجود آورد، این روند بخش اعظم ثروت‌های ملی ایران از جمله مسکوکات نقره و طلا را روانه امپراتوری‌های بزرگ مالی و صنعتی بین‌المللی نمود و مانع از سرمایه‌گذاری در بخش صنایع و توسعه کارخانه‌های مدرن گردید.^۲ در نتیجه؛ صنایع بومی ایران به تدریج دچار زوال شد. فروپاشی بازارهای داخلی، زوال صنایع ملی و در نتیجه خام‌فروشی را در پی داشت. در این بین، دولت‌های روس و انگلیس در کنار پرداخت وام‌های متعدد به سلاطین قاجار، با کسب امتیازات رنگارنگ اقتصادی و تجاری سلطه اقتصادی و سیاسی خویش را در ایران مستحکم نمودند.^۳

۱. احمد اشرف، منابع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران در دوره قاجار، ص ۴۶.

۲. پروانه آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۷۶.

۳. جولیان باری پر، اقتصاد ایران، صص ۲۱-۲۲.

سلطه دولت‌های استعمارگر بر اقتصاد ایران

در ایران عصر قاجار، به‌ویژه در بعد از جنگ‌های ایران و روس، فرصتی برای اصلاحات از بالا به دست «عباس میرزا»^۱ فراهم شد. در این برهه از زمان، وضعیت اقتصاد و دولت مرکزی، هر دو ضعیف بودند. همچنین به دنبال شکست‌های نظامی ایران از روسیه و تحمیل قراردادهای گلستان (۱۸۱۳) و ترکمانچای (۱۸۲۸) و نیز معاهده بازرگانی ایران و انگلیس در سال ۱۸۴۱، نفوذ دولت‌های استعمارگر در امور اقتصادی ایران افزایش یافت. آنها و بازرگانان اروپایی به کسب امتیازهای سیاسی و تجاری در ایران نائل شدند و این امتیازها، اسبابی را برای نفوذ به درون اقتصاد ایران فراهم نمود.^۲

سرتاسر عهدنامه‌های سیاسی و تجاری این دوران، به ضرر تجارت و سرمایه‌داری تجاری و صنعتی ایران تمام شد. طبق عهدنامه ترکمانچای، حق گرفتن فقط ۵ درصد وجه گمرک از کالاهای روسی متداول شد که چنین حقی را بعدها انگلیس، فرانسه، آمریکا و سایر دولت‌های اروپایی نیز برای تجار خود از ایران گرفتند. این در حالی بود که تجار ایران، علاوه بر گمرکات، در شهرهای مختلف هم باید به راهداری‌ها مبالغی پرداخته و این رسم گرفتن ۵ درصد گمرک از کالاهای خارجی باعث فلاکت تجار ایرانی و وفور مصنوعات ارزان قیمت خارجی در ایران شد.^۳ انگلیس‌ها از اواسط قرن نوزدهم، به واسطه امتیازات گسترده‌ای که از دولت ایران گرفتند - که حداقل ۳۵ مورد آنها همراه با پرداخت رشوه‌های کلان به مقامات ایرانی بود^۴ - نفوذ گسترده‌ای در اقتصاد ایران پیدا کردند. آنها در سال ۱۸۶۲ امتیاز ایجاد خطوط تلگرافی و در سال ۱۸۷۲ امتیاز کشیدن راه‌آهن از دریای خزر تا خلیج فارس، استخراج معادن، تأسیس بانک، ساخت آسیاب، کارخانجات، راه، کشیدن تلگراف و اداره گمرکات را در قالب قرارداد رویتز، به مدت ۲۵ سال در اختیار گرفتند. پادشاه ایران با اعتراض روس‌ها به امتیاز رویتز، در سال ۱۸۷۴ امتیاز تأسیس خط آهن را به روس‌ها واگذار کرد.

۱. ولیعهد ایران در فاصله سال‌های ۱۷۹۹ تا ۱۸۳۳ م.

۲. جان فوران، مقاومت شکننده، ص ۶۰۵.

۳. شبنم برزگر، اندیشه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی در عصر ناصرالدین شاه، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، ش ۱، صص ۲۲۲-۲۲۳.

۴. فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۳۴۹.

در سال ۱۸۷۸ شاه، قزاقخانه را به دولت روس واگذار و به استخدام افسران روسی برای لشکر قزاق پرداخت. سپس در سال ۱۸۸۸ انگلیسی‌ها امتیاز کشتیرانی در کارون را به دست آوردند و در سال ۱۸۸۹ امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی با حق انحصاری انتشار اسکناس را کسب کردند. در سال ۱۸۹۰ روس‌ها امتیاز بانک استقراضی را از دولت ایران گرفتند. در همین سال انگلیسی‌ها امتیاز تولید، فروش و صادرات توتون و تنباکورا به دست آوردند و در سال ۱۹۰۱ امتیاز استخراج و بهره‌برداری از نفت را به خود اختصاص دادند. به سبب این امتیازات - که تعداد آنها ۳۸ مورد است - تجارت خارجی ایران در دوره قاجار در عمل در دست دولت‌های بزرگ قرار گرفت.^۱

نابودی تولید داخلی ایران

موج انقلاب صنعتی دوم که به پیشرفت فتاباورانه در صنایع اروپا انجامید، در ایران قاجار، ورود و بروزی نداشت و چرخه تولید در ایران به مرور از توان رقابت با صنعت اروپا، که منجر به تولید انبوه و ارزان می‌شد، بازمی‌ماند. اگرچه در این برهه از تاریخ، صنایع تولیدی ایران از جمله صنعت نساجی، از نظر کیفیت محصولات در سطح بالاتری نسبت به محصولات خارجی قرار داشتند، اما واردات اجناس ارزان‌قیمت صنعتی، هرچند باکیفیت پایین‌تر، به عنوان خطری جدی برای آینده تولید داخل به حساب می‌آمد. در این بین، عامل مهمی که از صنعت داخلی در برابر هجوم واردات حفاظت کرده و به آن فرصت پیشرفت و کسب توان رقابت می‌داد، تعرفه‌های وضع‌شده بر اجناس خارجی بود. چارلز عیسوی، پژوهشگر سرشناس مصری، درباره تاریخ اقتصادی خاورمیانه می‌گوید: «منسوجات که از اقلام مهم صادراتی ایران بود، یکی از اقلام وارداتی شد»، وی هم‌چنین با سه نقل قول از سفیر انگلیس می‌افزاید:

تجار و بازرگانان کاشان در سال ۱۸۴۴ یادداشتی به شاهنشاه عرضه کردند و در آن از وی خواستند تا از امر بزرگانی آنها که در نتیجه رواج کالاهای اروپایی در مملکت لطمه زیادی خورده است، حمایت کند.

۱. رجوع کنید به: فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران.

او در سال ۱۸۴۸ میلادی می‌گوید: «کالاهاى تولیدی انگلیس، به شدت جای کالاهاى پنبه‌ای و ابریشمی ایران را گرفته است». وی بار دیگر در سال ۱۸۴۹ میلادی از کاشان گزارش می‌دهد:

از مدت‌ها پیش در نتیجه تجارت با اروپا -که به تدریج در سرتاسر مملکت گسترده شده و باعث از بین رفتن بسیاری از صنایع محلی گردید- کالاهاى تولیدی ایران به سرعت رو به انحطاط رفته است.

سازندگان کالاهاى دستی و زراعى برای تولید بهینه محصول تلاش نمی‌کردند و محصولات ایران به دلیل نامرغوبی، در خارج با اقبال روبرو نبودند. بی‌اعتنایی دولت قاجاریه به اهل علم، همه برای این اوضاع آشفته مزید بر علت بود.^۱

ناترازی تجاری

در طول دوره قاجار رشد تجارت خارجی ایران به دلیل عدم توسعه اقتصادی داخلی قابل ملاحظه نبوده است. نتیجه رشد تقاضای اروپا برای محصولات اولیه و فشار قدرت‌های اروپایی (هم به‌طور مستقیم و هم از طریق اعمال تعرفه‌های ترجیحی) برای فروش محصولات تولیدی خود، حجم و ترکیب صادرات و واردات ایران را تغییر داد و پیامدهای نامطلوبی برای اقتصاد ملی داشت.^۲ به دنبال از دست دادن سرزمین‌های شمالی و شرقی و تحمیل عهدنامه‌ها؛ ایران از یک اقتصاد جهانی به اقتصاد حاشیه‌ای تنزل پیدا کرد و در تقسیم کار اقتصادی به صدور مواد اولیه و خام اکتفا نمود. انگلستان با استفاده از قدرت نظامی در رسیدن به هدف‌های دیپلماتیک، قدرت تجاری خود را در خلیج فارس تثبیت کرد و آن را به بزرگ‌ترین طرف تجاری ایران تبدیل نمود. از آن طرف، روسیه نیز ترکیب دادوستد با ایران را به الگوی استعمار کلاسیک تبدیل نمود.^۳

۱. شبنم برزگر، اندیشه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی در عصر ناصرالدین شاه، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، ش ۱، ص ۳۲۱.

2. THE POLITICAL ECONOMY OF MODERN IRAN, Despotism and Pseudo- Modernism, 1926-1979, Homa Katouzian, p 37.

۳. جان فوران، مقاومت شکننده، ص ۱۸۰.

دولت با افزایش حجم صادرات به دنبال جبران کسری تراز بازرگانی بود. اما نیاز قابل توجهی در داخل کشور برای اقلام صادراتی وجود داشت و همین موضوع به کمبود شدید مواد غذایی و بروز قحطی منجر می‌شد. تجارت ایران تقریباً به‌طور کامل تحت سلطه معاملات با روسیه و بریتانیا قرار گرفت. در دهه‌های آخر حکومت قاجار، حدود ۸۰ درصد واردات و صادرات از ایران یا از این دو کشور و یا به مقصد آنها بوده است.^۱ در نیمه‌های سده نوزدهم میلادی (۱۱۷۹ تا ۱۲۷۹ ش) واردات از صادرات پیشی گرفت و تراز بازرگانی منفی پدید آمد. این کسری در ۱۲۹۲ ش (۱۹۱۳ م) حدود ۳ میلیون پوند استرلینگ بود. ایران به‌ناچار از خارجیان وام گرفت، ارزش پول خود را کاهش داد و امتیازهای تجاری بیشتری به بیگانگان واگذار کرد.^۲

کاهش ارزش پول

پیرو تسلط بیگانگان بر بازار ایران و نابودی صنایع داخلی، در ابتدا منابع مالی واردات از طریق خروج نقدینگی و مسکوکات طلا، نقره و جواهرات تأمین می‌شد که خود ضربه دیگری بر ارزش پول ملی و عاملی برای کاهش آن بود. رفته‌رفته با کاهش شدید این ذخایر، کشور تا آستانه ورشکستگی پیش رفت و موجب خارج شدن طلای ایران گردید.^۳ به‌طور طبیعی کاهش قدرت تولید، افت شدید ارزش پول ایران را نیز در پی داشت. در طول دوره ۱۹۰۰-۱۸۰۰ میلادی ارزش پول ایران، ۴۱۰ درصد کاهش پیدا کرده است که در طول پنجاه سال اول فقط ۱۲۰ درصد و در طول دوره دوم ۲۹۰ درصد کاهش یافته است. در ۵۰ سال ابتدایی با توجه به منابع طلا و نقره موجود در کشور، واردات کشور اکثراً با استفاده از طلا و نقره انجام می‌شد؛ اما پس از کاهش یافتن و رو به پایان رفتن منابع طلا و نقره، بیشتر از ارز خارجی برای واردات استفاده می‌شد که تنها منبع مهم ارز خارجی ما نیز صدور ابریشم بود^۴ و با توجه به در اختیار نداشتن ارز کافی در ۵۰ سال دوم، شاهد شیب بسیار تندتر کاهش ارزش پول در کشور بودیم.

1. Curzon, *Persian Question*. M. L. Entner, *Russo-Persian Commercial Relations, 1828-1914*, Gainesville, 1965, p 64.

۲. جان فوران، مقاومت شکننده، ص ۱۸۰.

۳. فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۴۰۳.

۴. همان، ص ۳۹۳.

در دوره قاجار، پایه پول ایران نقره بود و ارزش قران تحت تاثیر کاهش دائمی قیمت نقره (از ۱۸۷۰ به بعد) روندی نزولی داشت و این روند نزولی بعد از سال ۱۹۱۸ و پایان جنگ جهانی اول نیز ادامه پیدا کرد. کسری دائمی تراز بازرگانی و کاهش ارزش نقره از مهم‌ترین دلایل تنزل ارزش قران در مقابل سایر پول‌ها مخصوصاً لییره بود.^۱ اواخر دوره قاجار با کاهش شدید ارزش پول کشور، افزایش قیمت‌ها و بحران مالی گسترده‌تر و فزاینده دولت مواجه شد. کاهش ارزش قران ناشی از تراز تجاری نامطلوب و کاهش قیمت جهانی نقره بود.^۲ تا سال ۱۹۱۴ واحد پول ایران تنها یک پنجم ارزش خود در سال ۱۸۰۰ بود.^۳ در نتیجه کاهش ارزش پول و افزایش تورم، قیمت مواد غذایی در طول نیمه دوم قاجار افزایش زیادی داشتند. به عنوان مثال قیمت نان بیش از ۱۲ برابر، گندم حدود ۹ برابر، برنج بیش از ۷ برابر و... رسید. شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین عواقب سیاست‌های وابستگی اقتصادی ایران، در دوران جنگ جهانی اول مشاهده شد که در ادامه به آن می‌پردازیم:

قحطی ایران نتیجه سیاست‌های روس و انگلیس در دوران جنگ جهانی اول

چندی بعد از به تخت نشستن احمدشاه قاجار در ایران، جنگ جهانی اول با قتل ولیعهد اتریش در سارایوو آغاز شد. نخست‌وزیر وقت ایران، مستوفی‌الممالک، بدون هیچ درنگی بی‌طرفی ایران را در جنگ اعلام کرد. با این حال، به دلیل ضعف دولت مرکزی در ایران، دولت‌های روسیه و انگلستان از شمال و جنوب، ایران را اشغال و خسارات و لطمات جبران‌ناپذیری به کشورمان وارد کردند. نکته جالب اینجاست که انگلیسی‌ها تا چند سال بعد نیز در ایران ماندند و تنها بعد از کودتای رضاشاه بود که خاک ایران را ترک کردند. حضور این نیروها در ایران باعث شیوع انواع بیماری‌های واگیردار و مسری همچون وبا و آنفولانزا شده بود. علاوه بر این، به دلیل کمبود مواد غذایی و غلات، قحطی نیز کشور را دربر گرفت.

جان لارنس کالدول، وزیرمختار آمریکا در ایران، در این باره گفته است:

۱. رجوع کنید به: فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران.

2. Bakhash, Iran: Monarchy, Bureaucracy and Reform Under the Qajars. 1858-1896, London, 1978, p 271.

3. C. Issawi, The Economic History of Iran 1800-1914, London, 1971, pp. 335, 343-45.

«کمبود مواد غذایی به‌ویژه گندم و انواع نان، سراسر ایران به‌ویژه مناطق شمالی، حاشیه‌ای و نیز تهران را چنان در بر گرفته که پیش از آغاز زمستان، فقر و رنج وسیعی پدید آمده است. تردیدی نیست که زمستان امسال مرگ و گرسنگی چند برابر خواهد شد. حتی در این مقطع از سال، قیمت ارزاق و خوراکی به بالاترین حد خود در چندین سال گذشته رسیده و کمبود غله و میوه‌جات بسیار هشداردهنده و تکان‌دهنده است»^۱.

همچنین محمدقلی مجد، گفته است:

«در مجموع چیزی نزدیک به ده میلیون نفر از جمعیت ایران در جنگ جهانی اول کاسته شد و جمعیت کشور از ۲۱ میلیون نفر به چیزی نزدیک به ۱۱ میلیون نفر رسید که بخشی از این فاجعه بی‌شک ناشی از اشغال ایران به دست نیروهای روس و انگلستان و قحطی فراگیر و گسترده در کشور بود. این قحطی نیز تا حدود بسیاری زاییده سیاست روس و انگلستان در ایران بود»^۲.

موارد و مثال‌های عینی از نقش انگلستان در این قحطی بسیار زیاد است؛ برای مثال سرلشکر دنسترویل^۳، از فرماندهان ارتش بریتانیا در جنگ جهانی اول که مسئول تهیه آذوقه نیروهای بریتانیایی در ایران بود، می‌گوید:

«یکی از مواردی که باید مورد توجه قرار می‌گرفت مشکل آذوقه بود. نیازهای نیروهای بریتانیایی بسیار زیاد بود و ما باید خودمان را برای تهیه مقدار زیادی خوراکی آماده می‌کردیم. در بحبوحه قحطی هولناکی که نصیب مردم ایران شده بود و اینک در اوج قرار داشت نمی‌خواستیم آذوقه نیروهای بریتانیایی را از غذای این مردم قحطی‌زده تهیه کنم، اما در نهایت مجبور به این کار شدم و حتی خریدهای جزئی ما بر تورم کالاهای خوراکی تأثیر داشت و این روند به معنای مرگ بسیاری از مردم بود»^۴.

۱. جان لارنس کالدول، فقر و رنج در ایران، ۴ اکتبر ۱۹۱۷.

۲. محمدقلی مجد، قحطی بزرگ، ترجمه محمد کریمی، صص ۱۸-۲۰.

3. Lionel Charles Dunsterville.

4. Lionel Charles Dunsterville, Adventures of Dunsterforce, The Naval and Military Press, East Sussex, 2017, p 62.

سِر هنری راولینسون^۱ در یادداشتی که در روزنامه‌های مختلف انگلیسی زبان، از جمله ولینگتون ایندپندنت،^۲ منتشر شد نوشت:

«کلمات قادر نیستند چگونگی این فاجعه را شرح دهند. اگر این مصیبت یک سال دیگر طول بکشد ممکن است پرشیا را از حد یک ملت محو کند».^۳

دوران رضاشاه پهلوی

سلطه اقتصادی انگلیس در دوران رضاشاه

بعد از دوران قاجار، یکی از مقاطعی که انگلستان در ایران نفوذ چشمگیری داشت دوره سلطنت رضاشاه بود. رضاشاه به قدرت رسیدنش را مدیون انگلیسی‌ها بود و به همین دلیل می‌بایست به نفوذ این کشور در ایران تن می‌داد؛ به همین دلیل روابط تهران و لندن در دوره رضاشاه نیز همانند پیش از آن بود و با وجود توجه رضاشاه به آلمان، از نفوذ انگلستان در ایران این دوره چندان کاسته نشد.

با کودتای ۲۹ اسفند ۱۲۹۹ش راه برای به قدرت رسیدن رضاخان هموار شد. این کودتا که با طراحی و به کمک عوامل انگلستان به نتیجه رسید در نهایت چند سال بعد زمینه و بستر تغییر سلطنت از قاجاریه به پهلوی را فراهم کرد؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۰۴ش رضاخان به رضاشاه تبدیل شد و دیکتاتوری وی نزدیک به شانزده سال به درازا کشید.

در این مدت انگلستان منافع بسیاری در ایران داشت. اینکه آیا منافع بریتانیا در ایران بیشتر اقتصادی بود یا استراتژیک جای بحثی دیگر دارد، اما بی‌شک انگلستان سال‌های متمادی نفوذ خود را در ایران گسترش داده بود؛ به گونه‌ای که منافع اقتصادی بسیاری در ایران داشت. در واقع سلطه انگلستان در ایران چنان گسترده شده بود که قطع دست این کشور از امور ایران به راحتی ممکن نبود. شرکت نفت ایران و انگلستان، بانک شاهی ایران و تلگراف هند و اروپا نمونه‌هایی از این دست به‌شمار می‌آید. ارتباط

1. Sir Henry Rawlinson.

2. Willington Independent.

۳. ولینگتون ایندپندنت، ۱۷ کبر ۱۸۷۲: ص ۳.

محکم و گسترده این شرکت‌ها و مؤسسات مالی با انگلستان و هندوستان انگلیس سلطه اقتصادی انگلستان بر امور ایران را کاملاً آشکار می‌کند.^۱

به برکت وجود این نهادهای مالی در ایران بود که فعالیت تجاری و اقتصادی انگلستان در دهه ۱۹۲۰م در ایران رشد و رونق بالایی داشت. این رونق به دو دلیل بود: دلیل اول مشکلات اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی و نابه‌سامانی‌های اقتصادی این کشور بود که ریشه در انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷م و شاید جنگ جهانی اول داشت؛ دلیل دوم که بسیار اساسی‌تر است، تعرفه‌های نازل گمرکی ایران و ورود بدون مانع و مشکل کالاهای ساخت انگلستان بود که ضربه محکمی به تولید داخلی ایران می‌زد و مانع بهبود وضعیت اقتصادی ایران می‌شد. در واقع روابط ایران و امپراتوری انگلستان تا سال ۱۹۲۸م بر اساس تعرفه گمرکی سال ۱۹۲۰م بود که خود انگلیسی‌ها آن را تهیه و تنظیم کرده بودند و طبیعی بود که تعرفه ورود کالاهای انگلیسی به ایران را بسیار نازل باشد. این نکته را نیز باید افزود که شرکت نفت ایران و انگلستان خود مقدار چشمگیری از کالاهای انگلیسی مانند ماشین‌آلات و مواد غذایی و دیگر تجهیزات مورد نیاز خود را بدون پرداخت کوچک‌ترین مبلغ و عوارض گمرکی وارد ایران می‌کرد.^۲

دولت انگلستان همان قدر که برای صدور کالا به ایران هیچ حد و مرزی قائل نبود و هر چه می‌خواست وارد این کشور می‌کرد، در واردات کالاهای ایرانی بسیار تنگ‌نظرانه عمل می‌کرد. در واقع این سیاست انگلستان در ایران باعث شده بود تراز تجاری ایران با انگلستان همواره به نفع این کشور و به ضرر تهران باشد. در سال‌های دهه ۱۹۲۰م قسمت اصلی واردات ایران کالاهای اساسی و مصارف مورد نیاز مردم بود؛ اقلامی چون منسوجات پنبه‌ای، شکر و چای بیش از ۴۰ درصد از کل واردات ایران را تشکیل می‌داد و منسوجات پنبه‌ای در این میان در رتبه اول قرار داشت.^۳

۱. علی‌اصغر زرگر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلستان در دوره رضاشاه، ترجمه کاوه بیات، ص ۳۳۱.

۲. همان، ص ۳۳۲.

3. Esfandiari Yeganegi, Recent Financial and Monetary History of Persia, Columbia University, New York, 1934, p. 11.

در این میان، انگلستان سهم چشمگیری در این واردات داشت. در فاصله سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۲ش حدود ۶۶ درصد از کل واردات منسوجات پنبه‌ای ایران، حدود ۷۷ درصد از واردات نخی، ۷۴ درصد از کل واردات چای، ۷۰ درصد از ماشین‌آلات و نزدیک به ۹۰ درصد از محصولات فلزی و فولادی مورد نیاز کشور از انگلستان تأمین می‌شد. در همین مقطع زمانی انگلستان گذشته از نفت، حدود ۲۰ درصد از صادرات قالی، ۷ درصد از محصولات پنبه، ۲۵ درصد از مجموعه پنبه خام و در نهایت نزدیک به ۲۹ درصد از مجموع میوه‌های خشک و تازه ایران را وارد می‌کرد. در مجموع کسری تجاری ایران به اندازه‌ای بود که حتی تراز تجاری مثبت تهران با دیگر کشورها نیز نمی‌توانست از تراز تجاری منفی ایران و انگلستان کم کند.^۱ به همین دلیل بود که ارزش قران ایران در برابر ارزهای خارجی به شدت کاهش پیدا کرد؛ به گونه‌ای که واحد پول ایران در برابر لیره انگلستان بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد ارزش خود را از دست داد.^۲

جان فوران، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه سانتا باربارا کالیفرنیا، در کتاب «مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب» می‌نویسد:

«ورود متفقین مهر تأییدی بر وابستگی مداوم ایران در عصر رضاشاه زد که بهترین نشانه این وابستگی تمدید قرارداد امتیاز نفت در ۱۹۳۳-۱۹۳۲م (۱۳۱۲-۱۳۱۱ شمسی) بود که کنترل انگلیس را بیست و هشت سال بیشتر افزایش داد. رضاشاه در داخل کشور بسیار قدرتمند بود در حالی که هنوز به راحتی توسط قدرت‌های خارجی قابل سرنگونی بود».^۳

محمدقلی مجد، مدرس مرکز خاورمیانه دانشگاه پنسیلوانیا، در کتاب «رضاشاه و بریتانیا» می‌نویسد:

«گزارش بانک جهانی آشکار می‌سازد که: «بر اساس این برآوردها، شرکت

1. Arnold T. Wilson, "Persia and the Oil Dispute", Nineteen Century, No.113, January 1933, p. 307.
2. Arnold T. Wilson, "Persia and the Oil Dispute", Nineteen Century, No.113, January 1933, p. 276.
3. John Foran, Fragile Resistance: Social Transformation in Iran from 1500 to the Revolution, p255.

[نفت انگلیس و ایران] با عدم اجرای درست و توأم با حسن نیت تعهداتش در چارچوب امتیاز داری و با مهندسی کردن نحوه تعویض امتیاز داری با قرارداد نامطلوب سال ۱۹۳۳م [۱۳۱۲ شمسی]، ایران را از درآمدی بالغ بر ۱۲۰ میلیون دلار [معادل ۷/۲ میلیارد دلار] محروم ساخت.^۱ با معیارهای سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۵۱م [۱۲۹۰ تا ۱۳۳۰ شمسی] و برای کشور فقیری مثل ایران، ۷/۲ میلیارد دلار درآمدی غیرقابل تصور بود. مثلاً در سال ۱۹۲۵م [۱۳۰۴ شمسی]، کل مخارج دولت ایران فقط ۲۰ میلیون دلار بوده است. این گزارش می‌افزاید که میزان واقعی چپاول ثروت نفتی ایران به دست انگلیس به مراتب بیشتر از ۷/۲ میلیارد دلاری است که بر اساس آمار و ارقام منتشره از سوی خود شرکت برآورد شده است.^۱

آنچه به قرارداد ۱۹۳۳م [۱۳۱۲ شمسی] معروف شد، در واقع پذیرش درست شرایطی بود که شرکت نفت ایران و انگلیس^۲ پیشنهاد کرده بود. در گزارش بانک جهانی می‌خوانیم: «ایران در عوض اعراض از حق خود در چارچوب امتیاز داری، یعنی تملک کلیه دارایی‌های شرکت، چه در داخل و چه در خارج ایران که باید در سال ۱۹۶۱ [۱۳۴۰ شمسی] بدون مطالبه هیچ غرامتی به آن واگذار می‌شد، هیچ غرامتی دریافت نکرد. امتیاز داری فقط ۲۸ سال دیگر اعتبار داشت». علاوه بر این، به موجب امتیاز داری، ۱۰ درصد از مالکیت شرکت به ایران تعلق داشت که با پرداخت ۱ میلیون لیره^۳ (۵ میلیون دلار) از آن خریداری شد. «درواقع، گزارش‌های مالی شرکت نشان می‌داد که ارزش دفتری دارایی‌های شرکت بالغ بر ۴۶ میلیون لیره [۲۳۰ میلیون دلار] و ارزش واقعی آنها بیش از ۵۰۰ میلیون دلار است. بدین ترتیب، ایران نه ۱۰ درصد بلکه فقط ۱ درصد ارزش دارایی‌های شرکت را در قبال فروش سهم مالکیت خود دریافت کرد». [...] در واقع، یکی از اهداف لغو امتیاز داری محروم ساختن ایران از سهم مالکیتش در شرکت نفت و شرکت‌های تابعه‌اش بود.^۴

1. Mohammad Gholi Majd, Britain & Reza Shah: The Plunder of Iran, 1921-1941, p240.

2. APOC.

۳. منظور همان یوند استرلینگ است.

4. Mohammad Gholi Majd, Britain & Reza Shah: The Plunder of Iran, 1921-1941, p258.

از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۹م [۱۳۱۲ تا ۱۳۲۸ شمسی] شرکت نفت ایران و انگلیس، ۸۹۵ میلیون پوند استرلینگ درآمد خالص داشته است. از این مبلغ، ۵۰۰ میلیون پوند سود انباشته شده برای سرمایه‌گذاری بود، ۱۷۵ میلیون پوند به دولت انگلیس مالیات پرداخت شد، ۱۱۵ میلیون پوند به عنوان سود سهام به سهامداران غیر ایرانی (عمدتاً انگلیسی) تعلق گرفت و تنها ۱۰۵ میلیون پوند [یعنی] حدود ۹/۱۱ درصد از درآمد خالص یا ۶/۱۴ درصد از سود خالص به دولت ایران پرداخت شد. سایر ارقام مجموع کل فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس از سال ۱۹۰۸ تا ۱۹۵۰م [۱۲۷۸ تا ۱۳۲۹ شمسی] تمام سود آن را سه تا پنج میلیارد دلار و سهم ایران از آن را ده تا بیست درصد نشان می‌دهد. در سال ۱۹۴۷م [۱۳۲۶ شمسی] که حق امتیاز ایران هفت میلیون پوند شد، شرکت نفت معافیت گمرکی برای واردات به ایران به ارزش شش میلیون پوند داشت و معافیت نفت از مالیات صادراتی ۲۰ میلیون پوند برای ایران هزینه داشت.^۱

خلاصه اینکه قرارداد ۱۹۳۳م [۱۳۱۲ شمسی] یک خیانت کامل بود. لغو امتیاز داری توسط رضاشاه و جایگزین کردن آن با قرارداد سال ۱۹۳۳ را باید بزرگ‌ترین خیانت رضاشاه به ایران و حقوق آن و بزرگ‌ترین خدمت او به اربابان و حامیان انگلیسی‌اش دانست. بانک جهانی در گزارش خود به هنگام مقایسه این دو قرارداد بی‌پرده بیان می‌کند: «مقایسه شرایط این دو قرارداد و دست‌کاری واضح شرکت در گزارش مالی سال ۱۹۳۱م [۱۳۱۰ شمسی] به‌طور قطع ثابت می‌کند که قرارداد تعیین شده در سال ۱۹۳۳ از نظر اقتصادی نامناسب و به ضرر ایران بود. با در نظر گرفتن همه جوانب، مطلوبیت امتیاز جدید برای ایران به‌وضوح کمتر از امتیاز داری بود».^۲

1. John Foran, *Fragile Resistance: Social Transformation in Iran from 1500 to the Revolution*, p284.

2. Mohammad Gholi Majd, *Britain & Reza Shah: The Plunder of Iran, 1921-1941*, p259.

وابستگی اقتصادی به آلمان

در قانون انحصار تجارت خارجی، نقش دولت برای به کنترل گرفتن تجارت خارجی با دولت شوروی و بعد آلمان، که حدود ۶۰ درصد تجارت خارجی (به جز نفت) ایران در سال ۱۳۰۹ با آنها بود، ضروری دیده شد. حکومت پهلوی با تصویب متمم قانون انحصار تجارت خارجی، علاوه بر تعیین صادرات، در تعیین مقصد کالاهای صادراتی و نیز واردات نقش تعیین کننده ای پیدا کرد. سیاست یک جانبه حکومت رضاشاه در اقتصاد و تکیه بر آلمان صدمات بزرگی به اقتصاد ایران زد. دولت می توانست برای اجرای انحصارات به اقدامات متنوع تر دست بزند، اما با آلمانی ها روابط حسنه برقرار کرد و حتی مدیریت بانک ملی را به فردی آلمانی سپرد که مدتی بعد، به اتهام اختلاس برکنار شد. قرار گرفتن همه امور در دست دولت نه یک نگرش تازه که در واقع یک جانبه گرایی در اقتصاد و تجارت را به دنبال داشت.^۱ آلمان در تجارت رو به افزون و کنترل شده خود با ایران، از موقعیت محکم خویش به ضرر ایران استفاده کرد و قیمت کالاهای وارد شده بالاتر از قیمت هایی بود که در یک سیستم سالم عرضه می شد.^۲ با مراجعه به آمار بهتر می توان آسیب یک جانبه گرایی به اقتصاد ملی را درک کرد. در سال ۱۳۰۳، واردات از آلمان ۲ درصد بود، اما یک جانبه گرایی رضاشاه باعث شد در سال ۱۳۱۹-۱۳۲۰، آلمان ۶/۴۲ درصد واردات و ۹/۴۷ صادرات ایران را در دست داشته باشد. این گونه عملاً شوروی و انگلیس به حاشیه رانده شدند و وابستگی تمام عیار اقتصاد ایران به آلمان رقم خورد.^۳

کاهش ارزش پول

تا اوایل دوره رضاشاه، پایه پولی ایران بر مبنای نقره و ارزش پول، وابسته به قیمت نقره بود. در سال ۱۲۹۵ قیمت قران شروع به پیشرفت کرد و تا سال ۱۲۹۹ پیشرفت مزبور به مناسبت جنگ جهانی اول ادامه داشت. در این مدت، واردات از حیث قیمت ثابت بود، ولی به مناسبت پیشرفت قیمت اجناس وارد، مقدار جنس

۱. احمد سیف، نگاهی با دوربین به اقتصاد ایران (از مشروطه تا کنون)، صص ۷۷-۷۸.

۲. چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، ص ۵۹۶.

۳. جان فوران، مقاومت شکننده، ص ۳۷۱.

کمتری به ایران وارد می‌شد. در هنگام جنگ، پول خارجی زیادی وارد ایران شد و قشون بیگانه برای مخارج خود و خریدهایی که در داخل می‌کردند، ناچار به فروش «اسعار خارجی»^۱ بودند و در نتیجه زیاد شدن اسعار خارجی و بالا رفتن قیمت نقره، قیمت قران پیشرفت کرد، اما از سال ۱۳۰۱ که به مناسبت پایان جنگ جهانی و بازگشتن دنیا به حال عادی، عرضه اسعار خارجی کم و واردات زیاد شد و نرخ لیره پیشرفت محسوس کرد، شدت تقاضا (واردات) هم در سال ۱۳۰۱ زیادتر از سال‌های قبل بود، چرا که در این سال‌ها تجار می‌خواستند ذخیره کالاهای تمام‌شده در مدت جنگ را بپراکنند.

قیمت نقره در بحران ۱۹۲۹ به همراه سایر فلزات گران‌بها کاهش یافت. بنابراین به دلیل آنکه پایه پول ایران نقره بود، ارزش قران نیز سقوط کرد؛^۲ در مدت دو سال ارزش نقره ۴۲ درصد کاهش یافت و از ۲۴ پنی در بازار لندن در سال ۱۹۲۹ به ۱۴ پنی در سال ۱۹۳۱ رسید.^۳ در این دوره ارزش قران به طرز قابل‌توجهی کاهش یافت. قیمت لیره و دلار و مارک و فرانک، روزه‌روز پیشرفت می‌کرد. فقط طی سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۰، نرخ برابری از ۴۸ قران به ازای هر پوند استرلینگ به ۶۷ قران رسید که بیانگر ۴۰ درصد کاهش ارزش پول ایران بود. فوری‌ترین اثر کاهش ارزش قران، بالا رفتن هزینه کالاهای وارداتی بود. ارتش احتیاج به وسایل موتوری، هواپیما و کشتی و کامیون و اسلحه و غیره داشت، راه‌آهن به ملزومات و ریل لوکوموتیو و واگن نیازمند بود، به‌علاوه اژدهای زمین‌خواری هم در ایران پیدا شده بود که هر روز چندین قطعه ملک و ده می‌بلعید و این املاک شاهی احتیاجاتی از قبیل کامیون و ماشین برنج پاک‌کنی و پنبه پاک‌کنی و ریسندگی به تناسب توسعه‌ای که می‌یافت، لازم داشت. اسناد منتشرشده در این زمینه، نشان می‌دهد کمبود ارز و به اصطلاح راه‌حل‌های این معضل خسارات عظیمی به اقتصاد ایران وارد آورد. فرین، کنسول وقت آمریکا در تهران می‌نویسد:

۱. منظور از اسعار خارجی، ارزهای خارجی است.

۲. Homa Katouzian, political economy of modern Iran, p. 33.

۳. احمد گل‌محمدی، اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضاشاه، سند ۵ تا ص ۷، صص ۱۴-۸۰.

«سقوط ارزش قران و از آن بدتر بلاتکلیفی درباره این مسئله که این روند بالاخره چه وقت متوقف خواهد شد، روحیه بازاری‌ها را تضعیف و بازارهای واردات را فلج کرده است».

دکتر حسن مشرف نفیسی رئیس شرکت بیمه در زمان حکومت رضاشاه که وزارت دارایی محمدعلی فروغی در سال ۱۳۲۰ بر عهده داشت سال ۱۳۲۱ یک سال بعد از وزارتش کتابی به نام «زندگانی گران» منتشر کرد که در آن نکات قابل تأملی بیان می‌کند. به نظر مشرف نفیسی، گرانی از سال ۱۳۰۸ آغاز گردید. او این سال را آغاز سیاست مداخله دولت در امور اقتصادی می‌داند. به نظر او از سال ۱۳۰۸ دولت برای ساختن راه‌آهن، پرداخت هزینه دانشجویان در خارج، خرید اسلحه و مهمات، خرید کارخانجات، وارد کردن کامیون و اتومبیل، احتیاج به ارز زیادی پیدا کرد که تهیه آن در بازار داخلی از توانایی بازرگانی کشور خارج بود. به خصوص که عواید حق‌الامتیاز نفت هم که منبع تحصیل ارز بود از گردش در بازار بیرون بود و به نام اندوخته کشور در بانک‌های خارجی حبس می‌شد. در نتیجه؛ بر اساس قانون عرضه و تقاضا قیمت ارز خارجی در ایران پیشرفت کرد، به طوری که تا اواخر سال ۱۳۰۷، لیره که حدود چهل و پنج قران معامله می‌شد. از سال ۱۳۰۸ به تدریج پیشرفت کرد و به ۹ و ۱۰ تومان رسید. به عبارت دیگر مشرف نفیسی دلایل پیشرفت نرخ ارز را سه دلیل می‌داند:

«اول آنکه قانون‌نویس‌های ۱۳۰۸ با استناد قانون نظارت اسعار فکر می‌کردند اگر نرخ لیره را ۶ تومان قرار دهند، دیگر کسی به نرخ هفت و هشت تومان نخواهد خرید، درحالی که نرخ هفت یا هشت تومان را قانون عرضه و تقاضا تعیین می‌کرد نه فلان صراف یا فلان رئیس بانک.

دوم آنکه قانون‌گذارهای سال ۱۳۰۸ با وضع قانونی واحد پول ایرانی را از نقره به طلا تبدیل کردند تا ارزش ثابتی برای پول ایران پیدا شود، اما این قانون به پول اعتبار نداد و پشتوانه لازم بود؛ پشتوانه‌ای که در دسترس تجارت کشور باشد تا اگر موازنه تجارتي کشور با صادرات مرئی و غیرمرئی تراز نشد، کسری آن با طلای

پشتوانه پرداخته گردد نه آنکه برای اعتبار پول پشتوانه موهومی در زیر زمین بانک ناشر اسکناس محبوس باشد.

سوم آنکه قانون‌گذارهایی که مبتکر قانون انحصار تجارت خارجی بودند خیال می‌کردند می‌توانند به میل خود مصرف اهالی را کم یا زیاد کنند و استعمال فلان کالا را محدود یا تولید کالای دیگری را افزایش دهند.^۱

بحران جنگ جهانی دوم و کاهش ارزش پول در یک اقتصاد وابسته

حوادثی که در جنگ جهانی اول رخ داد، در جنگ جهانی دوم نیز دوباره اتفاق افتاد و ایران دوباره گرفتار قحطی و جنگ‌زدگی شد. دولت ایران این بار نیز در جنگ اعلام بی‌طرفی کرد و رضاشاه به نوعی قصد داشت با وقت‌کشی پیروز جنگ مشخص شود. با این حال، این بار نیز سه قدرت متفق، یعنی ایالات متحده آمریکا، انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی، ایران را اشغال و به نوعی درگیر جنگ جهانی کردند. بهانه تهاجم نیز نیاز مبرم مسکو به انتقال تجهیزات و مهمات از طریق خاک ایران به دلیل تهاجم آلمان بود. اما این سه قدرت فقط به انتقال منابع و تجهیزات بسنده نکردند و بسیاری از زیرساخت‌های کشور را نابود کردند. همچنین نفت را که منبع درآمد اصلی کشور بود، در دست گرفتند و این‌گونه ایران درگیر بحران اقتصادی شد که پیامدهای آن در بخش‌های مختلف از جمله افزایش قیمت مواد غذایی و کمبود غذا مشهود بود.

محمدقلی مجد بحران جنگ جهانی دوم در ایران را این‌گونه توصیف کرده است: «روسیه و انگلیس متعاقب اشغال ایران همه کامیون‌ها، اتوبوس‌ها و همچنین خط آهن ایران را تصاحب کرده، قوت لایموت مردم ایران را در هر جایی که بدان دست می‌یافتند، مصادره می‌کردند و ده‌ها هزار آواره لهستانی از روسیه به ایران کوچانده شدند» و وضعیت مواد غذایی، حمل و نقل، بهداشت و سلامت عمومی در ایران را به شدت بحرانی کرد. آمارها نشان می‌دهند که در دوره چهارساله اشغال کشور، حدود ۲ تا ۴ میلیون تن از جمعیت ایران بر اثر عوامل مختلف، اعم از مباران‌های نظامی،

۱. رجوع شود به: مشرف نفیسی، زندگانی گران.

قحطی و گرسنگی و بیماری از بین رفتند؛ در نتیجه ایران سال‌ها از رشد و توسعه و تولید و پیشرفت اقتصادی باز ماند.^۱

پس از گذشت یک ماه از اشغال ایران، ارزش پول کشور تنزل پیدا کرد. مجلس ایران برای تأمین نیاز ریالی متفقین، سه بار اجازه انتشار اسکناس داد و افزایش چهار برابری نقدینگی به کاهش صد درصدی ارزش پول ملی انجامید.^{۲ و ۳}

تا شهریور ۱۳۲۰ بانک ملی ایران با وجود داشتن حق انتشار اسکناس تا ۲۵۰۰ میلیون ریال، عملاً حجم اسکناس منتشره را معادل ریال ۱۵۵۰ حفظ کرده بودند. با حمله متفقین به ایران مسئله تأمین هزینه‌های ریالی آنها مطرح شد. در شش ماهه دوم سال ۱۳۲۰ حجم اسکناس ۲۹ درصد افزایش یافت. سال بعد نیز ۱۳۳ درصد افزایش یافت. این روند در سال ۱۳۲۲ معادل ۴۶ درصد و حجم کل اسکناس صادره معادل ۶۸۰۰ میلیون ریال شد. در سال ۱۳۲۳ این روند کاهش پیدا کرد و در سال ۱۳۲۴ این روند قطع شد و بانک ملی ایران معادل ۲۱۲ میلیون ریال از حجم اسکناس‌های موجود را کاست. در این دوره متفقین، کالاهای خود را به ایران با بالاترین قیمت می‌فروختند، ارزش پول ایران را کاهش می‌دادند، اسکناس چاپ می‌کردند و خودشان به خودشان اعتبار می‌دادند. کاهش ارزش پول ایران موجب شد که سود متفقین در خرید کالاهای ایران دو برابر شود. توان وارداتی ایران شدیداً افت کرد و ایران نتوانست، نیاز صنعت به کالاهای سرمایه‌ای و اجناس مصرفی و تمام شده را تأمین کند.^۴

متفقین برای آنکه بتوانند هزینه و مبادلات خود را انجام دهند به بانک ملی دستور می‌دادند تا هر چه بیشتر پول چاپ کند که در نتیجه چاپ بدون پشتوانه پول، حجم پول چند برابر شد و تقاضا برای کالا را بالا برد و قیمت‌ها نیز بالاتر رفت. حجم اسکناس از ۱۳۵۰ میلیون ریال در سال ابتدایی جنگ به ۷۷۶۲ میلیون ریال در سال ۱۳۲۳ رسید. علاوه بر این سیستم حمل و نقل به خصوص راه‌آهن در اشغال قوای

۱. محمدقلی مجد، پل پیروزی، سرزمین قحطی، ترجمه علی فتحعلی آشتیانی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های

سیاسی، ۱۳۹۵، ص ۵۶.

۲. محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، مرکز، ۱۳۷۲، صص ۱۸۷-۱۸۸؛

۳. روزنامه اطلاعات، ۱۰ فروردین ۱۳۲۱.

۴. کاوشی، حسین، مجلس سیزدهم و بحران اقتصادی پس از شهریور ۱۳۲۰، فصلنامه پیام بهارستان، شماره ۱۲، تابستان ۱۳۹۰، ص ۶۱۱.

متفقین بود و حمل و نقل کالا به نقاط مختلف کشور با مشکل همراه شد و کالاها به موقع به بازار نمی‌رسید. هزینه حمل و نقل بالا رفت و قیمت کالاها را با خود افزایش داد و هم‌زمان ارزش پول ملی کاهش یافت. باید توجه داشت که کاهش ارزش ریال تنها با سیاست‌های مستقیم متفقین در پیوند نبود. اگرچه هزینه‌هایی که قشون متفقین ایجاد کردند باعث بالا رفتن قیمت‌ها شد، اما نیاز به واردات کالاهای ضروری در سال‌های کمیابی باعث تقاضای هر چه بیشتر برای خرید و حتی احتکار آنها شد که خود این امر نیز کاهش ارزش پول ملی را در پی داشت.^۱

نتایج اقتصاد وابسته دوران رضاشاه در زندگی مردم

همان‌طور که کل تولید ناخالص ملی در زمان رضاشاه افزایش یافت، بر حجم نابرابری‌ها نیز افزوده شد؛ به‌طوری‌که یک نظاره‌گر دقیق اوضاع نوشته است:

«به دلیل هزینه‌های جدید که به‌خاطر برنامه‌نوسازی رضاشاه ایجاد شد، در زمان شروع جنگ جهانی دوم وضع اقتصادی متوسط ایرانیان به‌نحو قابل ملاحظه‌ای از وضعیتشان در سال ۱۹۲۵م [۱۳۰۴ش] بدتر بود؛ اگرچه تحقیقات بعدی ممکن است بیان فوق را قدری مبالغه‌آمیز بدانند، اما به‌نظر می‌رسد شکی وجود نداشته باشد که اصلاحات رضاشاه به‌طور عمده از جیب مردم فقیر و بیشتر به نفع یک گروه محدود از طبقات برجسته و مرفه اجتماع بود».^۲

صنعتی شدن و مداخله دولت در تجارت خارجی به‌منظور احداث راه‌آهن به یک اقتصاد تورمی بلندمدت بعد از سال ۱۳۱۲ش انجامید؛ به‌طوری‌که در سال ۱۳۲۰ش قیمت‌ها دو برابر گردید، مزدها با تورم افزایش پیدا نمی‌کرد و تولید ناخالص ملی در فاصله ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۹ش دوبرابر شد، اما بر میزان نابرابری درآمدها افزوده گردید. بخش روستایی تاوان غذای ارزان شهرنشینان را می‌پرداخت و توده‌های شهری هم بار سنگین مالیات‌ها را به‌جای سرمایه‌داران بر دوش می‌کشیدند و منافع کلان سرمایه‌داران از قبل آنها تأمین می‌شد.^۳

۱. داریوش رحمانیان، ایران بین دو کودتا، صص ۳۹۵-۳۹۷.

۲. نیکی کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ص ۱۹۶.

۳. جان فوران، مقاومت شکننده، صص ۳۶۵-۳۶۶.

آرتور چستر میلزپو، مشاور اسبق دفتر تجارت خارجی وزارت امور خارجه ایالات متحده که برای سازمان‌دهی مجدد وزارت دارایی ایران استخدام شد، در کتاب «آمریکایی‌ها در ایران» می‌نویسد:

«در پایان حکومت رضاشاه [از سال ۱۹۳۷ تا فوریه ۱۹۴۳ م [۱۳۱۶ تا بهمن ۱۳۲۱ شمسی] هزینه زندگی طبق بهترین شاخص‌هایی که در دست بود، از رقم پایه ۱۰۰ به ۷۷۸ افزایش یافته بود؛ یعنی قیمت‌ها تقریباً هشت برابر شده بود. تورم قبل از ۱۹۳۷ آغاز شده بود؛ اما بعد از هجوم نظامی و استعفاء، قیمت‌ها با سرعت افزایش یافت. از مارس ۱۹۴۲ تا فوریه ۱۹۴۳ [از فروردین ۱۳۲۱ تا اسفند ۱۳۲۱] هزینه‌های زندگی بیش از دو برابر شد. در زمان ورود ما به نظر می‌رسید که تورم به مرحله سر به فلک کشیده رسیده است»^۱

محمد قلی مجد، مدرس مرکز خاورمیانه دانشگاه پنسیلوانیا، در کتاب «رضاشاه و بریتانیا» می‌نویسد:

«دستمزدها فقط کفاف بخور و نمیر مردم را می‌دهد و یک کارگر معمولی روزانه چهار تا ده ریال یا به‌طور متوسط هشت ریال بیشتر دستمزد ندارد. صرف‌نظر از نرخ برابری ریال با ارزهای خارجی، با یک ریال فقط می‌توان یک قرص نان سفید خرید. به عبارت دیگر یک کارگر باید سه تا هفت ریال بابت غذای روزانه‌اش بپردازد. بنابراین، می‌بینید که این دستمزدها حتی کفاف تأمین غذای یک خانواده را هم نمی‌دهد؛ برای همین اکثر کارگران رژیم گرسنگی دارند که شامل چای، نان محلی (نه سفید)، پنیر و پیاز، گاهی اوقات مقداری سبزی و انگور و به‌ندرت برنج و گوشت ارزان قیمت است. حتی پولی برای خرید لباس کافی یا داشتن رؤیای تجملاتی چون تحصیل فرزندان نمی‌ماند. گاه همسر یا همسران یک کارگر به همراه بچه‌ها کار می‌کنند تا خانواده درآمد بیشتری داشته باشد و سطح زندگی قدری بالاتر برود»^۲.

1. Arthur Chester Millsapugh, Americans in Persia, p58.

2. Mohammad Gholi Majd, Britain & Reza Shah: The Plunder of Iran, 1921-1941, p375.

دوران محمدرضا شاه پهلوی

محمدرضا شاه پهلوی مانند پدرش راه اقتصادی وابستگی را پیش گرفت و کمتر از ۲۰ درصد درآمد نفت ایران به دولت ایران می‌رسید و بقیه ثروت نفت ایران توسط انگلیسی‌ها غارت می‌شد. دکتر مصدق طرح ملی شدن صنعت نفت ایران را مطرح کرد^۱ تا دست بیگانگان را از این ثروت ملی قطع کند؛ اما مصدق نیز با کودتای آمریکایی‌ها سرنگون شد.

اقتصاد پس از کودتا

پس از اینکه شاه با کمک انگلستان و آمریکا توانست با یک کودتای نظامی بار دیگر بر مسند قدرت قرار گیرد، سیاست خارجی ایران با چرخش به سمت غرب بیش از پیش به آمریکا و انگلیس نزدیک شد و به‌طور کامل تحت تسلط آمریکا قرار گرفت. از سال ۱۳۳۳ نفتی که به ظاهر ملی شده بود با قرارداد کنسرسیوم عملاً از اختیار ایران خارج شد. بر اساس این قرارداد تولید، استخراج و عرضه نفت ایران برای ۲۵ سال در اختیار کنسرسیوم قرار گرفت که به اعتراف علی‌امینی معنایی جز غارت منابع ملی نداشت و به‌هیچ‌وجه ایده‌آل نبود. حتی خود انگلیسی‌ها نیز اعتراف کردند که کنسرسیوم حربه‌ای برای غارت پنهانی نفت ایران بود. به گفته دنیس رایت کاردار سفارت بریتانیا در ایران، بر اساس قرارداد کنسرسیوم، ایران ظاهراً حاکمیت بر نفت را در اختیار داشت؛ درحالی‌که کنترل واقعی در دست کنسرسیوم بود.^۲

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ واردات کالا رشد سریعی داشت (در ۱۳۳۸ شش برابر ۱۳۳۳ بود)؛ صادرات کالاهای غیر نفتی کاهش یافت و هیچ‌گاه به سطح ۱۳۳۳ خود نرسید و درجایی که ترازهای بازرگانی بدون نفت و شامل نفت در سال‌های ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ دارای مازاد بود، در سال‌های بعد به‌رغم تداوم رشد سریع درآمدهای نفت، کسری تراز بازرگانی با سرعت رشد یابنده‌ای پدید آمد. درواقع تنها همین ارقام تصویری گویا از زوال صادرات سنتی (غیرنفتی) ایران، تسخیر بازارهای کشور به وسیله کالاهای خارجی،

1. https://en.m.wikipedia.org/wiki/Anglo-Persian_Oil_Company

۲. محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ص ۲۴۷.

بر باد رفتن درآمدهای نفت، فساد دستگاه و مسئولان دولتی و ثروتمندتر شدن گروه کوچکی از وابستگان دولت از طریق توزیع درآمدهای نفتی بود.^۱

از دیگر موضوعاتی که زندگی در دهه ۳۰ را بر مردم دشوار کرده بود، بیکاری و تورم بالا بود. کاتوزیان در تحلیل‌های خود از آخرین سال‌های دهه ۳۰ به بیکاری افراد و تورم بالا در این دهه اشاره می‌کند و می‌نویسد:

بیکاری در میان نیروی کار غیر ماهر شهری به سرعت در حال افزایش بود. در سال ۱۳۳۹ کسری انباشته تراز پرداخت‌ها، بیکاری و میزان بالای تورم، حباب سیاست درهای باز، رشد اقتصادی روستایی، مصرف‌زدگی اقساطی و ناسیونالیسم مثبت، همه را به یک باره ترکاند. دو سال بعدی را جامعه ایران در رکود اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی به سر برد و جنگ قدرت سختی را نظاره کرد که از میان آن استبداد شبه مدرنیستی شاه، زاده شد و صدمات و ویرانی‌های بی‌سابقه‌ای را برای کشور به ارمغان آورد.^۲

الگوی اقتصادی دهه ۴۰ و ۵۰ به گونه‌ای اتخاذ شده بود که تابع الگوی توسعه غربی و وابستگی به قدرت‌های خارجی بود.^۳ جان فوران در کتاب «مقاومت شکننده» وابستگی اقتصادی ایران را این گونه توضیح می‌دهد:

درک جایگاه جهانی ایران در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ مستلزم بررسی روابط سیاسی و اقتصادی آن با مرکز جدید قدرت یعنی ایالات متحده آمریکا، سایر کشورهای پیشرفته صنعتی، ژاپن، بلوک سوسیالیستی خاصه شوروی و جهان سوم خاصه خاورمیانه و همسایگان آسیایی است. از بعد نظری، جالب‌ترین مسئله همانا میزان دور شدن ایران از حاشیه اقتصاد جهانی به جایی است که والرش‌تاین، نیمه حاشیه‌ای می‌خواند. نیمه حاشیه‌ای، دولت‌هایی هستند که حالت بینابینی دارند... مرور بر این روابط، توضیح کامل مفهوم وابستگی به یک

۱. محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ص ۲۵۴.

۲. همان، ص ۲۵۵.

3. Andrew Scott Cooper, The Fall of Heaven: The Pahlavis and the Final Days of Imperial Iran, New York, Henry Holt and Company, 2016, p 62.

یا چند کشور را امکان پذیر می‌سازد.^۱

افزایش قیمت نفت

جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل (۱۳۴۶ش) و نیز جنگ کیپور در سال ۱۳۵۲ و متعاقب آن اقدام کشورهای عربی برای جلوگیری از صادرات نفت به اسرائیل و حامیان آن، مقدمات افزایش قیمت نفت را فراهم کرد. در سال‌های ابتدایی دهه پنجاه، میزان تولید نفت ایران و در نتیجه درآمد حاصله از آن با رشدی چشمگیر مواجه شد؛ در سال‌های آغازین دهه ۵۰، قیمت هر بشکه نفت ایران در بازارهای بین‌المللی با جهشی بی‌سابقه از ۳ دلار به ۲۰ دلار رسید.^۲

انتخاب مسیر خرج کردن افزایش درآمدهای نفتی

به دنبال افزایش درآمدهای نفتی دو دیدگاه در کشور برای نحوه مواجهه با آن به وجود آمد. یک ایده که جوانان تحصیل‌کرده در سازمان برنامه و بودجه و نیز غالب اقتصاددانان بر آن بودند، این بود که در صورت تزریق سریع بودجه به اقتصاد، به دلیل فقدان بسترسازی و نیز عدم توان اقتصاد کشور به جذب این همه منابع، کشور با تورم بالایی روبه‌رو خواهد شد که نیت خیرخواهانه برای سرعت بخشیدن به رشد و رفاه را معکوس خواهد کرد. اما در آن سوی ماجرا شاه قرار داشت که به دلیل شتاب برای رسیدن به دروازه تمدن و نیز کسب اعتبار بیشتر و جلب افکار عمومی و نیز کسب وجهه بین‌المللی در جهان، معتقد به بهره‌گیری فوری از درآمدها برای رسیدن به رفاه از طریق واردات سریع کالاهای ضروری، ایجاد صنایع، تقویت نیروهای نظامی از طریق واردات تسلیحات پیشرفته، افزایش دستمزد و امثال آن بود. شاه در کنفرانس رامسر نگاه و نظر اقتصاددانان را در این خصوص به سخره گرفت. عباس میلانی این نگاه شاه را «تجتم استبداد در عرصه اقتصادی» برمی‌شمارد.^۳

۱. جان فوران، مقاومت شکننده، صص ۵۰۶-۵۰۷.

2. Homa Katouzian, The Political Economy of Modern Iran: Despotism and Pseudo-Modernism 1926-1979, Palgrave Macmillan UK, 1981, p. 205.

۳. عباس میلانی، معمای هویدا، ص ۳۶۰.

برنامه‌های ايران برای استفاده از درآمدهای نفتی و نتایج آن

ظرف مدت ۶ ماه درآمدهای حاصل از نفت میزان عواید نفتی را سالانه از ۵ میلیارد به ۱۹ تا ۲۰ میلیارد دلار رساند. در ژوئن ۱۹۷۴ میلادی سازمان برنامه و بودجه در برنامه عمرانی پنجم تجدید نظر کرد و میزان هزینه‌ها را از ۳۶/۸ میلیارد دلار به ۶۹/۶ میلیارد دلار افزایش داد. بحث و گفتگوهایی که بر سر چگونگی هزینه‌ها انجام می‌شد، خصوصی بود و تنها شاه و مقامات مهم دولتی در آنها مشارکت داشتند.

اقدامات شدید عمرانی که در سال ۱۹۷۴ میلادی آغاز شد و هدف آن افزایش سریع رشد توسعه بود، انتظارات را برانگیخت و در نتیجه موجب افزایش تورم شد. همین‌که درآمدهای زیاد حاصل از نفت به بازار سرازیر شد، بهای تمام کالاها به شدت بالا رفت؛ بنا بر آمارهای رسمی نرخ تورم که در سال ۱۹۷۴ میلادی بیش از ۱۸ درصد نبود در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ میلادی به متوسط ۲۵ تا ۳۵ درصد رسید. قیمت‌ها به‌طور سرسام‌آوری بالا رفت و هزینه مسکن در صدر آن جای داشت. اجاره یک آپارتمان در سال ۱۹۷۶ میلادی، ۷۰ درصد گران‌تر از سال ۱۹۷۳ بود.

در سال مالی ایرانی که از مارس ۱۹۷۴ تا مارس ۱۹۷۵ میلادی ادامه داشت دولت معادل ۲۲ میلیارد دلار خرج کرد. این مقدار تقریباً معادل مجموع هزینه ۳ سال گذشته بود. تأثیر این نوع خرج کردن مثل اثر تغییر دنده اتومبیل از یک به چهار در یک سرازیری بود، راحتی و کنترل فدای سرعت شد. به جای هدف اولیه نرخ رشد ۱۱/۴ درصد ایران در جستجوی رشدی به میزان ۲۵/۹ درصد برآمد، اما این رفاه مالی کوتاه‌مدت بود. در عرض فقط ۲ سال در اواسط سال ۱۹۷۶ میلادی هزینه از درآمد پیش افتاد و تنگناهای جمع شده به سرعت رشد لحام‌گسیخته را کم کرد.^۱

آنتونی پارسونز، دیپلمات انگلیسی و سفیر بریتانیا در ایران، در کتاب «غرور و سقوط؛ ایران» می‌نویسد:

«تزیق ناگهانی درآمدهای حاصله از افزایش هنگفت قیمت نفت در دسامبر سال ۱۹۷۳ میلادی [آذر ۱۳۵۲ شمسی] بدون افزایش سطح تولید، تعادل عرضه و تقاضا

۱. رابرت گراهام، سراب قدرت، صص ۱۸-۱۹.

را در بازار ایران بر هم زد و به تورم و گرانی بی سابقه‌ای انجامید که نرخ آن به اعتراف خود مقامات دولتی در حدود ۲۰ درصد در سال و عملاً خیلی بیشتر از آن بود.^۱

جان دی استامپل، استاد ارشد روابط بین‌الملل در دانشکده دیپلماسی و تجارت بین‌المللی پترسون دانشگاه کنتاکی، در کتاب «درون انقلاب ایران» می‌نویسد:

«همین‌که درآمدهای زیاد حاصل از نفت به بازار سرازیر شد، بهای تمام کالاها به‌طور چشمگیری بالا رفت. طبق آمارهای رسمی نرخ تورم که در سال ۱۹۷۴ میلادی [۱۳۵۳ شمسی] بیش از ۱۸ درصد نبود در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ میلادی [۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ شمسی] به متوسط ۲۵ تا ۳۵ درصد رسید. قیمت‌ها به‌طور فزاینده‌ای بالا رفت و هزینه مسکن در صدر آن جای داشت.»^۲

شاه‌گزینش «جهش بزرگ» به جلو را همراه با انقلاب سفید تأیید کرد. او «تمدن بزرگ» را تصور می‌کرد که ایران را در عرض چند سال تبدیل به «ژاپن خاورمیانه» می‌کرد. هجوم انبوه چاپلوسان به سوی ایران و دربار شاهنشاهی، یقیناً نقش مهمی در تلف کردن فرصت تاریخی داشت که در آن هنگام به ایران رو کرده بود؛ لذا هر کشوری در ایران یک یا چند طرح بزرگ داشت. اما کم‌کم نخستین نشانه‌های دشواری در اواخر ۱۹۷۵ میلادی هنگامی پدیدار شد که درآمد نفت ۱۲٫۲ درصد تنزل کرد. سپس در ۱۹۷۷ میلادی که آهنگ رشد تولید صنعتی از ۲۶٫۵ درصد به ۱٫۶ درصد در سال سقوط کرد، تورم تنش‌هایی در بازار فروش کالاها به وجود آورد و سفته‌بازی به میزان گسترده موجب کمبود سیمان، برق، قند و شکر و حتی پیاز و روغن نباتی شد. مبارزه با گران‌فروشان و سودجویان که در ژوئیه ۱۹۷۵ میلادی آغاز شد نه به سوداگران بزرگ نزدیک به دربار، بلکه به تجار بازار صدمه زد. بازاریان به ابراز بدگمانی نسبت به رژیم شاهنشاهی پرداختند که دیگر به آنان اجازه نمی‌داد آزادانه داد و ستد کنند. قانون ۱۹۷۵ میلادی که شرکت‌های دولتی و خصوصی را مجبور می‌ساخت ۴۹ درصد سهام خود را به بازار بورس عرضه کنند یا به کارمندان‌شان بفروشند، بورروازی جدید را ناراضی کرد و این نگرانی را

1. Anthony Parsons, The pride and the fall: Iran, 1974-79, p8.

2. John D Stempel, Inside the Iranian Revolution, p9.

به وجود آورد که شاه برای تحکیم قدرتتش واقعاً چه بازی‌هایی را آغاز کرده است. این عدم اطمینان از ۱۹۷۶ میلادی موجبات تسریع فرار سرمایه‌ها را فراهم کرد. ناشی‌گری رژیم شاهنشاهی مانع از این گردید که ایران بتواند از فرصت تاریخی که پیش آمده بود برای خروج از عقب‌ماندگی که هنوز در اغلب نقاط کشور وجود داشت، استفاده کند.^۱

فرد هالیدی، نویسنده و متخصص روابط بین‌الملل و خاورمیانه، در کتاب «ایران: دیکتاتوری و توسعه» می‌نویسد:

«گزارشی که در سال ۱۹۷۵ میلادی [۱۳۵۴ شمسی] توسط مؤسسه هادسون انجام گرفته نشان می‌دهد که حتی اگر ایران به هدف‌های توسعه خود در سال ۱۹۸۵ میلادی [۱۳۶۴ شمسی] برسد، باز اقتصادی خواهد داشت نه خیلی زیاد پیشرفته‌تر از اقتصاد هند و برابر یا کمی کمتر از اقتصاد مکزیک. اگر این هدف‌ها وصول نشود در آن صورت در دهه پایان قرن حاضر، ایران چیزی بیش از یک بنای عظیم صنعتی ناتمام نخواهد بود که به زیور قدرت و تأثیرات بین‌المللی آراسته است ولی در کل هیچ چیزی نیست».^۲

ماروین زونیس، تحلیل‌گر بین‌المللی و عضو هیئت علمی دانشگاه شیکاگو، در کتاب «شکست شاهانه» می‌نویسد:

«سفیر آمریکا، ویلیام اچ سالیوان، مدت کوتاهی پس از ورود به تهران در ماه ژوئن سال ۱۹۷۷ میلادی [خرداد ۱۳۵۶ شمسی] توجه خود را به مهم‌ترین مسئله‌ای معطوف کرد که پس از آشنایی با این کشور با آن مواجه شده بود. او متقاعد شده بود که برنامه صنعتی کردن شاه بیش از حد جاه‌طلبانه است و با ظرفیت‌های اقتصادی، تکنولوژیک و نیروی انسانی کشور انطباق ندارد. از نظر سفیر، نتیجه کوشش‌های شاه برای راندن ایران به خط مقدم جبهه کشورهای صنعتی جهان، قطعاً بدبختی اقتصادی و بحران اجتماعی بوده است».^۳

۱. ژان پیر دیگار، برنارهور کاد، یان ریشار، ایران در قرن بیستم، صص ۱۹۷-۱۹۸.

2. Fred E. Halliday, Iran: Dictatorship and Development, p167.

3. Marvin Zonis, Majestic Failure: The Fall of the Shah, p207.

رشد تصنیعی و وارونه صنعت

سهام صنعت در تولید ناخالص ملی ۱۸ درصد بود و به مراتب از سهم خدمات (۳۵ درصد) و نفت (۳۵ درصد) در ۱۹۷۷-۱۹۷۸ میلادی [۱۳۵۶-۱۳۵۷ شمسی] کمتر می‌شد و دیگر اینکه، صادرات صنعتی غیرنفتی تنها ۲ تا ۳ درصد همه صادرات ایران را در سال ۱۹۷۵ میلادی [۱۳۵۴ شمسی] تشکیل می‌داد که در مقایسه با کشورهای مثل هندوستان (بیش از ۵۰ درصد)، سنگاپور (۶۰ درصد) و مکزیک (۳۳ درصد) بسیار ناچیز می‌نمود.^۱ صنایع اصلی اتومبیل و لوازم برقی اساساً صنایع «آجاری» بودند بدین معنی که اکثر قطعات و اجزا را از خارج می‌آوردند و در داخل، آنها را مونتاژ می‌کردند لذا ارزش افزوده کمی داشتند و فقط مقدار بسیار کمی به ارزش نهایی آنها افزوده می‌شد. شرکت‌های دارویی اغلب مواد دارویی و حتی وسایل بسته‌بندی دارو را از خارج می‌آوردند. به گفته یکی از مدیران فراری شرکت دارویی خارجی بسیار بزرگ، کارخانه او در ایران «چیزی بیش از یک انبار بزرگ دارو نبود». در سال ۱۹۷۸ میلادی [۱۳۵۷ شمسی]، شرکت‌های دارویی ۸۵ تا ۱۰۰ درصد به مواد دارویی وارداتی اتکا داشتند. برای شرکت‌های شیمیایی میزان این وابستگی ۶۰ تا ۱۰۰ درصد، برای بافندگی ۸۰ درصد (ماشین‌ها)؛ بعضی صنایع غذایی ۷۰ درصد و پاره‌ای مصالح ساختمانی ۵۷ درصد بود.^۲

بر اساس آنچه آمار نشان می‌دهد می‌توان گفت طرح‌های صنعتی و اصلاحات محمدرضا پهلوی در بخش کشاورزی هرگز نتوانست صادرات غیرنفتی کشور را سروسامان بدهد. با افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی، صادرات غیرنفتی از ۲۳ درصد در سال ۱۳۴۱ به ۱۵ درصد در سال ۱۳۵۱ رسید؛ در سال ۵۶ وضع بسیار وخیم‌تر شد به گونه‌ای که صادرات غیرنفتی تنها ۲ درصد از کل صادرات ایران را به خود اختصاص می‌داد. در این بین نابودی کشاورزی به دنبال اصلاحات ارضی تأثیر بسزایی در رشد واردات و کاهش صادرات غیرنفتی داشت.

1. John Foran, *Fragile Resistance: Social Transformation in Iran from 1500 to the Revolution*, p326.

2. John Foran, *Fragile Resistance: Social Transformation in Iran from 1500 to the Revolution*, p327-328.

در چند قدمی «دروازه‌های تمدن بزرگ» تمامی تولیدات کشاورزی و صنعتی بر روی هم تنها حدود یک پنجم کل تولید ملی «ژاپن خاورمیانه» بود.^۱

جان فوران در کتاب یک قرن انقلاب در ایران بیان می‌کند:

«در نظر شاه، رسیدن به دروازه‌های تمدن از مسیر کانال توسعه وابسته می‌گذشت. او تمامی تلاش خود را به کار می‌بست تا آنچه را که به صورت ظاهری می‌توانست ایران را شبیه به کشورهای غربی کند، انجام دهد. به همین صورت، بدون در نظر گرفتن نیازهای داخلی توسعه، در حالی کشور را به سمت صنعتی شدن پیش می‌برد که از مفهوم صنعتی شدن تنها مظاهر آن موجود بود. بنابراین در کوتاه‌مدت نه تنها الگوهای توسعه‌ای به واقعیت تبدیل نشد و ایران همچنان کشوری با اقتصاد وابسته باقی ماند بلکه در سال ۱۳۵۵ و در پی افت قیمت نفت، بحران اقتصادی جدی‌ای دامن‌گیر حکومت پهلوی شد. در واقع چرخه‌های رونق و تنزل توسعه وابسته، معضلات داخلی اقتصاد، سوء مدیریت و تأثیر رکود جهانی بر آن، عواملی بود که این بحران را تشدید می‌کرد».^۲

پهلوی که در ابتدا به سمت ایجاد صنایع مصرفی رفته بود و از ایجاد صنایع زیرساختی غافل شده بود، پس از مدتی با فشار روشنفکران و متخصصان مبنی بر لزوم طی مسیر درست در رشد صنعتی کشور، به سمت ایجاد زیرساخت‌ها و صنایع زیرساختی رفت.^۳

محمدرضا پهلوی خود درباره این موضوع می‌نویسد:

«زیربنای کشور (راه‌آهن‌ها، جاده‌ها، بنادر) به قدر کفایت توسعه نیافته بودند. این بدان معنا بود که وارداتی بیش از آنچه تا آن روز از راه دریا و هوا و از طریق ترکیه و روسیه و دیگر کشورهای همسایه انجام می‌گرفت، غیرممکن بود. بندرهای ما را کشتی‌ها عملاً مسدود کرده بودند. و هر کشتی می‌بایست شش ماه به انتظار تخلیه بار خود، لنگر بیندازد».^۴

۱. همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ص ۳۰۴.

۲. جان فوران، یک قرن انقلاب در ایران، ص ۲۶۲.

۳. رجوع کنید به: محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران مدرن.

۴. محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین ابوالریایان، ص ۲۶۶.

سازمان گسترش و نوسازی با هدف کار روی صنایع سنگین در سال ۱۳۴۶، یعنی پس از ایجاد صنایع مصرفی، تأسیس شد. این سازمان اقدام به تأسیس کارخانه تراکتورسازی تبریز با همکاری رومانی در سال ۱۳۴۷ نمود، اما بعد از مدتی به خاطر کیفیت نامرغوب، کار خود را با انگلیس ادامه داد؛ کارخانه ماشین‌سازی اراک در سال ۱۳۴۷ با همکاری شوروی طرح‌ریزی شد و کارخانه ماشین‌سازی تبریز در سال ۱۳۴۸ با همکاری چکسلواکی کلید خورد. آلودمینوم‌سازی ایران نیز با همکاری آمریکا در سال ۱۳۴۸ ایجاد شد. صنایع مدرنی که مد نظر شاه بود ساختار ضعیفی داشته و اغلب بر صنایع مونتاژ تکیه داشت. خصوصیت عمده صنایع، مصرفی بودن و وابستگی آنها از نظر مواد اولیه، قطعات، ماشین‌آلات، نیروی انسانی متخصص و در نتیجه وارداتی بودن فناوری بود به طوری که به حرکت درآمدن چرخ صنایع با نیاز کشور به واردات گره خورد؛ بدین ترتیب صنایع وابسته نه تنها کمکی به خودکفایی نکرد بلکه خود پیشاهنگ وابستگی اقتصادی در ایران شد و سود فراوانی را به کشورهای خارجی رساند.

از طرف دیگر صنایع سنتی، رها شد و حمایتی از آن صورت نگرفت. اصلی‌ترین نتیجه حمایت رژیم پهلوی از صنعت وابسته، زوال تدریجی صنایع داخلی بود. از سوی دیگر آشکارترین ضعف صنعت ایران وابستگی به نفت و عدم افزایش صادرات صنعتی برای مقابله با نیازمندی‌های ارزی در دوران کاهش درآمد نفتی بود. علاوه بر این، صنایع جدید هیچ عایداتی برای اقتصاد ایران نداشته و به شدت سرمایه‌بر بودند؛ مضافاً اینکه در کارخانه‌های مدرن تنها ۶ درصد نیروی کار صنعتی مشغول بودند؛ لذا این صنعت تصنعی بوده و کمکی به اقتصاد کشور و رفع بیکاری نکرد.^۱ به عنوان مثال کارخانه ماشین‌سازی که در سال ۱۳۴۹ از چکسلواکی خرید، در شهر تبریز بنا شده بود، تنها با ۱۰ درصد ظرفیت خود محصول تولید می‌کرد که یکی از نمونه‌های بارز اتلاف منابع کشور بود. از جمله دلایل این مسئله می‌توان به موارد کمبود نسبی کارشناسان فنی و مدیران، به دلیل دشواری قانع ساختن آنان برای زندگی در یکی از شهرهای بزرگ ایران به جای پایتخت (که شاهی آشکار بر تأثیر

۱. محمدعلی همایون کالوزیان، اقتصاد سیاسی ایران مدرن، ص ۳۳۰.

تمرکز همه چیز در تهران بود)، ماهیت بسیار بروکراتیک تصمیم‌گیری در کارخانه‌ها، هزینه‌های بالای تولید و... اشاره کرد.^۱

نتایج سیاست‌های اقتصادی محمدرضا پهلوی در زندگی مردم

پیتر آوری، از برجسته‌ترین متخصصان تاریخ و ادبیات ایران در جهان و از محققان برجسته کمبریج، در کتاب «ایران مدرن» می‌نویسد:

«هنوز در کشور مناطقی وجود داشت که در آنجا، دانش آموزان مدارس از فرط گرسنگی، از علف و گل و بوته سبزینه‌های وحشی برای خود در حیاط مدرسه صبحانه درست می‌کردند. به عبارتی دیگر، نرخ سالانه رشد اقتصادی در سال ۱۹۵۴م [۱۳۳۲ شمسی] بین ۵ تا ۶ درصد نشان می‌داد که این رقم نشانگر یک شکاف نسبتاً گسترده میان ثروتمندان و فقرا بود».^۲

جان فوران، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه سانتا باربارا کالیفرنیا، در کتاب «مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی تا انقلاب» می‌نویسد:

«در نیمه سال ۱۹۴۴ میلادی [۱۳۲۳ شمسی] قند و شکر جیره‌بندی شد. کیلوگرمی ۸ ریال (۲۵/ دلار) بود اما در بازار سیاه کیلویی ۱۳۳ ریال (۴/۱۲ دلار) خرید و فروش می‌شد. چای رسماً کیلویی ۴۰ ریال (۷۲۴ دلار) و در بازار سیاه ۴۰۰ ریال (۱۲/۴ دلار) بود. لاستیک اتومبیل، گران‌بهاترین قلم کالا در سال ۱۹۴۲ میلادی [۱۳۲۱ شمسی] در تهران بود؛ یعنی هر حلقه لاستیک ۲۰۰۰ دلار قیمت داشت. آسپرین در بازار رسمی یافت نمی‌شد، اما در بازار سیاه فراوان بود».^۳

فرد هالیدی، نویسنده و متخصص روابط بین‌الملل و خاورمیانه، در کتاب «ایران: دیکتاتوری و توسعه» می‌نویسد:

۱. محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران مدرن، ص ۳۲۶.

2. Peter Avery, Modern Iran, p483.

3. John Foran, Fragile Resistance: Social Transformation in Iran from 1500 to the Revolution, p266-267.

«در تهران در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵ میلادی [۱۳۳۹ تا ۱۳۵۴ شمسی] میزان اجاره بها تا ۱۵ برابر افزایش یافت؛ اجاره بها در سال ۵-۱۹۷۴ میلادی [۱۳۵۳-۵۴ شمسی] دویست درصد و در ۶-۱۹۷۵ میلادی [۱۳۵۴-۵۵ شمسی] صد درصد دیگر افزایش یافت».^۱

آنتونی پارسونز، دیپلمات انگلیسی و سفیر بریتانیا در ایران، در کتاب «غرور و سقوط؛ ایران» می‌نویسد:

«برای یک کارمند عالی‌رتبه دولت یا یک مدیر بخش خصوصی پرداختن ۷۰ درصد درآمد برای اجاره خانه امری عادی به نظر می‌رسید. تندروری، بلند پروازی شاه و خرج زیاد بعضی از برنامه‌های مورد علاقه او که جامعه ایرانی ظرفیت هضم آن را نداشت، روال عادی زندگی مردم ایران را به هم زد. جمعیت روستایی کشور هم که وسایل تأمین معاش معمول خود را نداشتند و به شهرها روی آورده بودند، به جمع ناراضیان افزوده شدند».^۲

در سال ۱۳۵۳ شمسی حدود ۷۳ درصد کارگران کمتر از حداقل دستمزد قانونی مزد می‌گرفته‌اند. ساعت‌های کار طولانی بود و شرایط طاقت‌فرسای همه کارخانه‌ها (جدید، سنتی، چندملیتی) مسئله دود و بخار، سروصدا مواد شیمیایی خطرناک، حوادث صنعتی، اجرا نشدن معیارهای بهداشتی و ایمنی، نبود هر نوع بیمه و وضعیت درمانی بسیار نامطلوب را بیات به طور مستند گزارش کرده است. شاید وضعیت میانگین کارگران بهتر از میانگین دهقانان بوده، اما هنوز هم زندگی برای همه این‌ها دشوار بود و تنها عده‌ای از کارگران کارخانه‌های بزرگ و تازه آن‌هم بعد از ازدیاد شدید درآمدهای نفتی وضع قابل تحمل‌تری پیدا کردند.^۳

در خاطرات سولیوان و پارسونز، سفیر آمریکا و انگلیس در تهران به بخشی از این تجربه زیست شده اشاره شده است: «تورم اوج تازه‌ای یافت و نرخ آن به ۳۰ درصد رسید که

1. Fred E. Halliday, Iran: Dictatorship and Development, p190.

2. Anthony Parsons, The pride and the fall: Iran, 1974-79, p8.

۳. جان فوران، مقاومت شکننده، ص ۴۹۰.

نسبت به سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ میلادی، به مراتب بدتر بود. برنامه‌های دولت برای احداث خانه‌های ارزان قیمت در شهرها عملی نشده و وضع زندگی در تهران فضاقت بار بود.^۱

۱. انقلاب برای استقلال

نفوذ اقتصادی و فرهنگی غربی‌ها در ایران به خصوص بعد از انقلاب صنعتی، در کنار انفعال و بی‌تدبیری حکام قاجار و پهلوی زمینه وابستگی شدید اقتصاد ایران را فراهم کرد و روز به روز تبعات سنگین آن گریبان عموم جامعه ایرانی را گرفت. از بین رفتن منابع طلا و نقره کشور و تاراج نفت و منابع طبیعی ایران و همچنین از بین رفتن صنایع تولیدی به خاطر هجوم کالاهای وارداتی از یادگارهای این سیاست‌هاست. پیدایش ضعف اقتصادی رفته‌رفته موجبات وابستگی و ضعف سیاسی و فرهنگی را به بهانه تأمین نیازهای اصلی و نیازهای ساختگی جدید به وجود آمده در جامعه ایرانی به ارمغان آورد که این وابستگی در دوران پهلوی با شدت بیشتری ادامه یافت.

در برابر این سیر انحطاط، مردم ایران در بازه‌های مختلف شاهد و یا عامل تغییرات و نهضت‌هایی برای تغییر این روندهای غلط بوده‌اند. گاه با اقدامات میرزا تقی‌خان فراهانی ملقب به امیرکبیر، شاهد تغییر این ریل‌گذاری شده بوده‌اند و در زمانی نیز، به رهبری علما، برای پیروزی نهضت ملی شدن صنعت نفت و پایان دادن به جریان وابستگی خون داده‌اند. این قیام‌ها علیه وضع موجود، همگی نشان‌دهنده سنگینی بار وابستگی روی شانه مردم بوده است. در ادامه به بررسی و توصیف این جریان‌ها و اقدامات رخ داده در دل آنها می‌پردازیم. البته هر یک از این حرکات، با ترور شخصیت‌های اصلی و یا کودتا از طرف دشمنان متوقف شده‌اند و قیام بزرگ بعدی علیه وابستگی، یعنی انقلاب اسلامی نیز آماج دشمنی‌های دشمنان ملت ایران قرار دارد.

۱. ویلیام سویلوان، آنتونی پارسونز، خاطرات دو سفير، ص ۳۲۲.

تلاش‌های امیرکبیر برای استقلال کشور و رهایی از وابستگی

امیرکبیر، صدراعظم ایران در دوره ناصرالدین شاه قاجار، در دوره صدارت سه سال و سه ماه (۳۹ ماهه) خود، اصلاحاتی را در زمینه‌های اقتصادی، آموزشی، اجتماعی و سیاسی ایران آغاز کرد و اقدامات بسیار مهمی برای استقلال کشور انجام داد. سیاست پیشرفت اقتصادی امیرکبیر بر پایه ایجاد صنعت جدید، پیشرفت کشاورزی و توسعه بازرگانی داخلی و خارجی بنا شده بود.

نظام اقتصادی ایران در آن دوران با کشاورزی عقب افتاده‌ای سر می‌کرد؛ از صنعت جدید بی‌بهره مانده، ذخیره طلای آن به خارج روان بود و مصرف‌کننده کالای بی‌مصرف فرنگی بود. امیرکبیر در چنین جامعه‌ای می‌خواست جلو سیر تنزل اقتصادی خود را ببندد، صنعت کوچکی که فراخور حال آن باشد تأسیس کند، کشاورزی خود را پیشرفت دهد، از وارداتش بکاهد و بر صادراتش بیافزاید و به گفته خود او از فرار شمش‌های طلا جلوگیری نماید. سیاست اقتصادی امیرکبیر پرداخته همین عناصر بود و مجموع آنها تحرک تازه‌ای به اقتصاد ایران بخشید. از این نظر میرزا تقی‌خان، نماینده طبقه متوسطی بود که تازه می‌خواست در ایران به وجود آید.

امیرکبیر برای فنون جدید ارزش به سزایی قائل بود و به تأثیر اقتصادی آن پی برده بود. لذا یکی از مواد مهم برنامه او در پیشرفت ایران، ایجاد صنایع جدید بود. نقش امیرکبیر در بنای صنعت ملی شامل استخراج معادن، ایجاد کارخانه‌های مختلف، استخدام استادان فنی از انگلیس یا پروس، فرستادن صنعت‌کاران به روسیه، خرید کارخانه از فرنگ و حمایت از محصولات داخلی بود. به همین خاطر او فرمان آزادی استخراج معادن برای شهروندان ایرانی را صادر کرد و دولت و مردم، هر دو به این کار دست زدند. او برای پیشرفت صنعت از پشتیبانی و کمک به اهل فن هیچ دریغ نمی‌کرد.^۱

● فرمان آزادی استخراج معادن

امیرکبیر در ۱۲۶۷ فرمان آزادی به کار انداختن معادن را اعلام نمود و اداره امور معادن را به میرزا جبار ناظم‌المهام سپرد. از شهروندان ایران هر شخصی، از نوکر و رعیت و

۱. فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۳۹۱-۳۹۵.

اشراف و اعیان، می‌توانست به استخراج معدنی که خود پیدا کند بپردازد و تا پنج سال از مالیات دیوانی معاف باشد. بهره‌برداری از معادن آغاز شد. میر آقاسی خان، معدن مس و آهن قراچه‌داغ را به راه انداخت و در وهله اول ۸ خروار مس خالص تولید کرد. آهن ماسوله گیلان توسط استاد فتح‌الله به دست آمد. از معدن نانچ مازندران آهن استخراج گردید. ماده قطران که در توپخانه مصرف داشت و از قفقاز می‌آوردند، در رحمت‌آباد گیلان به خوبی و در حد نیاز تولید شد. به تصدیق اهل فن، آهن ماسوله و نانچ در نرمی و چکش‌گیری بر آهن حاجی ترخان^۱ امتیاز داشت. مقرر گردید بر میزان تولید آن بیافزایند تا مستغنی از خریدن آهن از حاجی ترخان و غیره باشند. پیشرفت صنعت آهن و اسلحه‌سازی نتیجه پیشرفت بهره‌برداری از همان معادن بود. در شاه‌رود نیز معدن زغال سنگ یافت شد. افزایش تولید معادن البته مستلزم آموختن اصول فنی جدید بود. از این رو امیرکبیر برای مدرسه دارالفنون استاد معدن‌شناس که سر رشته از همه فلزات داشته باشد از اتریش استخدام کرد و نیز درصد درآمد دو نفر معدنچی که در معدن کار کنند، از اروپا بیاورد.

بر اثر صدور شمش طلا و نقره به عثمانی و هند از مقدار ذخیره سکه طلا و نقره کاسته شده بود و این یکی از انگیزه‌های دولت به استخراج فلز قیمتی بود. از جمله ارمغان‌هایی که لوئی ناپلئون به مناسبت به تخت نشستن ناصرالدین شاه به ایران فرستاد، سه دستگاه کوره ذوب فلزات بود از آنها برای جدا کردن سرب از نقره، آب کردن مس و گداختن سرب از معدن استفاده می‌شد. امیرکبیر این کوره‌ها را به صنعتگران سپرد که به کار بیاورند.

● فرستادن صنعتگران به روسیه و عثمانی برای کسب مهارت‌ها

امیرکبیر در سال ۱۲۶۷ شش تن از صنعت‌کاران ایرانی را برای رشته‌های گوناگون به روسیه و دو نفر را به عثمانی فرستاد. آقا رحیم اصفهانی در کاغذسازی، کربلایی عباس در بلورسازی، کربلایی صادق در چدن‌ریزی، کربلایی احمد در تصفیه شکر و قندسازی، مشهدی علی در نجاری و اسباب چرخ‌سازی و آقا عبدالله در شمای به روسیه اعزام

۱. حاجی ترخان نام قدیم آسترخان یکی از استان‌های روسیه است.

شدند و سرپرستی این دسته به حاجی میرزا محمد تاجر تبریزی سپرده شد. هدف آنها این بود که در کارخانه‌های روسیه کار و هر کدام مهارت خود را تکمیل کنند.^۱

● حمایت امیرکبیر از کارخانه‌های داخلی

این افراد در سال ۱۲۷۰ به ایران بازگشتند. آقا رحیم اصفهانی در تهران کارخانه بلورسازی و در محله پایین دروازه اصفهان کارخانه کاغذسازی برپا کرد. حاجی میرزا محمد تاجر در ساری کارخانه شکرریزی و چدن‌سازی و چیلان‌گری و نجاری را دایر نمود. علاوه بر آن دو نفر از حریربافان کاشان برای آموختن چرخ ابریشم به استانبول فرستاده شدند؛ زیرا صنعت ابریشم عثمانی به واسطه فرانسوی‌ها پیشرفت کرده بود. در ایران نیز در این زمان ابریشم‌گیلان و کاشان رونق زیاد داشت و زمینه برای پیشرفت آن آماده گردید.

امیرکبیر، ۸ رمضان ۱۲۶۷، در نامه‌ای به جان داوود^۲ می‌نویسد: «شکر را در مازندران نوعی سفید کرده‌اند که بهتر از شکر هندوستان است». در روزنامه اعلام گردید: «از آنجاکه شکر مازندران بسیار خوب و بهتر از شکر جزایر ینگه دنیا - که هند العریبی می‌نامند - هست، حکم شد که باز هم درست کنند و چون که به عمل آوردن این شکر نفع ممالک ایران است، مقرر گردید در نواحی دیگر مثل خوزستان که همیشه شکر در آنجا مشهور بود، نیشکر بکارند و شکر سفید بسازند».^۳

دیگر کارخانه‌های بلورسازی و چینی‌سازی در قم و تهران، در ابتدا محصول مطلوبی به بازار عرضه نمی‌کرد. هر چند ظروف چینی، شکل و شمایل خوبی داشتند، اما کیفیت آنان به محصولات مشابه خارجی نمی‌رسید. برای این موضوع نیز، امیرکبیر حکم کرد که کارخانه بزرگی در میدان ارک ساخته شود تا استادان در آنجا مشغول شوند و ظروف چینی خوب از کارخانه بیرون بیاید. بعدها امیرکبیر، با خرسندی در نامه‌ای که به جان داوود نوشت بود، اعلام کرد: «بلورسازی و چینی‌سازی پیشرفت زیاد کرده است. همچنین بلور دارالخلافة به درجه امتیاز رسیده و خیلی سفید و صاف. لاله

۱. اسناد و نامه‌های امیرکبیر، سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، صص ۲۷۰ و ۲۶۶.

۲. موسیو جان داود خان سرتیپ، که از سال ۱۸۵۲ میلادی تا سال ۱۸۵۹ میلادی به عنوان فرستاده ویژه امیرکبیر به مأموریت سن پترزبورگ رفته بود.

۳. فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۳۹۲.

و مردنگی و گیلای که ساخته شده است قریب به آن است که مثل بلور ممالک
فرنگ به نظر آید.^۱

کارخانه‌های دیگری همچون چراغ برق در مشهد، پنبه‌کاری در سبزوار، صابون‌پزی،
آجرپزی، کاغذسازی و ریسمان‌ریسی در تهران و چلواربافی و حریربافی در کاشان از
دیگر مؤسسات صنعتی بودند.^۲

در مازندران شال «چوخای» پشمین که مخصوص لباس اهالی آنجا بافته می‌شد، با
تلاش امیرکبیر به حدی رونق گرفت که به جای ماهوت، در دوخت لباس نظامیان به
کار گرفته شد.^۳

● تولید ملی، محور سیاست امیرکبیر

اساس اقتصاد بازرگانی خارجی ما، در اثر شکست و انفعال در برابر روس و انگلیس،
بر آزادی تجارت قرار گرفته بود. ارقام اصلی تجارت ما را واردات و صادرات به سه کشور
انگلیس، روسیه و عثمانی تشکیل می‌داد؛ اما از نظر کیفیت و کمیت، تعادل و
هماهنگی بین واردات و صادرات ما وجود نداشت. امیرکبیر جلوی این واردات بی‌رویه
را گرفت. محور سیاست امیرکبیر، حمایت از اقتصاد ملی بود. جوهر اندیشه اقتصادی
او این بود که صنعت داخلی پیشرفت کند و صادرات افزایش یابد و بازار کالای فرنگی
محدود شود. مثلاً در زمان محمدشاه که کالای وارداتی ایران از انگلیس به سالی
یک میلیون لیره رسیده بود، از میزان آن کاسته شد و در سال ۱۲۶۷ هنگام صادرات
امیرکبیر به نصف آن تقلیل یافت.^۴

برای پیشرفت صنعت، از پشتیبانی و کمک به اهل فن و هنر دریغ نمی‌شد. نوشته‌اند:
«امیرکبیر در ترویج و تشویق اهل صنعت و حرفه، زیاد از اندازه اصرار داشت و
مخصوصاً می‌گفت هرکس هنر بدیع و صنعت تازه‌ای بیاورد، به او چیزی خواهیم داد

۱. فریدون آدمیت، تاریخ امیرکبیر و ایران، ص ۳۹۲.

۲. همان، ص ۳۹۳-۳۹۴.

۳. همان، ص ۴۱۱.

۴. پینا، تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران، ص ۱۳۴۸.

و به وعده خود وفا می‌کرد. از جمله حاجی محمدحسین کاشانی پارچه‌ای از پنبه و گچ ساخت که دوامش به اعلی مراتب زیاده‌تر از ماهوت بود و لطافت آن کم از ماهوت نبود. امیرکبیر آن را برای کلیجه نظامیان پسندید و وجه دو هزار دست کلیجه از قرار هر دستی چهار قران و ده شاهی را به او پرداخت که تهیه نماید». همچنین زنی هنرمند به نام «خورشید خانوم» نمونه‌ای از حاشیه‌دوزی لباس نظامیان را که قبل‌تر از آن از عثمانی وارد می‌کردند، ساخت. او مورد تشویق قرار گرفت و مقرر شد شاگردان متعدد بگیرد و تا پنج سال حاشیه‌دوزی لباس نظامی در انحصار او باشد.

تلاش‌های نهضت ملی شدن صنعت نفت برای استقلال و رهایی از وابستگی

در طول سالیان طولانی، نفت که یک نعمت خدادادی برای مردم ایران بود توسط انگلستان چپاول می‌شد و درصد بسیار کمی از عایدات آن، یعنی حدود ۱۶ درصد به ایران پرداخت می‌شد. طمع به سرمایه ملی مردم ایران از سوی شوروی و شرکت‌های آمریکایی نیز وجود داشت و بحث‌های متعددی برای واگذاری امتیاز نفت شمال از سوی دولت‌های دیگر مطرح بود. مبارزات مربوط به نهضت ملی شدن صنعت نفت یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران است؛ نهضتی که با هدایت روحانیت و نقش‌آفرینی گروه‌های مذهبی مثل فدائیان اسلام، به دنبال قطع دست انگلیس از منابع ملی ایران بود.

آیت‌الله کاشانی را به جرئت می‌توان رهبر بلامنازع ملت ایران در نهضت ملی شدن صنعت نفت دانست. با حمایت و هدایت این عالم دینی و پای کار آوردن عموم مردم ایران، ملی شدن صنعت نفت به آرمان و هدف مبارزات مردم در آن زمان تبدیل شد و با حضور و حمایت مردم، صنعت نفت ایران ملی شد. در ادامه این تلاش‌ها و علی‌رغم اینکه محمدرضا پهلوی موافق نخست‌وزیری مصدّق نبود، به پشتیبانی حمایت مردمی، مصدّق نخست‌وزیر شد.

هنوز چند ماهی نگذشته بود که دولت مصدق در تضاد و برخورد مستقیم با شاه قرار گرفت و از طریق او با آمریکا نیز روبه‌رو گردید. البته مصدق در ابتدا کوشش‌هایی برای جلب نظر آمریکایی‌ها به عمل آورد که نتیجه‌ای نداد. در پایان دولت مصدق در

ماه اوت ۱۹۵۳- مانند انقلاب مشروطيت- در نتیجه ائتلاف نيروهای داخل و خارج ايران واژگون گرديد.^۱

● تلاش‌های مصدق در برابر بحران‌سازی‌های دشمنان

از نظر آيت الله کاشانی و مبارزين نهضت، ملی کردن برآمده از حق حاکميت ملی بود و اين حق را با هيچ قراردادی نمی توان محدود کرد. ملی شدن صنعت نفت در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ در کمیسیون نفت مجلس پيشنهاده شد و در ۲۴ اسفند در مجلس شورای ملی و در ۲۹ اسفند در مجلس سنا به تصویب رسید.^۲ مصدق نیز با هدف اجرای کارآمد اين قانون و نظارت بر اجرای آن در اردیبهشت ۱۳۳۰ مقام نخست وزیری را پذیرفت.^۳ اما ملی شدن صنعت نفت پیامدهای جدی برای روابط ايران و انگلیس داشت و موجب شکل گیری بحرانی عمیق در روابط دو کشور شد. اين کشور به تهدید و تحریم اقتصادی و محاصره نظامی ايران از طریق کشتی های جنگی خود در دریای عمان و خلیج فارس دست زد. با تحریم ايران، درآمدهای نفتی کشور کاهش یافت. مصدق که پيش از اين گمان می کرد که با درآمدهای نفتی، تمام نیازهای بودجه تأمین می شود و می توان با فقر، بیماری و عقب ماندگی مردم مبارزه کرد، با شرایط جدیدی روبرو شده بود. بدین ترتیب برای برون رفت از بحران تحریم به برنامه اقتصاد بدون نفت روی آورد.^۴

با توجه به وابستگی اقتصاد کشور، اين تحریم ها به شدت بر روی اقتصاد کشور تأثیر گذاشت و نرخ دلار از سال ۱۳۲۹ (ملی شدن صنعت نفت) تا سال ۱۳۳۲ (کودتای ۲۸ مرداد) ۲ تا ۳ برابر افزایش داشت و به ۱۳ تومان رسید.^۵

فرد هالیدی در کتاب دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ايران بیان می کند:

۱. فرد هالیدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ايران، ص ۲۹-۳۶.

۲. پرواند آبراهامیان، کودتا، ترجمه محمد ابراهيم فتاحی، ص ۱۰۳.

۳. محمد مصدق، خاطرات و تالما، به کوشش ایرج افشار، صص ۱۷۷-۱۷۹.

۴. جان فوران، مقاومت شکننده، ص ۴۲۹.

5. <https://parsi.euronews.com/2022/03/22/iran-money-currency-rial-vs-dollar-us-100-years-economy>.

موج دوم ایجاد صنایع در دوران حکومت دوساله مصدق بود؛ زیرا فقدان ارز خارجی فعالیت‌های اقتصادی خصوصی را جانشین کالاهای وارداتی ساخت.^۱

وضعیت بد اقتصادی کشور به خاطر تحریم نفتی انگلیس، خودداری آمریکا از پرداخت کمک مالی و اجتناب شوروی از پرداخت بدهی‌های زمان جنگ به موازات بی‌ثباتی سیاسی می‌توانست هر دولتی را ساقط کند، اما به نظر کاتوزیان، واقع‌گرایی و کارآیی نسبی دولت در مقابله با این وضعیت و میزان آمادگی مردم برای تحمل سختی به خاطر دستیابی به اهداف اجتماعی والاتر مانع از اینکار شد. با تأیید ادعای کاتوزیان به‌ویژه درباره همراهی فضای عمومی جامعه با دولت مصدق، می‌توان اجرای برنامه اقتصاد بدون نفت از سوی دولت او را نیز در این باره مؤثر دانست.^۲

به عبارتی اقتصاد بدون نفت به‌عنوان راه‌حلی موقت برای گذار از بحران تحریم اجرا شد. که مهم‌ترین سرفصل‌هایش در زیر بررسی می‌شود:

در سال ۱۳۳۱ با اینکه صادرات نفت ایران ناچیز بود، اما بودجه متعادل شد که نتیجه موفقیت برنامه اقتصاد بدون نفت برای نخستین بار بود؛ روندی که سال ۱۳۳۲ نیز تکرار شد. در این سال‌ها دولت در تجارت خارجی الگوی کاهش واردات و جایگزینی صادرات را دنبال کرد. در سال ۱۳۳۱، دولت به میزان ۲۵ درصد از واردات کم کرد و کالاهای غیرنفتی مثل قالی، ماهی و خاویار دریای خزر، دام زنده، برنج، دخانیات و پنبه را به میزان بیشتری صادر کرد تا ارز برای واردات کالاهای مورد نیاز را تأمین کند. همین موجب تراز مثبت در بازرگانی خارجی شد. این تراز زمانی ایجاد شد که شرایط مبادله از ۱۰۰ در سال ۱۳۲۷ به ۹۰ در سال ۱۳۲۸ و ۶۹ در سال ۱۳۳۱ رسیده بود. جمع مازاد نیز کمتر از سال‌های قبل از ۱۳۳۰ بود؛ درحالی‌که در آن سال‌ها میزان صادرات نفت زیاد بود.^۳ در نتیجه ایران، مازاد تجاری به‌دست آورد که در دومین و آخرین سال حکومت مصدق بسیار چشمگیر بود؛ چنان‌که در دومین سال حکومت مصدق [تراز تجاری]^۴

۱. فرد هالیدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ص ۱۵۷.

۲. محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران مدرن، صص ۲۲۷-۲۲۸.

۳. جان فوران، مقاومت شکننده، ص ۴۲۹.

۴. تراز تجاری با کسر واردات از صادرات به دست می‌آید.

مثبت ۶۲۶ و در آخرین سال حکومتش به مثبت ۲۶۷۰ رسیده بود. این در حالی بود که در سال ۱۳۲۷ این رقم منفی ۳۶۱۳ بود.^۱

ایران براساس سیاست جایگزینی واردات و خودکفایی، وارد دوره رونق و گسترش صنعتی شد؛ چنان که تولید محصولات کارخانه‌های قند، بافندگی، سیمان و معدن افزایش یافت. صنایع ساختمانی، خانه‌سازی و بنای مراکز تجاری پررونق شد. در مجموع در مقایسه با سال‌های قبل از روی کار آمدن مصدق، صنایع داخلی بار دیگر فعال شدند.^۲

سیاست‌های اصلاحی مصدق دیری نپایید و با توطئه آمریکایی و انگلیسی و اجرای یک کودتای نظامی دولت او سرنگون شد. این سرنوشت از سویی به خاطر به خطر افتادن منافع خارجی‌ها در ایران و از سویی به دلیل اعتماد و اتکای مصدق به آمریکایی‌ها نصیب او شد.

اما حذف این دولت، این تصور صحیح را در ذهن روشنفکران و مردم به وجود آورد که تکیه به تک مهره‌هایی نظیر امیرکبیر در دوران قاجار و یا مصدق - با تمام ضعف‌هایی که داشت - در دوران پهلوی نمی‌تواند ثمره‌ای برای ملت داشته باشد. چرا که دیر یا زود بدخواهان ملت ایران این مهره‌ها را سرنگون خواهند کرد. لذا به نظر می‌رسد کودتای ۱۳۳۲ و سرنگونی دولت مصدق اولین نشانه از ضرورت ساختن بنایی پرشکوه به نام انقلاب اسلامی توسط ملت ایران بود.

وابستگی ۲۰ ساله؛ زمینه‌ساز انقلاب بزرگ اسلامی

در طول ۲۰ سال قبل از انقلاب، کشور در وضعیتی قرار گرفته بود که رژیم‌های سابق برای بقای خود احساس می‌کردند وابستگی به ابرقدرت‌ها ضرورت دارد و در مواردی باج دادن اجتناب‌ناپذیر است. همان‌طور که در بخش قبل گفته شد و در این بخش

۱. محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نقیسی و کامبیز عزیزی، تهران، مرکز، ۱۳۷۲، صص ۲۲۹.

۲. جان فوران، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷، ص ۴۳۰.

نیز به تلاش‌های مهره‌هایی نظیر امیرکبیر و مصدق برای استقلال کشور اشاره شد، مهم‌ترین نکته‌ای که روشنفکران، روحانیون و عموم مردم را رنج می‌داد عدم استقلال و وابستگی کشور به بیگانگان بود. لذا این عناصر در سرنگونی رژیم پهلوی و استقرار یک حکومت مستقل متحد شدند و خط پایانی بر عدم استقلال و وابستگی کشور کشیدند.

امام خمینی ره از سال ۴۱ به‌طور آشکار وارد عرصه مبارزه شدند و روی موضوع استقلال چنان پای فشردند که در اوج انقلاب، استقلال در کنار آزادی و جمهوری اسلامی جزء شعارهای اصلی انقلاب قرار گرفت. از نظر حضرت امام ره استقلال دارای دو بعد سلبی و ایجابی است. استقلال سلبی همان استعمارزدایی است که زمینه‌ساز تحقق حکومت نه شرقی، نه غربی محسوب می‌گردد.^۱ امام ره راحل یکی از اهداف انقلاب اسلامی را «قطع دست اجانب از مملکت اسلامی»^۲، قطع ریشه‌های وابستگی، رفع سلطه و ضعف و سستی و زبونی در مقابل استعمار، جلوگیری از استثمار و استعباد و قطع منافع و مطامع استعمارگران و در یک کلام استقلال از استعمار خارجی تلقی می‌نماید. امام خمینی ره ضمن تأیید «ماهیت ضد استعماری» نهضت^۳، هدف انقلاب اسلامی را خارج شدن از مدار وابستگی به کشورهای امپریالیست و درنهایت «شکست ابرقدرت‌ها» می‌داند.^۴ در این رابطه، حضرت امام ره نه تنها بر کوتاه کردن دست جنایتکاران خارجی و به انزوا کشاندن قدرت‌های استعماری در جهان که بر مقابله با ایادی منطقه‌ای امپریالیسم به‌ویژه صهیونیسم تأکیدی ویژه دارند.^۵

در رابطه با استقلال ایجابی، امام خمینی ره هدف انقلاب اسلامی را تأمین استقلال مملکت در ابعاد سیاسی نظامی، فرهنگی، اقتصادی و فکری می‌داند.^۶ ایشان سپردن

۱. صحیفه امام، ج ۱۷ ص ۶۳.

۲. همان، ج ۶ ص ۱۷۷ و ۱۷۸.

۳. همان، ج ۱۵ ص ۷۴.

۴. همان، ج ۱۳ ص ۱۹۷.

۵. همان، ج ۱۵ ص ۲۱۲.

۶. همان، ج ۱۵، ص ۴ و ۶ و ۸۷ و ج ۸ ص ۱۱۶.

کار به کاردانان وطن خواه امین،^۱ خودکفایی و اختصاص مخازن و منابع کشور به مردم و استقلال فکری و مراکز آموزشی را از پیش شرط‌های لازم برای تحقق استقلال می‌دانند. امام خمینی رحمته الله علیه عامل فروپاشی حکومت پهلوی را عدم اتکا به قدرت ملت و اتکا به بیگانگان می‌داند^۲ و معتقد است که عامل قیام اسلامی همانا وابستگی فرهنگی، اقتصادی، نظامی، و سیاسی رژیم پهلوی به بیگانگان، دخالت اجانب در امور داخلی مملکت، اتکا رژیم به خارجی و بیگانه،^۳ وابستگی عمال مملکت به استعمارگران و عدم اتکا به قدرت مردم^۴ و فقدان مشروعیت به دلیل حمایت بیگانگان^۵ بوده است. از این رو، تکیه رژیم شاه به استعمار خارجی^۶ و از دست دادن پایگاه ملی^۷ موجب انحطاط اقتصاد مملکت، نابودی سرمایه‌های انسانی، و مادی، تاراج خزائن مملکت، استثمار ذخایر و نابسامانی وضع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران گردید که این مهم موجبات بروز قیام را برای دستیابی به استقلال در معنای اراده آزاد تصمیم‌گیری در سیاست‌های داخلی و خارجی فراهم آورد.

۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌ها

استکبارستیزی و مقابله با زورگویی‌های قدرت‌های مستکبر و رهایی از وابستگی ۲۰۰ ساله کشور به بیگانگان، به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول و اهداف انقلاب اسلامی همواره مورد تأکید حضرت امام خمینی رحمته الله علیه و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته الله علیه رهبر انقلاب اسلامی بوده است. همین مسئله به مهم‌ترین دلیل کشورهای ذینفع برای توطئه چینی و ایجاد بحران برای جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور و پادشاه ایران به عنوان پایگاه ایالات متحده

۱. مصاحبه حضرت امام رحمته الله علیه با رادیو تلویزیون فرانسه در ۲۳ شهریور ماه ۱۳۵۷.

۲. صحیفه امام، ج ۷ ص ۵.

۳. همان، ج ۱۵ ص ۱۸۲.

۴. همان، ج ۱۵ ص ۱۳۰.

۵. همان، ج ۱ ص ۱۳۰.

۶. همان، ج ۱۱ ص ۱۹۰.

۷. همان، ج ۷ ص ۵۰۶.

در منطقه ایفای نقش می‌کرد و علاوه بر تقدیم منابع و ثروت خود به آمریکا، اهداف استعماری آن را نیز در منطقه پیش می‌برد. کارتر در سال ۱۳۵۶ در جلسه ضیافت شامی که به افتخار او در ایران ترتیب داده شده بود، اعلام کرد:

«هیچ کشور دیگری در جهان برای برنامه‌ریزی مشترک از ایران به ما نزدیک‌تر نیست؛ هیچ کشوری برای بررسی مشکلات منطقه‌هایی که موردعلاقه هر دو طرف ما نیز هست، ارتباطی نزدیک‌تر از ایران به ما ندارد؛ و هیچ رهبر دیگری نزد من احترام عمیق‌تر و رابطه‌ای دوستانه‌تر از شاه ندارد.»

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، ایالات متحده که هر دو منفعت را از دست داده بود، رویکردی خصمانه در قبال ایران در پیش گرفت. در این بین اصلی‌ترین دشمن او، ایرانی بود که با تفکر استقلال و عزت اسلامی، خود و سایر کشورهای آزاده جهان را علیه آمریکا بسیج می‌کرد و به دنبال ایجاد یک کشور قوی و مستقل بود.

از این رو، در طی بیش از چهار دهه اخیر بیشترین سیاست‌ها و اقدامات یک‌جانبه را علیه جمهوری اسلامی ایران و به شکل‌های مختلف مانند اعمال گسترده‌ترین تحریم‌ها، تهدید نظامی، به راه انداختن کارزارهای سیاسی و دیپلماتیک و جنگ روانی صورت داد. در ادامه به مهم‌ترین توطئه‌ها و تهدیداتی که از طریق بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به جمهوری اسلامی تحمیل شده است می‌پردازیم.

الف- تهدیدات امنیتی و نظامی و تحمیل جنگ خارجی

یکی از مهم‌ترین ابعادی که از دید رسانه‌ها و کارشناسان جهان پررنگ بوده، تهدیدات نظامی و امنیتی علیه ایران بعد از انقلاب هستند. امنیت و حفظ تمامیت ارضی از لوازم پیشرفت هر کشوری است. بدون تحصیل امنیت و وجود استقلال سیاسی سایر پیشرفت‌های اقتصادی و فرهنگی حاصل نخواهد شد.

تحركات نظامی و امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران از فردای پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد و تاکنون ادامه دارد. این اقدامات توسط ائتلاف بزرگی از کشورهای استعمارگر

دنیا رهبری و هدایت شد و برخی کشورهای منطقه نیز با آن همراهی کردند. چرا که از الگوی انقلاب اسلامی هراس داشتند و پایه‌های حکومت‌های پادشاهی و مستکبرانه آنها را سست می‌کرد.

هدایت گروهک‌های تجزیه طلب در غرب و شرق و شمال ایران، برنامه‌ریزی اقدامات مسلحانه توسط گروه‌های وابسته، برنامه‌ریزی و اجرای کودتای نظامی، گسترش شکاف‌های قومی و مذهبی، برنامه‌ریزی و اجرای فتنه‌های بزرگ و انقلاب‌های رنگی و در رأس آنها تحمیل یک جنگ تمام عیار نظامی برخی از اصلی‌ترین این اقدامات است.

● برخی از فشارها و توطئه‌ها علیه حرکت تمدنی ج.ا.ا.

علاوه بر موارد فوق، توطئه‌ها و خرابکاری‌های بسیار زیاد امنیتی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دیگری باهدف مهار انقلاب اسلامی انجام شد که در این قسمت فقط به برخی از آنها اشاره می‌شود:

برخی توطئه‌های امنیتی و نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران

عنوان	زمان
حمله عراق و اشغال خاک ایران	۸ سال
تحریم تسلیحاتی ایران	از ابتدای انقلاب تاکنون
عملیات‌های تروریستی و مخربانه گروهک منافقین	از ابتدای انقلاب تاکنون
تلاش برای تجزیه و خودمختاری کردستان با ایجاد غائله	از ابتدای انقلاب تاکنون
غائله ترکمن صحرا و گنبدکاووس باهدف خودمختاری این منطقه	۲ سال
غائله خوزستان و اقدامات تجزیه طلبانه	از ابتدای انقلاب تاکنون
تلاش برای تجزیه طلبی در آذربایجان	از ابتدای انقلاب تاکنون
آشوب‌های تجزیه طلبانه ضدانقلاب در بلوچستان	از ابتدای انقلاب تاکنون
اقدامات تروریستی جند الشیطان (به اصطلاح جندالله)	از سال ۱۳۸۱ تاکنون

عنوان	زمان
اقدامات گروهک جیش‌العدل در شرق کشور	از سال ۱۳۹۲ تاکنون
اقدامات تروریستی پژاک در غرب و شمال غرب کشور	از سال ۱۳۸۳ تاکنون
اقدامات گروهک الاحوازیه	از سال ۱۳۷۸ تاکنون
فعالیت جریان‌های سلفی و وهابی	از ابتدای انقلاب تاکنون
فعال کردن گسل‌های مذهبی از طریق ایجاد نحله‌ها در تشیع و اهل سنت	از ابتدای انقلاب تاکنون

تصویر ۲۲: برخی از فشارها و توطئه‌های امنیتی-نظامی علیه حرکت تمدنی جمهوری اسلامی ایران

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران توطئه‌ای مشترک از طرف کشورهای عربی و آمریکا با طرفداری سایر کشورهای جهان بود که توسط رژیم بعث عراق که در موقعیت برتر برای انجام این نقشه قرار داشت، صورت گرفت. درباره این جنگ تحمیلی علیه ایران نکات گفتنی بسیار است. اما در اینجا ذکر دو نکته خالی از لطف نیست.

— اول اینکه: علی‌رغم هزینه هنگفتی که محمدرضا پهلوی برای تهیه تسلیحات نظامی، به جیب شرکت‌های عمدتاً آمریکایی ریخته بود، با این اوصاف هزینه‌های او نتوانسته بود نیروی نظامی قابل اتکا و توانمندی برای ایران ایجاد کند و تجهیزات آن توانایی و تناسب لازم برای خاک ایران را نداشت. صدام اندکی پس از دستگیری در دسامبر ۲۰۰۳ توسط مأموران سازمان FBI، در دومین جلسه بازجویی خود گفت:

«اگر ارتش شاه هنوز وجود داشت ما آنها را در همان ماه اول شکست می‌دادیم»^۱.

— دوم اینکه: طبق اسناد منتشر شده در اوایل جنگ، یکی از اهداف مهم این جنگ، در صورت عدم موفقیت در سرنگونی جمهوری اسلامی، جدا کردن استان نفت‌خیز خوزستان از ایران بوده است. بدین شکل که با یک حمله برق‌آسا به

1. <https://nsarchive2.gwu.edu/NSAEBB/NSAEBB279/03.pdf>.

ایران، استان خوزستان تصرف می‌شود و بعد از اعلام آتش‌بس و در طی مراحل دادخواهی در مجامع بین‌المللی، ایران نخواهد توانست که این استان خود را پس بگیرد. این طرح، به‌روز شده‌ی طرحی است که انگلیسی‌ها پس از ملی شدن صنعت نفت آن را طراحی کرده بودند. اما پس از پیروزی کودتای ۲۸ مرداد دیگر به اجرای آن نیازی نداشتند.^۱

تحریم‌های نظامی اعمال شده علیه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، باعث شد که برخی از سفارش‌های ثبت شده توسط ایران توسط کشورهای غربی به ایران تحویل داده نشود و حتی برای خرید سیم خاردار نیز ایران تحت تحریم قرار بگیرد. پس از جنگ نیز این تحریم‌ها علیه ایران وجود داشت و تهیه و تبادل تجهیزات نظامی برای ایران با سایر کشورها با مشکلاتی روبرو بود.

ب- ترور رهبران

یکی از مهم‌ترین حربه‌های آمریکایی‌ها در ایران برای متوقف کردن حرکت انقلاب اسلامی، جلوگیری از تکوین نظام فکری اسلامی و همچنین جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به موفقیت‌های علمی، از طریق حذف نخبگان فکری و فرهنگی جریان‌ساز و شخصیت‌های تأثیرگذار در انقلاب، همچون شهیدان مفتاح، بهشتی، مطهری، اشرفی اصفهانی و مدنی و ... و نیز حذف دانشمندان حوزه‌های مختلف علمی نظیر شهیدان علی محمدی، رضایی‌نژاد، فخری زاده، شهریاری، احمدی روشن و ... بوده است. جبهه استکبار از طریق سازمان منافقین و دیگر گروهک‌ها و افرادی چون کشمیری، کلاهی، سعادت، زری‌باف و ... در ابتدای انقلاب و افرادی چون علیرضا اکبری در دوران فعلی با نفوذ در دستگاه‌ها و سازمان‌های مهم کشور اقدام به خرابکاری، بمب‌گذاری و ترور ده‌ها تن از شخصیت‌های ارشد فکری و علمی نظام نمود. در ادامه در قالب جدول ذیل به برخی از ترورهای جبهه استکبار از ابتدای انقلاب تاکنون اشاره می‌کنیم:

1. <https://www.nytimes.com/1980/10/16/archives/british-in-1950-helped-map-iraqi-invasion-of-iran.html>

مورد تروار	مقام	تاریخ
۱ آیت‌الله مطهری	از چهره‌های انقلابی و رئیس شورای انقلاب	۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸
۲ آیت‌الله دکتر بهشتی	از چهره‌های انقلابی و رئیس دیوان عالی کشور	۷ تیر ۱۳۶۰
۳ ۷۰ نفر از مقامات کشور	چهار وزیر، ۲۷ نماینده مجلس و ...	۷ تیر ۱۳۶۰
۴ مهندس محمدعلی رجایی	رئیس جمهور	۸ شهریور ۱۳۶۰
۵ حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد باهنر	نخست‌وزیر	۸ شهریور ۱۳۶۰
۶ آیت‌الله مدنی	امام جمعه تبریز	۲۰ شهریور ۱۳۶۰
۷ حجت‌الاسلام عبدالکریم هاشمی نژاد	از متفکرین و شخصیت‌های برجسته انقلابی	۷ مهر ۱۳۶۰
۸ آیت‌الله دستغیب	امام جمعه شیراز	۲۰ آذر ۱۳۶۰
۹ آیت‌الله علی قدوسی	دادستان کل انقلاب اسلامی	۱۴ شهریور ۱۳۶۰
۱۰ دکتر حسن آیت	نماینده مجلس و عضو مجلس خبرگان	۱۴ مرداد ۱۳۶۰
۱۱ سپهبد علی صیاد شیرازی	فرمانده نیروی زمینی ارتش	۲۱ فروردین ۱۳۷۸
۱۲ دکتر مسعود علی محمدی	استاد فیزیک دانشگاه تهران	۲۲ دی ۱۳۸۸
۱۳ دکتر مجید شهریار	استاد فیزیک دانشگاه شهید بهشتی	۸ آذرماه ۱۳۸۹
۱۴ دکتر داریوش رضایی نژاد	استاد برق دانشگاه خواجه نصیر طوسی	۱ مرداد ۱۳۹۰
۱۵ دکتر مصطفی احمدی روشن	معاون سایت هسته‌ای نطنز	۲۱ دی ۱۳۹۰
۱۶ سردار حسن طهرانی مقدم	پدر صنعت موشکی ج.ا.ا.	۲۰ آبان ۱۳۹۰

مورد ترور	مقام	تاریخ
۱۷	سردار قاسم سلیمانی	فرمانده نیروی قدس سپاه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸
۱۸	دکتر محسن فخری زاده	پدر برنامه هسته ای ایران ۷ آذر ۱۳۹۹

ج- فشار و تحریم اقتصادی:

توطئه‌ها، فشارها و تحریم‌های اقتصادی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی آمریکا آغاز شد و در طول چهل و چهار سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی با همکاری شرکای غربی به‌طور مداوم ادامه داشته، پیوسته در حال افزایش بوده است. اول خرداد ۱۳۵۹ اولین باری است که دولت آمریکا بر ضد حکومت نوپا و انقلابی ایران به‌طور رسمی مجموعه اقدامات تنبیهی و به زبان ساده‌تر تحریم‌های اقتصادی را اعمال کرد. تحریم‌های ضد ایرانی از آن تاریخ تاکنون چندین بار درگیر فراز و فرود و گسترش دامنه اجرایی شد. هدف تمامی این تحریم‌ها جلوگیری از پیشرفت ایران و حرکت رو به جلوی انقلاب اسلامی بوده است.

یکی از مهم‌ترین بهانه‌های گسترش دامنه تحریم‌ها بر ضد ایران مقطع «ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل» است. به‌طوری که پس از این تاریخ شورای امنیت و اتحادیه اروپایی به مجموعه تحریم‌گران جمهوری اسلامی اضافه شدند. «دفتر تروریسم و اطلاعات مالی» وزارت خزانه‌داری یا «FTI» که در سال ۲۰۰۴ به عنوان یکی از نهادهای وزارت خزانه‌داری آمریکا ایجاد شده، مرکز طراحی جنگ اقتصادی این کشور علیه کشورهای مخالف با سیاست‌های کلان واشنگتن به شمار می‌رود.

«دفتر تروریسم و اطلاعات مالی» مأموریت ادعایی خود را «اجرای راهبردهای دولت آمریکا برای مبارزه با تأمین مالی تروریسم در سطح داخلی و بین‌المللی، تدوین و اجرای راهبردهای ملی در خصوص مبارزه با شبکه‌های پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم» اعلام می‌کند. یکی از مهم‌ترین اهداف و محورهای فعالیت «دفتر تروریسم و اطلاعات

مالی» را هدایت جنگ اقتصادی علیه ایران، ضربه زدن به گروه‌های محور مقاومت و تبدیل کردن نظام مالی آمریکا به یک اهرم فشار علیه اقتصاد کشورهای ناهمسو با این کشور تشکیل می‌دهند.

«سی‌ان‌ان» در گزارشی در سال ۲۰۱۰ «دفتر تروریسم و اطلاعات مالی» را «اتاق جنگ ساکت» علیه ایران توصیف کرده و درباره آن نوشته است: «آنها در واقع، مسئول فلج کردن اقتصاد ایران هستند». «سی‌ان‌ان» نوشته فعالیت‌های این دفتر معمولاً بدون جار و جنجال انجام می‌شوند اما اثرگذار هستند.

۱. تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل

قطعه‌نامه‌های شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای ایران ضمن آنکه مجموعه تحریم‌های جدیدی را علیه جمهوری اسلامی ایران به تصویب می‌رساند، چارچوب قانونی جدیدی را در اختیار آمریکا قرار می‌داد تا حلقه تحریم‌های یک‌جانبه خود علیه ایران را تنگ‌تر و تنگ‌تر کند. پس از محکومیت برنامه هسته‌ای ایران طی شش قطعه‌نامه شورای امنیت، موضوع برنامه هسته‌ای ایران ابعادی بین‌المللی به خود گرفت. قطعه‌نامه شماره ۱۶۹۶، قطعه‌نامه شماره ۱۷۳۷، قطعه‌نامه شماره ۱۷۴۷، قطعه‌نامه ۱۸۰۳، قطعه‌نامه شماره ۱۸۳۵، قطعه‌نامه شماره ۱۹۲۹، قطعه‌نامه ۱۹۸۴، هفت قطعه‌نامه تحریمی شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی در خصوص پرونده هسته‌ای بودند.

۲. تحریم‌های اتحادیه اروپا

پس از قطعه‌نامه شماره ۱۹۲۹ شورای امنیت (۹ ژوئن ۲۰۱۰ برابر با ۹ خرداد ۱۳۸۹)، تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران به تدریج همانند تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران گسترش یافت. اتحادیه اروپا از ۲۷ فوریه سال ۲۰۰۷ برابر با هشتم اسفند ۱۳۸۵ و در پیروی از قطعه‌نامه شورای امنیت، اقدام به اعمال برخی محدودیت‌ها در ارسال قطعات، تجهیزات و فناوری‌ها به ایران کرد. این محدودیت‌ها در سال‌های بعد گسترش یافت و تجهیزات و فناوری‌های بیشتری را شامل شد.

۳. تحریم‌های آمریکا بر ضد ایران

با نگاهی به فهرست تحریم‌های وضع شده از سوی ایالات متحده آمریکا علیه ایران می‌توان دریافت که به‌طور کلی این قوانین به دودسته تقسیم می‌شوند: تحریم‌هایی که توسط کنگره وضع شده‌اند و تحریم‌هایی که توسط شخص رئیس‌جمهور وضع شده‌اند و به «فرمان اجرائی» مشهورند. تحریم‌هایی که بر اساس فرمان اجرائی رئیس‌جمهور وضع شده‌اند، بر حسب اختیاراتی هستند که قانون اختیارات اضطراری اقتصادی (IEEPA) به رئیس‌جمهور می‌دهد که بر اساس این قانون، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا می‌تواند هر زمان که وضعیت اضطراری را در رابطه با یک کشور تشخیص دهد، محدودیت‌هایی را در رابطه با تبادلات اقتصادی با آن کشور اعمال کند. دولت ایالات متحده آمریکا از مارس ۱۹۹۵ از این اختیار در رابطه با جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده و چنین وضعیتی را در خصوص تهران اعلام کرد.

تعدادی از فرامین اجرائی رئیس‌جمهور و قوانین کنگره ایالات متحده در ارتباط با تحریم جمهوری اسلامی

تاریخ	شماره فرمان اجرائی یا نام قانون	تاریخ	فرمان اجرائی	تاریخ	فرمان اجرائی
۱۶۷۹	۱۳۱۷۰	۲۰۰۰	قانون عدم اشاعه	۲۵۱۱	۱۳۵۹۰
۱۹۸۰	۱۳۲۰۵	۲۰۰۱	۱۳۲۲۴	۲۵۱۲	۱۳۶۰۶
۱۹۸۰	۱۳۲۱۱	۲۰۰۵	۱۳۳۸۲	۲۵۱۲	۱۳۶۰۸
۱۹۸۷	۱۳۶۱۳	۲۰۰۶	قانون حمایت از آزادی ایران	۲۵۱۲	قانون کاهش تهدید ایران

تاریخ	شماره فرمان اجرایی یا نام قانون	تاریخ	فرمان اجرایی	تاریخ	فرمان اجرایی
۱۹۹۲	بودجه دفاعی ۱۹۹۳	۲۰۱۰	۱۳۵۵۳	۲۰۱۲	بودجه دفاعی ۲۰۱۳
۱۹۹۵	۱۲۹۵۷	۲۰۱۰	قانون سبسادا	۲۰۱۲	۱۳۶۲۲
۱۹۹۵	۱۲۹۵۹	۲۰۱۱	بودجه دفاعی ۲۰۱۲	۲۰۱۲	۱۳۶۲۸
۱۹۹۶	قانون ایسا	۲۰۱۱	۱۳۵۷۲	۲۰۱۳	۱۳۶۴۵
۱۹۹۷	۱۳۰۵۹	۲۰۱۱	۱۳۵۷۴	۲۰۱۷	۱۳۷۶۹

در ادامه به برخی از شرکت‌هایی که توسط فرمان‌های اجرایی ریاست جمهوری آمریکا و یا قوانین کنگره مورد تحریم قرار گرفته‌اند اشاره می‌گردد:^۱

فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ وزارت خزانه‌داری آمریکا					
بانک سپه	گروه صنعتی فجر	کمپانی کاوشیار	فرایند تکنیک	بانک سپه بین‌الملل	بانک کارگشایی
کمپانی صنایع انرژی پیشرو اصفهان	کمپانی کالاهای الکترونیک	گروه تولید ماشین آلات میزان	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	بانک ملی plc (لندن)	پارس تراش

۱. براتی مسعود، ترابی سیدحامد، جنگ اقتصادی، فهرست تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰.

فرمان اجرائی ۱۳۳۸۲ وزارت خزانة دارى آمريكا					
سازمان صنايع دفاعى وزارت دفاع و پشتيبانى نيروهاى مسلح	بانك بين المللى پرسیا PLC (وابسته به بانك ملت در لندن)	وزارت دفاع و پشتيبانى نيروهاى مسلح جمهورى اسلامى ايران	بانك ملی ايران	بانك ملت	بانك ملت (ايروان) CJSC
آرين بانك (بانك مشترك بانك ملی و صادرات در كابل)	قرارگاه سازندگى نوح خاتم الانبياء	گروه معادن و صنايع متالورژى	بانك ملی ايران (ZAO مسكو)	شرکت نفت شرقى كيش	شرکت مهندسى سپاسد
شرکت عمران ساحل	قرب كربلا	شرکت هرا	مهندسين مشاور ساحل	صنايع شهيد ستارى	مرکز تحقيقات سوخت هسته اى اصفهان
قرب نوح	قرارگاه سازندگى قائم	شرکت تداركات تجهيزات ايمنى	شرکت کشتى رانى Cisco	شرکت کشتى رانى ايران و مصر	خطوط کشتى رانى ايران (مالتا)
صنايع شيميايى پارچين	کمپانى تماس	خطوط کشتى رانى ايران (Benelux)	مرکز تحقيقات هسته اى کشاورزى و پزشکى	شرکت جابر ابن حيان	حمل و نقل چند منظوره خطوط کشتى رانى ايران

فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ وزارت خزانه‌داری آمریکا					
شرکت صنعتی جوزا	خطوط کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران	Irisl Europe GmbH	آژانس‌های حمل و نقل Oasis	شبکه دریایی آسیا PTE	کمپانی کشتی‌رانی حمل و نقل جنوب
کمپانی ایران و هند	Irin Vest Ship Ltd	صنایع فراساخت	کشتی‌رانی ایران (لندن)	صنایع ارتباطی ایران	صنایع الکترونیک شیراز
حمل و نقل خطوط کشتی‌رانی ایران و چین	شرکت خدمات دریایی و مهندسی خطوط کشتی‌رانی ایران	شرکت تعاونی بانک توسعه صادرات	Banco Internacional de Desarrollo مؤسسه مالی واقع در ونزوئلا	شرکت ASSA CORP در نیویورک	شرکت حمل و نقل Irital
خطوط کشتی‌رانی دریای خزر	شرکت چاپ و نشر بانک ملی ایران	شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه سیممنت	کمپانی خدمات کامپیوتری کشتی‌رانی	خط کشتی‌رانی والفجر ۸	کمپانی مازندران سمنت
گروه صنایع تسلیحاتی	شرکت صنعتی ساخت هواپیما ایرا	شرکت مواد شیمیایی کشاورزی ملی	صنایع الکترونیک ایران	هلدینگ سرمایه‌گذاری بین‌المللی ملی	بانک توسعه صادرات
شرکت اوراق قرضه بانک توسعه صادرات	Blue Sky Industry Corporation	کمپانی مازندران سمنت	شرکت ASSA CORP در ایسلند	شرکت سرمایه‌گذاری بانک ملی ایران	Dalian Sunny Industry & Trade .Ltd, Co

فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ وزارت خزانهداری آمریکا					
Bmiic International General	اولین صندوق سرمایه‌گذاری ایرانی	(SC) (Dalian Industry & Trade .Ltd, Co	and Wealthy Ocean Enterprises Ltd	شرکت نساجی مازندران	مؤسسه مهندسی فاطر
کمپانی مهر	کمپانی سمنت شمال	مؤسسه MAKIN	Bmiic International General	نیروی هوایی سپاه پاسداران	Scibow Logistics Limited
Dalian , Carbon Co Ltd	شرکت سرمایه‌گذاری بانک ملی ایران	کمپانی کشتی‌رانی سفیران پیام دریا	اولین صندوق سرمایه‌گذاری ایرانی	شرکت مهندسی نفت و گاز ساحل	شرکت مهندسی نفت و گاز سپانیر
Liaoning Industry Ltd. and Trade .Co	مؤسسه مهندسین مشاور ایمن‌سازان	کمپانی کشتی‌رانی حفیظ دریا	Ansi Metallurgy Industry Co.,; Ltd	کمپانی جلودان توس	Sino & Metallurgy Minmetals Industry .Ltd, Co
مؤسسه رهاب	پست بانک ایران	کمپانی مدیریت کشتی سروش اساطیر	گروه صنایع دریایی Naval	فرماندهی موشکی سپاه پاسداران	۲۷ کشتی شرکت کشتی‌رانی ایران
شرکت کشتی‌رانی ماریل (مالتا)	DARYA CAPITAL ADMINISTRATION GMBH	نهاد ISI دریایی در مالتا	کمپانی اداره اقیانوس در ایران و آلمان	شرکت کشتی‌رانی Tongham	شرکت کشتی‌رانی Uppercourt
بانک EIH در هامبورگ	شرکت کشتی‌رانی Shere	بانک EIH در ایران	شرکت کشتی‌رانی Vobster	شرکت سرمایه‌گذاری Woking	HttS Hanseatic Trade در هامبورگ

فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ وزارت خزانه‌داری آمریکا					
کمپانی اداره اقیانوس چهاردهم در ایران	کمپانی کشتی رانی کرمان	Nari Shipping And Chartering در آلمان	خدمات انرژی در Pearl سوئیس	شرکت کشتی رانی Lancelin و Dorking	کمپانی انرژی Pearl در مالزی
کمپانی کشتی رانی Byfleet	کمپانی کشتی رانی Farnham	کمپانی کشتی رانی Ashtead	کمپانی کشتی رانی Effingham	کمپانی کشتی رانی Gomshall و Horsham	کمپانی کشتی رانی Cobham
Pacific Shipping Dmceest	Crystal Shipping Fze	Great Ocean Shipping c.v.Services L	Pearl Ship Management L.L.c	Leading Maritime Pte. Ltd	Fairway Shipping Ltd
Azores Shipping Company LI Fze	Sinose Maritime Pte. Ltd	Atlantic Intermodal	Santex Lines Limited	شرکت سرمایه‌گذاری مهر اقتصاد	ایران ایر
تایداواتر	کمپانی سوخت راکتور هسته‌ای	شرکت نورافزار گستر	شرکت فناوری سانتیفریوژ ایران (TESA)	شرکت صنایع تکنیک مدرن (MITEC)	بخش یاسا
گروه Flumen	پایا پرتو	شرکت توسعه سیستماتیک	پرتو صنعت	Biis Maritime Limited	Isim Amin Limited
نکانونین	Isim Olive Limited	Isim Atr Limited	Isim Sea Chariot Limited	Isim Simin Limited	Isim Sat Limited
Isim Sea Crescent Limited	Deep Offshore Technology Company	Isim Tour Limited	شرکت صنعتی دریایی ایران صدرا	مرکز اطلاعات و ارتباطات پیشرفته	شرکت صنایع الکترونیک (ECI) و سیستم‌های اطلاعاتی ایران

فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ وزارت خزانه داری آمریکا					
Isim Taj Mahal Limited	آژانس حمل و نقل Malship	Daniel FROSCH	Modality Limited	صادرات لجستیک وزارت دفاع	شرکت منابع بین المللی FZE
بانک تجارت	دانشگاه مالک اشتر	صنایع شیمی پنتان	پارس آمایش صنعت	بانک ملی ایران - ونزوئلا	Sorinet Commercial
تهران گسترش	شرکت ملی نفت	گروه صنایع ندا	گروه صنایع شیمیایی و توسعه مواد	طرح و پالایش واردات صد	کمپانی صادرات
پویاکنترل	دانشگاه پزشکی بقیة الله	تولید ابزار برشی ایران	ایران پویا	کمپانی صنایع دوستان	اولین بانک سرمایه گذاری اسلامی
صنایع آریا نیکان	فریدون عباسی دوانی	سازمان صنایع مارین	فرا تک	اولین بانک سرمایه گذاری اسلامی	Kont Investment Bank
کمپانی کاشان تقطیران	کمپانی تحقیقاتی پیشرو سیستم	اندیشه زلال	شرکت ایران زلال	Dfs Worldwide	Petro Green
نفت بین المللی امن	Aluminat	Global Sea Line Co Ltd	Energy Global International Fze	آبان ایر	Everex
KONT KOSMETIK	کمپانی مواد کمپزیت نوید	صنایع هوایی قدس	نگین پرتو خاور	شرکت کشف مواد معدنی و تولید مواد هسته ای	سازمان صنایع هوایی ایران
ارتباطات گسترش نوین	فن پردازان	شرکت ماریو صنعت	Mtto Industry & Trade	Ulrich Wippermann	Pere Punti

فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ وزارت خزانه‌داری آمریکا					
Karat Industry Co., Ltd	Dalian Zhenghua Maoyi Youxian Gongsi	DF Deutsche Forfait Americas Inc	AEIT	DF Deutsche Forfait, Aktiengesellschaft	Success Move Ltd
Tereal Industry And Trade Limited	Sinotech Dalian Carbon	گروه صنعتی تیوا	جهان تکنیک پویان پارس	سازه مرکب	مؤسسه تحقیقات و فناوری هسته‌ای
سازمان نوآوری و تحقیقات دفاعی	کمپانی حمل و نقل نفت ایران	Sinotech Industry Co	صنایع شهید موحد	شرکت بازرگانی کاندید جنرال	صنایع شهید نوری
شرکت رویال پرل مستقر در امارات	شرکت ستاره شرقی	سازمان فضایی ایران	گروه شهید کاظمی	شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس	مرکز تحقیقات و تکنولوژی شیخ بهایی
شرکت تجاری کاسالینگ	شرکت بین‌المللی ام‌کی اس	شرکت دارا افق سبز	شرکت آربین دانش	متین صنعت نیک اندیش	شرکت زیست تجهیز پویش
شرکت مخابراتی موج سبز	مرکز تحقیقاتی شهید اسلامی	پردازان سیستم نماد آرمان	صنایع هواپیمایی ایران	شرکت تعاونی کشتی‌رانی مدکندال قشم	سازمان جهاد خودکفایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
شرکت مهندسی صبا سدید	صنایع شهید کلهر	Sunway Tech	شرکت مهندسی راستافن ارتباط	Raybeam Optonics	صنایع شهید کریمی
شرکت صنایع شهید علم الهدی	فنا موج	صنایع شهید صنایع خانی	صنایع شهید شوشتی	شرکت چینی Wuhan sanjian Import and Export	صنایع شهید چراغی

فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲ وزارت خزانه‌داری آمریکا					
صنایع شهید خرازی	شرکت بوچانگ سرامیک (مستقر در چین)	شرکت پشتیبانی و نو سازی بالگردهای ایران	صنایع شهید مقدم	صنایع امیرالمؤمنین	مرکز تحقیقات فضایی

فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ وزارت خزانه‌داری آمریکا					
بانک صادرات ایران	کمیته ایران برای بازسازی لبنان	کمیته امداد امام خمینی شعبه لبنان	نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران	تایدواتر	ماهان ایر
یاس ایر	تجارت بهینه	خطوط هوایی عرب سوریه	Avia Trust Fze	شرکت هوا نوردی بلو اسکای	تجارت الماس مبین
Sadikov, Olimzhon Adkhamovich	هواپیمایی کاسپین	Pioneer Logistics	شرکت هواپیمایی آسیا	هواپیمایی معراج	خطوط هواپیمایی النصر
۹ هواپیما	Aviation Capital Solutions Ltd	شرکت ساختمانی - تجاری ماهر	شرکت میراژ برای مدیریت زباله و محیط زیست	شرکت داروسازی ریم	Grandeur General Trading Fze
Sky Blue bird Aviation	Aircraft, Avionics, Parts & Support	Hsi Trading Fze, Office Ci-L۳۱۷q, Ajman Free Zone	شرکت تجاری - انرژی میراژ	شرکت آلمانی Printing Trade Center	Khors Aircompany

فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ وزارت خزانه‌داری آمریکا					
Dart Airlines	پردازش تصویر رایان	شرکت آلمانی ForEnt Technik	هواپیمایی معراج، ماهان، کاسپین و پویا.	۳۱ هواپیما	شرکت اس.دی.ان بی.اچ.دی مالزی
یک شبکه گسترده صرافانی در ایران و امارات	بانک اسلامی البلاد عراق	۳ نهاد هواپیمایی ترکیه	زاگرس پردیس کیش	بانک انصار	شرکت منابع سرمایه جنوب
شرکت مسافری و هواپیمایی My Aviation	شرکت مهندسی تکنوتار	شرکت سرمایه‌گذاری تکتار	شرکت توسعه معادن روی ایران	شرکت کالسیمین	شرکت تولید روی بندرعباس
شرکت تولید اسید زنجان	شرکت سرمایه‌گذاری مهر اقتصاد ایرانیان	شرکت شیمیایی کاتالیست پارسیان	شرکت سرمایه‌گذاری اندیشه مهروران	بنیاد تعاون بسیج	گروه شهید زین الدین
هواپیمای فارس قشم ایر	شرکت هواپیمایی Flight Travel	شرکت ملی نفتکش	سازمان افق	وزارت نفت	شرکت ملی نفت ایران

آیین نامه معامله با ایران در آمریکا (ITR)					
کمپانی بیمه ایران در انگلستان	Kala Pension Trust Limited	بیمه ایران	شرکت ملی نفت ایران	مهندسی نفت ایران	شرکت خدمات تجاری نفت ایران (لندن)

آيين نامه معامله با ايران در آمريكا (ITR)					
کالا نفت Msp تهران	شرکت ملی نفت ايران (لندن)	کالا محدود	امور بين الملل شرکت ملی نفت (لندن)	شرکت بازرگانی پتروشیمی ايران	شرکت ملی پتروشیمی ايران
شرکت بين المللی پتروشیمی ايران (لندن)	شرکت بين المللی بازرگانی پتروشیمی ايران	Intra Chem Trading GmbH	شرکت بازرگانی پتروشیمی FZE دوبي	شرکت خصوصی بازرگانی پتروشیمی سنگاپور	شرکت خصوصی بازرگانی پتروشیمی سنگاپور
شرکت توسعه پترو ايران	پتروپارس بين المللی FZE دوبي	شرکت پتروپارس	پتروپارس لندن	بانک سینا	شرکت سرمایه گذاری خارجی ايران
Torgovy Kapital بانک بلاروسی متعلق به بانک تجارت	IFIC HOLDING AG متعلق به شرکت سرمایه گذاری خارجی ايران در آلمان	Onerbank Zao بانک بلاروسی متعلق به بانک رفاه کارگران بانک صادرات ايران و بانک توسعه صادرات ايران	IHAG Trading GmbH یک نهاد آلمانی متعلق به IFIC Holding AG	سازمان توسعه و نوسازی صنایع معادن و معادن ايران	Ascotec Holding GmbH: Ascotec Holding GmbH یک نهاد سستقر در آلمان متعلق سازمان توسعه و نوسازی صنایع معادن و معادن ايران

آیین‌نامه معامله با ایران در آمریکا (ITR)					
Ascotec Steel Trading Gmbh دوسلدورف آلمان متعلق Ascotec Holding Gmbh	Mines And Metals Engineering Gmbh نهادی در آلمان متعلق به Ascotec Holding Gmbh	IRASCO GmbH در جنوا متعلق به Ascotec Holding	بانک توسعه‌ی صادرات	Metal & Mineral Trade نهاد لوگزامبورگی متعلق به Ascotec Holding Gmbh	Ascotec Holding GmbH شرکت توکیویی که در تجارت خارجی ایران نقش دارد
WestSun Trade Gmbh متعلق به ماشین‌سازی اراک در هامبورگ	ماشین‌سازی اراک	Breyeller Stahl Technology Gmbh & Co. Kg در آلمان متعلق به Ascotec Holding Gmbh	Ascotec Mineral & Machinery در دوسلدورف آلمان متعلق به Ascotec Holding Gmbh	سازمان توسعه نوسازی صنعت ایران	Ascotec Science & Technology Gmbh در دوسلدورف آلمان متعلق به Ascotec Holding Gmbh
صنایع الکترونیک ایران (صایران)	پلیس سایبری ایران	صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران	سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی	کمپانی نفت و گاز ایران	مهندس مشاور مهاب قدس
شرکت بازرگانی مبروکه	Shanghai North Begins International	شرکت صادرات واردات نینگبو	شرکت لند آنهوی	ماندگار بسیار کیمیا	بیمه مرکزی ایران

آیین نامه معامله با ایران در آمریکا (ITR)					
سازمان تحقیقاتی و دفاعی و خودکفائی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	صنایع شهید رستگار	Shanghai North Transway International Trading	شرکت خاورمیانه اندیشه وصال	شرکت رایان رشد افزار	Dalian Zhongchuang Char-White Co
شرکت تجاری شانگای گانگ	Ramor Group	صنایع شهید ورامینی	Abascience Tech Co	Raytronic Corporation	Runling Ruan

فرمان اجرایی ۱۳۲۲۸ وزارت خزانه داری آمریکا					
کمپانی کشتی رانی Top Prestige در Trading در هنگ کنگ	کمپانی کشتی رانی سرمایه گذاری موفقیت ایدئال در هنگ کنگ	بانک مهر	بانک انصار	کمپانی کشتی رانی زرین شین اینترنشنال در هنگ کنگ	بنیاد تعاون سپاه
کمپانی کشتی رانی در Neuman در هنگ کنگ	کمپانی کشتی رانی True Honour Holdings در هنگ کنگ	کمپانی کشتی رانی Concept Giant در هنگ کنگ	کمپانی کشتی رانی Sandford Group در هنگ کنگ	کمپانی کشتی رانی Logistic Smart در هنگ کنگ	کمپانی کشتی رانی Top Glacier در هنگ کنگ
کمپانی کشتی رانی Trade Treasure در هنگ کنگ	کمپانی کشتی رانی Great Method در هنگ کنگ	کمپانی کشتی رانی Sino Access	کمپانی کشتی رانی System Wise در هنگ کنگ	کمپانی کشتی رانی Advance Novel در هنگ کنگ	کمپانی کشتی رانی Alpha Effort در هنگ کنگ

فرمان اجرایی ۱۳۲۲۸ وزارت خزانه‌داری آمریکا					
کمپانی کشتی رانی Smart Day Holdings در Group در هنگ کنگ	کمپانی کشتی رانی Sackville Holdings در هنگ کنگ	کمپانی کشتی رانی Best Precise در هنگ کنگ	کمپانی کشتی رانی New Desire در هنگ کنگ	کمپانی کشتی رانی Partner Century در هنگ کنگ	کمپانی کشتی رانی Dene Limi در هنگ کنگ
کمپانی کشتیرانی Loweswater در هنگ کنگ	ماشین پردازان	Step As	کمپانی کشتی رانی Pringthorpe در هنگ کنگ	Duransoy Muammer Kuntay	بانک صنعت و معدن
کمپانی کشتی رانی Shallon در هنگ کنگ	Royal-Med Shipping Agency Ltd	Carvana Company	گروه صنعتی شهید بابایی	Macpar Makina San Ve Tic A.s	Maraner Holdings Limited
صنایع شهید کاظمی	بانک رفاه کارگران	Baldacchino Adrian	Duransoy. Cagri	Multimat Ic Ve Dis Ticaret Pazarlama Limited Sirketi	

فرمان اجرایی ۱۳۵۵۳ وزارت خزانه‌داری آمریکا					
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران	نیروی مقاومت بسیج			

فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ وزارت خزانة داری آمریکا					
Grace Bay Shipping Inc	Polinex General Trading	Cambis. Dimitris	Kish Protection & Idemnity	Hercules International Ship	Asia Energy General Trading
Hermis Shipping Sa	Synergy General Trading Fze	Blue Tanker Shipping Sa	Libra Shipping Sa	Impire Shipping Company	Garbin NaviGation Ltd
۸ کشتی	۵۸ قایق شرکت ملی نفتکش	Jupiter Seaways Shipping	Koning Marine Corp	Monsoon Shipping Ltd	Sima General Trading Co Fze
شرکت سرمایه‌گذاری مدبر	شرکت پتروشیمی مرجان (متانول مرجان)	شرکت بازرگانی طلایی (GRTC) دبی	شرکت سیلندر سیستم‌های دوو	شرکت سازندگی بهساز کاشان	Sambouk Shipping Fze
شرکت ساختمانی امیدری	شرکت بین‌المللی سیلندرهای مانسمان	شرکت ایران و شرق	شرکت سرمایه‌گذاری غدیر	شرکت تجاری پارس نفت	بانک سرمایه‌گذاری امین
شرکت مهندسی‌ری نیرو	شرکت بیمه ملت	شرکت فنی مهندسی کارآمد (MCS)	شرکت سرمایه‌گذاری پردیس	شرکت پالایش نفت هرمز	ستاد اجرایی فرمان امام
شرکت تولیدی صادراتی ریشمک	شرکت سرمایه‌گذاری صنعت نفت (OIIC)	شرکت پتروشیمی پولی نار	شرکت نفت پارس	شرکت لیزینگ ایران و شرق	شرکت پتروشیمی قائد بصیر

فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ وزارت خزانه داری آمریکا					
شرکت خواص کلاس برتر	شرکت توسعه نفت و گاز پریشیا	شرکت پتروشیمی صدف عسلویه	گروه تدبیر انرژی	شرکت REYCO GMBH	شرکت کارگزاری تدبیر
شرکت پارس MCS	شرکت سرمایه‌گذاری ری	شرکت گروه تدبیر توسعه ساختمان	شرکت توسعه اقتصادی آینده سازان	شرکت رویال آریا	شرکت توسعه اقتصادی تدبیر
شرکت سرمایه‌گذاری تدبیر	شرکت سیمان زرین رفسنجان	بانک KAFOLAT	بانک رسالت	بانک بین‌المللی کیش	بانک خاورمیانه
بانک قوامین					

فرمان اجرایی ۱۳۶۰۶ وزارت خزانه داری آمریکا					
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	گروه شرکت‌های دانک	وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران	نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران	بانک اقتصاد نوین	بانک توسعه تعاون
شرکت نور انرژی	شرکت پترو سوئیس	بانک پاسارگاد	بانک پارسیان	بانک مشترک ایران و نژولا (انرژی)	کمپانی بین‌المللی هنگ کنگ (انرژی)
شرکت پترو انرژی	بانک ایران زمین	بانک سرمایه	بانک سامان	صندوق اعتباری مهر ایران	شرکت ملی نفتکش
بانک کارآفرین	توریسم بانک	بانک تات	گروه برنامه نویسی هانیستا		

فرمان اجرائی ۱۳۶۲۸ وزارت خزانه داری آمریکا					
مرکز تحقیقات جرائم سازمان یافته	هیئت نظارت بر مطبوعات	امن افزارگستر شریف	کارگروه تعیین محتوای مجرمانه	شرکت افق صابرين	پیک آسا
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	ایران تکنولوژی دوران	مرکز ملی فضای مجازی	شورای عالی فضای مجازی		

فرمان اجرائی ۱۳۶۴۵ وزارت خزانه داری آمریکا					
MIDOIL ASIAPTE LTD	SIQIRIYA MARITIME CORP	SOKOLENKO	SINGA TANKERS PTE. LTD	سه کشتی	گروه العقيلي
Polat Muzaffa	Faylaca Petroleum	۶ کشتی	Lissome Marine Services Llc		

فرمان اجرائی ۱۳۶۰۸ و قانون ایسا وزارت خزانه داری آمریکا					
New York General Trading	Great Business Deals	Sokolenko	European Oil Traders	Caucasus Energy	Georgian business Development
Ksn ,Foundation ۳ Muehleholz	New York Money Exchange	Ferland Company Limited	Goldentex Fze	Dettin Spa	

فرمان اجرائی ۱۳۵۵۳ و ۱۳۶۲۲ و ۱۳۸۴۶ وزارت خزانه داری آمریکا					
Abysssec	سازمان زندان ها	زندان رجایی شهر	بازرگانی بلفاست	شرکت ژوهای ژنرونک چین	

فرمان اجرایی ۱۳۸۷۱ و ۱۳۶۹۴ و ۱۳۵۸۱ وزارت خزانه‌داری آمریکا					
شرکت جهان فولاد سیرجان	شرکت فولاد متیل	شرکت سنگ آهن مرکزی ایران	ایستک تیم	شرکت پیگارد سماوات نت	گروه شرکت نرم افزار آجیلی

فرمان اجرایی ۱۳۸۷۶ وزارت خزانه‌داری آمریکا					
آستان قدس رضوی	شرکت مسکن و عمران آستان قدس رضوی	شرکت معادن قدس رضوی	شرکت کاشی سنتی قدس رضوی	شرکت کارگزاری بورس اوراق بهادار رضوی	سازمان اقتصاد رضوی
شرکت نفت و گاز رضوی	ستاد اجرایی فرمان امام	شرکت گسترش الکترونیک مبین ایران	شرکت توسعه حفاری تدبیر و بنیاد برکت	شرکت نمایندگان های کشتیرانی بنیاد	شرکت صنایع شیمیایی تابکم
شرکت نفت بهران	شرکت فولاد کاوه اروند	شرکت به تام روانکار	شرکت نفت تهران		

فرمان اجرایی ۱۳۹۰۲ وزارت خزانه‌داری آمریکا					
بانک سرمایه‌گذاری امین	بانک کشاورزی ایران	بانک مسکن	بانک رفاه کارگران	بانک شهر	بانک اقتصاد نوین
بانک قرض الحسنه رسالت	بانک حکمت ایرانیان	بانک ایران زمین	بانک کارآفرین	بانک خاورمیانه	بانک اتحادیه اعتباری مهر ایران
بانک پاسارگاد	بانک سامان	بانک سرمایه	بانک توسعه تعاون	بانک گردشگری	

فرمان اجرائی ۱۳۸۴۸ وزارت خزانه داری آمریکا					
			شرکت بیان رسان گستر	اتحادیه بین المللی رسانه های مجازی	اتحادیه رادیو و تلویزیون اسلامی ایران

راز مقاومت ایران در برابر توطئه های امنیتی، نظامی و اقتصادی

جمهوری اسلامی ایران راهبردهای مشخصی برای ایستادگی و مقاومت در برابر انواع توطئه های امنیتی، نظامی و اقتصادی دشمنانش دنبال کرده و توانسته با بهره گیری از این راهبردها به حدی از اقتدار امنیتی دست یابد که در یکی از ناامن ترین مناطق دنیا جزو امن ترین کشورهای دنیا محسوب شود. در این قسمت به مهم ترین این موارد اشاره خواهد شد.

● وحدت

اساسی ترین راهبرد نظام مقدس جمهوری اسلامی برای مواجهه با توطئه های دشمنان راهبرد وحدت است که ریشه در تعالیم و ارزش های اسلامی دارد. جمهوری اسلامی ایران علی رغم اینکه مذهب رسمی کشور را شیعه اثنی عشری معرفی کرده اما بر وحدت ادیان، وحدت مذاهب اسلامی و وحدت اقوام به عنوان اصلی اساسی برای دستیابی به انسجام اجتماعی، ارتقای وحدت ملی و تأمین ثبات و امنیت در کشور تأکید فراوانی دارد. این راهبرد در قوانین و مقررات مختلف نیز درج شده است. تأکید بر وحدت با ایجاد حس هویت و هدف مشترک در میان مردم به ارتقای ثبات و امنیت کشور کمک کرده و توطئه های دشمنان برای ایجاد شکاف های قومی و مذهبی را در نطفه خفه کرده است. وقتی مردم احساس کرده اند که بخشی از یک جامعه بزرگ تر هستند، و وقتی معتقدند که نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به پیشینه های مختلف آنها احترام می گذارد و برای آنها ارزش قائل است، از نظام و سیاست های آن حمایت می کنند.

● اتکای به مردم

انقلاب اسلامی ایران از ابتدا نهضتی مبتنی بر باورهای فطری و الهی مردم بوده است. حضور در صحنه مردم و ایستادگی آنها در مسیر تحقق دین عامل پیشبرد مسیر انقلاب و پیروزی آن شد.

تکیه بر توده‌های مردم انتخاب راهبردی امام رهبر در قبال روش‌های رایج سیاسی از جمله نشست و برخاست با احزاب و چهره‌های سیاسی بود. حضرت امام خمینی رهبر در ۱۲ خرداد ۴۲ در فیضیه به میدان آمد، مردم را هم به میدان آورد و پرچم را به دست آنها داد که قیام مردم در ۱۵ خرداد ۴۲ در تهران، قم و ورامین و شهرهای دیگر، پاسخ ملت به این دعوت بود. تکیه بر مردم البته درس امیرمؤمنان است که در نهج‌البلاغه می‌فرماید توده‌های مردم تکیه‌گاه دین، بدنه اصلی جامعه و ذخیره روز رویارویی با دشمن هستند.^۱

از پیروزی انقلاب نیز همواره این مردم بوده‌اند که آن را حفظ کرده‌اند و خطرات را از آن دفع کرده‌اند. این حضور و پشتیبانی مردمی را می‌توان اصلی‌ترین نقطه قوت جمهوری اسلامی دانست.

اتکا و حراست از همین اصل مردم‌سالاری توسط رهبران انقلاب نیز منجر به صیانت از نقش مردم در تصمیم‌گیری‌ها شده است. مشارکت مردم در تعیین نظام، تصویب قانون اساسی کشور، تعیین رهبری، رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس و شورای شهر ضامن ارتباط توأمان مردم و نظام بوده است.

آمریکا و رژیم صهیونیستی در نقطه مقابل راهبرد امام رهبر برای آوردن مردم به وسط میدان و سپردن پرچم تلاش و مبارزه به آنها، سیاست کلان «بیرون کشاندن مردم ایران از صحنه» را به‌کار گرفته‌اند. تلاش برای کوچک شمردن حضور مردم در مناسبت‌های مهم یکی از ترفندهای دشمن برای خارج کردن مردم از صحنه هست.

۱. «و إنما عماد الدين، و جماع المسلمين، و الغذاء للأعداء العاقبة من الأثرة، فليكن ضحكك لهم، و ميلك مغفهم». نهج‌البلاغه، نامه ۵۳.

رهبر انقلاب اسلامی علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

«علت این دشمنی آن است که فهمیده‌اند عامل پیشرفت و عزت‌یابی ایران، و مطرح شدن آن به‌عنوان یک قدرت شاخص در منطقه، و ایجاد عمق راهبردی بی‌نظیر برای نظام یعنی نیروهای مقاومت در سراسر منطقه، و شکست همه توطئه‌ها از کودتا و جنگ تحمیلی تا توطئه‌های امنیتی، حضور مردم ایران در صحنه است»^۱.

● حاکمیت قانون

تأکید جمهوری اسلامی بر اهمیت قانون و حاکمیت قانون نقش اساسی در حفظ نظم عمومی، ثبات و امنیت ملی ایران داشته است. تعهد نظام به رعایت قانون، چارچوبی را برای تضمین حمایت از حقوق، اجرای عدالت و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات فراهم کرده است. همچنین با حصول اطمینان از اینکه همه شهروندان تابع قوانین یکسان هستند و به حمایت‌های قانونی یکسان دسترسی دارند، انصاف و برابری را ترویج نموده است. این موضوع به کاهش تنش‌های اجتماعی و جلوگیری از درگیری‌های مبتنی بر تفاوت‌های قومی یا مذهبی کمک کرده است.

علاوه بر این موارد حاکمیت قانون با وضع قوانین و مقررات روشنی که رفتار قابل قبول را تعریف می‌کند، چارچوبی را برای پیشگیری از جرم و بی‌نظمی فراهم کرده است. سازمان‌های مجری قانون از این قوانین برای حفظ نظم و محافظت از شهروندان در برابر آسیب استفاده می‌کنند. در مجموع، تأکید جمهوری اسلامی بر اهمیت قانون و حاکمیت قانون به ارتقای نظم عمومی، ایجاد ثبات و امنیت ملی در ایران کمک کرده است. حاکمیت قانون با ترویج مسئولیت‌پذیری، انصاف و برابری، جلوگیری از جرم و بی‌نظمی زیربنای محکمی برای تأمین امنیت ملی ایجاد کرده است.

۱. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۴۰۲/۱۰/۱۹؛ دسترسی به بیانات در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=54897>.

● تقویت بنیه نظامی

از روزهای آغازین انقلاب اسلامی و با تدابیر حضرت امام خمینی ره چند اقدام ضروری در راستای تقویت بنیه نظامی کشور تحقق یافت. با دستور تشکیل بسیج ۲۰ میلیونی، لزوم حضور حداکثری مردم در دفاع از امنیت و نظام جمهوری اسلامی تأکید شد. با تشکیل کمیته انقلاب اسلامی و گروه‌های مردمی، امنیت شهرها پیگیری شد. با پاک‌سازی ارتش از عناصر وابسته به شاه و آمریکا و پس از آن حفظ ارتش، که نیروهای آن فرزندان این مردم و پیرو انقلاب اسلامی بودند، جلوی از دست رفتن یکی از ظرفیت‌های انقلاب اسلامی گرفته شد. با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی زمینه توسعه توان نظامی کشور ایجاد شد و در طی جنگ تحمیلی همه این عناصر توانستند ضرورت وجود خود را به خوبی اثبات کنند.

در طول دوران دفاع مقدس ضرورت خودکفایی در دانش نظامی به خوبی درک شد و با پیگیری نیروهای دغدغه‌مند، قدم‌های اولیه برای رشد و پیشرفت بومی در این زمینه برداشته شد. نوآوری‌های علمی در طراحی عملیات‌های نظامی که موجب حیرت و تحیر دانشمندان علوم نظامی دنیا شده بود، در کنار کارهای مطالعاتی و مهندسی برای دستیابی به دانش‌های نوین، مثل ساخت و طراحی موشک، از برکات دانشگاه بزرگ دفاع مقدس بود.

اکنون جمهوری اسلامی به برکت توانمندی‌های نظامی و اطلاعاتی خود، از جمله آوازه‌ای که از موشک‌ها و پهپادهای آن در دنیا پیچیده، توانسته است بازدارندگی بسیار بالایی برای خود در برابر دشمنان مردم انقلابی ایران ایجاد کند و با گسترش تفکر مقاومت در بین مردم منطقه، خط مقدم درگیری را به مرزهای دشمنان خود منتقل کند و آنها را مجبور به پاسخ در برابر این پیشروی جمهوری اسلامی بکند.

از جمله برکات پیشرفت نظامی جمهوری اسلامی ایران دستیابی به مرزهای جدید از دانش است که سرریز آن می‌تواند در سایر صنایع داخلی استفاده شود و صادرات این دانش نیز بهره اقتصادی خوبی برای کشور خواهد داشت.

● توجه به علم و فناوری

تأکید نظام ج.ا.ا. بر علم و فناوری تأثیر بسیار مثبتی در خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان داشته است. علم و فناوری نقش مهمی در ایجاد رشد اقتصادی، ارتقای توسعه اجتماعی و ارتقای توان نظامی کشور دارد. بارش توانمندی‌های علمی می‌توان اقدامات خصمانه دیگر کشورها، چه در حوزه تهدیدات نظامی و امنیتی و چه در حوزه تحریم‌های اقتصادی را بی‌اثر کرد.

ایران با توسعه قابلیت‌های تحقیق و توسعه خود توانسته است صنایع جدیدی ایجاد کند و وابستگی خود به نظم جهانی را کاهش دهد. این امر به تنوع بخشیدن به اقتصاد به دور از نفت و گاز کمک کرده است که به‌طور سنتی منبع اصلی درآمد برای کشور بوده است. از سوی دیگر توسعه علم و فناوری باعث پیشرفت در توسعه اجتماعی در ایران شده است. پیشرفت در مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی و سایر زمینه‌ها به بهبود کیفیت زندگی ایرانیان و کاهش نابرابری درآمد کمک کرده است. این موضوع به ایجاد جامعه‌ای با ثبات‌تر و مرفه‌تر کمک کرده که کمتر مستعد ناآرامی‌های اجتماعی است.

در واقع راه‌حل اصلی و زیربنایی برای مقابله با تهدیدات خارجی، توجه به پیشرفت علمی است که جمهوری اسلامی به این مرحله توجه بسیار زیادی داشته است. در بخش بعد به این موضوع خواهیم پرداخت.

۳. پیشرفت علمی و پر کردن شکاف فناورانه

همانند همه تمدن‌های پیشرفته جهان که در طول تاریخ توانسته‌اند به قدرت‌های برتر تبدیل شوند، انقلاب اسلامی نیز در مسیر نیل به احیای تمدن نوین اسلامی و دستیابی به «مرجعیت علمی و فناوری جمهوری اسلامی ایران در جهان»^۱ در گام اول

۱. مراد از «مرجعیت علمی و فناوری» آن موقعیتی است که جمهوری اسلامی ایران پس از طی مسیرهای صعب و دشوار، برنامه‌ریزی‌های دقیق و حساب شده به آن خواهد رسید. در اثر دستیابی به مرجعیت علمی و فناوری، جمهوری اسلامی ایران مرجع علمی دانشمندان علوم مختلف جهان خواهد شد به گونه‌ای که هر دانشمندی در گوشه از جهان بخواهد با جدیدترین یافته‌های علمی آشنا شود مجبور باشد به جمهوری اسلامی ایران سفر کرده و زبان فارسی را یاد بگیرد. (امام خامنه‌ای ع)، بیانات در دیدار با نخبگان جوان، ۱۳۸۶/۶/۱۲

نیازمند خودکفایی و استقلال علمی است. لذا اولین قدم توجه به علم، علم‌آموزی، آموزش عمومی و ارتقای سواد مردم است. بدین منظور از روزهای اول پیروزی انقلاب اسلامی حرکت برای دستیابی به این اهداف آغاز شده است. رهبر انقلاب اسلامی علیه السلام، حضرت امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرمایند:

کشور ما باید علم را بیاموزد، جهت‌یابی علم و عمل را بیاموزد، تا جایی که هیچ قدرتی نتواند بر او حکومت کند.^۱

امام خامنه‌ای علیه السلام نیز در بند اول سیاست‌های کلی نظام در حوزه علم و فناوری (ابلاغی ۹۳/۶/۲۹) به «جهاد مستمر علمی باهدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان» اشاره نموده در بیانات خود به‌طور متعدد، هدف اصلی از روند حرکت علمی کشور را، تبدیل ایران به مرجع علمی جهان دانسته و به آن تأکید فرموده‌اند.^۲

در ادامه خلاصه‌ای از مسیر طی شده توسط جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به پیشرفت علمی و پرکردن شکاف فناوریانه و همچنین احیای تمدن نوین اسلامی ارائه می‌گردد.

الگوی پیشرفت علمی

پیشرفت علمی می‌تواند با الگوها و جهت‌گیری‌های مختلفی پیگیری شود. گاه هدف یک شخص از کسب توانایی علمی، خدمت به هم‌نوعان و بشریت است و گاه می‌تواند کسب قدرت و برتری نسبت به دیگران و درآمد و ثروت باشد. بدیهی است رویکرد کشورها و تمدن‌ها نیز در پیشرفت علمی می‌تواند متفاوت باشد.

● الگوی پیشرفت علمی از دیدگاه امام علیه السلام

از دیدگاه امام علیه السلام محور، باید تعالی، پیشرفت و توسعه انسان باشد. نگاه ایشان به پیشرفت و توسعه دیدگاهی انسان‌شناسانه و در قلمروی معرفت دینی است که

۱. کلمات قصار: پندها و حکمت‌ها، ص ۵۱.

۲. امام خامنه‌ای علیه السلام، بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، ۸۷/۹/۲۴.

هدف غایی پیشرفت و توسعه را تربیت انسان کامل در جامعه می‌داند. انسانی که در همه ابعاد وجودش، کمال یافته است و توانایی ایجاد تحول و دگرگونی در جامعه را به سوی خیر و صلاح عمومی دارد. امام رحمته‌الله در این رابطه می‌فرماید:

«اسلام همه ترقیات و همه صنعت‌ها را قبول دارد، با تباهی مخالف است، با آن چیزهایی که تباه می‌کند جوان‌های ما را، مملکت ما را، با آنها مخالف است اما با همه ترقیات، همه تمدن‌ها موافق است»^۱.

بنابراین از دیدگاه امام رحمته‌الله، همه تلاش‌ها و کارکردها در حوزه‌های مختلف علمی، فنی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نهایتاً باید به ساخته شدن انسان، تربیت و هدایت او منجر شود تا از تباهی‌هایی بابت؛ زیرا اگر انسان درست شد هم جامعه را به مسیر کمال و راه‌های درست سوق می‌دهد و هم مکتب را حفظ می‌کند، در نتیجه زمینه مناسب برای زندگی و حیات جامعه انسانی فراهم می‌گردد و در مسیر پیشرفت و تعالی قرار می‌گیرد.

● الگوی پیشرفت علمی از دیدگاه امام خامنه‌ای رحمته‌الله

مقام معظم رهبری رحمته‌الله می‌فرماید:

«ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی - ایرانی پیدا کنیم. این برای ما حیاتی است. چرا می‌گوییم اسلامی و چرا می‌گوییم ایرانی؟ اسلامی به خاطر اینکه بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است. چرا می‌گوییم ایرانی؟ چون فکر و ابتکار ایرانی، این را به دست آورده؛ اسلام در اختیار ملت‌های دیگر هم بود. این ملت ما بوده است که توانسته است یا می‌تواند این الگو را تهیه و فراهم کند. پس الگوی اسلامی ایرانی است»^۲.

انتظارات رهبری از دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی این است که به نحوی به علم

۱. حضرت امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۶۹، ج ۹: ۱۱۶.

۲. امام خامنه‌ای رحمته‌الله، بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

اهمیت دهند که تا پنجاه سال دیگر صادرکننده علم به دنیا باشیم. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

من انتظارم این است که ما پنجاه سال دیگر (نمی‌گویم ده سال، پانزده سال دیگر) در دنیا و در سطح عالم، حرف اول علمی را بزنیم؛ یعنی مرزهای علم را ما تعیین کنیم. کار به جایی برسد که زبان ما - که زبان فارسی است - در دنیا زبان علم بشود.^۱

اگر شما امروز در راه درست قدم بردارید، هیچ اشکالی ندارد که پنجاه سال دیگر، جهت اتوبان علم - که امروز یک طرفه و از یک سو به سوی دیگر است - یا دو طرفه شود، یا یک طرفه و از این سو به آن سو شود؛ چه مانعی دارد؟ مگر یک روز این طور نبود؟ یک روز علم را غربی‌ها از شرق و از همین ایران گرفتند. پایه‌گذار بسیاری از علومی که امروز در دنیا رایج است، ایرانی‌ها هستند. در ریاضی، فیزیک، پزشکی، نجوم و بسیاری از علوم دیگر، ایرانی‌ها پایه‌گذار بودند. اصلاً رنسانس اروپا بر اساس ترجمه‌هایی که در کشورها و مناطق اسلامی انجام گرفته بود، صورت گرفت. ما می‌توانیم این را تصور کنیم که یک روز ایران تولیدکننده خلاق علم شود.^۲

شما کاری کنید که در یک دوره‌ای - حالا این دوره ممکن است پنجاه سال دیگر یا چهل سال دیگر باشد - هر دانشمندی اگر بخواهد به آخرین فرآورده‌های علمی دست پیدا کند، ناچار باشد زبان فارسی را که شما اثرتان را به زبان فارسی نوشته‌اید، یاد بگیرد؛ همچنانی که امروز شما برای دستیابی به فلان علم، مجبورید فلان زبان را یاد بگیرید تا بتوانید کتاب مرجع را پیدا کنید و بخوانید، شما کاری کنید که در آینده کشور شما یک چنین وضعی پیدا کند.^۳

۱. همان، بیانات در دیدار با اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها ۱۳/۷/۱۳۸۵.

۲. همان، بیانات در دیدار با کارگزاران نظام ۳/۷/۱۳۸۱.

۳. همان، بیانات در دیدار با نخبگان جوان، ۱۲/۶/۱۳۸۶.

توجه به علم و فناوری و هدف‌گذاری کلان مرجعیت علمی در اسناد بالادستی کشور

تأکید و برنامه‌ریزی عملی برای رسیدن به رشد و پیشرفت و مرجعیت علمی از سوی رهبران انقلاب اسلامی، خود را در تدوین سیاست‌ها و قوانین بالادستی کشور نشان می‌دهد.

● علم، فناوری و تحقیق و نوآوری در قانون اساسی

قانون اساسی به صورت کلی و در اصول متعددی به مسئله مهم علم و فناوری، مطالعه، پژوهش، نوآوری و خلاقیت اشاره نموده است که در اینجا به بیان برخی از آنها می‌پردازیم:

— در بند «الف» و «ب» اصل دوم قانون اساسی آمده است:

«جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به... که از راه الف) اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین (علیهم‌السلام) ب) استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها».

بدیهی و مسلم است که اجتهاد مستمر و استفاده از علوم و فنون و تجارب بشری جز در سایه مطالعه و تحقیق و توجه به فرگیری علم و دانش امکان نداشته و نخواهد داشت.

— بند دوم و چهارم اصل سوم قانون اساسی مقرر می‌دارد:

«بند دوم- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها... بند چهارم- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمامی زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان».

مطابق اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده است که همه امکانات خود را برای نیل به این امور به کار بندد. بنابراین یکی از وظایف اصلی مسئولان حکومت اسلامی، افزایش سطح معلومات عمومی مردم و تقویت امر تحقیق و تشویق پژوهشگران عنوان شده است.

— اصل سی‌ام قانون اساسی دولت را موظف نموده است تا وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

— بند اول و سوم اصل چهل و سوم قانون اساسی مقرر داشته است که اقتصاد جمهوری اسلامی ایران باید به گونه‌ای باشد که نیازهای اساسی مردم از جمله نیاز به آموزش و پرورش تأمین گردد؛

— اصل یک‌صد و چهل و یکم قانون اساسی، کارکنان دولت را از داشتن بیش از یک شغل دولتی ممنوع کرده است ولیکن در ذیل همین اصل آمده که سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است. به نظر می‌رسد استثناء شدن اشتغال به سمت‌های آموزشی و پژوهشی از این حکم، خود نشان‌دهنده جایگاه رفیع علم و تحقیق و مطالعه در قانون اساسی و در حقیقت بیان‌کننده ضرورت و نیاز کشور به موضوع آموزش، تحقیق، مطالعه و ابتکار است.

از بررسی و مطالعه اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استنباط می‌شود که اولاً یکی از راه‌های نیل به اهداف نظام جمهوری اسلامی در قانون اساسی استفاده از علوم و فنون و تجارب دیگران بیان گردیده که این مهم جز در گرو توسعه و رونق امر تحقیق و مطالعه علم و دانش و فناوری در کشور ممکن نخواهد شد. دوماً گسترش تحقیق و مطالعه در کشور و حمایت و تشویق پژوهشگران و مبتکران و پدیدآوردن آثار و مخترعان و مکتشفان، جزء وظایف حتمی دولت جمهوری اسلامی ایران گذاشته شده و دولت موظف است به اینکه همه امکانات و توانایی‌های خود را برای نیل به این امر مقدس به کار بندد.^۱

● مرجعیت علمی و فناوری در نقشه جامع علمی کشور

امام خامنه‌ای علیه السلام با درکی هوشمندانه از ظرفیت کشور در ایفای این نقش خطیر و نیز

۱. صوفی آبادی، محمود، بررسی جایگاه تحقیق، پژوهش و مطالعه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اندیشه صادق بهار و تابستان ۱۳۸۱ شماره ۶ و ۷.

با اشراف بر امکانات و استعداد‌های عظیم موجود در کشور، خواستار هدف‌گذاری دقیق در زمینه علم و فناوری و برنامه‌ریزی‌های عملیاتی، زمان‌بندی شده و یکپارچه در سطوح مختلف این عرصه شده‌اند. این تأکیدات در کنار رهنمودهای سال‌های گذشته معظم له با مضامین جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم و نیز انتظار جدی ایشان برای اهتمام و جدیت در مسیر پیشرفت علمی کشور موجب گردید که تدوین نقشه جامع علمی کشور به‌طور ویژه در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گیرد.^۱ در مقدمه نقشه جامع علمی کشور می‌خوانیم:

«دستیابی به آرمان‌های بلند نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مستلزم تلاش همه‌جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است ... مقوله علم و فناوری از مهم‌ترین زیرساخت‌های پیشرفت کشور و ابزار جدی رقابت در عرصه‌های مختلف است. به این ترتیب تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران نظیر احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو پیشرفتی همه‌جانبه در علم است؛ علمی که دارای سه شاخصه عدالت، معنویت و عقلانیت است.

... در این چشم‌انداز،^۲ «جمهوری اسلامی ایران با اتکال به قدرت لایزال الهی و با احیای فرهنگ و برپایی تمدن نوین اسلامی- ایرانی برای پیشرفت ملی، گسترش عدالت و الهام بخشی در جهان، کشوری برخوردار از انسان‌های صالح، فرهیخته، سالم و تربیت شده در مکتب اسلام و انقلاب و با دانشمندی در تراز برترین‌های جهان؛ توانا در تولید و توسعه علم، فناوری و نوآوری و به‌کارگیری دست‌آوردهای آن و پیشتاز در مرزهای دانش و فناوری با مرجعیت علمی در جهان» خواهد بود.

۱. حسین زاده، محمد حسن، الزامات دستیابی جمهوری اسلامی ایران به مرجعیت علمی و فناوری جهان، رساله دکتری، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۵، ص ۶۹.

۲. چشم‌انداز علم و فناوری در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی.

● مرجعیت علمی و فناوری در سیاست‌های کلی نظام در علم و فناوری

در بند نخست سیاست‌های کلی نظام در علم و فناوری (ابلاغی ۹۳/۶/۲۹) توجه به مرجعیت علمی و فناوری به عنوان هدف اصلی مورد توجه قرار گرفته است.

«جهاد مستمر علمی باهدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان با تأکید بر:

- تولید علم و توسعه نوآوری و نظریه پردازی.
- ارتقاء جایگاه جهانی کشور در علم و فناوری و تبدیل ایران به قطب علمی و فناوری جهان اسلام.
- توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی.
- تحول و ارتقاء علوم انسانی به‌ویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی با: تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و باانگیزه، اصلاح و بازنگری درمتون، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی و ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی مربوط.
- دستیابی به علوم و فناوری‌های پیشرفته با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ویژه.

● مرجعیت علمی و فناوری و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

در بند بیست و پنجم از فصل اول و همچنین بند دوم از فصل چهارم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به مرجعیت علمی و فناوری اشاره شده است.

در بند بیست و پنجم از فصل اول آمده است که «ارج نهادن به دست‌آوردهای علمی و تجربه‌های بشری در چارچوب نظام معیار اسلامی و بسترسازی برای دستیابی به مرجعیت علمی و فناوری جهان».

در بند دوم فصل چهارم این سند نیز این‌گونه آمده است: ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه‌سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و فناوری و تکوین تمدن اسلامی - ایرانی در

راستای تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی با تأکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی، ... (بند ۲۵ فصل ۱ و بند ۲ فصل ۴ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش).

گام‌های مهم ج.ا.ا. برای استقلال علمی

● ریشه‌کنی بی‌سوادی؛ نخستین گام

تا آخرین سال‌های سقوط رژیم شاهنشاهی خیل عظیمی از کودکان ایران از امکان ورود به مدارس محروم بودند. طبق سرشماری سال ۱۳۵۵ خورشیدی، از کل جمعیت ۲۷،۱ میلیون نفری ۶ ساله به بالا، ۱۴،۲ میلیون نفر (۵۲،۵ درصد) بی‌سوادی بوده‌اند. با تأکیدات امامین انقلاب اسلامی در طول ۴۴ سال گذشته و اقدامات نهضت سوادآموزی، طبق سرشماری سال ۱۴۰۰ میزان بی‌سوادی به ۹۷،۱ درصد افزایش یافت.^۱

امام خمینی رحمته الله علیه در ۱۳۵۸/۱۰/۷ طی پیامی با ذکر آیه کریمه «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» و با اشاره به کم‌کاری رژیم پهلوی در آموزش عمومی و محروم بودن اکثر افراد کشور از نعمت خواندن و نوشتن، مردم و مسئولان را به نهضت سوادآموزی در کشور فراخواند^۲ و با سواد بودن مردم را از نیازهای اولیه برای هر ملت و در ردیف بهداشت و مسکن، بلکه مهم‌تر از آنها دانست و یادآور شد بی‌سوادی در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه دینی که طلب علم را فریضه می‌داند، مایه خجالت است.^۳ ایشان در ادامه پیام، خواستار بسیج عمومی همه اقشار مردم و نهادهای آموزشی و دینی برای سوادآموزی شد و بر اساس ضرورت یادشده برنامه‌ای درازمدت و طرحی نو و ضربتی را برای سوادآموزی ضروری دانست و به دولت و مردم توصیه کرد بدون فوت وقت و تشریفات خسته‌کننده با بسیج عمومی برای مبارزه با بی‌سوادی قیام کنند، تا در آینده‌ای نزدیک همگان نوشتن و خواندن را بیاموزند. ایشان به آئمه جماعات شهرستان‌ها و روستاها توصیه کرد با سوادان را دعوت کنند تا در مساجد و تکایا

۱. محمدزاده، شاپور (۱۴۰۰/۱۱/۱۷)، کارنامه چهل‌وسه سال «سوادآموزی»: ریشه‌کنی بی‌سوادی به برکت انقلاب اسلامی، مصاحبه با پایگاه خبر نهضت سوادآموزی، قابل مشاهده در:

<https://lmo.gov.ir/>

۲. امام خمینی، صحیفه، ۴۴۶-۴۴۷.

۳. همان.

نوشتن و خواندن را به خواهران و برادران خود یاد داده و منتظر اقدامات دولت نباشند و یادآور شد اعضای باسواد خانواده اعضای بی‌سواد را آموزش داده و ایران را سراسر مدرسه کنند.^۱

امام خمینی رحمته الله علیه، یک سال پس از این، در ادامه تأکیدها و تکرارها برای جهاد سوادآموزی در پیامی جهالت را موجب عقب‌ماندگی و وابستگی برشمردند و قلم و علم و بیان را زمینه‌ساز رشد و تمدن و معنویت و قدرت و استقلال معرفی کردند. همچنین با اشاره به آیه کریمه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» و حدیث نبوی عَنْ رَسُولِ اللَّهِ «طلب العلم فريضة» علی‌کل مسلم^۲، تأکید کردند اسلام به علم و دانش اهمیت بسیار زیادی داده و بر هر مسلمانی واجب است در طلب علم و دانش کوشا باشد. پس از سفارش‌های چندباره امام خمینی رحمته الله علیه به سوادآموزی، استقبال مردم از کلاس‌های نهضت سیر فزونی گرفت؛ چنان‌که زنان خانه‌دار و دارای بچه کوچک نیز در کلاس‌های درس حاضر می‌شدند.^۳ به همین شکل تشویق به علم‌آموزی در دردهای مختلف سنی و از جمله آموزش عالی نیز ادامه داشت.

● دهه ۷۰: نخستین گام‌ها در استقلال علمی و فناوریانه کشور

از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه، دانشگاه یکی از ارکان تأمین استقلال کشور بود که یکی از وظایف اصلی آن، تربیت جوانان با ذهنیت استقلال در اداره کشور به شمار می‌رفت. در خردادماه سال ۱۳۵۹، امام خمینی رحمته الله علیه فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی را صادر نمودند که فضای آموزش عالی کشور را متحول ساخت. در سال‌های بعد، بسط عدالت اجتماعی به عنوان یکی از آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و همچنین نیاز به نیروی انسانی تحصیل کرده برای توسعه همه‌جانبه کشور از طریق مسیر خودکفایی، به توسعه دانشگاه‌ها و بهبود دسترسی افراد جامعه به آموزش عالی انجامید.

از سوی دیگر، جنگ تحمیلی و تحریم‌های ظالمانه باعث شد کشور بیش از پیش به

۱. همان.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ۱/۱۷۷.

۳. جمهوری اسلامی، روزنامه، ۱۳۵۸/۱۲/۲۸.

دنبال رفع وابستگی خود به سایر کشورها باشد و از این رو با عزم و اراده ملی و با تکیه بر جوانان و متخصصان داخلی به سوی توسعه صنعت و فناوری به ویژه در حوزه دفاعی گام بردارد. کشوری که پیش از انقلاب اسلامی در صنعت دفاعی کاملاً به کشورهای خارجی وابسته بود، وارد قطعه سازی و مهندسی معکوس و سپس طراحی مستقیم شد و مراحل توسعه فناوری را با سرعت بالایی پیمود. توسعه فناوری در حوزه دفاعی نه تنها به دستاوردهای مستقیم در حوزه های موشکی، زمینی و دریایی و در نتیجه افزایش توان دفاعی و اقتدار ملی انجامید، که توانست با سرریز به سایر صنایع، در توسعه آنها به طور غیرمستقیم اثرگذار باشد.^۱

● دهه ۸۰: تعقیب هدفمند توسعه علمی و فناوریانه

مسیر توسعه علمی و فناوریانه در سال های پس از جنگ تحمیلی به طور نظام مندتر تعقیب شد. سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۸۲ تصویب و ابلاغ شد، ویژگی های علمی فناوری و اقتصادی کشور را در سال ۱۴۰۴ تعیین کرد. طبق این سند، ایران در افق چشم انداز، کشوری «برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی» خواهد بود.

تحقق این چشم انداز، نیازمند ترسیم نقشه راهی بود که مسیر، منابع، تقسیم وظایف ملی و الزامات دستیابی به آن را مشخص سازد. سند «نقشه جامع علمی کشور» با این هدف در سال ۱۳۸۹ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد. در این سند، «ترکیب عرضه محوری و تقاضا محوری»، «اجتماع دو رویکرد برون مداری و درون مداری» و «تلفیق آموزش با تربیت و پژوهش و مهارت» به عنوان ویژگی های مناسب نظام علم، فناوری و نوآوری جامعه ایرانی - اسلامی، تبیین شد. این سند اهداف کلان و بخشی نظام علم و فناوری کشور و نیز کمیت های مطلوب شاخص های کلان آن را مشخص کرد. همچنین اولویت های علم و فناوری کشور به منظور هدایت

۱. معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، چهار سال علم، فناوری و نوآوری، نگاهی به چهار دهه توسعه علم، فناوری و نوآوری در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۷.

سرمایه‌گذاری‌ها از طریق برنامه‌های توسعه پنج‌ساله و بودجه‌های سالیانه، هدایت نظام آموزش برای تأمین و جذب نیروی انسانی مورد نیاز و اصلاح و ایجاد ساختارها، فرایندها و سیاست‌ها و ضوابط تشویقی خاص برای رشد سریع در حوزه‌های اولویت‌دار نیز در این سند تبیین شد.

● دهه ۹۰: توسعه زیست‌بوم نوآوری و کارآفرینی

چهار سال پس از تصویب نقشه جامع علمی کشور، «سیاست‌های کلی علم و فناوری» نیز در سال ۱۳۹۳ از سوی مقام معظم رهبری علیه‌السلام، به رؤسای قوای سه‌گانه ابلاغ شد. این سیاست‌ها با هدف دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان، بر بهینه‌سازی عملکرد ساختار نظام آموزشی و تحقیقاتی کشور، تحول روابط میان نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری با سایر بخش‌ها و نیز گسترش همکاری‌های بین‌المللی به‌ویژه با کشورهای اسلامی تأکید دارد.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز که در سال ۱۳۹۲ از سوی مقام معظم رهبری علیه‌السلام ابلاغ شد، با تأکید بر تأمین منابع مالی و انسانی برای توسعه کارآفرینی، پیشتازی در اقتصاد دانش‌بنیان، ساماندهی نظام ملی نوآوری و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات دانش‌بنیان، رویکردی مولد، درون‌زا و برون‌گرا را برای توسعه اقتصاد کشور معرفی کرد. در این دوره با اجرای قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و شکل‌گیری صندوق نوآوری و شکوفایی، زیست‌بوم نوآوری و کارآفرینی کشور تقویت شد و با شکل‌گیری زیرساخت‌هایی چون مراکز نوآوری و شتاب‌دهنده‌ها رشد شرکت‌های نوپا و فرایند تجاری‌سازی دستاوردهای فناوریانه تقویت شد.^۱

انتخاب یک مسیر مطمئن برای پیشرفت علمی

پس از انقلاب اسلامی، ایران مسیری را برای توسعه و پیشرفت انتخاب کرد که قبل از آن سایر کشورهای توسعه‌یافته آن را پیموده بودند. ایران بعد از انقلاب، مانند سایر کشورهای پیشرفته در حال سپری کردن چهار مرحله پیشرفت علمی-دانشگاهی است:

۱. همان.

مرحله اول: آموزش محوری، مرحله نخست علمی همه دانشگاه‌های دنیاست؛ به این صورت که فقط زیرساخت‌ها شکل گرفته و دانشجو جذب می‌شود و آموزش می‌بیند.

مرحله دوم: پس از مرحله آموزش محوری، مرحله پژوهش محوری آغاز می‌شود. در این مرحله دانشجویان با استفاده از آموزش‌های فراگرفته‌شده، اقدام به پژوهش کرده و تولید مقاله می‌کنند.

مرحله سوم: در مرحله بعد، دانشگاه پژوهش محور، تبدیل به دانشگاه فناور می‌شود؛ با این توضیح که مقالات از جنبه علمی صرف، به مرحله عملیاتی و تولید فناوری ارتقای می‌یابد.

مرحله چهارم: در این مرحله، فناوری تولیدشده در دانشگاه‌ها در عرصه اقتصاد اثرگذاری کرده و منتهی به ایجاد اشتغال و افزودن ثروت ملی می‌گردد.

با توجه با ماهیت هر کدام از این مراحل فوق، در ادامه به توضیح اجمالی اقدامات صورت گرفته می‌پردازیم. آموزش محوری و پژوهش محوری از اقدامات صورت گرفته در مرحله سوم از مراحل ۸ گانه پیشرفت ایران است. تولید فناوری و تبدیل فناوری به ثروت نیز مربوط به مرحله چهارم از مراحل ۸ گانه است که آن را در جای خود توضیح خواهیم داد.

● مرحله اول: آموزش محوری

آموزش عالی زیربنای توسعه اقتصادی

گسترش مراکز آموزش عالی زمینه‌ساز تربیت نیروی انسانی متخصص برای پیش برد فعالیت‌های علم، فناوری و نوآوری است. برای پاسخ به نیازهای متفاوت صنایع و بخش‌های مختلف کسب‌وکار و نیز به منظور برقراری عدالت آموزشی بین مناطق مختلف کشور تعداد و گستره دانشگاه‌ها در کشور در دهه‌های گذشته رشد قابل توجهی داشته و از ۲۲۳ دانشگاه و مرکز آموزش عالی در سال ۱۳۵۷ به ۲۷۴۶ دانشگاه و مرکز آموزش عالی در سال ۱۳۹۶ رسیده است.

نوع دانشگاه‌ها	تعداد
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۴۱
دانشگاه پیام نور	۴۶۶
دانشگاه جامع علمی کاربردی	۹۵۳
دانشگاه فنی و حرفه‌ای	۱۷۰
دانشگاه فرهنگیان	۹۷
سایر دستگاه‌های اجرایی	۳۴
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۶۱
مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی	۳۰۹
دانشگاه آزاد اسلامی	۵۱۵
جمع	۲۷۴۶

تصویر ۲۳: تعداد و گستره دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تا سال ۱۳۹۶

افزایش چشمگیر نیروی انسانی دانش‌آموخته کشور

از دستاوردهای نظام آموزشی پس از انقلاب می‌توان به افزایش قابل توجه تعداد دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی اشاره کرد. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی تنها ۱۷۵ هزار دانشجو در کشور تحصیل می‌کردند. در دوران پس از انقلاب فرهنگی ارتقای کمی و کیفی آموزش عالی به منظور تربیت نیروی انسانی تحصیل کرده لازم برای توسعه کشور همواره یکی از اولویت‌های سیاست‌گذاران بوده است. در کنار توسعه دانشگاه‌های سراسری تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۶۱ و گسترش آن در سراسر کشور نیز سهم زیادی در رشد و گسترش نظام آموزش عالی کشور داشت. تصویر بعد روند رشد تعداد دانشجویان کشور را از سال تحصیلی ۷۴-۱۳۷۳ تا سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ نشان می‌دهد.

همان‌گونه که در تصویر مشاهده می‌شود بیشترین نرخ رشد تعداد دانشجویان مربوط به سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ است. در این دوره سه‌ساله تعداد دانشجویان ۲/۲ برابر شده است.

اما کاهش نرخ رشد تعداد دانشجویان در سال‌های اخیر به دلیل روندهای جمعیتی اتفاق افتاده است. نرخ رشد جمعیت در دهه ۶۰ افزایش و پس از آن کاهش یافت. بنابراین با فارغ‌التحصیلی متولدین دهه ۶۰ از مقاطع آموزش عالی تعداد دانشجویان نیز به تدریج کاهش یافته است.

سال	۱۳۵۷	۱۳۹۷
تعداد کل دانشجویان	۱۷۵۶۷۵	۳۶۱۶,۱۱۴
تعداد دانشجویان مقطع کاردانی	۵۸۸۷۱	۶۵۴۴۴۱
تعداد دانشجویان مقطع کارشناسی	۹۸,۹۱۷	۲,۰۷۶,۳۶۱
تعداد دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد	۶۳۴۰	۶۸۶۲۸۶
تعداد دانشجویان مقطع دکترای حرفه‌ای	۱۰,۳۹۲	۸۷۹۴۹
تعداد دانشجویان مقطع دکترای تخصصی	۱۲۵۵	۱۴۱,۰۷۷
سهم دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی به کل دانشجویان (درصد)	۴,۳۲	۲۲

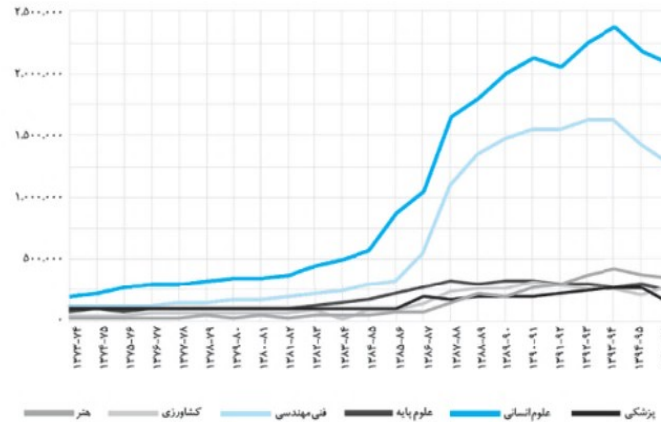
تصویر ۲۴: تعداد دانشجویان به تفکیک مقطع تحصیلی تا سال ۹۷



تصویر ۲۵: روند رشد تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل در مراکز آموزش عالی کشور (منبع: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی)

سرمایه عظیم کشور در علوم انسانی و علوم مهندسی

افزایش تعداد دانشجویان در دو دهه گذشته بیش از همه در رشته‌های مهندسی و علوم انسانی نمود داشته است. همان‌گونه که در تصویر زیر مشاهده می‌شود طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۶ تعداد دانشجویان رشته‌های علوم انسانی از حدود ۱۹ هزار نفر به بیش از ۲ میلیون نفر و همچنین تعداد دانشجویان فنی مهندسی از ۹۴ هزار نفر به بیش از ۲ میلیون نفر رسیده است. این امر ظرفیت عظیمی در توسعه نوآوری‌های فناوریانه در علوم تجربی و علوم اجتماعی و انسانی به وجود می‌آورد.



تصویر ۲۶: روند رشد تعداد دانشجویان به تفکیک گروه‌های تحصیلی (منبع: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)

افزایش تعداد آموزشگران مراکز آموزش عالی

افزایش چشمگیر تعداد دانشجویان از نیمه دهه ۸۰ شمسی مستلزم به‌کارگیری آموزشگران بیشتری در مراکز آموزش عالی کشور بود. تعداد اعضای هیئت علمی تمام‌وقت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی و غیردولتی در سال ۱۳۵۷ حدود ۵۶۰۰ نفر بود که این رقم در سال ۱۳۹۷ به حدود ۸۵۶۰۰ نفر رسیده است. در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۷ تعداد آموزشگران نسبت به سال پیش از آن، ۹۰ درصد رشد کرده است. در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ از حدود ۸۵۶۰۰ نفر اعضای هیئت علمی تمام‌وقت ۵۸/۷ درصد آنها در مؤسسات دولتی و ۴۱/۳ درصد در مراکز غیردولتی مشغول به کار بودند. همچنین ۳۰/۷ درصد اعضای هیئت علمی در علوم انسانی ۲۱/۳ درصد در رشته‌های فنی و مهندسی ۲۱/۳ درصد در علوم پزشکی و ۱۴/۵ درصد در علوم پایه به آموزش و پژوهش مشغولند.

● مرحله دوم: پژوهش محوری

رشد مؤسسات پژوهشی در حوزه‌های مسئله محور

مؤسسات پژوهشی، پژوهشکده‌ها و پژوهشگاه‌ها از زیرساخت‌های حوزه علم فناوری و نوآوری هستند که نقش به‌سزایی در توسعه دانش تخصصی و متمرکز ساختن پژوهش‌ها در حوزه‌های خاص و مسئله محور دارند. انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه، توسعه پژوهش‌های بنیادی توسعه‌ای و کاربردی، پاسخگویی به نیازهای بخش‌های مختلف جامعه و تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی مهم‌ترین مأموریت‌های مؤسسات پژوهشی هستند. مؤسسات پژوهشی با تقویت حوزه‌های تحقیقاتی دارای مزیت، راه را برای دستیابی به مرجعیت علمی و پژوهشی هموار می‌سازند. این مؤسسات همچنین با پرداختن به چالش‌های اساسی جامعه ایران بر تحقیقات مسئله محور متمرکز می‌شوند. به‌علاوه مؤسسات پژوهشی زمینه مناسبی برای ارتقای پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای فراهم می‌سازند. درمجموع در سال ۱۳۵۷ تعداد ۸۳ مؤسسه پژوهشی دارای مجوز در کشور وجود داشته است که این تعداد در سال ۱۳۹۵ به ۶۸۶ مؤسسه پژوهشی رسیده است.

شبکه‌های آزمایشگاهی هماهنگی بین ظرفیت‌های پژوهشی کشور

همگرایی و هماهنگی بین ظرفیت‌های پژوهشی کشور ازجمله تجهیزات آزمایشگاهی در دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، دستگاه‌های اجرایی و بخش‌های عمومی و خصوصی، باعث استفاده بهینه از این ظرفیت‌ها می‌شود. یک شبکه قوی آزمایشگاهی که بتواند با ایجاد هماهنگی بین ظرفیت‌های آزمایشگاهی به پژوهشگران خدمات ارائه دهد یکی از اولویت‌های توسعه علم و فناوری به شمار می‌رود. در حال حاضر دو شبکه آزمایشگاهی در کشور مشغول به فعالیت هستند: شبکه آزمایشگاه‌های علمی ایران و شبکه آزمایشگاهی فناوری‌های راهبردی.

گرچه بعضی آزمایشگاه‌های این دو شبکه با یکدیگر مشترک‌اند اما رویکردهای آنها مکمل یکدیگر است. نظام‌نامه شبکه آزمایشگاه‌های علمی ایران (شاعا) در سال ۱۳۸۸ در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به تصویب رسید و عمدتاً با رویکرد

دانشگاهی و تحقیقات پایه شکل گرفته است. شبکه آزمایشگاهی فناوری‌های راهبردی در سال ۱۳۹۳ با رویکرد تمرکز بر حوزه‌های راهبردی توسط معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری شکل گرفته است. در این شبکه از ظرفیت‌های بخش خصوصی نیز استفاده شده و شرکت‌های دانش‌بنیان هم می‌توانند از آن استفاده کنند.

این شبکه آزمایشگاهی به‌عنوان بستری برای گردآوری اطلاعات، توانمندی‌ها و امکانات آزمایشگاهی کشور در حوزه‌های مختلف و همچنین سامانه‌ای برای تسهیل دسترسی به خدمات آزمایشگاهی باکیفیت فعالیت می‌کند. خوشبختانه بعد از حدود ۴ سال فعالیت شبکه آزمایشگاهی فناوری‌های راهبردی، کمتر دانشگاه، پژوهشگاه، مرکز تحقیقاتی و آزمایشگاه دولتی و خصوصی هست که به عضویت شبکه درنیامده باشد. تعداد آزمایشگاه‌های عضو شبکه آزمایشگاهی در انتهای سال ۱۳۹۶ به ۸۱۷ آزمایشگاه رسیده است که ۳۵ درصد آنها از مراکز بخش خصوصی و ۳۷ درصد از دانشگاه‌ها و مراکز زیرمجموعه وزارت علوم تحقیقات و فناوری بوده و مابقی زیرمجموعه‌های سایر وزارتخانه‌ها، جهاد دانشگاهی، پیام نور و دانشگاه آزاد هستند. در پایگاه اینترنتی این شبکه آزمایشگاهی خدمات بیش از ۱۰۰۰۰ دستگاه آزمایشگاهی در اختیار محققین و صنایع کشور قرار گرفته است. مراکز عضو شبکه در سال ۱۳۹۶، بیش از ۲۱۸۸۰۰۰ خدمت به حدود ۶۸ هزار مشتری از صنایع و پژوهشگران کشور ارائه کردند که در مجموع ۱۱۶۳ میلیارد ریال درآمد به همراه داشته است.

قطب‌های علمی بستری برای هم‌افزایی پژوهشگران کشور

بر اساس تعریف قطب علمی به گروهی از اعضای هیئت علمی برجسته یک یا چند مؤسسه گفته می‌شود که از طریق تمرکز و انسجام بخشیدن به فعالیت‌های خود برای انجام یک برنامه مدون به مدت پنج سال فعالیت می‌کنند. اهداف قطب‌های علمی، گسترش مرزهای علم و فناوری برای ارتقای جایگاه علمی کشور، فراهم ساختن زمینه فعالیت‌های گروهی و ایجاد شبکه‌های علمی و فناوری و کسب مرجعیت علمی و فناوری در زمینه تخصصی خاص است. به علاوه قطب‌های علمی به مشاوره و

تصمیم‌سازی در برنامه‌ریزی علمی و اجرایی و توسعه و تقویت مطالعات میان‌رشته‌ای کمک می‌کنند. در حال حاضر ۱۵۴ قطب علمی در کشور مشغول به فعالیت هستند.

سال	نسبت اعتبارات پژوهشی به بودجه کل کشور (درصد)
۱۳۹۱	۰/۶۹
۱۳۹۲	۰/۶۳
۱۳۹۳	۰/۵۸
۱۳۹۴	۰/۶۷
۱۳۹۵	۰/۷۲
۱۳۹۶	۰/۷۱
۱۳۹۷	۰/۸۶

تصویر ۲۷: نسبت اعتبارات پژوهشی به بودجه کل کشور (منبع مرکز پژوهش‌های مجلس)

روند چشمگیر رشد علمی

افزایش ۵۰ برابری شمار انتشارات در فاصله دو دهه از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۷ میلادی (طبق پایگاه سایمگو)، نشان از ایجاد توان علمی کم‌نظیر در جهان دارد. رشد کمی تعداد مقالات با بهبود شاخص‌های کیفی مثل شاخص ^۱h و سهم از مقالات داغ دنیا^۲ نیز همراه بوده است. طبق داده‌های پایگاه استنادی علوم جهان اسلام^۳ در سال ۲۰۱۹، رتبه ایران از نظر مقاله‌های داغ در جهان ۱۷ و در میان کشورهای اسلامی ۱ بوده است.

طی دو دهه اخیر، رتبه ایران در شمار انتشارات علمی پیوسته بهبود یافته و طبق فهرست سایمگو از جایگاه ۵۲ جهان در سال ۱۹۹۷ به جایگاه ۱۵ در سال ۲۰۲۲ رسیده

۱. شاخص h عددی است که تأییدگذاری علمی دانشمندان را نشان می‌دهد. این شاخص تعداد مقالات پراستناد افراد و تعداد استنادات به آثار آنها را به‌عنوان معیار تأییدگذاری در نظر می‌گیرد.

2. Hot Papers.

3. ISC.

است. در یک دوره ۳۰ ساله از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ میلادی رشد خروجی‌های علمی ایران ۱۱ برابر بیشتر از متوسط جهان و بیش از هر کشور دیگری بوده است. طبق داده‌های پایگاه استنادی جهان اسلام ایران از نظر شمار انتشارات در ده سال گذشته در حوزه مهندسی رتبه ۱۲ علوم مواد رتبه ۱۱ شیمی رتبه ۱۲ و ریاضی رتبه ۱۴ در جهان را به دست آورده است. همچنین در حوزه‌های شیمی، مهندسی، علوم مواد، فیزیک، ریاضی، داروشناسی و سم‌شناسی، علوم کامپیوتر، زمین‌شناسی، میکروپوشناسی و علوم فضا رتبه ۱ را میان کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۷ کسب کرده است. نرخ رشد تولید علم در کشور به‌گونه‌ای بوده است که دستیابی به رتبه اول تولید علم منطقه چند سال زودتر از افق چشم‌انداز پیش‌بینی‌شده، و با پیشی گرفتن از ترکیه محقق شده است.

رتبه در جهان	تعداد انتشارات علمی	سال
۵۲	۱۰۸۱	۱۹۹۷
۲۵	۱۵۳۲۱	۲۰۰۷
۱۵	۷۷۶۴۱	۲۰۲۲

تصویر ۲۸: روند پیشرفت کشور در رتبه جهانی تولید علم (منبع: سایمگو، ۲۰۱۷)

به گزارش یونسکو، برای بسیاری از موضوعات علمی تعداد انتشارات بین سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۵ و ۲۰۱۶-۲۰۱۹ تقریباً دو برابر شده است. به‌عنوان مثال، این مورد برای انتشارات مربوط به فناوری شبکه هوشمند (از ۱۱۳۶ تا ۲۱۵۸) و مقاومت انسان در برابر آنتی‌بیوتیک‌ها (از ۵۹۲ تا ۱۰۴۵) بود. خروجی برای زمینه‌های مرتبط با انرژی با بازده بیشتر باتری (از ۲۴۸ به ۶۳۵)، انرژی زمین‌گرمایی (از ۷۶ به ۱۷۱)، فتوولتائیک (از ۶۶۴ به ۱۳۳۱) و سوخت‌های زیستی و زیست‌توده (از ۴۲۰ به ۱۰۳۴) افزایش یافت.^۱

نکته شایان توجه این است که دستاوردهای ایران در تولید علم در شرایطی

1. UNESCO SCIENCE REPORT (2021), The race against time for smarter development, page 402.

کسب شده است که اعتبارات پژوهشی کشور از سهم ۱ درصدی تولید ناخالص ملی فراتر نرفته است. رشد تعداد دانشگاه‌ها، اعضای هیئت علمی و دانشجویان و نیز در نظر گرفتن انتشارات علمی به عنوان معیاری در ارزیابی عملکرد و ارتقای اعضای هیئت علمی و همچنین پذیرش دانشجویان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و اعطای گرنت به آنها از مهم‌ترین عوامل بهبود وضعیت تولید علم در ایران می‌باشد.

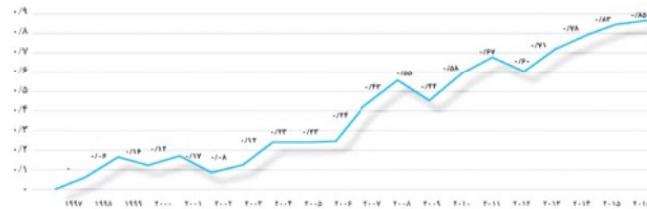
رشد کیفی و کمی نشریات علمی

نشریات علمی نتایج دستاوردهای پژوهشی را به انتشار می‌رسانند. تعداد و کیفیت آنها می‌تواند از شاخص‌های نشان دهنده توان پژوهشی کشور باشد. یکی از نظام‌های ارزیابی نشریه‌های علمی نمایه‌نامه‌های استنادی است که ناشران، نشریات خود را به هیئت‌های داوری آنها می‌فرستند تا پس از ارزیابی و احراز کیفیت لازم نام نشریه در نمایه‌نامه ثبت شود. بنابراین، حضور در این نمایه‌نامه‌ها نشان دهنده اعتبار نشریات است. وب او ساینس^۱ و اسکوپوس^۲ دو مورد از نظام‌های ارزیابی بسیار معتبر در جهان هستند. تصویر بعد تعداد نشریه‌های ایرانی نمایه شده در نمایه‌نامه‌های وب او ساینس و اسکوپوس را نشان می‌دهند.



1. Web of Science.
2. scopus.

ازجمله شواهد دیگر برای رشد کیفی نشریات علمی در سال‌های اخیر بررسی روند میزان ضریب تأثیر این نشریات است. ضریب تأثیر یکی از شاخص‌های علم‌سنجی است که برای اندازه‌گیری تأثیر یک نشریه علمی بر پیشرفت علم و مقایسه نشریات با یکدیگر استفاده می‌شود. این شاخص نشان‌دهنده فراوانی استنادها در یک دوره زمانی معمولاً دوساله به مقاله‌های یک نشریه است. ضریب تأثیر حاصل تقسیم «مجموع استنادهای دریافتی یک نشریه در دوره زمانی» بر «مجموع مقاله‌های منتشرشده در آن نشریه در همان دوره زمانی» است. تصویر زیر روند سالانه میانگین ضریب تأثیر نشریات ایرانی را در وب آو ساینس نشان می‌دهد که روندی صعودی داشته و از ضریب تأثیر صفر در سال ۱۹۹۷ به ۰/۸۵ در سال ۲۰۱۶ رسیده است.



تصویر ۲۹: روند سالانه میانگین ضریب تأثیر نشریات ایرانی در وب آو ساینس (منبع: ایرانداک)

تولید علمی معیاری برای سنجش پیشرفت کشورها است که نشان‌دهنده سلامت پیشرفت کل جامعه است. ساینس متریکس^۱ که به تحلیل وضعیت علمی کشورهای جهان می‌پردازد، نرخ رشد علمی ایران را بالاتر از میانگین نرخ تولید علمی جهانی اعلام کرده است. این نرخ در مقیاس جهانی، جمهوری اسلامی ایران را به سریع‌ترین کشور در حال رشد در علم و فناوری تبدیل می‌کند.

1. Scince-Metrix.

Science-Matrix

30 Years in Science



Figure 10 Growth mapped at the country level, 1995–2009 vs. 1980–1994
Source: Calculated by Science-Matrix using the Web of Science (Thomson Reuters)

تصویر ۳: سطح رشد علمی کشورهای دنیا

اریک آرچامبل با استفاده از تعداد انتشارات علمی موجود در پایگاه Web of Science، دریافته است که رشد کلی انتشارات علمی در خاورمیانه چهار برابر میانگین رشد جهانی بوده است. ایران سریع‌ترین نرخ رشد را داشته و پس از آن، ترکیه قرار دارد. درحالی‌که سهم کشورهای آمریکای شمالی در علم جهان به‌طور چشمگیری از سال ۱۹۸۰ میلادی کاهش یافته است. رشد اروپا و آفریقا در سه دهه گذشته تقریباً بدون تغییر بوده است. وی داده‌هایی را جدول‌بندی کرده است که نشان می‌دهد انتشارات ایران در شیمی آلی و هسته‌ای، فیزیک هسته‌ای و ذرات، و سایر زیرشاخه‌های فیزیک به‌طور قابل‌توجهی سریع‌تر از میانگین جهانی افزایش یافته است.

Table I Specialties that have experienced the most growth in Iran, 1990–2009 vs. 1980–1989

Field	Subfield	Papers		Specialization Index	Growth Index*
		1980-1989	1990-2009		
Chemistry	Analytical Chemistry	30	1,605	1.87	22.5
Chemistry	Applied Chemistry	7	208	1.71	13.2
Chemistry	General Chemistry	36	2,016	1.76	26.4
Chemistry	Inorganic & Nucl Chem	24	1,248	1.01	19.4
Chemistry	Physical Chemistry	25	2,173	1.37	25.1
Chemistry	Polymers	15	1,053	1.88	21.2
Chemistry Total		206	10,826	1.85	18.3
Engineering & Tech	Chemical Engineering	8	705	1.87	28.8
Engineering & Tech	Materials Science	16	1,236	1.37	13.0
Engineering & Tech	Mechanical Engineer	19	717	1.80	12.5
Engineering & Tech	Metals & Metallurgy	10	611	1.53	26.4
Health Sciences	Public Health	2	341	1.97	36.5
Mathematics	Applied Mathematics	14	953	2.99	14.1
Physics	Chemical Physics	6	595	1.05	35.9
Physics	Fluids & Plasmas	1	188	1.17	95.8
Physics	General Physics	16	1,903	1.04	37.1
Physics	Nucl & Particle Phys	10	845	1.32	25.6
Total		1,346	53,817		12.9

*The growth index is obtained by dividing papers in each specialty in 1990–2009 by those published in 1980–1989 in Iran and dividing this ratio by the same fraction at the world level.

Source: Calculated by Science-Metrix using the Web of Science (Thomson Reuters)

تصویر ۳۱: رشته‌های تخصصی دانشگاه‌های ایران که بیشترین میزان رشد را در بازه ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۹ میلادی داشته‌اند (غالباً در رشته‌های شیمی، مهندسی، فیزیک و هسته‌ای)^۱

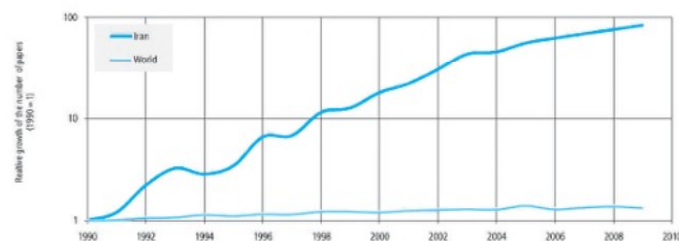


Figure 7 Growth of nuclear S&T papers produced by Iran and the world (1990=1), 1990–2009

Source: Calculated by Science-Metrix using the Web of Science (Thomson Reuters)

تصویر ۳۲: مقایسه رشد علمی دانش هسته‌ای در ایران در مقایسه با میانگین جهانی

مقالات پژوهشگران ایرانی در بین مقالات پر استناد دنیا

پژوهشگران و دانشمندان یکی از کلیدی‌ترین منابع زیست‌بوم دانش به شمار می‌آیند. شاخص پژوهشگران پر استناد یکی از شاخص‌های اساسی علم است

1. Calculated by Science-Metrix using the Web of Science (Thomson Reuters)

که ابتدا توسط مؤسسه اطلاعات علم^۱ منتشر می‌شد. در حال حاضر کلاریویت^۲ انالیتیکس این شاخص‌ها را معرفی می‌کند و سالانه فهرستی از دانشمندان برتر در حوزه‌های علمی مختلف را منتشر می‌کند که مشتمل بر تأثیرگذارترین پژوهشگران در مرزهای دانش بر اساس تعداد استنادها است. گزارش سال ۲۰۱۸ این مؤسسه مقالات منتشر شده بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ را در ۲۱ حوزه موضوعی پوشش می‌دهد. مقاله‌های پر استناد مقالاتی هستند که بیشترین تعداد استناد را در حوزه‌های موضوعی خود داشته‌اند و در ۱ درصد نخست مقاله‌های پر استناد جای می‌گیرند. در میان دانشمندان معرفی شده در گزارش سال ۲۰۱۸، نام ۱۶ دانشمند از ایران به چشم می‌خورد. این در حالی است که در گزارش سال ۲۰۱۷ نام ۷ پژوهشگر ایرانی در این فهرست وجود داشت.

رتبه‌های علمی ایران در برخی رشته‌ها^۳

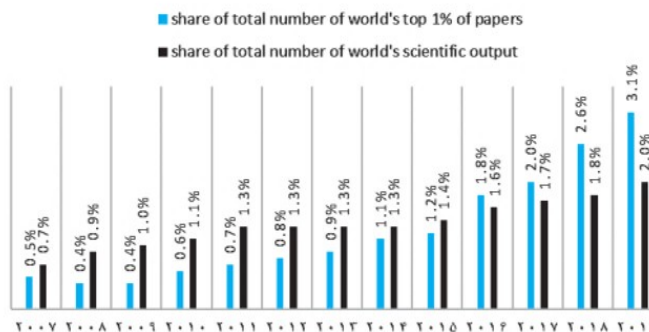
در ادامه به بررسی سهم ایران از تولید مقالات در چند رشته می‌پردازیم. در این بررسی، سهم ایران را در حال حاضر با انتهای دوره پهلوی نیز می‌توانیم مقایسه کنیم. خوب است به این نکته نیز توجه داشته باشیم که ایران عزیز ما در انتهای دوره پهلوی، حدود ۱ درصد از جمعیت دنیا را داشته است. اکنون نیز تقریباً یک درصد از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهد. لذا در نگاه کلی طبیعی است که ایران در هر دو نقطه زمانی، ۱ درصد از تولید علم دنیا را به خود اختصاص داده باشد. قبل از بررسی سهم ایران از تولید مقالات در رشته‌های مختلف به سهم ایران از تولید علم و همچنین سهم جمهوری اسلامی از مقالات برتر اشاره می‌کنیم.

1. ISI.

2. Clarivate Analytics.

۳. میزان تولیدات علمی نمایه شده در پایگاه اطلاعاتی ISI از معیارهای مهم ارزیابی و رتبه‌بندی علمی کشورها، پژوهشگران، مؤسسات و دانشگاه‌ها در جهان است. سهم هر کشوری در تولیدات علمی جهان به‌طور کلی و همچنین در حوزه‌ای خاص، بر همین اساس محاسبه می‌شود. امکان جستجو و استخراج اطلاعات از این پایگاه با خرید اشتراک امکان‌پذیر است. اطلاعات این بخش در تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۱ از این پایگاه استخراج گردیده است.

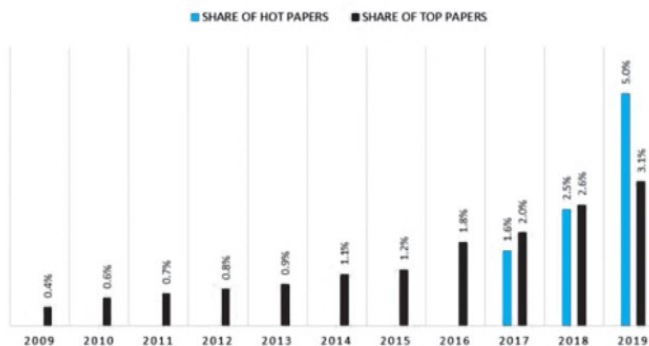
IRAN SCIENTIFIC GROWTH



تصویر ۳۳: مقایسه سهم ایران از تولید علم کل دنیا (رنگ مشکی)

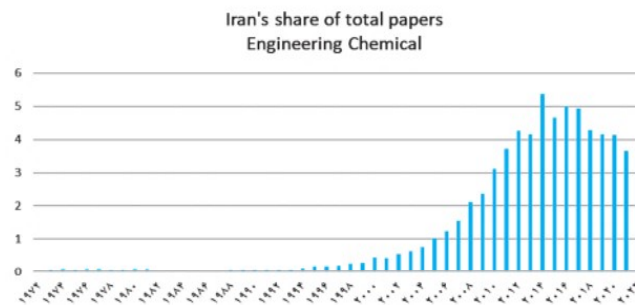
با سهم ایران از مقالات برتر دنیا (رنگ آبی)

IRAN'S SHARE OF HOT (0.1%) AND TOP (1%) WORLD'S ISI SCIENTIFIC PAPERS

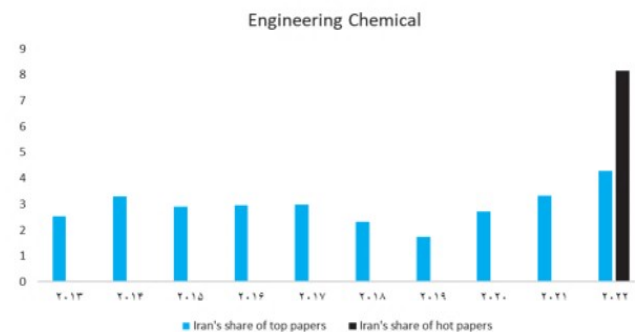


تصویر ۳۴: مقایسه سهم ایران از تولید مقالات برتر دنیا (رنگ مشکی) و مقالات داغ کل دنیا (رنگ آبی)

- سهم ایران از تعداد مقالات دنیا در رشته مهندسی شیمی در دوره پهلوی کمتر از ۰٫۱ درصد بوده است. جمهوری اسلامی ایران توانست سهم ایران در مقالات این رشته را در سال ۲۰۰۶ به ۱ درصد برساند و پس از آن با ادامه این رشد علمی اکنون ۳٫۵ درصد از سهم تولید علم دنیا را دارد. از حیث کیفیت مقالات نیز سهم ایران در مقالات برتر این رشته ۴٫۲ درصد و در مقالات داغ آن ۸٫۱ درصد است.



تصویر ۳۵: سهم ایران از تعداد مقالات دنیا در رشته مهندسی شیمی



تصویر ۳۶: سهم ایران از تعداد مقالات برتر و مقالات داغ دنیا در رشته مهندسی شیمی

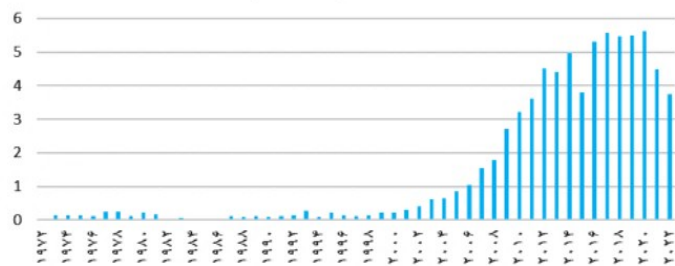
- سهم ایران از تعداد مقالات دنیا در رشته مهندسی شیمی - پتروشیمی در دوره پهلوی کمتر از ۱٪ درصد بوده است. جمهوری اسلامی ایران توانست سهم ایران در مقالات این رشته را در سال ۲۰۰۶ به ۱ درصد برساند و پس از آن با ادامه این رشد علمی اکنون ۵٫۶ درصد از سهم تولید علم دنیا را دارد.
- سهم ایران از تعداد مقالات دنیا در رشته سوخت‌های انرژی در دوره پهلوی ۱٪ درصد بوده است. جمهوری اسلامی ایران توانست سهم ایران در مقالات این رشته را در سال ۲۰۰۷ به ۱٫۵ درصد برساند و پس از آن با ادامه این رشد علمی اکنون ۳٫۵ درصد از سهم تولید علم دنیا را دارد.
- سهم ایران از تعداد مقالات دنیا در رشته برق در دوره پهلوی ۱٪ درصد بوده است. جمهوری اسلامی ایران توانست سهم ایران در مقالات این رشته را در سال ۲۰۰۸ به ۱٫۱ درصد برساند و پس از آن با ادامه این رشد علمی اکنون ۲٫۷ درصد از سهم تولید علم دنیا را دارد. از حیث کیفیت مقالات نیز سهم ایران در مقالات برتر ۲٫۵ درصد و در مقالات داغ ۲٫۳ درصد است.
- سهم ایران از تعداد مقالات دنیا در رشته زنان و زایمان در دوره پهلوی ۱٪ درصد بوده است. جمهوری اسلامی ایران توانست سهم ایران در مقالات این رشته را در سال ۲۰۱۱ به ۱ درصد برساند و پس از آن با ادامه این رشد علمی اکنون ۱٫۸ درصد از سهم تولید علم دنیا را دارد. از حیث کیفیت مقالات نیز سهم ایران در مقالات برتر ۱٫۳ درصد است.
- سهم ایران از تعداد مقالات دنیا در رشته علوم اعصاب در دوره پهلوی کمتر از ۱٪ درصد بوده است. جمهوری اسلامی ایران توانست سهم ایران در مقالات این رشته را در سال ۲۰۱۸ به ۱٫۱ درصد برساند و پس از آن با ادامه این رشد علمی اکنون ۱٫۵ درصد از سهم تولید علم دنیا را دارد. از حیث کیفیت مقالات نیز سهم ایران در مقالات برتر در سال ۲۰۲۱، ۲ درصد است.
- سهم ایران از تعداد مقالات دنیا در رشته ارتوپدی در دوره پهلوی ۲٪ درصد بوده است. جمهوری اسلامی ایران توانست سهم ایران در مقالات این رشته را در

سال ۲۰۱۸ به ۱ درصد برساند و پس از آن با ادامه این رشد علمی اکنون ۱٫۳ درصد از سهم تولید علم دنیا را دارد. از حیث کیفیت مقالات نیز سهم ایران در مقالات برتر ۶٫۲ درصد است.

- سهم ایران از تعداد مقالات دنیا در رشته داروشناسی فارماکولوژی در دوره پهلوی کمتر از ۰٫۱ درصد بوده در حالی که در آن دوران نیز ۱ درصد از جمعیت دنیا را داشتیم و طبیعی بود که ۱ درصد از تولید علم دنیا را در این رشته داشته باشیم. جمهوری اسلامی ایران توانست سهم ایران در مقالات این رشته را در سال ۲۰۰۹ به ۱ درصد برساند و پس از آن با ادامه این رشد علمی اکنون ۲٫۸ درصد از سهم تولید علم دنیا را دارد. از حیث کیفیت مقالات نیز سهم ایران در مقالات برتر ۵٫۸ درصد و در مقالات داغ ۴٫۹ درصد است.

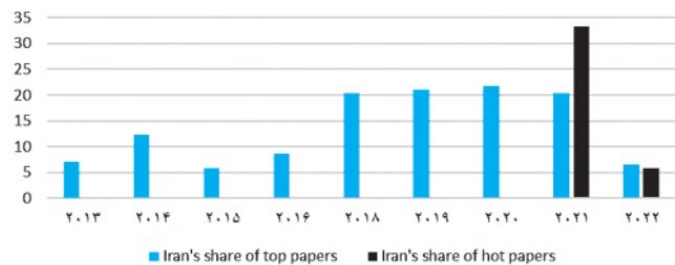
- سهم ایران از تعداد مقالات دنیا در رشته مهندسی مکانیک در دوره پهلوی حدود ۰٫۱ درصد بوده در حالی که در آن دوران نیز ۱ درصد از جمعیت دنیا را داشتیم و طبیعی بود که ۱ درصد از تولید علم دنیا را دارا باشیم. جمهوری اسلامی ایران توانست سهم ایران در مقالات این رشته را در سال ۲۰۰۶ به بیش از ۱ درصد برساند و پس از آن با ادامه این رشد علمی اکنون ۳٫۷ درصد از سهم تولید علم دنیا را دارد. از حیث کیفیت مقالات نیز سهم ایران در مقالات برتر در سال ۲۰۲۱، ۲۰/۳ درصد و در مقالات داغ ۳۳/۳ درصد است.

Iran's share of total papers Engineering Mechanical



تصویر ۳۷: سهم ایران از تعداد مقالات دنیا در رشته مهندسی مکانیک

Engineering Mechanical



تصویر ۳۸: سهم ایران از تعداد مقالات برتر و مقالات داغ دنیا در رشته مهندسی مکانیک

- سهم ایران از تعداد مقالات دنیا در رشته اختر فیزیک نجوم در دوره پهلوی حدود ۱٪ درصد بوده در حالی که در آن دوران نیز ۱ درصد از جمعیت دنیا را داشتیم و طبیعی بود که ۱ درصد از تولید علم دنیا را دارا باشیم. جمهوری اسلامی ایران توانست سهم ایران در مقالات این رشته را در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۱ درصد رسانده و پس از آن با ادامه این رشد علمی اکنون ۱۴ درصد از سهم تولید علم دنیا را دارد. از حیث کیفیت مقالات نیز سهم ایران در مقالات برتر ۳/۲ درصد و در مقالات داغ ۵/۵۵ درصد است.
- سهم ایران از تعداد مقالات دنیا در رشته مهندسی برق الکترونیک در دوره پهلوی حدود ۱٪ درصد بوده در حالی که در آن دوران نیز ۱ درصد از جمعیت دنیا را داشتیم و طبیعی بود که ۱ درصد از تولید علم دنیا را در این رشته دارا باشیم. جمهوری اسلامی ایران توانست سهم ایران در مقالات این رشته را در سال ۲۰۰۸ به بیش از ۱ درصد برساند و پس از آن با ادامه این رشد علمی اکنون ۲/۷ درصد از سهم تولید علم دنیا را دارد. از حیث کیفیت مقالات نیز سهم ایران در مقالات برتر ۲/۵ درصد و در مقالات داغ ۲/۳ درصد است.
- سهم ایران از تعداد مقالات دنیا در رشته علم نانوتکنولوژی در دوره جمهوری اسلامی، در سال ۲۰۰۸ به ۱ درصد رسید و پس از آن با ادامه این رشد علمی اکنون ۱۴ درصد از سهم تولید علم دنیا در این رشته را ایران دارد. از حیث کیفیت مقالات نیز سهم ایران در مقالات برتر ۰/۶ درصد و در مقالات داغ ۲/۴۵ درصد است.
- سهم ایران از تعداد مقالات دنیا در رشته میکروبیولوژی در دوره پهلوی کمتر از ۱٪ درصد بوده در حالی که در آن دوران نیز ۱ درصد از جمعیت دنیا را داشتیم و طبیعی بود که ۱ درصد از تولید علم دنیا را داشته باشیم. جمهوری اسلامی ایران توانست سهم ایران در مقالات این رشته را در سال ۲۰۰۹ به ۱ درصد برساند و پس از آن با ادامه این رشد علمی اکنون ۲/۳ درصد از سهم تولید علم دنیا را دارد. از حیث کیفیت مقالات نیز سهم ایران در مقالات برتر به ۴/۹ درصد و در مقالات داغ به ۲/۸ درصد رسیده است.

۴. تولید محصول فناورانه با رویکرد جایگزینی واردات

پس از طی مراحل اول و دوم از مراحل چهارگانه که در بخش قبل به آن اشاره شد، جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از توان علمی و پژوهشی ایجاد شده به سمت تولید فناوری‌ها و خلق ثروت از این طریق پیش رفت. گفتنی است وارد شدن به مرحله سوم که تولید فناوری است، به معنی تکمیل مرحله دوم (پژوهش محوری) نمی‌باشد. چرا که مسیر پژوهش، مسیری طولانی است و باید تا رسیدن به مرجعیت کامل علمی در آن، به پیش برویم؛ اما در عین حال از توانمندی‌های علمی ایجاد شده در رشته‌های مختلف می‌توان فناوری‌های به روزی تولید کرده و به وسیله آنها خلق ثروت نمود.

مرحله سوم: دانشگاه فناور و تولید فناوری

ستادهای توسعه فناوری، توسعه فناوری‌های اولویت‌دار در جهت نیازهای کشور

یکی از رویکردهای اصلی کشور، حمایت از دستیابی کشور به علوم و فناوری‌های راهبردی و اولویت‌دار و کاربرد آنها در حل مسائل اساسی کشور است. معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری به منظور حمایت از توسعه و کاربرد علوم و فناوری‌های اولویت‌دار در طول زنجیره ایده تا خلق ثروت، با نگاهی به تجربه موفق ستاد ویژه توسعه فناوری نانو، ستادهای توسعه فناوری‌های راهبردی را با ساختاری منعطف و چابک تشکیل داده است. ستادهای توسعه فناوری، مسیری برای ورود به اقتصاد دانش‌بنیان و فاصله گرفتن از اقتصاد سنتی نفتی به واسطه توسعه فناوری‌های پیشرفته و کاربردی به شمار می‌روند.

مراکز رشد واحدهای فناور ابرازی برای تسهیل توسعه اقتصادی

مراکز رشد با کمک به رشد شرکت‌های نوپا و فناور یکی از ابزارهای تسهیل توسعه اقتصادی منطقه‌ای و ملی به شمار می‌روند که مورد توجه دولت‌های سراسر جهان قرار گرفته‌اند و در دهه گذشته به یکی از اجزای نظام علم، فناوری و نوآوری در کشور ما تبدیل شده‌اند. مراکز رشد به خلق و پا گرفتن شرکت‌های نوپا کمک می‌کنند تا زمانی که این شرکت‌ها بتوانند به فضای رقابتی وارد شوند. واحدهای فناور

می‌توانند ۳ تا ۵ سال در این مراکز مستقر باشند و از تسهیلاتی همچون فضای کار زیرساخت ارتباطات، مشاوره و آموزش دسترسی به امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی شبکه همکاران صنعتی و ... استفاده کنند. اغلب مراکز رشد به‌عنوان زیرمجموعه دانشگاه‌ها یا پارک‌های علم و فناوری فعالیت می‌کنند. تا آبان ۱۳۹۷ تعداد ۱۹۶ مرکز رشد در استان‌های مختلف ایجاد شده است.

پارک‌های علم و فناوری

پارک‌های علم و فناوری یکی از زیرساخت‌های لازم برای توسعه فناوری به شمار می‌روند. پارک‌های علم و فناوری سازمان‌هایی هستند که به دست متخصصان حرفه‌ای اداره می‌شوند و هدفشان افزایش توانمندی کسب‌وکارها از طریق ترویج فرهنگ نوآوری و ارتقای توانایی رقابتی آنها است. این پارک‌ها با ایجاد امکان استفاده شرکت‌ها از تسهیلات پارک از جمله آزمایشگاه‌های تحقیقاتی مشترک ارائه آموزش‌های حرفه‌ای و شبکه‌سازی به تقویت ارتباط صنعت، دانشگاه و بازار و نیز شکل‌گیری و رشد شرکت‌های دانش‌بنیان کمک می‌کنند.

اساسنامه پارک‌های علم و فناوری در اسفندماه ۱۳۸۱ به تصویب شورای گسترش آموزش عالی رسید. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۳۶ پارک علم و فناوری در سال ۱۳۹۷ در کشور وجود دارد که حوزه فعالیت بعضی از آنها جامع است و بعضی دیگر به‌طور تخصصی در حوزه‌های کشاورزی و صنایع وابسته هوافضا، فناوری اطلاعات و ارتباطات دارو معدن و صنایع معدنی زیست‌فناوری، فناوری نانو و فناوری‌های نرم و صنایع فرهنگی فعالیت دارند. به گزارش یونسکو تا سال ۲۰۱۸، دانشگاه‌ها میزبان ۴۵ پارک علوم و فناوری فعال بودند.^۱

مناطق ویژه علم و فناوری؛ هم‌افزایی برای ایجاد جامعه دانایی محور

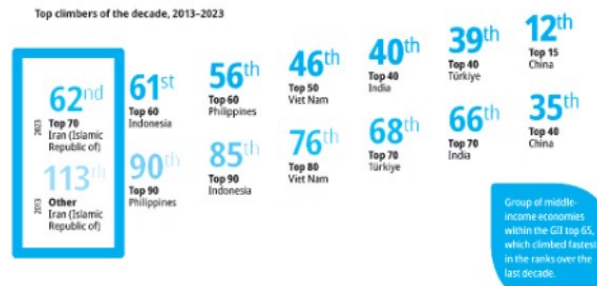
مناطق آزاد علم و فناوری یکی دیگر از سیاست‌هایی است که در سال‌های اخیر به‌منظور توسعه فناوری و نوآوری در مناطقی با شرایط ویژه در دستور کار قرار گرفته است. در سال ۱۳۸۴ آیین‌نامه‌ای در خصوص ایجاد کریدورهای علم و فناوری تدوین

1. UNESCO SCIENCE REPORT (2021), The race against time for smarter development, page 395.

شد و به تصویب هیئت دولت رسید. در سال ۱۳۸۹ این آیین‌نامه مورد بازبینی قرار گرفت و نام آن به آیین‌نامه «نحوه تأسیس و توسعه مناطق ویژه علم و فناوری کشور» تغییر یافت. مهم‌ترین اهداف تأسیس مناطق ویژه علم و فناوری عبارت‌اند از: تجمیع و هم‌افزایی عناصر مؤثر در ایجاد یک جامعه دانایی محور و ارتقای بهره‌وری در سرمایه‌گذاری‌های لازم، تقویت پیوند عناصر فعال در حوزه دانایی در اقتصاد ملی با عرصه بین‌المللی، جذب و حفظ سرمایه‌های انسانی خلاق و شایسته، ایجاد اشتغال ارزش افزا و ایجاد تسهیلات حقوقی اجرایی، ارتباطی و سرمایه‌گذاری و خدماتی برای شکل‌گیری خوشه‌های صنعتی خدماتی با فناوری برتر. تا سال ۱۳۹۶ پنج استان به‌عنوان منطقه ویژه علم و فناوری شناخته می‌شدند آذربایجان شرقی، اصفهان، بوشهر، خراسان رضوی و یزد.

سهم در میزان اختراعات

ایران در شاخص نوآوری جهانی در سال ۲۰۱۳ در رتبه ۱۱۳ دنیا قرار داشت و در سال ۲۰۲۳ در رتبه ۶۲ دنیا قرار گرفت و در واقع در طول ۱۰ سال اخیر ایران ۵۱ رتبه در این شاخص، صعود داشته است و رتبه ۱ دنیا در سرعت رشد شاخص نوآوری جهان در ۱۰ سال اخیر است و در حال حاضر رتبه ۲ منطقه آسیای مرکزی و جنوبی هستیم.



تصویر ۳۹: کشورهای برتر در حال صعود در شاخص نوآوری جهانی در یک دهه اخیر

۲۰۶
صعود چهل ساله ۲
در نزدیکی قله

طبق این گزارش^۱، ایران رتبه دوم دنیا در فارغ التحصیلان رشته‌های علوم و مهندسی^۲ و رتبه دوم در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از تولید ناخالص داخلی است که نشان‌دهنده میزان سرمایه‌گذاری در کشور است و در طول سال‌های اخیر در کشور به شدت افزایش پیدا کرده است، در صورتی که پس از بحران کرونا به دلیل رکود اقتصادی در بسیاری از کشورهای دنیا کاهش پیدا کرده است. طبق آمار بانک جهانی میزان سرمایه‌گذاری در ایران از سال ۲۰۱۳ تا سال ۲۰۲۰ کاهشی بوده و از سال ۲۰۲۰ سرمایه‌گذاری در ایران افزایشی شده است.^۳

از دیگر آمارهای ذکر شده در این گزارش، ایران رتبه ۱۰ دنیا در اختراعات بر اساس مبدأ/میلیارد PPP\$ تولید ناخالص داخلی، رتبه ۱۵ دنیا در مقالات علمی و فنی/میلیارد PPP\$ GDP، رتبه ۳۰ دنیا در هزینه‌های نرم‌افزار در تولید ناخالص داخلی، رتبه ۲۹ دنیا در تولید محصولات هایتک^۴ و رتبه ۶ دنیا در طرح‌های صنعتی بر اساس مبدأ/میلیارد PPP\$ تولید ناخالص داخلی^۵ است.

طبق گزارش WIPO درخواست‌های ثبت اختراع ایران در طول این سال‌ها، رشد بیش از ۲۷ برابری داشته است و در سال ۲۰۲۲ ایران در رتبه ۲۴ دنیا^۶ قرار دارد.

ایران یکی از ۲۰ کشور برتر از نظر تعداد درخواست‌های پتنت

یکی از شاخص‌هایی که به عنوان معیار توسعه فناوری در نظر گرفته می‌شود تعداد پتنت^۷ هاست. نمودار زیر به ترتیب تعداد درخواست‌های ثبت پتنت را در بازه زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ نشان می‌دهند. این شاخص‌ها تعداد پتنت‌های درخواست شده

۱. گزارش شاخص جهانی نوآوری که توسط سازمان جهانی مالکیت فکری در سال ۲۰۲۲ منتشر شده بود.

2. https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo_pub_2000_2022/ir.pdf.

3. <https://data.worldbank.org/indicator/NE.GDI.FTOT.CD?end=2022&locations=IR&start=2013&view=chart>.

4. High-tech.

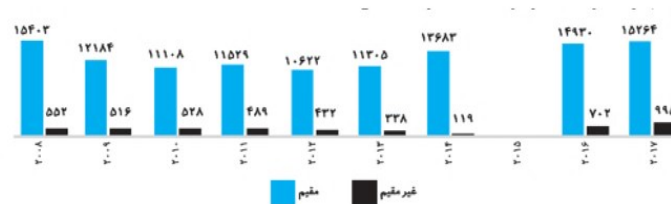
5. https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo_pub_2000_2022/ir.pdf.

6. <https://www.wipo.int/edocs/statistics-country-profile/en/ir.pdf>.

۷. پتنت یک حق اختصاصی است که به یک اختراع که عبارت است از یک محصول یا فرایند که راه جدیدی را برای انجام کاری فراهم می‌کند یا یک راه حل فنی جدید را برای مشکلی ارائه می‌دهد، داده می‌شود. یک پتنت، محافظت برای اختراع مالک پتنت را فراهم می‌کند.

و ثبت شده افراد با ملیت ایرانی را در مرکز مالکیت معنوی کشور به عنوان مرجع داخلی ثبت اختراع، طرح صنعتی، علامت تجاری و نشان جغرافیایی نشان می‌دهند. داده‌های نمودار نشان‌دهنده روند نزولی در فاصله ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ است اما این روند به معنای کاهش گستره و حوزه فعالیت‌های نوآورانه در این بازه زمانی نیست. سیستم ثبت اختراع ایران از زمان شروع فعالیت در سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۸۶، مبتنی بر اظهارنامه بود. در سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸)، قانون جدیدی تصویب شد که طبق آن مرکز مالکیت معنوی ایران ملزم به بررسی تقاضاها از نظر تطابق با الزامات ثبت اختراع شد. این تغییر فرایند می‌تواند دلیل کاهش تعداد پتنت‌های تأیید شده باشد. با این وجود از سال ۲۰۱۲ روندی صعودی در تعداد پتنت‌های درخواستی مشاهده می‌شود.

طبق گزارش سال ۲۰۱۸ از سوی سازمان جهانی مالکیت فکری، ایران یکی از ۲۰ کشور برتر از نظر تعداد درخواست‌های پتنت مقیم نسبت به جمعیت کشور بوده است. نکته قابل توجه این است که به جز ایران، چین، هند و روسیه و سایر کشورها در فهرست ۲۰ کشور برتر همگی از کشورهای پردرآمد هستند ایران همچنین با ۹٫۵ درصد رشد در تعداد درخواست پتنت‌ها یکی از کشورهای دارای نرخ رشد سریع نسبت به سایر کشورها بوده است.



تصویر ۴۰: تعداد پتنت‌های درخواستی منبع: سازمان جهانی مالکیت معنوی



تصویر ۴: تعداد پتنت‌های ثبت شده (منبع: سازمان جهانی مالکیت فکری)

گزارش American Iranian Council

پایگاه اینترنتی AIC^۱ که شورایی برای بررسی روابط ایران و آمریکا در ایالات متحده است در گزارشی که در آگوست سال ۲۰۲۳ و با عنوان افسانه در مقابل واقعیت: وضعیت فناوری در ایران می‌نویسد:

افسانه آن است که تصور شود بخش فناوری ایران در درجه اول بر قابلیت‌های نظامی، به‌ویژه هواپیماهای بدون سرنشین، موشک‌های بالستیک، سلاح‌های سایبری و کلاهک‌های هسته‌ای متمرکز است. لیکن در واقعیت ایران دارای بخش فناوری غیرنظامی پررونقی است که پیشرفت قابل توجهی در زمینه‌های بیوتکنولوژی، نانوتکنولوژی، انرژی‌های تجدید پذیر و هوش مصنوعی داشته است. این کشور همچنین خانه یک اکوسیستم استارت‌آپی پویا است. در این گزارش آمده است که علی‌رغم انزوای بین‌المللی، ایران از نظر تحقیق و توسعه، بسیار بیشتر از ظرفیت خود است. درواقع، ایران بر اساس شاخص جهانی نوآوری سالانه سازمان جهانی مالکیت فکری^۲ از بین ۱۲۹ کشور رتبه ۱۰۴ را در سال ۲۰۱۲ میلادی و در سال ۲۰۲۲ میلادی رتبه ۵۳ را کسب کرد. به همین ترتیب، سهم فناوری از تولید ناخالص داخلی ایران از ۳/۸ درصد در

1. American Iranian Council.

2. WIPO.

سال ۲۰۱۶ به ۶۹ درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش یافت. اگرچه این میزان بسیار کمتر از میانگین جهانی ۲۲٫۵ درصد از تولید ناخالص داخلی است، اما رشد صنعت فناوری در همین بازه زمانی بسیار بالاتر از سایر بخش‌های اقتصادی ایران است. بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷، صادرات دانش بنیان ایران، پنج برابر شد. به همین ترتیب، شرکت‌های دانش بنیان از ۳۰۰ شرکت در سال ۲۰۱۶ به بیش از ۹۰۱۴ شرکت در ابتدای سال ۲۰۲۴ رسیده‌اند.

ایران در مدت زمان کوتاهی توانسته به یکی از کشورهای پیشرو در حوزه نانو تبدیل شود و رتبه چهارم در دنیا را از آن خود کند. دانشمندان ایرانی فناوری نانو طی ۱۵ سال گذشته ۳۰۷ اختراع ثبت کرده‌اند و از پایان سال ۲۰۲۱ تاکنون (۲۰۲۳ میلادی)، ۱۲۳ استاندارد فناوری نانو را تعیین کرده‌اند. تنوع فنی ایران در این زمینه همچنان چشمگیر است؛ محصولات نانو تکنولوژی آن بر ساخت و ساز (۴۲ درصد)، نفت (۱۷ درصد) و خودروسازی (۱۳ درصد) تمرکز داشته است. شاید تحسین برانگیزترین دستاورد ایران در این زمینه استفاده از فناوری نانو برای تصفیه آب رودخانه کارون باشد که آلودگی آن معضلی بزرگ برای محیط زیست ایران است. سایر موارد شامل تولید نانو الیاف برای مصارف پزشکی، اتصالات آلومینا و داروهای مورد استفاده برای درمان HIV-AIDS و آرتیت است.

در زمینه هوش مصنوعی به عنوان یک علم روزآمد، ایران حرف برای گفتن دارد و تاکنون اختراعاتی در این زمینه داشته است. به عنوان مثال ربات سورنا، اختراعی جذاب در این زمینه است که می‌تواند به طور مؤثر حالات چهره انسان را تقلید کند و عملیات ساده‌ای مانند نوشتن را انجام دهد.

در زمینه استارت‌آپ نیز کارهایی انجام شده و اکنون ایران رتبه سوم را در اکوسیستم‌های منطقه را دارد. در سال ۲۰۱۴، ۱۵۰ استارت‌آپ در کل کشور وجود داشت. تا سال بعد این تعداد فقط در تهران به ۴۰۰ مورد رسید. اگرچه اکثریت قریب به اتفاق استارت‌آپ‌های ایرانی در بخش فناوری اطلاعات مستقر هستند، دولت به شدت بر متنوع سازی حوزه‌های دانش بنیان تأکید کرده است و نوآوران جوان را تشویق به کشف مدیریت پسماند، کشاورزی و پزشکی ورزشی کرده است. موفقیت نسبی

این بخش محصول شگفت‌انگیز انزوای بین‌المللی ایران است. ناتوانی این کشور در دستیابی به اپلیکیشن‌ها و خدمات غربی به دلیل تحریم‌ها، مبتکران آن را مجبور به توسعه محصولات خود کرده است. از نظر اقتصادی، خروج شرکت‌های خارجی به استارت‌آپ‌های بومی این امکان را داده است تا سهم بیشتری از بازار را به دست آورند و از نوآوری در حال رشد خود محافظت کنند.

در واقع، نیروی کار علم و فناوری ایران همچنان پرکار است. این کشور در شاخص جهانی نوآوری در سال ۲۰۱۹ از نظر نیروی کار شاغل در علم و مهندسی رتبه سوم را به خود اختصاص داد. این را می‌توان به نسبت بسیار زیاد جوانان در جمعیت ایران نسبت داد. در واقع، ۶۲ درصد از بنیان‌گذاران استارت‌آپ بین ۲۵ تا ۳۵ سال سن دارند.

دولت مقدار قابل‌توجهی از منابع خود را برای رشد این بخش با تمرکز ویژه بر نوآوری داخلی سرمایه‌گذاری کرده است. این تلاش‌ها با ایجاد پارک‌های علمی، مراکز رشد و شتاب‌دهنده‌های نوآوری در پردیس‌های دانشگاهی به وضوح مشاهده می‌شوند. این طرح‌ها برای ایجاد فضاهای فکری طراحی شده‌اند که در آن فارغ‌التحصیلان جوان دانشگاه می‌توانند با یکدیگر همکاری کرده و ایده‌های جدیدی را برای ایجاد نوآوری به اشتراک بگذارند. موفقیت ویژه‌ای به پارک فناوری پردیس تهران نسبت داده شده است که لقب «سیلیکون‌ولی ایران» را به خود اختصاص داده است.^۱

● مرحله چهارم: تبدیل فناوری به ثروت

با شکل‌گیری و رشد کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و افزایش سهم آنها از تولید ملی اقتصاد مبتنی بر منابع و خام‌فروشی جای خود را به اقتصاد دانش‌بنیان می‌دهد. تلاش‌های سالیان گذشته در ایجاد زیست‌بومی برای شکل‌گیری و رشد شرکت‌های دانش‌بنیان زمینه را برای شکوفایی این شرکت‌ها فراهم ساخته است. شرکت‌های دانش‌بنیان با تأمین نیازهای کشور در حوزه‌های فناورانه و راهبردی گام‌های مهمی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی برداشته‌اند و با صادرات محصولات خود حرکت به سوی اقتصاد درون‌زای صادرات‌گرا را آغاز کرده‌اند.

1. <http://www.us-iran.org/resources/technology>.

شتاب‌دهنده‌های کسب‌وکار و مراکز نوآوری

شتاب‌دهنده‌ها یکی از سازوکارهای نوین رشد تأمین سرمایه شرکت‌های نوپای فناور هستند. شتاب‌دهنده‌ها با انتخاب استارت‌آپ‌های ارزشمندی که قابلیت زیادی برای رشد و رسیدن به مقیاس دارند و کمک به آنها در تجاری‌سازی ایده‌های خود، مدتی پذیرای این استارت‌آپ‌ها هستند تا آنها را به مراحل بعدی رشد و سرمایه‌گذاری برسانند. شتاب‌دهنده‌ها با تأمین سرمایه اولیه آموزش و مربی‌گری و ایجاد ارتباط بین شرکت نوپا و شبکه‌ای از دیگر کارآفرینان و سرمایه‌گذاران، احتمال موفقیت شرکت‌های نوپا را در مراحل بعدی عمر خود افزایش می‌دهند. تعداد شتاب‌دهنده‌های فعال در کشور با تلاش‌های دولت سیزدهم و در سال ۱۴۰۴ به ۱۷۰ عدد رسیده است.^۱

مراکز نوآوری نیز یکی دیگر از زیرساخت‌هایی هستند که در توسعه دانش‌بنیانی و تبدیل آن به ثروت نقش ایفا می‌کنند. مراکز نوآوری طبق تعریف صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور متشکل از یک یا چند تیم نوآوری هستند که با همکاری مراکز تحقیقاتی و شرکت‌های متقاضی محصولات جدید در چارچوب برنامه‌ای بلندمدت با هم همکاری می‌کنند. حمایت از شکل‌گیری و توسعه مراکز نوآوری در کشور با چند هدف انجام شده است. ازجمله: حمایت از تحقیقاتی که ظرفیت مناسبی برای عرضه دستاوردهای فناورانه و تجاری‌سازی آنها وجود دارد و کمک به شکل‌گیری الگوی جدیدی از همکاری بین صنعت دانشگاه و دولت. این مراکز همچنین به اشتغال نخبگان کشور، توسعه فرهنگ نوآوری در کشور و تقویت اقتصاد دانش‌بنیان و مقاومتی کمک می‌کنند تا سال ۱۳۹۶ بیش از ۲۰ مرکز نوآوری به ثبت رسیده بود که این رقم در سال ۱۴۰۲ به ۳۵۰ مرکز رسیده است.^۲

1. <https://isti.ir/>

2. <https://isti.ir/>

آغاز خلق ثروت شرکت‌های دانش بنیان

در نتیجه تلاش‌های دولت سیزدهم در تحقق قانون حمایت از شرکت‌های دانش بنیان، تعداد این شرکت‌ها از حدود پنج هزار شرکت در سال ۱۴۰۰، به عدد ۹۰۱۴ شرکت تا زمستان ۱۴۰۲ رسیده است.

میزان اشتغال زایی این شرکت‌ها در پایان سال ۱۴۰۰ به ۳۴۲۰۰۰ نفر رسیده بود. فروش شرکت‌های دانش بنیان در پایان سال مالی ۱۴۰۰ نیز به ۴۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده بود که نسبت به سال قبل از آن ۸۶ درصد رشد داشت.^۱ پیش بینی می‌شود فروش این شرکت‌ها در پایان سال ۱۴۰۲ به حدود ۶۵۰ تا ۷۰۰ هزار میلیارد تومان برسد.^۲

به گزارش یونسکو بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷، صادرات کالاهای دانش بنیان از پارک‌های علم و فناوری ایران و مراکز رشد (قبل از کاهش در سال ۲۰۱۸)، پنج برابر رشد داشته است.^۳

بر اساس آمار اعلامی صادرات شرکت‌های دانش بنیان در سال ۱۳۹۸ نزدیک به ۶۰۰ میلیون دلار، سال ۱۳۹۹ نزدیک به ۳۰۰ میلیون دلار، سال ۱۴۰۰ نزدیک به ۶۰۰ میلیون دلار، سال ۱۴۰۱ نزدیک به ۸۵۰ میلیون دلار و امروز بالغ بر ۱/۵ میلیارد دلار است که طبق برآورد معاونت علمی ریاست جمهوری امید است که تا پایان سال ۱۴۰۲ به رقمی فراتر از دو میلیارد دلار، افزایش یابد.^۴

گزارش سال ۲۰۲۱ یونسکو درباره رشد و پیشرفت شرکت‌های دانش بنیان

گزارش علمی یونسکو، ۲۰۲۱ به‌طور ویژه جایگاه ایران در توسعه علم و فناوری، رونق شرکت‌های دانش بنیان و خلاق را مورد بررسی قرار داده است. در پانزدهمین فصل از این گزارش به پیشرفت‌ها و رشد کشور در حوزه‌هایی نظیر شرکت‌های دانش بنیان، فعالیت‌های تحقیق و توسعه و گسترش مراکز نوآوری اشاره شده است. در ادامه به خلاصه‌ای از این گزارش اشاره می‌گردد.

1. <https://irna.ir/xjLHfv>.

2. <https://www.isna.ir/amp/1402072518036/>

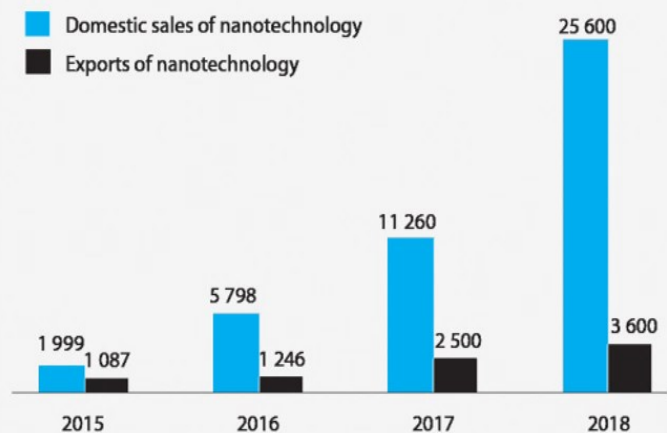
3. UNESCO SCIENCE REPORT (2021), The race against time for smarter development, page 395.

4. <https://dolat.ir/detail/432202>.

- افزایش تعداد شتاب‌دهنده‌ها و مراکز رشد فناوری از سال ۱۳۹۴ به همراه افزایش تقاضای داخلی، به رشد نمایی تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها منجر شده است.
- در بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ صادرات شرکت‌های دانش‌بنیان پنج برابر شد.
- قوانین و سیاست‌های فناوری و نوآوری از سال ۱۳۹۴ موانع رقابت را کم اثر نمودند و نظام تأمین مالی نوآوری را تقویت نموده‌اند.
- نوآوری درون‌زا در ۵ سال گذشته با رشد چشمگیر و بالندگی همراه بوده است.
- در سال ۱۳۹۴، اولین مراکز نوآوری و شتاب‌دهنده‌ها با هدف توانمندسازی استارت‌آپ‌ها در ایران ایجاد شد. تا سال ۱۳۹۹، ۴۹ شتاب‌دهنده با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و ۱۱۳ مرکز نوآوری با مشارکت پارک‌های علم و فناوری و دانشگاه‌های بزرگ راه‌اندازی شد.
- در سال ۱۳۹۸ ایران در میان ۱۲۹ کشور در شاخص جهانی نوآوری رتبه ۶۱ را به دست آورده است که در مقایسه با رتبه ۱۰۶ در سال ۱۳۹۴ رشد قابل توجهی محسوب می‌شود. لازم به ذکر است رتبه ایران در سال ۲۰۲۲ در شاخص جهانی نوآوری، به رتبه ۵۳ رسیده است.^۱
- حوزه‌های فناوری زیستی و فناوری نانو از نقاط قوت پژوهش و فناوری در ایران محسوب می‌شوند. تا سال ۱۳۹۷، تعداد ۵۲۴ شرکت فعال در حوزه زیست‌فناوری در ایران شکل گرفت و فروش محصولات نانو ساخت داخل فقط در عرض ۳ سال ۱۲ برابر شد.

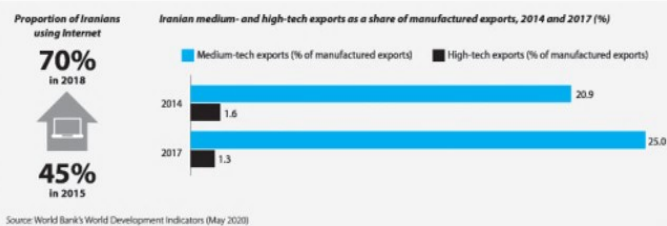
1. <https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo-pub-2000-2022-en-main-report-global-innovation-index-2022-15th-edition.pdf>.

Sales of locally produced nanoproducts, 2015–2018



تصویر ۴۲: میزان فروش داخلی و میزان صادرات محصولات نانو از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸

- ایران تا سال ۱۳۹۸ موفق شد ۹۵ درصد از داروهای مورد نیاز بازار داخلی، شامل دو سوم از مواد فعال تشکیل دهنده این داروها را تولید و به ۱۷۰ کشور صادر نماید که مقصد بخش قابل توجهی از آن اتحادیه اروپا بود.



تصویر ۴۳: مقایسه سهم صادرات محصولات با فناوری بالا و فناوری متوسط در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷

- حمایت از شرکت‌های دانش بنیان و تولید تجهیزات پیشرفته و لوازم پیشگیری، تشخیص و درمان کرونا توسط آنها؛ تجربه‌ای مثبت و مؤثر در ایران می‌باشد.
- خنثی کردن اثرات منفی تحریم بر رشد صنایع دانش بنیان، از اولویت بالایی برای دولت ایران برخوردار بوده است. تبدیل صندوق نوآوری و شکوفایی در سال ۱۳۹۷ از یک مؤسسه شبه بانکی به یک تنظیم‌گر و تسهیل‌کننده تأمین مالی شرکت‌های دانش بنیان با هدف رفع موانع مالی پیش‌روی این شرکت‌ها، از جمله اقدامات دولت در این راستا می‌باشد.
- اصلاحات و قانون‌گذاری‌های مختلف خصوصاً در پنج سال گذشته، موانع رقابت در بازار ایران را کاهش داده و وضعیت تأمین مالی نوآوری نیز بهبود قابل‌ملاحظه‌ای یافته است.
- رویکرد اکوسیستمی در توسعه نوآوری با حمایت از شرکت‌های دانش بنیان و استارت‌آپ‌ها که توسط معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری ایران اتخاذ شده، در مدتی کوتاه به نتایج چشم‌گیری رسیده است.
- سیاست‌های حامی «نواحی نوآوری» در ایران در سه دسته قابل دسته‌بندی است. دسته اول شامل سیاست‌هایی بود که منجر به ایجاد پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد در محیط دانشگاه‌ها شد. دسته دوم، سیاست‌هایی است که منشأ ایجاد فضاهایی در شهرهای بزرگ برای تعامل و شبکه‌سازی استارت‌آپ‌ها، سرمایه‌گذاران و دیگر عوامل نوآوری با یکدیگر است. در دسته سوم و در راستای ایجاد پلتفرم نوآوری، از تبدیل مراکز دانشگاهی به دانشگاه‌های نسل سوم یا دانشگاه‌های کارآفرین حمایت می‌شود. هدف از این اقدام، حذف فاصله با دانشگاه‌های سنتی و تقویت موقعیت دانشگاه‌ها در اکوسیستم نوآوری می‌باشد.
- از سال ۱۳۹۴ بسیاری از دانشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری، رویدادهایی را با هدف آموزش مهارت‌های فنی و نرم به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ترتیب داده‌اند. «رویدادهای استارت‌آپی ۷»، «چالش‌های نوآوری» و «بوتکمپ‌ها» از جمله

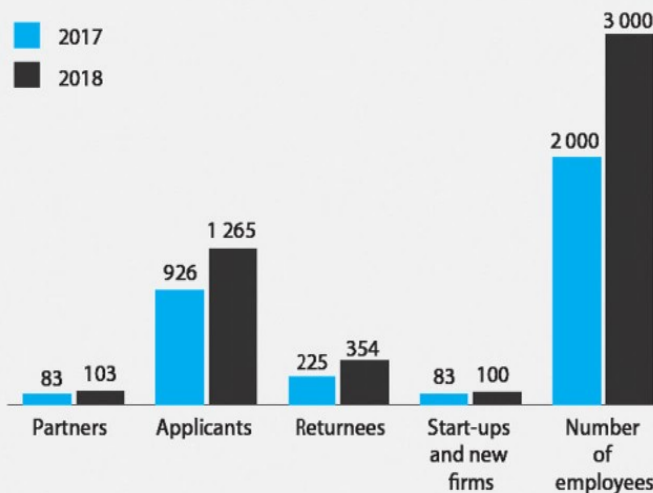
رویدادهای رایجی هستند که موضوعات متنوعی نظیر کارآفرینی روستایی، بهداشت و سلامت، هوای پاک، آب، حمل و نقل، هوش مصنوعی، بلاک چین و امنیت سایبری را پوشش می‌دهند. افزایش این رویدادها نشانه مثبتی مبنی بر حمایت از استارت‌آپ از جانب رهبر ایران است.

- معاونت علمی و فناوری برنامه «حمایت از توسعه بازار تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی پیشرفته ساخت داخل» را از سال ۱۳۹۷ طراحی و پیاده‌سازی نموده که نشان‌دهنده اهمیت این صنایع از دیدگاه سیاست‌گذاران فناوری و نوآوری در ایران است. تاکنون بیش از ۴۰۰ شرکت از این برنامه بهره‌برده‌اند و به ساخت و تولید ۶۰۰ ماشین‌آلات صنعتی جدید ساخت داخل منجر شده است.
- توسعه اقتصاد دیجیتال با ظهور و رشد سریع شرکت‌هایی نظیر اسنپ، تپسی، آپارات، دیجی‌کالا، دیوار و کافه بازار و حمایت‌های متنوع دولت و خصوصاً ستاد اقتصاد دیجیتال معاونت علمی و فناوری از فناوری‌های دیجیتال، تحولی کلیدی در حوزه فناوری و نوآوری در سطح کسب‌وکاری محسوب می‌شود.
- در چند سال اخیر برنامه‌هایی با هدف افزایش آگاهی و هوشمندی در حوزه سیاست‌گذاری، به‌طور فعالانه طراحی و پیاده‌سازی شده‌اند تا موجب بهبود تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران در حوزه‌های اولویت‌دار علم و فناوری شود. برخی از این برنامه‌ها عبارت‌اند از:
 - برنامه ملی آینده‌نگاری (۱۳۹۴) در بخش‌های انرژی، خودرو، بهداشت و سلامت و آب.
 - پیمایش تحقیق و توسعه که عموماً دو سال یک‌بار توسط مرکز آمار ایران جهت پایش فعالیت‌ها و هزینه‌کرد تحقیق و توسعه توسط بخش‌های کسب‌وکار، آموزش عالی، دولتی و غیرانتفاعی انجام می‌شود.
 - پیمایش نوآوری ایران (۱۳۹۵) که سالانه توسط معاونت علمی و فناوری انجام می‌شود.

- نظام ملی پایش و ارزیابی علم، فناوری و نوآوری که از سال ۱۳۹۶ توسط شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری پیاده‌سازی شده است.

- ایران در گزارش شاخص جهانی نوآوری در سال ۱۳۹۸ از نظر درصد فارغ‌التحصیلان حوزه علم و مهندسی از کل فارغ‌التحصیلان آموزش عالی رتبه سوم دنیا را به خود اختصاص داده که نشان‌دهنده ظرفیت بالای فناوری و نوآوری این کشور است. سهم فارغ‌التحصیلان حوزه علم و مهندسی از کل فارغ‌التحصیلان آموزش عالی در سال ۲۰۲۲ به رتبه دوم رسیده است.^۱
- یکی از دستاوردهای برنامه پنجم توسعه، افزایش تعداد برنامه‌های تحقیقاتی از جمله پروژه‌های تحقیقاتی مشترک میان مؤسسات پژوهشی ایرانی و خارجی محسوب می‌شود.
- برنامه بازگشت ایرانیان متخصص خارج از کشور منجر به اشتغال تعداد زیادی از ایرانیان مقیم خارج در استارت‌آپ‌ها و تأسیس ۱۰۰ استارت‌آپ با بیش از ۳۰۰۰ نفر پرسنل تنها در سال ۱۳۹۷ شده است. بیش از ۱۴۰۰ متخصص ایرانی مقیم خارج به کشور بازگشته و در مشاغل تخصصی پژوهشی و کسب‌وکاری مشغول به کار هستند.

1. <https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo-pub-2000-2022-en-main-report-global-innovation-index-2022-15th-edition.pdf>.

Iranian returnees partnering with, or establishing, start-ups and new tech-based firms in Iran, 2017 and 2018

تصویر ۴۴: میزان بازگشت ایرانیان متخصص خارج از کشور و اشتغال آنها در

سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸

فناوری نانو الگوی موفق تبدیل دانش به فناوری و فناوری به ثروت

دانش و فناوری نانو را می‌توان یکی از الگوهای موفق در تبدیل دانش به فناوری و ثروت در جمهوری اسلامی به شمار آورد. اولین جرقه‌های توجه خاص کشورها و دولت‌ها به فناوری نانو در جهان در حدود سال ۱۳۷۹ شمسی زده شد پیش از آن تحقیقات نانو در برخی مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی به صورت پراکنده انجام می‌شد. روز اول اسفند ۱۳۷۹ مرحوم دکتر ابتکار مشاور رئیس‌جمهور وقت در نامه‌ای به رئیس‌جمهور مطرح‌شدن موضوعی جدید با عنوان فناوری نانو و نیاز به بررسی آن را به رئیس‌جمهور اطلاع دادند.

در شهریورماه ۱۳۸۲ ستاد ویژه توسعه فناوری نانو تشکیل شد تا اهداف راهبردها و برنامه‌های ملی این حوزه را تعیین و با تقسیم وظایف این حوزه بر اجرای آنها نظارت کند. در سال ۱۳۸۴ سند بلندمدت توسعه فناوری نانو با عنوان سند راهبرد آینده توسط هیئت دولت تصویب و ابلاغ شد. طبق این سند ده‌ساله ایران دستیابی به رتبه پانزدهم دنیا در فناوری نانو را به‌گونه‌ای که توسعه فناوری نانو موجب تولید ثروت و ارتقای کیفیت زندگی مردم شود، هدف قرار می‌داد.

سند ده‌ساله دوم توسعه فناوری نانو (۱۴۰۴-۱۳۹۴) با توجه به ارزیابی‌های راهبردی گزارش‌های عملکرد سالانه و بازخوردهای حاصل از اجرای آن تدوین شد. به‌منظور تداوم حرکت پیشگامانه کشور در عرصه این فناوری رویکرد کلی حاکم بر سند اول مبنی بر توسعه و تربیت سرمایه انسانی و تأمین زیرساخت‌های توسعه این فناوری به رویکردهایی از قبیل دستیابی به مرجعیت علمی نانو در جهان، توسعه فناوری‌های استقرار سیستم نانو، ایجاد و ارتقای صنایع نانو و توسعه بازار این فناوری ارتقا یافت. در سند ده‌ساله دوم توسعه فناوری نانو، ارتقای اقتدار علمی کشور توسعه صنعت و بازار نانو با نگاه صادراتی و نقش‌آفرینی این فناوری در تولید ثروت و بهبود کیفیت زندگی هدف قرار داده شده است.

تلاش برای ارتقای رتبه علمی ایران در حوزه نانو بعد از تصویب سند ده‌ساله اول شروع شد. در شهریور ۱۳۸۸ (۲۰۰۹)، یعنی شش سال پیش از افق برنامه‌ریزی سند راهبردی، محققان کشورمان توانستند از نظر تعداد مقالات علمی به جایگاه پانزدهم دنیا برسند. در سال ۲۰۰۰ ایران با انتشار ۹ مقاله نانو در رده ۶۰ دنیا و ششم منطقه قرار داشت، اما در سال‌های بعد با طی کردن روند صعودی در انتشار علوم نانو از انتشار سالانه ۱۰ مقاله نانو به انتشار میانگین روزانه ۲۵ مقاله نانو رسید.

جایگاه جهانی ایران در علم و فناوری نانو به‌وسیله سه شاخص کلان «کمیت مقالات فناوری نانو، کیفیت مقالات فناوری نانو» و «تعداد اختراعات فناوری نانو» ارزیابی می‌شود. برای ارزیابی جایگاه ایران در علم نانو از پایگاه داده (Web of Science) به‌عنوان منبع آمار و اطلاعات استفاده می‌شود. در حوزه فناوری نیز تعداد اختراعات

فناوری نانو در دفاتر ثبت پتنت معتبر جهان از جمله اداره ثبت پتنت آمریکا (USPTO) و اداره ثبت پتنت اروپا (EPO) اندازه‌گیری می‌شوند.

در سال ۲۰۲۲ میلادی ۱۱۴۷۳ مقاله مرتبط با فناوری نانو توسط محققان ایرانی در WoS نمایه شد که معادل ۴/۹ درصد از کل مقالات نانو منتشر شده در سال ۲۰۲۲ است. ایران با این سهم از انتشارات نانو، همانند سال گذشته، در رتبه چهارم جهان قرار گرفت. ایران در مجموع تا پایان سال ۲۰۲۲، ۳۱۲ اختراع مرتبط با فناوری نانو در دفاتر ثبت پتنت آمریکا و اروپا منتشر کرده است. تعداد پتنت‌های نانو ایران در سال ۲۰۲۲ در دفتر ثبت پتنت آمریکا (USPTO) ۲۳ پتنت بوده است. علاوه بر این، در همین سال، ۱۰ اختراع نانو دیگر در حال ثبت نهایی در این دفتر هستند. بر این اساس رتبه ایران در پتنت‌های ثبت شده در USPTO در سال ذکر شده، ۲۴ است.

تلاش‌های پژوهشگران حوزه نانو تنها به حوزه انتشارات علمی محدود نشده و امروز خود را در تولید محصولات نانو تولید داخل نشان می‌دهد.

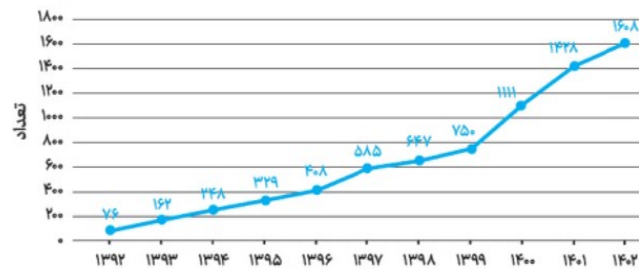
بیش از نیمی از حجم بازار کالاهای نانو ساخت داخل به حوزه ساخت و ساز شیشه‌های کم‌گسیل، بتن سبک، انواع کف‌پوش، انواع کاشی و گرانیت آنتی‌باکتریال اختصاص دارد. صنعت دارو، بهداشت و سلامت نیز با سهم ۱۵/۶ درصد رتبه دوم و نساجی و پوشاک با سهمی نزدیک به ۱۰ درصد در رده سوم قرار گرفته‌اند.

یکی از اهداف اصلی کشور در حوزه نانو کسب سهم مناسبی از بازار جهانی فناوری نانو توسط محصولات ایرانی است. در برنامه سند گسترش کاربرد فناوری نانو دستیابی به سهم یک تا دو درصدی از بازار جهانی فناوری نانو توسط محصولات نانو ساخت ایران در سال ۱۴۰۴ و دستیابی به حجم بازار ۳۰ هزار میلیارد ریال تا سال ۱۳۹۸ هدف‌گذاری شده بود. در سال ۱۳۹۶ از مجموع بازار فروش محصولات نانو ساخت ایران ۲۵۰۰ میلیارد ریال (حدود ۱۸ درصد) مربوط به صادرات این محصولات به کشورهای دیگر و ۱۱۲۶۰ میلیارد ریال آن مربوط به فروش در بازار داخلی بوده است. در مجموع در سال ۱۳۹۶ میزان فروش محصولات نانو ساخت ایران معادل ۱۳۷۶۰ میلیارد ریال بوده است که در سال ۱۴۰۱ این رقم به ۳۰ هزار میلیارد ریال رسیده است. این رقم نسبت به

سال قبل از آن ۵۰ درصد افزایش داشته است.^۱

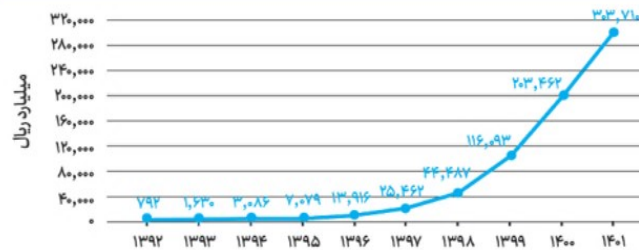
در تصاویر زیر روند رشد تعداد محصولات دانش بنیان تولیدی در کشور و همچنین نمودار فروش این محصولات نشان داده می شود.

روند تولید محصولات نانو ساخت ایران



تصویر ۴۵: روند تولید محصولات نانو ساخت ایران^۲

روند بازار فناوری نانو ایران



تصویر ۴۶: روند بازار فناوری نانو^۳

۱. <https://nano.ir/fa/102>.

۲. فصل نامه فناوری نانو، معاونت علمی ریاست جمهوری، دبستان ۱۴۰۲، سال ۲۲، شماره ۲، شماره پیاپی شماره ۲۸۳. قابل دسترسی در:

<https://nano.ir/file/2/attach20231123720979461736.pdf>.

۳. همان.

۵. حمایت از تولید داخلی و کاهش ناترازی تجاری

پس از آنکه علم‌آموزی و تحقیق علمی در کشور نهادینه شد و در نتیجه آن جوانان کشور توانستند نیازهای فناوریانه جامعه را بومی‌سازی و در داخل کشور تولید کنند، حال بایستی از این تولیدات فناوریانه در برابر رقبای قدرتمند خارجی حمایت کرد تا جای خود را در بازار پیدا کنند. مقام معظم رهبری علیه السلام از همان سال‌های ابتدایی زعامت رهبری انقلاب اسلامی، در سیاست‌های کلی ابلاغی خود بر روی مسئله تولید و اهمیت آن تأکید داشته‌اند.^۱ سیاست‌گذاری، اولین اقدام دولت‌ها در تحقق هدف‌گذاری‌هایشان است. مقام معظم رهبری علیه السلام با توجه به همین مسئله، از سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه در سال ۱۳۷۲ تا اکنون به این مهم پرداخته‌اند اما مهم‌تر از سیاست‌گذاری برای تحقق آرمان‌ها، گفتمان‌سازی برای آنهاست.

همان‌طور که برای مراحل سوم و چهار صعود یعنی پیشرفت در حوزه علم و فناوری از دهه ۷۰، گفتمان‌سازی‌های مقام معظم رهبری علیه السلام آغاز شده بود و در دهه هشتاد مسئله جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم در دانشگاه‌های کشور به گفتمان غالب بدل شده بود. نتیجه آن گفتمان‌سازی‌ها نیز همان‌طور که در مراحل گذشته بیان شد دستیابی به بالاترین شتاب رشد علمی در جهان بود. حال پس از آنکه در پیشرفت علمی و در تولید محصولات فناوریانه و دانش‌بنیان به سطح قابل قبولی رسیدیم نیاز به گفتمان‌سازی برای حمایت از تولیدات داخلی در برابر واردات خارجی بیش از پیش ضرورت می‌یابد.

لذا در دهه ۱۳۹۰ شمسی اصلی‌ترین گفتمانی که توسط مقام معظم رهبری علیه السلام در کشور شکل می‌گیرد، گفتمان اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید است. این مهم در نام‌گذاری سال‌های دهه ۹۰ و سخنرانی‌های عمومی معظم له کاملاً مشهود است. بدیهی است اگر حمایت از تولید ملی به گفتمان عمومی و در نتیجه مطالبه مردمی تبدیل شود، تحقق آن ضمانت خواهد یافت.

اما پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، حال مسیر سیاست‌گذاری برای

۱. ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه توسعه دوم، ۱۳۷۲/۰۸/۱۸.

حمایت از تولید بایستی از مجلس تا دولت و از قانون تا دستورالعمل اجرایی دنبال شود. از آن زمان تاکنون قوانین و دستورالعمل‌های متعددی در این زمینه تدوین شده است. مجموعه این قوانین عبارت‌اند از: قانون امور گمرکی، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و قانون حمایت از مصرف‌کننده، قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، قانون حداکثر استفاده از توان داخلی، قانون حداکثر استفاده از توان فنی، مهندسی تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات ۱۳۷۵، قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی ۱۳۸۶، قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم ۱۳۹۱، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲، قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور ۱۳۹۴ و

اما به دلیل اینکه ایده اصلی دولت‌های یازدهم و دوازدهم در دهه ۹۰ حل مسائل کشور از طریق سیاست خارجی بود و نه حمایت از تولید و درون‌زایی، میزان اجرایی شدن این قوانین در کشور در این دهه نسبت به سطح مورد انتظار، اندک بوده است.^۱

اما به هر میزان که قوانین مربوط به حمایت از تولید در کشور جامه عمل پوشیده‌اند اثرات و برکات آن در کشور پدیدار شده است. اقدامات معاونت علمی ریاست جمهوری در دهه ۹۰ که با پیگیری شخص مقام معظم رهبری علیه‌السلام تأسیس شد، زمینه تولید دانش‌بنیان بسیاری از کالاها و خدمات مورد نیاز کشور که از طریق واردات تأمین می‌شد ولی در شرایط تحریم دهه ۹۰، خلأ آنها، معیشت جامعه را تحت تأثیر قرار داده بود را فراهم کرد و از این طریق حتی در دولتی که ایده اصلی آن برون‌زایی اقتصاد بود، به اجبار تحریم ثمرات درون‌زایی در اقتصاد ملی آشکار شد. نمونه‌های این برکات را می‌توان از خودکفایی بنزین در کشور با ساخت پالایشگاه تمام ایرانی ستاره خلیج فارس که با متخصصان ایرانی و قطعات ایرانی به ثمر رسید تا خودکفایی تولید

۱. رجوع شود به گزارش وضعیت اجرا و اثربخشی احکام مربوط به «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» که در نشانی زیر در دسترس است:
https://report.mrc.ir/article_9804_a3938782baceceb56f9f69f8a138c821.pdf.

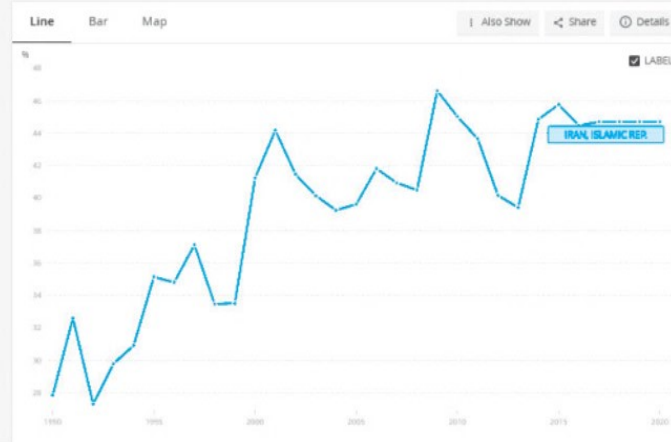
واکسن کووید ۱۹ توسط متخصصین داخلی در چند شرکت دانش بنیان و تا ساخت قطعات مختلف و توربین‌های گوناگون صنعت برق در مجموعه بزرگ صنعتی مپنا مشاهده کرد که هر کدام از آنها علاوه بر خودکفایی و کاهش ارزبری، درآمد صادراتی و ارزآوری نیز برای کشور به ارمغان آورده‌اند.

میزان صادرات محصولات با تکنولوژی متوسط و بالا

بر اساس آمار بانک جهانی میزان صادرات محصولات با تکنولوژی متوسط و بالا در طول این سال‌ها از ۲۸ درصد به بیش از ۴۵ درصد رسیده است.

Medium and high-tech manufacturing value added (% manufacturing value added) - Iran, Islamic Rep.

United Nations Industrial Development Organization (UNIDO), Competitive Industrial Performance (CIP) database
License : CC BY-4.0

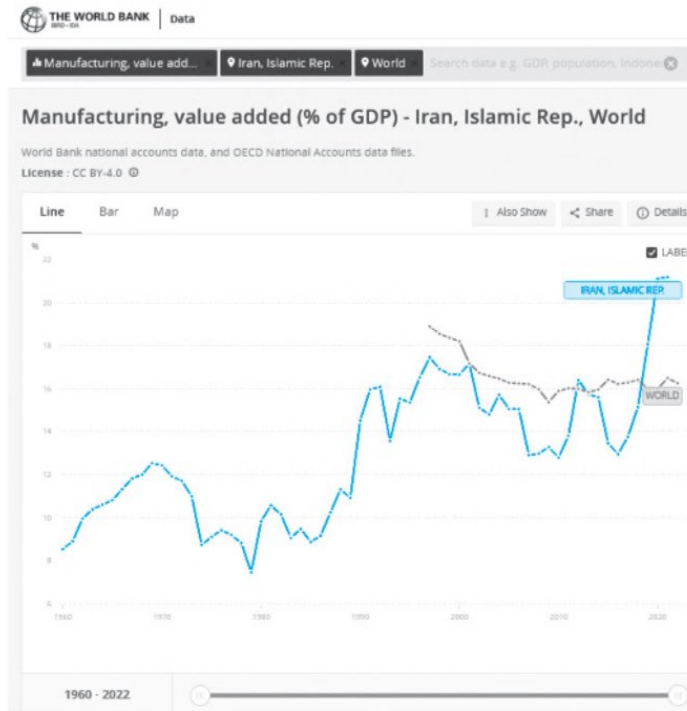


تصویر ۴۷: میزان صادرات محصولات با تکنولوژی متوسط و بالا/منبع: بانک جهانی^۱

1. <https://data.worldbank.org/indicator/NV.MNTECH.ZS.UN?locations=IR>.

میزان تولید محصولات با ارزش افزوده

بر اساس آمار بانک جهانی میزان تولید محصولات با ارزش افزوده در طول این سال‌ها از ۷ درصد به بیش از ۲۰ درصد رسیده است. این آمار به تولیدات کشور اعم از تولیدات صنعتی اشاره دارد و نفت را در نظر نمی‌گیرد.



تصویر ۴۸: میزان تولید محصولات با ارزش افزوده/منبع: بانک جهانی^۱

1. <https://data.worldbank.org/indicator/NV.IND.MANFZS?end=2022&locations=IR-1W&start=1960>.

اقدامات دولت در حمایت از تولید در حوزه‌های مختلف بایستی دنبال شود. یکی از این اقدامات، تعرفه‌گذاری گمرکی برای واردات کالاهای مشابه خارجی جهت توان بخشی به قدرت رقابت تولیدکنندگان داخلی است. حتی در شرایطی دولت می‌بایست واردات برخی اقلام خارجی را به‌طور کل ممنوع کرده تا شرکت‌های داخلی بتوانند تیراژ تولید خود را بالا برده و قیمت و کیفیت خود را رقابت پذیر کنند. مانند اقدامی که کشور ژاپن برای حمایت صنعت خودروسازی خود در برابر خودروسازان خارجی انجام داد.

اقدام دیگر دولت باید در خرید محصول از شرکت‌های داخلی باشد. دولت هم بزرگ‌ترین مصرف‌کننده کالا و خدمات در کشور است و هم مصارفی دارد که انحصاری است و اگر دولت در این زمینه از تولیدکننده داخلی خرید محصول نکند امکان فعالیت برای شرکت‌های داخلی سلب می‌شود. مثلاً شرکت‌های دانش بنیان در حوزه صنعت نفت که تاکنون بارها و بارها با نوآوری‌های خود مانع تعطیلی استخراج و پالایش نفت و گاز در شرایط تحریم این صنعت شده‌اند، کاملاً وابسته به خرید محصولاتشان توسط دولت هستند. اگر دولت در این زمینه‌ها به متخصصان داخلی اعتماد نکرده و دنبال عقد قرار داد با شرکت‌های خارجی باشد مسلم است که تولیدکنندگان داخلی مجالی برای فعالیت پیدا نخواهند کرد.

مسئله‌ای که در دولت‌های یازدهم و دوازدهم بارها در دیدار دانش بنیان‌های حوزه نانو و حوزه انرژی با مقام معظم رهبری علیه السلام مورد گلايه متخصصین داخلی قرار گرفته بود اکنون در دولت سیزدهم تا حد زیادی تأمین شده است.

یکی دیگر از اقدامات مورد نیاز توسط دولت اعطای تسهیلات و تأمین نقدینگی برای بخش تولید است. در سال‌های اخیر شاهد بودیم که بسیاری از کارخانجات معروف کشور به دلیل کمبود نقدینگی تعطیل شده بودند. کارخانه‌هایی چون ارج، داروگرو... که هر کدام سهم بالایی از ایجاد اشتغال را نیز بر دوش می‌کشیدند. کار مهمی که در دو سال گذشته آغاز شده و بایستی ادامه یابد، هدایت نقدینگی به سمت بخش‌های مولد است که این امر تاکنون بیش از ۶۵۰۰ واحد راکد صنعتی را به چرخه تولید

بازگردانده است در ابتدای دولت سیزدهم بیش از ۵۰ هزار واحد تعطیل و نیمه تعطیل در کشور وجود داشت و همین مسئله ضرورت احیای واحدهای صنعتی را کد را بیش از پیش نشان می‌داد. طبق گزارش‌ها تا کنون با سرمایه‌گذاری ۱۸۲ هزار میلیارد تومانی انجام شده در این طرح ۶۵۵۳ واحد اقتصادی احیا شده که بیش از ۱۴۵ هزار شغل مستقیم و غیرمستقیم ایجاد شده است. احیای واحدهای تعطیل شده در کاهش نرخ بیکاری در کشور و رشد سرمایه‌گذاری مؤثر بوده است. طبق آخرین گزارش مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در تابستان امسال به ۷/۹ درصد رسید. همچنین نهضت احیای واحدهای اقتصادی طی دو سال اخیر بیش از ۳۰۰ پرونده پیچیده حقوقی و بانکی را به سرانجام رساند.^۱ همان اقدامی که وزارت صنعت و تجارت ژاپن پس از جنگ جهانی دوم برای احیای واحدهای تولیدی خود انجام داد.^۲

اقدام دیگری که از وظایف دولت در این زمینه محسوب می‌شود مبارزه جدی با قاچاق کالا است. در مواردی که تولید داخل با کیفیت مناسب در حال تأمین نیاز داخلی است، قاچاق کالاهای بی‌کیفیت و ارزان قیمت می‌تواند واحدهای تولیدی داخلی را به تعطیلی بکشانند. مسئله‌ای که تولیدکنندگان پوشاک، کفش و حتی برخی قطعه‌سازهای مهم صنعتی را رنج می‌دهد.

البته همان‌طور که مقام معظم رهبری علیه‌السلام فرمودند منظور از مبارزه با قاچاق، مبارزه با قاچاق‌های جزئی و کول‌برها نیست بلکه منظور مبارزه با باندهای قاچاق و موارد بزرگ مقیاسی است که بازار کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

بدیهی است میزان پیشرفت کشور در زمینه حمایت از تولیدات داخلی فاصله بسیاری با میزان مطلوب و قله آن دارد اما این مرحله مهم اقتصادی در کشور آغاز شده و در دو سال گذشته نیز سرعت گرفته است. پابندی مردم ایران اسلامی نیز به مصرف کالاهای ایرانی یقیناً سرعت حرکت کشور را در مرحله پنجم صعود به سمت قله‌های اقتصادی افزایش خواهد داد.

۱. <https://dolat.ir/detail/429378>.

۲. رجوع کنید به کتاب معجزه تولید از همین نویسنده.

نباید فراموش کنیم که مادر کشوری زندگی می‌کردیم که ۹۸ درصد صادرات آن وابسته به نفت و فقط ۲ درصد صادرات آن غیر نفتی بود. ۲ درصدی که بیش از ۷۰ درصد خود آن نیز محصولات سنتی مانند پسته و فرش دستباف بود. اما با تکیه به پیشرفت‌های علمی در این ۴۰ سال ترکیب اقتصاد کشور کاملاً دگرگون شد و اکنون صادرات غیر نفتی کشور به عدد کل واردات رسیده است. صادراتی که بیش از ۷۰ درصد آن محصولات صنعتی کشور است.

Foreign Trade and Relations

325

TABLE 16.2 Exports and imports of goods (\$m.), selected years

	1963	1972	1978
Oil and gas	471	2,600	23,500
All other goods	137	440	520
Total exports	608	3,040	24,020
Total imports	561	3,161	18,400

Source: based on Vizārat-i Bāzargāni, *Āmār-i Bāzargāni-yi Khārījī-yi Irān* (from the Foreign Trade Statistics of Iran, various dates).

TABLE 16.3 Composition of exported goods (per cent), selected years

	1963	1972	1978
Oil and gas	77	85	98
All other goods	23	15	2
Total	100	100	100

Source: Table 16.2

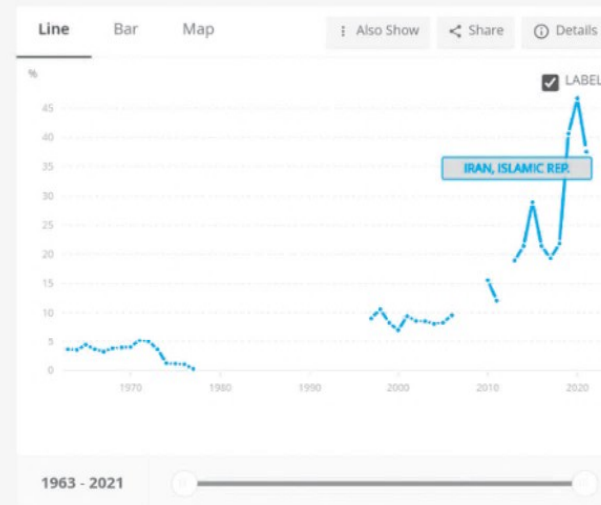
تصویر ۴۹: میزان صادرات ایران سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۷۸/منبع: اقتصاد سیاسی ایران مدرن^۱

1. Katouzian, Homa, *Political economics of modern Iran*, , 325.

Manufactures exports (% of merchandise exports) - Iran, Islamic Rep.

World Bank staff estimates through the WITS platform from the Comtrade database maintained by the United Nations Statistics Division.

License : CC BY-4.0



تصویر ۵۰: میزان صادرات ایران سال‌های ۱۹۶۳-۲۰۲۱/ منبع: بانک جهانی^۱

1. <https://data.worldbank.org/indicator/TX.VAL.MANFZS.UN?locations=IR>.

Oil rents (% of GDP) - Iran, Islamic Rep.

World Bank staff estimates based on sources and methods described in the World Bank's The Changing Wealth of Nations.

License : CC BY-4.0



تصویر ۵۱: میزان درآمد نفتی به نسبت تولید ناخالص داخلی / منبع: بانک جهانی^۱

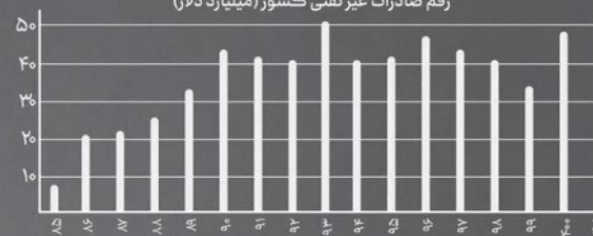
صادرات غیر نفتی ایران در سال ۱۴۰۰ رکورد تاریخی زد و به ۴۸ میلیارد دلار رسید و در سال ۱۴۰۱ دوباره رکورد سال قبل را شکست و به عدد ۵۳ میلیارد دلار رسید.

1. <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PETR.RT.ZS?locations=IR>.

رکورد صادرات غیرنفتی تاریخ ایران

صادرات غیرنفتی ایران در سال ۱۴۰۰ رکورد تاریخی زد و به ۴۸ میلیارد دلار رسید و در سال ۱۴۰۱ دوباره رکورد سال قبل را شکست و به ۵۳ میلیارد دلار رسید.

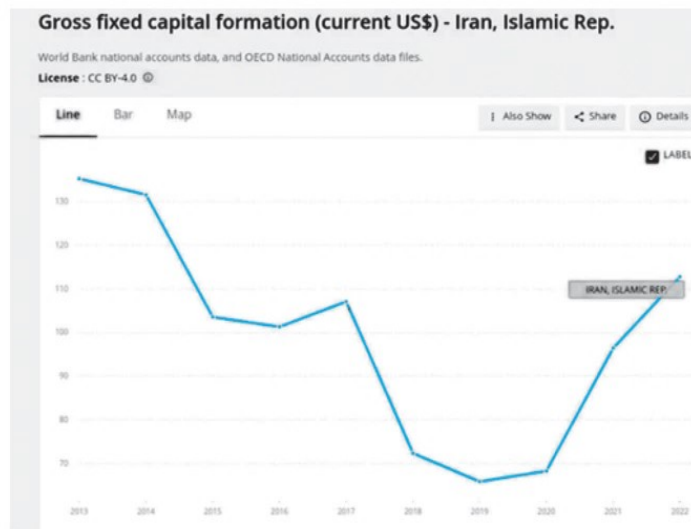
رقم صادرات غیر نفتی کشور (میلیارد دلار)



تصویر ۵۲: رقم صادرات غیرنفتی کشور^۱

رشد سرمایه‌گذاری نیز هم از طرف سرمایه‌گذاران داخلی و هم از طرف سرمایه‌گذاران خارجی افزایش یافت که هم نشانه و هم عامل پیشرفت اقتصادی کشور است.

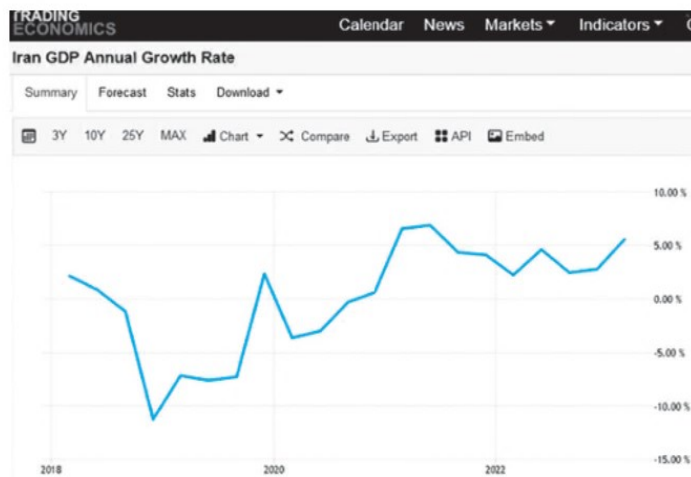
1. <https://dolat.ir/detail/412000>.



تصویر ۵۳: رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ملی / منبع: بانک جهانی^۱

طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۲ پس از سال‌ها رکود به ۳٫۸ درصد رسیده است. بر اساس دیگر گزارش‌ها رشد ایران بیش از ۵ درصد نیز بوده است.

1. <https://data.worldbank.org/indicator/NE.GDI.FTOT.CD?end=2022&locations=IR&start=2013>.

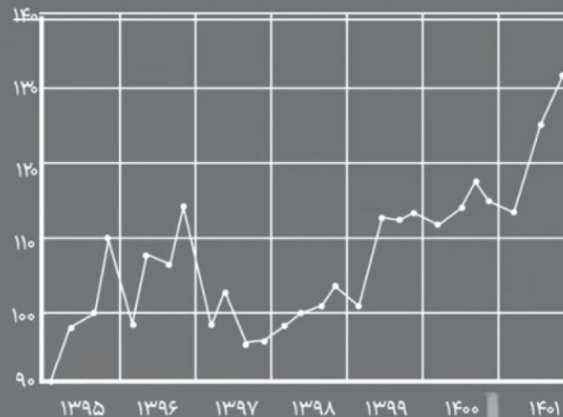


تصویر ۵۴: نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی / منبع: اقتصاد بازرگانی^۱

1. <https://tradingeconomics.com/iran/gdp-growthannual#:~:text=GDP%20Annual%20Growth%20Rate%20in,source%3A%20Statistical%20Center%20of%20Iran.>

افزایش شاخص تولید

تغییرات فصلی شاخص تولید از سه ماهه اول سال ۱۳۹۵ الی سه ماهه سوم سال ۱۴۰۱



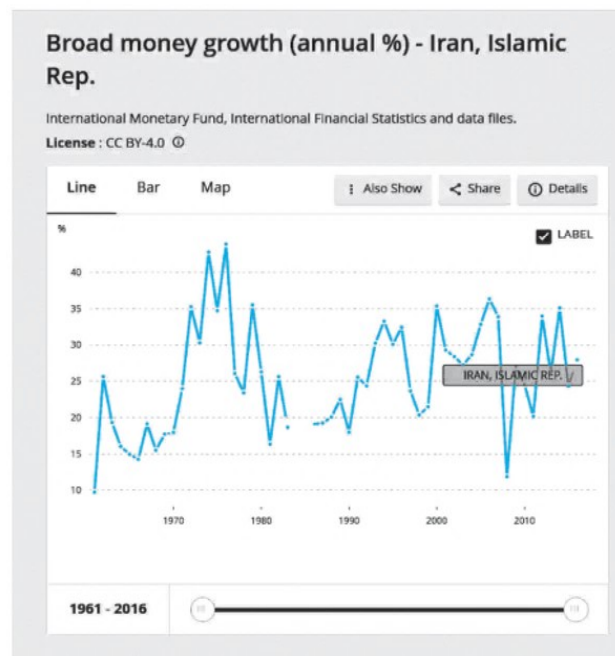
تصویر ۵۵: افزایش شاخص تولید/ منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۶. مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها به نفع تولید

کنترل و مدیریت نقدینگی

مانند دیگر کشورهایی که مراحل ۸ گانه صعود اقتصادی را پیمودند، عبور از بحران‌ها، ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی مانند زیرساخت‌های آموزشی، حمل و نقل، بهداشت و سلامت و ... در کنار هزینه‌های حمایت از بخش‌های مولد و همچنین پرداخت یارانه‌های گوناگون برای کاهش فشار اقتصادی ناشی از بحران‌سازی‌های اقتصادی دشمن، جمهوری اسلامی نیز با مسئله کسری بودجه و نیاز به استقراض از بانک

مرکزی و چاپ پول بدون پشتوانه روبه‌رو بود. البته مسئله کسری بودجه صرفاً به دلیل حرکت استقلال طلبانه جمهوری اسلامی در حوزه اقتصاد به وجود نیامده است. کسری بودجه دولت و چاپ پول بدون پشتوانه عاقبت همه دولت‌هایی است که بیراهه خام فروشی را به دلیل هموارتر بودن نسبت به مسیر استقلال برگزیده‌اند. همان‌طور که رکورددار کسری بودجه و چاپ پول در کشور ما محمدرضا پهلوی در اواسط دهه ۵۰ شمسی است که اتفاقاً تحریم نبود و بیشترین فروش نفت را نیز داشت.



تصویر ۵۶: میزان رشد نقدینگی / منبع: بانک جهانی^۱

1. <https://data.worldbank.org/indicator/FM.LBL.BMNY.ZG?locations=IR>.

اما عدم مدیریت صحیح رشد نقدینگی و هدایت آن به سمت بخش‌های غیر مولد در دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی خصوصاً دولت دوازدهم ضربات بزرگی به اقتصاد کشور وارد کرد. در مراحل صعود دیگر کشورها نیز مشاهده کردیم که چاپ پول بدون پشتوانه چه تورم‌های سنگینی را در قرن ۱۶ برای بریتانیا، در قرن ۱۷ برای هلند، در دهه ۱۸۶۰ برای آمریکا و در دهه ۱۸۴۰ و ۱۸۵۰ برای آلمان به همراه داشت. حال این مسئله کشورهای امروزی را بیش از پیش نیز رنج می‌دهد چرا که در قرن‌های گذشته به دلیل صعوبت ضرب سکه طلا و نقره و سرعت پایین چرخش پول، رشد نقدینگی با سرعت پایین‌تری به روی تورم اثر می‌گذاشت. دلیل دیگر آنکه در قرن‌های گذشته به دلیل عدم وجود دموکراسی و انتخابات دولت‌ها با آزادی عمل بیشتری برای جبران کسری بودجه اقدام به اخذ مالیات از مردم می‌کردند ولی در کشورهای امروزی افزایش مالیات می‌تواند یک دولت را به کلی از عرصه حاکمیت ساقط کند. لذا در چند دهه گذشته و خصوصاً پس از کنار گذاشتن استاندارد طلا برای چاپ دلار، ابرتورم‌های چند هزار درصدی در جهان بیشتر شد و کشورهای بیشتری مانند ترکیه و آرژانتین از محل رشد نقدینگی به ورطه نابودی کشیده شدند.

اما در ایران، کسری بودجه دولت‌ها به استقراض از بانک مرکزی و چاپ پول انجامید. چاپ پول ایجاد تورم کرد و ارزش ریال تضعیف شد. حال بانک‌ها - که ذخایرشان به ریال است - دارایی‌های خود را در حال ضعیف شدن می‌دیدند. لذا اقدام به تبدیل ریال‌هایشان به مسکن، سکه و دیگر کالاهای سرمایه‌ای کردند. از طرفی ابر بدهکاران بانکی نیز صلاح خود را در باز پس ندادن دیون دیدند؛ چراکه اگر حتی یک سال نیز دیون ریالی خود را دیرتر پرداخت می‌کردند، پول کم ارزش‌تری را باید به بانک برمی‌گرداندند. این دو مسئله منجر به ناترازی بانک‌ها گردید و بانک مرکزی به ناچار برای حفظ اعتماد مردم به سیستم بانکی، ناترازی بانک‌ها را با استقراض و چاپ پول جبران کرد تا بانک‌ها بتوانند تعهدات خود را به سپرده‌گذاران ادا کنند.

دهه ۱۳۹۰ برای اقتصاد ایران یکی از تلخ‌ترین بازه‌های زمانی از حیث رشد نقدینگی ناشی از بدهی دولت و بانک‌ها به بانک مرکزی بود. دولت یازدهم در سال ۹۲ در حالی آغاز به کار کرد که ۱۰۳ هزار میلیارد تومان به نظام بانکی بدهی داشت و در پایان هشت

سال؛ بدهی به نظام بانکی با ۵۳۵ درصد افزایش به ۶۵۵ هزار میلیارد تومان رسیده بود. بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به بانک مرکزی در شهریور ۱۳۹۲ برابر با ۳۴ هزار میلیارد تومان بود که در شهریور ۱۴۰۰ به ۱۹۶ هزار میلیارد تومان رسید و ۴۷۳ درصد رشد داشت. همچنین بدهی دولت به صندوق‌های بازنشستگی در سال ۹۲ برابر با ۶۸ هزار میلیارد تومان بود که با ۵۵۹ درصد افزایش در سال ۱۴۰۰ به ۴۴۸ هزار میلیارد تومان رسید. بدهی بانک‌های دولتی به بانک مرکزی نیز در شهریورماه ۱۳۹۲ برابر با ۵۵ هزار میلیارد تومان بود که با ۱۲۷ درصد افزایش در شهریور ۱۴۰۰ به ۱۲۷ هزار میلیارد تومان رسید.^۱

چاپ پول مجدد برای ناترازی بانکی، تورم مکرر ایجاد کرد و این توالی در چرخه نحس نقدینگی و تورم منجر به پدیده انتظارات تورمی در جامعه ایران گردید. پدیده‌ای که در دهه ۱۳۹۰ خود را در بازار ارز، سکه، خودرو، مسکن و بورس نشان داد. همان‌طور که در قضیه جنون لاله در کشور هلند توضیح داده شد، انتظارات تورمی می‌تواند قیمت کالاها را به صورت کاملاً غیرمنطقی بالا برده و ایجاد حباب اقتصادی می‌کند. در شرایطی که مردم پی‌درپی انتظار داشته باشند قیمت کالاها افزایش یابد، همواره بنا دارند تا پول خود را تبدیل به کالایی کنند که بیشترین افزایش قیمت را دارد. در دهه ۱۳۹۰ شمسی نیز به دلیل اعمال تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده علیه ایران، بازار ارز چین و ویژگی‌ای پیدا کرد. با کوچک‌ترین نشانه‌ای از افزایش قیمت در این بازار، هجوم سرمایه‌های مردم به این بازار اتفاق می‌افتاد و خود این مسئله قیمت ارز را چند برابر افزایش می‌داد.

ذکر این نکته در اینجا لازم است که پیش‌بینی‌های اقتصادی مردم مانند پیش‌بینی‌های هواشناسی نیست که تحقق آن قطعی نباشد. پیش‌بینی‌های اقتصادی مردم در شرایط انتظارات تورمی، خودشان، خودشان را محقق می‌کنند. اگر مردم گمان کنند که قرار است کالایی گران شود، آنان که فاقد آن کالا هستند در بازار ایجاد تقاضا کرده و آنان که دارای آن کالا هستند به امید گران‌تر شدن، از عرضه

1. <https://dolat.ir/detail/422728>.

آن خودداری می‌کنند و همین عدم توازن در عرضه و تقاضا خود، گران شدن را محقق می‌کنند. در علم اقتصاد شناسی رفتاری، به این مسئله، پیش‌بینی‌های خودشکوفایا خود محقق کننده می‌گویند. هر کالایی که در ایران دچار عدم توازن در عرضه و تقاضا شده و کوچک‌ترین نشانه‌ای از گران شدن را از خود نشان دهد آماج تقاضاهای سرمایه‌ای قرار گرفته و گرانی آن قطعاً محقق می‌شود. مثل بازار خودرو که به دلیل خروج شرکت‌های خارجی در اثر تحریم دچار افت تولید شده بود، مثل بازار مسکن که به دلیل عدم اجرای قانون توسط دولت یازدهم و دوازدهم دچار رکود تولید شده بود و مثل بورس که خود همواره مستعد این نوسانات کاهش یا افزایش قیمت است.

جالب است بدانید که اگر میانگین معاملات ارز در روز را ۲۰۰ میلیون دلار در نظر بگیریم با احتساب ارز ۴۰ هزار تومانی، فقط ۸ هزار میلیارد تومان (حدود یک هزارم نقدینگی) کافی است که در یک روز از خارج از بازار ارز به این بازار وارد شده تا قیمت آن را دو برابر کند. اتفاقی که به راحتی می‌تواند توسط ۱۰۰۰ نفر شخص حقیقی با دارایی مازاد ۸ میلیارد تومانی به وقوع بپیوندد همین روند بارها نیز اقتصاد ایران را دچار چالش کرده است. با برهم ریختن بازار ارز، سایر بازارها حتی بازارهایی که عمده زنجیره ارزش آنها در داخل است- به دلیل وجود همبستگی نسبی بین بازار کالاهای سرمایه‌ای و انتظارات تورمی- دچار تلاطم می‌شوند. محاسبات فوق در مورد بازارهای مسکن، بورس، طلا و خودرو نیز صادق است. به عنوان مثال در سال ۱۳۹۹ با حدود ۱۰۰ همت خالصه ورود نقدینگی به بازار بورس (۴ درصد نقدینگی کشور در آن زمان)، ارزش این بازار حدود ۴۰۰ درصد رشد کرد! به بیان بهتر با ورود ۱۰۰ همت نقدینگی جدید، ارزش اسمی بازار، از ۲۰۰۰ همت به ۸۰۰۰ همت رسید. این یعنی ۱۰۰ همت - که ۵ درصد ارزش اسمی بازار سرمایه بود- تا ۶۰ برابر این مبلغ به ارزش اسمی بازار سرمایه اضافه کرد که البته به دلیل غیرواقعی بودن این رشد قیمت، حباب بورس ترکید و بسیاری از سرمایه‌گذاران در بورس، مشابه سرمایه‌گذاران هلندی در بازار گل لاله، همه دارایی خود را از دست دادند. برای مقابله با این مسئله دولت باید علاوه بر کنترل رشد نقدینگی، بر چگونگی حرکت این نقدینگی و ورود آن به بازارهای مختلف نیز نظارت کند. در یک جمع‌بندی نسبت به حرکت ایران تا بدین مرحله از مراحل صعود به قله اقتصادی باید بگوییم

که جمهوری اسلامی توانست با ایجاد زیرساخت‌های فناوری و حمایت از تولید، در گام نخست ناترازی تجاری خود را تا حد قابل قبولی از بین ببرد. حال می‌بایست با کنترل کسری بودجه و ناترازی بانکی زمینه ایجاد تورم را کاهش دهد. سپس با ابزارهای کنترلی مناسب، مانع ورود نقدینگی به بخش‌های غیر مولد و بازارهای سرمایه‌ای شده تا جلوی پدیده انتظارات تورمی نیز گرفته شود. این اقدامات شامل عواملی می‌باشد که از ورود سرمایه به بخش‌های غیر مولد جذابیت زدایی می‌کند مانند: مالیات به دلالتی، مالیات به عایدی سرمایه و....

در دو سال گذشته دولت سیزدهم توانسته با صفر کردن کسری بودجه، کاهش ناترازی بانکی در عین هدایت تسهیلات به بخش تولیدی و ورود به درآمدزایی مالیاتی خصوصاً از طریق مالیات ستانی از فعالیت‌های غیر مولد، کشور را وارد مرحله ششم از مراحل صعود ۸ گانه به سمت قله اقتصادی کند.

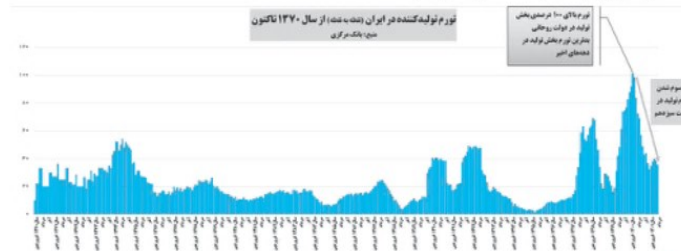
● تلاش برای رفع کسری بودجه

جدیدترین گزارش بانک مرکزی از شاخص‌های پولی کشور نشان می‌دهد استقراض دولت از بانک مرکزی که رویه مرسوم و اسفناک دوره هشت ساله ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ برای رفع کسری بودجه بود، به‌طور کامل متوقف شده است. تحلیل آمارهای پولی نشان می‌دهد بدهی دولت به بانک مرکزی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی رشد پایه پولی و نقدینگی، در دولت سیزدهم مهار شده و رشد متوسط ماهانه آن از ۶ درصد در یک سال پایانی دولت دوازدهم به ۰/۹ درصد در دولت سیزدهم کاهش یافته است. به هر حال تلاش دولت سیزدهم بر کاهش بدهی‌های دولت است و اقداماتی همچون عدم استفاده از تنخواه بانک مرکزی، کاهش کسری بودجه، مدیریت انتشار اوراق، استقرار حساب واحد خزانه، جلوگیری از رسوب منابع در حساب دستگاه‌ها مؤید کاهش این بدهی‌ها است؛ چراکه آنچه از میراث دولت دوازدهم است، نه صرفاً بدهی بلکه بی‌توجهی به انضباط مالی و بودجه‌ای بوده است و به همین دلیل دولت‌های یازدهم و دوازدهم در پایان ۸ سال فعالیت خود بدهی‌های دولت را ۵ برابر کرده و تحویل دولت سیزدهم داده‌اند.

● کاهش هزینه‌های تولید با کاهش تورم تولیدکننده

شاخص بهای تولیدکننده^۱ به‌عنوان یک نماگر اقتصادی از کاربرد ویژه‌ای در حساب‌های ملی برخوردار می‌باشد. این شاخص از سال ۱۳۶۹ در ایران توسط بانک مرکزی محاسبه و منتشر می‌شود. شاخص بهای تولیدکننده (تورم تولید) تغییرات قیمت کالاها و خدمات تولید و عرضه‌شده توسط تولیدکننده به عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، صنایع، مصرف‌کننده نهائی و یا خریداران خارجی را نشان می‌دهد و نمایانگر روند تغییرات قیمت‌ها از دیدگاه تولیدکننده و خریدار در بخش‌های مختلف اقتصادی مانند کشاورزی، ماهیگیری، صنعت، خدمات و... می‌باشد.

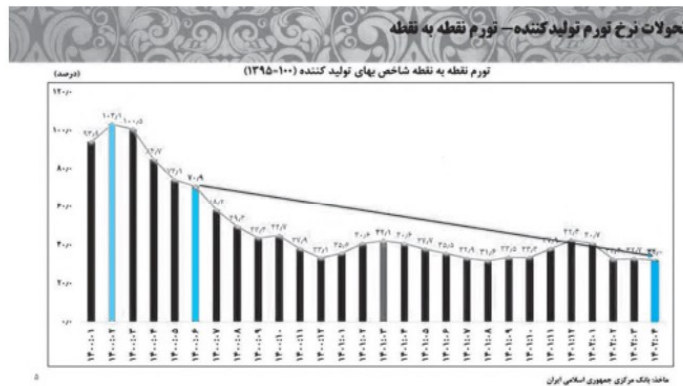
آمار بانک مرکزی نشان می‌دهد تورم نقطه‌به‌نقطه تولید برای اولین بار در دهه‌های اخیر در دولت دوازدهم سه‌رقمی شد به‌طوری‌که در اردیبهشت ۱۴۰۰ به ۱۰/۳ درصد افزایش یافت که از زمان شروع گردآوری آمار تورم تولید توسط بانک مرکزی (۱۳۷۰) تاکنون بی‌سابقه بوده است. در تیرماه ۱۴۰۰ و هم‌زمان با آخرین ماه کاری دولت دوازدهم تورم بخش تولید به ۸۳/۶ درصد رسید. اما در دولت سیزدهم روند کاهشی تورم تولید شروع شد به‌طوری‌که طبق آخرین آمار در مرداد ۱۴۰۱ تورم نقطه‌به‌نقطه بخش تولید به ۳۵/۸ درصد رسید که نسبت به پایان دولت دوازدهم کمتر از نصف شده و نسبت به رکورد تاریخی ۱۰/۳ درصدی در اردیبهشت ۱۴۰۰ تقریباً یک‌سوم شده است و در بهار ۱۴۰۲ به ۲۵ درصد رسیده است.



تصویر ۵۷: میزان تورم تولیدکننده در ایران از سال ۱۳۷۰ تا مرداد ۱۴۰۰/ منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

1. Producer Price Index.
2. <https://www.irna.ir/amp/84890432/>

با وجود زمان بر بودن اثر سیاست‌های کنترل تورم، بررسی شاخص پیش‌نگر تورم یا همان نرخ تورم تولیدکننده می‌تواند تصویر مناسبی از اثرگذاری سیاست کنترل مقداری نقدینگی به نمایش بگذارد. سقوط ۷۰ درصدی نرخ تورم تولیدکننده به خوبی نمایانگر کاهش سطح انتظارات و احتمال کاهش جدی نرخ تا پایان سال جاری می‌باشد. نباید از یاد برد که ابتدای سال ۱۴۰۰ زمانی که نرخ تورم تولیدکننده مرز ۱۰۰ درصد را شکست، بسیاری از تحلیلگران، پیش‌بینی وقوع ابرتورم را نیز داشتند، اما امروز نه تنها این خطر وجود ندارد بلکه تورم تولیدکننده سقوط ۷۰ درصدی را تجربه کرده است.



تصویر ۵۸: نرخ تورم تولیدکننده فروردین ۱۴۰۰ - تیر ۱۴۰۰ / منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران^۱

● هدایت اعتبار و نقدینگی

سیاست هدایت اعتبار به‌طور رسمی و گسترده اولین بار توسط بانک مرکزی آلمان در سال ۱۹۱۲ اجرا و سپس در دهه ۱۹۲۰ توسط فدرال رزرو (بانک مرکزی آمریکا) کپی شد، اما بیشترین تأثیر در تاریخ اقتصادی را زمانی داشت که سیاست مذکور به‌طور گسترده توسط بانک‌های ژاپن، کره جنوبی و تایوان در اوایل دهه ۱۹۴۰ در طی جنگ جهانی

1. <http://fna.ir/3eq33n>.

دوم اتخاذ شد و سپس برای دهه‌ها سال پس از دوران جنگ ادامه یافت. به‌طوری‌که در سال ۱۹۹۳ بانک جهانی اذعان کرد که سیاست دخالت در تخصیص اعتبار، عامل اصلی معجزه اقتصادی شرق آسیا بود. به عبارتی دیگر رشد بسیار بالایی که توسط تعداد زیادی از اقتصادهای شرق آسیا در دوره پس از جنگ جهانی دوم تجربه شد با اجرای رژیم هدایت اعتبار به دست آمد. در واقع سیاست هدایت اعتبار یک کاتالیزور مهم برای رشد اقتصادی و جبران سریع عقب‌ماندگی‌های اقتصادی در چندین کشور آسیایی مانند ژاپن، کره جنوبی، چین، تایوان، تایلند و اندونزی اجرا شد.

نتایج سیاست‌های هدایت اعتبار در آلمان موفقیت بسیاری داشته و همین موجب شد، رئیس‌کل بانک مرکزی ژاپن هیساتو ایشیمادا^۱ که در دوره‌ای ارتباط نزدیکی با یالمارشاخت^۲ داشت با سیاست هدایت اعتبار و آثار آن آشنا و همین باعث انتقال این تجربه به ژاپن شد. در ژاپن این سیاست با عنوان درجه هدایت اعتبار اجرا شد.

هدایت اعتباری با عناوین و اشکال مختلف پیش از دهه ۱۹۸۰ در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته و نوظهور در حال اجرا بود و دولت‌ها در این قالب‌ها تلاش می‌کردند که تخصیص اعتبار را به سمت بخش‌های اولویت‌دار سوق دهند. با مطرح شدن مباحث مربوط به سرکوب مالی و اینکه تخصیص بهینه منابع با تعیین دستوری نرخ و دست‌کاری در تخصیص از طرف دولت حاصل نمی‌شود، این سیاست‌ها عملاً در شماری از کشورها منسوخ شد؛ اما در این میان، کشورهای آسیای شرقی تجربه موفق در اجرای سیاست‌های هدایت اعتباری داشتند و از آنها به‌عنوان نمونه‌های موفق این سیاست یاد می‌شود.

در کشور ژاپن تا سال ۱۹۹۱، سیاست‌های هدایت اعتباری با دو هدف اجرا می‌شد: نخست، کنترل رشد کمی اعتبارات بانک‌ها به‌گونه‌ای که برای هر بانک سهمیه مشخصی برای رشد اعتبارات تعیین می‌شد. دوم، هدایت اعتبارات بانک‌ها به بخش‌های اولویت‌دار. عدم رعایت بانک‌ها از این دستورالعمل‌ها نیز برای آنها جریمه

1. Hisato Ichimada.

2. Hjalmar Schacht.

(رئیس کل بانک مرکزی آلمان در سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۰ و ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۹ و وزیر اقتصاد هیتلر در سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۷)

به همراه داشت؛ به عنوان نمونه، با توجه به اینکه نرخ تنزیل (نرخ اعطای اعتبار بانک مرکزی به بانک‌ها) کمتر از نرخ بازار بین بانکی بود، بانک‌هایی که این دستورالعمل‌ها را رعایت نمی‌کردند، از تأمین مالی ارزان از بانک مرکزی محروم می‌شدند.

● رفع ناترازی نظام بانکی

دولت سیزدهم در تغییر ریل اقتصاد توجه ویژه‌ای به اصلاح نظام بانکی داشت و براین اساس اسفندماه سال گذشته سند راهبردی اصلاح نظام بانکی را با هدف هدایت نقدینگی به سمت فعالیت‌های تولیدی و اشتغال آفرین و افزایش دسترسی خانوارها و فعالان اقتصادی به تسهیلات و اعتبارات بانکی در ستاد هماهنگی اقتصادی دولت تصویب شد. تیم اقتصادی دولت سیزدهم برای نیل به اهداف تعیین شده همچون بهبود ناترازی و اصلاح نظام بانکی گام‌هایی برداشت که از جمله آنها می‌توان به اعطای تسهیلات خرد، افشای بدهکاران بانکی، فروش اموال مازاد، شفاف‌سازی صورت‌های مالی اشاره کرد.

● حذف حاشیه امن ابربدهکاران بانکی

عمده منابع بانک‌ها از سپرده مردم به دست می‌آید، بنابراین مطلع شدن سپرده‌گذاران از محل هزینه‌کرد منابع بانک‌ها ضروری است. اینکه حدود ۱۰ درصد از منابع بانک‌ها توسط عده‌ای در قالب وام گرفته شده و پس داده نمی‌شود، فقط به زیان بانک‌ها نیست بلکه به زیان سپرده‌گذاران و عموم مردم است. یکی از اقدامات مهم دولت سیزدهم در راستای شفافیت، انتشار لیست ابربدهکاران بانکی در این دولت بود که در این مورد، اواخر فروردین ماه سال ۱۴۰۱ تعداد ۱۱ بانک فهرست بدهکاران بالای ۱۰۰ میلیارد تومان خود را منتشر کردند.

پس از انتشار فهرست بدهکاران، بانک‌ها مکلف شدند تا هر سه ماه یک‌بار این فهرست را به روزرسانی کنند تا مردم از جزئیات اعطای تسهیلات باخبر شوند و امکان دسترسی تسهیلات برای مردم و تولیدکنندگان فراهم شود.

● رفع ناترازی بانک‌ها

تیم اقتصادی دولت به خصوص بانک مرکزی برای کنترل نقدینگی سیاست تثبیت اقتصادی را در پیش گرفت که یکی از مؤلفه‌های این سیاست اصلاح نظام بانکی و اصلاح ناترازی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بود. پیش از این، رشد ترازنامه برای بانک‌های تجاری دو درصد و برای بانک‌های تخصصی ۲/۵ درصد در ماه بود اما بانک مرکزی در اقدامی جدید این رقم را برای بانک‌های ناتراز ۱/۵ درصد و بانک‌های تراز ۲/۵ درصد تعیین کرد. چنانچه بانک‌ها از مقدار تعیین شده بانک مرکزی تبعیت نکنند و در مسیر اصلاح قرار نگیرد با ممنوعیت پرداخت تسهیلات و پذیرش تعهدات شرکت‌های تابعه و اشخاص مرتبط مواجه می‌شوند. اثربخشی کنترل ناترازی بانک‌ها در میزان رشد نقدینگی قابل مشاهده است که موجب شد رشد نقدینگی از ۴۲/۸ درصد به ۲۷/۵ درصد برسد.

● خروج بانک‌ها از زیان‌دهی

یکی از اقدامات مهم در دولت سیزدهم که رئیس‌جمهور نیز بر آن تأکید داشت اقدام تحولی در حوزه مالی و بانک‌های دولتی بود. به گفته وزیر اقتصاد هنگامی که دولت سیزدهم اداره کشور را در دست گرفت بانک‌های ملی، کشاورزی، توسعه تعاون و سپه زیان‌ده بودند و سود تمامی بانک‌های دولت را صرف خود کرده بود. دولت برای خروج از این زیان‌دهی سیاست انضباط و قانون‌مندی، پرهیز از پرداخت‌های غیرقابل بازگشت، پرداخت بر اساس استانداردهای کشور و تأکید بر مدیران برای رعایت قوانین را در پیش گرفت که نتیجه بخش بود و غیر از بانک سپه که تحت تأثیر اثرات ناشی از ادغام بود، تمام بانک‌های دولتی از زیان‌دهی خارج شدند و در سال گذشته ۷۰ هزار میلیارد تومان سود خالص شبکه بانکی کشور ثبت شد.^۱

در حوزه بانک‌های دولتی از مجموعه ۱۲ بانکی که دولت سهامدار آنهاست و یا بانک‌های اصل ۴۴، در سال ۹۷ فقط یک بانک داشتیم که سود خالص شناسایی کرده بود و سایر بانک‌های تحت مدیریت دولت زیان تولید می‌کردند. در ۱۴۰۱ تمام

1. <https://irna.ir/xjNgHN>.

بانک‌های تحت مدیریت دولت غیر از یک بانک به سوددهی رسیدند و امیدواریم یک بانک باقی مانده نیز تا پایان سال به آستانه سودآوری برسد. مجموع زیان خالص این بانک‌ها در سال ۱۴۰۰، ۵۵۰۰ میلیارد تومان بود که در پایان سال ۱۴۰۱ به حدود ۷۵ هزار میلیارد تومان سود خالص رسید که نشان دهنده بهبود شاخص‌های عملکردی، مدیریت منضبط، کاهش ریخت و پاش‌ها و هزینه‌های غیرضروری است.^۱

روژآمدسازی ساختارها

یکی از مسائل مهم دیگر این است که تمام ساختارها و قوانین کشور باید در جهت تحقق تولید و تبدیل اقتصاد کشور به اقتصادی دانش‌بنیان و تولیدمحور روژآمد شود و تغییر کند. در دنیایی که ارتباطات، پیچیدگی‌ها و سرعت تغییرات در حال افزایش است، نظام‌های اقتصادی نیازمند اصلاحات ساختارها و رفع ناترازی‌ها هستند که بتوانند تاب‌آوری اقتصاد را در مقابل تحولات جهانی، شوک‌های بیرونی و چالش‌های داخلی افزایش دهند. تحولات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در نظم بین‌الملل و اعمال وجود محدودیت‌ها و موانع در حوزه فرامرزی ایران، نیازمند جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل شده است. اصلاح ساختار اقتصادی به معنای تحول در نظام یا سازمان‌دهی اقتصادی مشتمل بر تغییر در سازمان‌ها، قوانین و ابزارهای سیاستی است، تا اقتصاد کشور بتواند به صورت پایدار، نوآورانه و قابل اعتماد عمل کند و به نیازهای جامعه پاسخ دهد. در ادامه برخی از ساختارهایی که کشور در جهت اصلاح آنها گام‌هایی اساسی برداشته است تشریح خواهد شد.

● اصلاح ساختار بودجه

قطع وابستگی به نفت با تفکیک بودجه ارزی و ریالی

از سال ۱۳۵۰، یعنی پس از افزایش قیمت جهانی نفت و افزایش سهم آن در بودجه عمومی، همواره روند وابستگی کشور به درآمدهای نفتی، صعودی بوده است. این روند منجر به آسیب‌پذیری هرچه بیشتر کشور از نوسانات قیمت جهانی نفت و

1. <https://www.mefa.ir/fa-IR/mefa/11351/news/view/15181/253379/Staging>.

تحولات مقطعی بین‌المللی شده است. درواقع افزایش وابستگی بودجه کشور به درآمدهای نفتی نقطه عطف گره خوردن سفره مردم به مسائل خارجی بود که رهبر انقلاب علیه السلام بارها در مورد آن هشدار داده بودند. وقتی بودجه کشور به یک منبع خام مانند نفت وابسته باشد، با کاهش و یا افزایش قیمت آن محصول، درآمد کشور نیز دچار نوسان شده و مشکلات بسیاری نظیر تورم را برای مردم ایجاد می‌کند.

لذا مطالبه قطع وابستگی به نفت، اصلاح ساختار بودجه و اصلاح نظام مالیاتی یکی از مطالبات قدیمی رهبری و جامعه کارشناسی کشور از ابتدای دهه ۷۰ بوده است. برای قطع وابستگی بودجه به نفت نیاز است تا درآمدهای ریالی کشور آن‌قدر زیاد باشد تا نیازی به تبدیل ارز به ریال برای پوشش مخارج و هزینه‌های عمومی نباشد. از طرفی مهم‌ترین عامل تولید در کشور، وجود زیرساخت‌های مناسب برای تولید است. علی‌رغم اینکه اتفاقات بسیار روشن و مبارکی در حوزه ایجاد زیرساخت‌ها در طول ۴ دهه گذشته اتفاق افتاده، اما برای جهش تمدنی، نیاز به زیرساخت‌های بسیار بیشتری نظیر احداث هزاران کیلومتر راه‌آهن، احداث بنادر، جاده و بزرگراه، قطارهای سریع‌السیر و ... احساس می‌شود. به‌زعم کارشناسان و اقتصاددانان درآمدهای ارزی کشور باید صرف توسعه این زیرساخت‌ها شود تا از این طریق تولید کشور رونق گرفته و درآمدها نیز افزایش پیدا کند. رهبر انقلاب علیه السلام در بیانات نوروزی ۱۴۰۱ در توصیه‌هایی به افزایش قیمت نفت و درآمدهای ارزی اشاره کردند و با طرح این سؤال که با درآمدهای نفتی چه می‌خواهید بکنید، فرمودند: «با این درآمدها دو گونه می‌توان برخورد کرد یا می‌توان آنها را صرف افزایش واردات کرد با این تصور که با این کار، رفاه و آسایش مردم بیشتر می‌شود. این کار اگرچه ظاهر خوبی دارد اما باطن آن بسیار بد و درواقع ضایع کردن سرمایه‌های اساسی کشور است. راه دیگر که راه درست و اساسی است، استفاده از درآمدهای نفتی برای ساختن زیرساخت‌های کشور و محکم کردن بنیان‌ها و ریشه‌دار کردن اقتصاد است که این کار باید انجام شود». لذا تفکیک بودجه ارزی از ریالی یکی از مهم‌ترین راهکارهای توصیه‌شده جریان کارشناسی به دولت جهت بهبود مصارف ارزی، کاهش تورم و افزایش رشد اقتصادی کشور بوده است. برای چنین کاری ابتدا باید ساختار ناعادلانه نظام

مالیاتی اصلاح‌شده تا اولاً سهم مالیات به عنوان یکی از درآمدهای ریالی در بودجه کشور بیشتر شده و دوماً عدالت با ایجاد یک نظام نسبتاً عادلانه مالیاتی، تشویق به سرمایه‌گذاری انجام و درآمدهای کشور افزایش یابد. در ادامه اقدامات دولت برای اصلاح نظام مالیاتی تشریح خواهد شد.

اصلاح ساختار ناعادلانه نظام مالیاتی

تعداد زیادی از افراد جامعه بر این باورند که نظام مالیاتی فعلی کشور ناعادلانه است و به همین دلیل می‌توان گفت که ادراک عدالت مالیاتی در کشور ما وضعیت مناسبی ندارد. در چرخه معیوب نظام مالیاتی ناکارآمد، فردی که مسائل مالی‌اش را شفاف و علنی کند عملاً بازنده می‌شود، بنابراین به سمت پنهان‌کاری بیشتر حرکت می‌کند؛ در این نظام مالیاتی اصل بر خلاف‌گویی افراد است مگر اینکه ثابت کند که درست می‌گوید. دولت سیزدهم با درک این مسئله مهم، تلاش کرده تا با اصلاح سازوکارها و ایجاد مشوق‌هایی، فرهنگ مالیاتی را گسترش دهد تا اولاً عدالت مالیاتی تحقق یافته و دوماً گامی بلند در راستای اصلاح نظام بودجه‌ریزی و جداسازی بودجه ارزی از بودجه ریالی انجام دهد. نگرانی از وضعیت ناپایدار نفت به دلیل محدودیت ذخایر، دولت‌ها را به این نتیجه رسانده که باید بند ناف اقتصاد کشور را از نفت برید و به جای آن به درآمدهای پایدار تکیه کرد. دولت سیزدهم با توجه به این مسئله مهم، تحول نظام مالیاتی کشور به عنوان یکی از محورهای طرح تحولات اقتصادی با هدف ارتقای جایگاه مالیات‌ها در تأمین مالی دولت و کاهش اتکای بودجه دولت به عواید حاصل از صادرات نفت را در دستور کار قرار داد.

از سویی دیگر دریافت و تلقی جامعه نسبت به مسئله مالیات، حول مفاهیمی چون بی‌عدالتی متمرکز بود. چرا که کارمندان و صاحبان مشاغل کوچک مالیات‌های خود را به موقع پرداخت می‌کنند اما برخی از صاحبان مشاغل از پرداخت آن فرار می‌کردند. این اقدام علاوه بر کاهش درآمدهای عمومی منجر به ایجاد حس بی‌عدالتی در بین مردم نیز می‌شود. بررسی نتایج اقدامات اصلاحی نشان می‌دهد که تعداد مؤدیان مالیاتی و همچنین میزان تحقق درآمدهای

مالیاتی جهشی قابل توجه داشته که البته این مهم نه از طریق تشدید فشار بر مودیان شفاف بلکه از طریق افزایش پایه‌های مالیاتی و بهره‌گیری از نظام هوشمند مالیاتی و گسترش فرهنگ مالیاتی بوده است به طوری که در سال ۱۴۰۲ حدود ۵۰ درصد از مشاغل، مالیات صفر و حدود ۴۰ درصد نیز مالیات زیر ۲۰ میلیون تومان پرداخت کرده‌اند. همچنین طی دو سال گذشته از بار مالیاتی بخش تولید نیز به میزان ۷ درصد کاسته شده است. مهم‌ترین اصلاح در ساختار مالیاتی، تدوین لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم با هدف کاهش بار مالی تولید، ارتقای عدالت مالیاتی و بهبود توزیع درآمد از طریق وضع مالیات بر جمع درآمد، حرکت از سمت نظام مالیاتی ممیزمحور به سمت نظام مالیاتی هوشمند داده‌محور، کارآمدسازی مشوق‌های مالیاتی و همچنین ایجاد ارتباط میان نظام مالیاتی و نظام حمایتی است.

علاوه بر این، تصویب مالیات برعایدی سرمایه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای مالیاتی در راستای مقابله با فعالیت‌های سوداگرانه مخرب در بازار دارایی‌ها شامل املاک، خودرو، ارز و طلا از دیگر اصلاحات جدید کشور در حوزه مالیاتی است. همچنین اجرای بخش قابل توجهی از سازوکارهای قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان یکی دیگر از دستاوردهای دولت سیزدهم در حوزه مالیاتی است که این امر نقش به‌سزایی در ایجاد شفافیت در مبادلات اقتصادی و به تبع آن کاهش زمینه‌های فرار مالیاتی داشته است. مجموع این اقدامات و به ویژه ایجاد ارتباط میان تراکنش بانکی و فعالیت اقتصادی اشخاص موجب شد تا تعداد اشخاص حقیقی دارای اظهارنامه مالیات عملکرد از حدود ۲/۶ میلیون فقره در سال ۱۴۰۰ به ۵/۳ میلیون در سال ۱۴۰۲ افزایش و درآمد ابرازی آنها ۱۰ برابر افزایش یابد.^۱

بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد

بودجه‌ریزی سنتی دارای معایب متعددی است. از مهم‌ترین معایب این نوع بودجه‌ریزی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. <https://dolat.ir/detail/422684>.

- بودجه‌ریزی سنتی فاقد شفافیت لازم برای مشخص کردن برنامه‌های دولت است.
- در این نوع بودجه‌ریزی به علت نبود شفافیت، پاسخگویی دولت‌ها در قبال برنامه‌های خود تضعیف می‌شود.
- بین میزان بودجه اختصاص یافته با میزان و حجم برنامه‌های در دست اجرا، تناسب خاصی وجود ندارد.
- صرفاً سازمان‌ها و افرادی که قدرت چانه‌زنی بالاتری دارند، بودجه بیشتری دریافت می‌کنند.
- نظام بودجه‌ریزی سنتی فاقد بهره‌وری و کارایی لازم در اجرای فعالیت‌ها است.
- در این روش منابع مالی دولت بیشتر هدر می‌رود و امکان رصد و نظارت کمتری بر روی مراحل خرج وجود دارد.

بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد به دنبال آن است که اگر برنامه‌ای عملکرد خوبی داشته باشد، بتواند منابع مالی بیشتری را دریافت کند و در غیر این صورت، بودجه آن برنامه کاهش یابد یا حتی حذف شود. بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد قصد دارد «عملکرد سازمان‌های مختلف را اندازه‌گیری کند و بودجه سازمان‌ها را متناسب با آن تنظیم کند. سازمان‌هایی که کار خود را به خوبی انجام می‌دهند باید بودجه خود را افزایش دهند. سازمان‌هایی که کار ضعیفی انجام می‌دهند باید بودجه خود را کاهش دهند». به عبارت دیگر، این مدل یک سیستم بودجه‌ریزی است که منابع ورودی را به عملکرد مرتبط می‌کند و به دنبال بهبود بهره‌وری هزینه با پیوند بودجه به نتایج و استفاده از اطلاعات عملکرد برای دستیابی به این ارتباط است. به بیان ساده‌تر بودجه‌ریزی عملیاتی عبارت است از رویه‌ها یا سازوکارهایی که به منظور تقویت ارتباط بین وجوه ارائه شده به نهادهای بخش عمومی و نتایج و بازده آنها بر اساس اطلاعات رسمی عملکرد برای تخصیص منابع است.

بدین منظور با مجلس شورای اسلامی در جریان رسیدگی به برنامه هفتم توسعه با تصویب با تصویب بند الف ماده ۱۸ این لایحه به شرح زیر سازمان برنامه و بودجه مکلف را مکلف کرد تا پایان سال دوم برنامه هفتم، نسبت به استقرار تدریجی نظام

بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد در دستگاه‌های اجرایی ارائه‌دهنده خدمت و محصول اقدام نماید:

— ماده ۱۸- به منظور کاهش هزینه‌های جاری، ارتقای بهره‌وری منابع و ارتقای شفافیت در هزینه‌کرد دستگاه‌های اجرایی، اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف- سازمان مکلف است تا پایان سال دوم برنامه نسبت به استقرار تدریجی نظام بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد در دستگاه‌های اجرایی ارائه‌دهنده خدمت و محصول اقدام نماید، به نحوی که پیش‌بینی و پرداخت اعتبارات بر اساس فعالیت‌ها (محصولات و خدمات) متناسب با قیمت تمام شده و حجم فعالیت صورت گیرد.

ب- آیین‌نامه اجرایی مذکور شامل اعطای اختیارات به مدیران اجرایی و ساز و کارهای تشویقی و همچنین معیارها و فهرست دستگاه‌های اجرایی مشمول این حکم و ضوابط اجرایی مربوط بنا به پیشنهاد سازمان به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

● اصلاح سازوکارها با هدف تسهیل فضای کسب و کار

محیط کسب و کار از اجزاء و عوامل مختلفی تشکیل شده که یکی از مهمترین اجزای آن مجوزهای کسب و کار است و صدور این مجوزها تأثیر به‌سزایی در ایجاد و توسعه فضای کسب و کار در کشور دارد اما گستردگی، درهم تنیدگی و تعدد نظام مجوزدهی و همچنین، فرآیند پیچیده و زمان‌بر مجوزهای کسب و کار، به عنوان یک معضل و چالش اساسی پیش‌روی فضای کسب و کار و تولید کشور مطرح است و فعالیت اقتصادی را برای فعالان اقتصادی غیرقابل توجیه کرده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد از میان موانعی که پیش‌روی تولید کشور قرار دارد، صدور مجوزها سهم ۵۵ درصدی از مشکلات و موانع تولید را به خود اختصاص داده‌اند.^۱

1. <http://fna.ir/76xe5>.

ایران در جدیدترین رتبه‌بندی جهانی سهولت کسب و کار که از سوی بانک جهانی در سال ۲۰۲۰ منتشر شده، با یک پله صعود نسبت به رتبه‌بندی سال گذشته در جایگاه ۱۲۷ جهان قرار گرفت. شاخص سهولت کسب و کار از ۱۰ زیر شاخص شامل «شروع کسب و کار»، «شرایط صدور مجوز ساخت»، «دسترسی به برق»، «ثبت مالکیت»، «اخذ اعتبار»، «حمایت از سرمایه‌گذاران اقلیت»، «پرداخت مالیات»، «تجارت برون مرزی»، «اجرای قراردادهای» و «رسیدگی به ورشکستگی و پرداخت دیون» تشکیل شده است که امتیاز کشورها در هر یک از این زیرشاخص‌ها با توجه به فاصله آنها از سطح ایده‌آل (امتیاز ۱۰۰) محاسبه شده و در رتبه‌بندی نهایی به صورت ترکیبی لحاظ می‌شود.

یکی از اصلی‌ترین موانع، مجوزها، رویه‌ها و مقررات مازادی است که نه تنها با مخدوش کردن چشم‌انداز پیش‌روی کسب و کارها، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از آنها سلب کرده و از جذب سرمایه‌گذاری جلوگیری می‌کند، بلکه به طور کلی اجازه استفاده از ظرفیت‌های موجود و البته افزایش ظرفیت‌ها را هم به این بخش نمی‌دهد. از این رو سیاست‌گذاری برای بهبود ظرفیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری، بدون رفع موانع و چالش‌های این بخش و پیگیری برنامه‌های حمایتی هدفمند، موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

نکته قابل تأمل آنکه در کشور ما علاوه بر صدور قوانین و بخشنامه‌های یک شبه، قوانین قبلی که گاه‌گاه در تضاد با این رویه‌های جدید است حذف نشده و به قوت خود باقی می‌ماند که این امر خود به تنهایی تبدیلی به یک چالش بزرگ شده است.

در حالی که تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار و حذف موانع تولید از ۱۳ سال پیش تاکنون در قالب قانون اصل ۴۴ قانون اساسی یکی از تکالیف دولت‌ها بوده است، اما تاکنون گام بلندی در این راه برداشته نشده است. دولت سیزدهم یک پروژه جدی برای اجرایی کردن این تکلیف، تعریف و اجرایی کرد که طی آن تمام دستگاه‌های اجرایی باید ضمن اینکه به درگاه ملی مجوزها متصل می‌شوند، مراحل صدور مجوزهای مربوط به خود را نیز تسهیل کنند.

با شروع به کار دولت سیزدهم، موضوع بهبود محیط کسب و کار با جدیت آغاز شد. بر این اساس همه دستگاه‌های اجرایی مکلف شدند تا ۱۸ اسفند ۱۴۰۰ دو کار اصلی و مهم برای تسهیل شرایط صدور کسب و کار در کشور انجام دهند. نخستین اقدام این بود که همه دستگاه‌ها باید شرایط صدور مجوزهای زیرمجموعه خود را شفاف و غیرقابل تفسیر کنند و برای راه‌اندازی یک فعالیت اقتصادی نباید هیچ شرط مبهمی باشد و متقاضیان راه‌اندازی کسب و کارهای مختلف باید خیلی راحت و کامل از شرایط مجوز درخواستی خود آگاه و مطلع شوند. دومین وظیفه اصلی دستگاه‌های مختلف، اتصال سامانه تخصصی صدور مجوز تا ۱۸ اسفند ۱۴۰۰ به درگاه ملی مجوزها بود تا متقاضیان بتوانند به صورت الکترونیک از داخل خانه یا گوشی همراه خود، در حداقل زمان مجوز درخواستی خود را دریافت کنند.

طراحی و اجرای درگاه ملی مجوزها سه گام داشت و این درگاه از اواخر سال ۱۴۰۰ شروع شد و تقریباً در سال ۱۴۰۱ به پایان رسید. در گام نخست افراد می‌توانستند شرایط مجوز صدور را مشاهده و در گام دوم به صورت الکترونیکی درخواست صدور مجوز را ثبت می‌کردند و در مرحله بعد بر اساس شرایط اعلام شده صدور مجوز انجام می‌شد. با شروع به کار درگاه ملی مجوزها دیگر امضاهای طلایی از بین رفت و شرط‌های اعلام شده برای صدور مجوز کسب و کار تقریباً حذف شد. تا چندین سال پیش، اخذ مجوز برای ایجاد یک کسب و کار، امری بسیاری مشکل بود. به همین دلیل، بسیاری از کسانی که به دنبال دریافت این مجوز بودند، در نیمه راه از ادامه مسیر منصرف می‌شدند.

قبلاً، تولیدکننده در مسیر شروع یک کسب و کار باید زمان، هزینه و انرژی زیادی را برای دریافت مجوز صرف می‌کرد و متقاضی دریافت مجوز جدا از فرآیندهای طولانی و کاغذبازی‌های اضافی حتی ممکن بود در مسیر دریافت مجوز با مشکلاتی مانند برخورد‌های سلیقه‌ای، انحصارات شغلی و غیره هم مواجه شود اما بر اثر اقداماتی که اخیراً در کشور به اجرا گذاشته شده است، روند صدور مجوز شروع کسب و کارها تسهیل شد. یکی از مهم‌ترین اقدامات که اخیراً صورت گرفت، برداشتن شرط تشکیل پرونده مالیاتی برای دریافت مجوز شروع کسب و کار و دریافت تسهیلات وام بانکی

است، در حال حاضر، متقاضیان برای شروع کسب و کارشان و یا دریافت تسهیلات بانکی نیازی به ارائه گواهی عدم بدهی مالیاتی ندارند.^۱

● اصلاح سازوکارهای خصوصی سازی

خصوصی سازی قاعده مند و صحیح شرکت های دولتی به ارتقاء کارایی، افزایش بهره وری و افزایش سوددهی اقتصادی آنها منجر می شود، همچنان که اغلب خصوصی سازی های انجام شده در جهان، رشد بهره وری شرکت ها را به همراه داشته است. با توجه به اینکه اکثر شرکت های دولتی از سطح بهره وری پایین برخوردار بوده اند و برخی از آنها فقط به لطف حمایت های مالی و غیرمالی دولت توانسته اند زیان خود را جبران کنند، پس خصوصی سازی برای توسعه اقتصادی هر کشوری گریزناپذیر است. اما در مقام عمل خصوصی سازی در ایران موفق نبوده است و آثار زیان باری داشته من جمله باعث بیکاری کارگران و تعطیلی کارخانه های موفق متعددی شده است.

با شروع به کار دولت سیزدهم آسیب شناسی خصوصی سازی و تبیین مسائل متعدد مترتب بر آن، به عنوان یکی از وظایف اصلی سازمان خصوصی سازی تعریف شد. لذا دولت سیزدهم در صدد اصلاح روند فسادزای موجود برآمد که در نتیجه، برای تعیین تکلیف اموال و دارایی های مازاد دولت و خروج دستگاه های دولتی و به خصوص بانک ها از بنگاه داری، مولدسازی را برای کاهش حواشی و فسادهای احتمالی، پیشنهاد داد. این مسئله در جلسه سران سه قوه تصویب و با تأیید مقام معظم رهبری علیه السلام به دبیرخانه هیات مولدسازی ابلاغ و وزارت اقتصاد و سازمان خصوصی سازی به صورت مستقیم و با اختیارات ویژه متولی این امر شده و در نهایت با رونمایی از تالار مولدسازی به صورت شفاف و برخط اموال و دارایی های مازاد دولت در اختیار همگان قرار گرفت. سازمان خصوصی سازی نیز، طی فعالیت دولت سیزدهم اقدامات مؤثری در حوزه وظایف خود از جمله انجام ۵۸ درصد واگذاری های ۲۲ سال اخیر، در دوره فعالیت دولت سیزدهم، انجام بزرگترین واگذاری تاریخ خصوصی سازی و فروش اموال مازاد دولت انجام داده است.

1. <http://fna.ir/3fy18f>.

● اصلاح ساختارهای فسادزا

یکی از موارد مهم که به خصوص در خصوصی سازی اهمیت پیدا می کند، پیش گیری و جلوگیری از بسترهای فساد است که نمونه این اقدامات در سال های اخیر عبارتند از:

پرداخت مستقیم اعتبارات بودجه به ذی نفع نهایی

یکی از ساختارهای فسادزا در سیستم اداری تخصیص با واسطه بودجه است به نحوی که اعتبارات مورد نیاز دستگاه ها مستقیماً به دستشان نمی رسد و باید مراحل را طی کند که همین مسئله موجب ایجاد فساد می شود. اما دولت سیزدهم برای از بین بردن بسترهای فسادزا، بودجه را مستقیماً به دستگاه ها می دهد. براساس آمارهای سازمان برنامه و بودجه بالغ بر ۸۶ درصد اعتبارات بودجه ای به ذی نفع نهایی به صورت مستقیم پرداخت شده است که نتیجه این اقدام جلوگیری از فساد و صرفه جویی در منابع و به حداقل رساندن عملیات فرا بودجه ای دولت بوده است. در همین راستا رئیس جمهور دوم آذر ۱۴۰۱ به سازمان برنامه و بودجه دستور داد که به منظور تسهیل نظارت مالی عملکردی سامانه یکپارچه مدیریت مالی دولت با محوریت سازمان برنامه و بودجه عملیاتی شود به طوری که در این سامانه به جای پول نقد، اعتبار به دستگاه اجرایی اعطا شود و پرداخت نقدی فقط به ذینفع نهایی پس از کنترل های هوشمند مالی و عملکردی انجام شود.

حذف دلای در اقتصاد با ایجاد سازوکار مالیات بر عایدی سرمایه

مالیات بر عایدی سرمایه، نوعی مالیات تنظیمی است که دولت ها برای جلوگیری از سوداگری و شکل گیری بخش های پنهان و غیرشفاف در اقتصاد، آن را تعریف می کنند. عدم شناسایی و نبود قانون مدون برای دریافت مالیات از فعالان بازارهایی مانند ارز، طلا و یا مسکن، مدت ها است راه فرار و گزیرا برای این افراد باز گذاشته و در عین حال، فعالان این بخش ها خود عاملی برای تورم و رکود در اقتصاد محسوب می شود. طرح مالیات بر عایدی سرمایه نه تنها در ایران مورد توجه قرار گرفته است بلکه در جهان پیشینه ای بسیار قدیمی دارد و با نام Capital Gains Tax (CGT) نیز شناخته می شود. هدف طرح مالیات بر عایدی سرمایه کوتاه شدن دست سوداگران از بازار مسکن، ارز،

خودرو و طلا و در واقع کوتاه کردن دست سوداگران از معیشت مردم است. مشمولان مالیات کسانی هستند که در مدت کوتاهی خرید و فروش و از جهش‌های قیمت کسب درآمد می‌کنند، نه از افزایش قیمتی که ناشی از تورم است.

مالیات بر عایدی سرمایه با اهداف محدود کردن فعالیت‌های سوداگران، ایجاد عدالت اجتماعی، افزایش منابع عمومی و افزایش کارایی اقتصادی مد نظر دولت است؛ قانونی که از چند ده سال پیش در کشورهای مختلف دنیا وضع شده است. افزایش هزینه فعالیت‌های غیر مولد همچون سفته‌بازی و سوداگری در بازار املاک، ارز، سکه و... به نحوی که به‌طور مؤثر مزیت خود را از دست دهند، یکی از اهداف وضع مالیات بر عایدی سرمایه است. با وضع این مالیات انگیزه سوداگران برای مبادرت به خرید و فروش دارایی‌ها، کاهش می‌یابد و تقاضای سوداگری کاهش و تقاضای واقعی و مصرفی خانوارها افزایش و در نهایت سرمایه به بخش تولید هدایت خواهد یافت. بهبود عدالت مالیاتی از دیگر مزایای این قانون خواهد بود؛ چراکه در حال حاضر همه کارمندان و کارگران قبل از دریافت حقوق خود، مالیات پرداخت می‌کنند، اما سفته‌بازان و سوداگران غیررسمی به خصوص در حوزه زمین، مسکن، طلا و ارز با وجود فعالیت غیرمولد و حتی در مواقعی اخلاف در نظام اقتصادی، از مالیات فرار می‌کنند.

لذا بدین منظور در مجلس یازدهم طرح مالیات بر سوداگری و دلالی که سابقاً با عنوان مالیات بر عایدی سرمایه شناخته می‌شد، بعد از یک دهه در نهاد قانون‌گذار به تصویب رسید. در ذیل این قانون ۲ پایگاه اطلاعاتی مهم در کشور احیا و ایجاد خواهند شد. همواره تعاملات و مبادلات اقتصادی ۲ بخش مهم دارند؛ نخست «بخش حقیقی» که شامل اطلاعات معاملات و به تعبیری صورت حساب‌های الکترونیک است و دوم «بخش اسمی» که تمام تراکنش‌های موجود در اقتصاد را شامل می‌شود. اگر اطلاعات این دو بخش در اقتصاد به یکدیگر متصل شود، شفافیت مهمی رقم خواهد خورد و دولت سیزدهم با تکمیل سامانه‌ها و اقداماتی از قبیل تفکیک حساب‌های تجاری از شخصی، درصدد اتصال این دو بخش به یکدیگر است.

در قانون مالیات بر سوداگری، بستر اجرایی مهمی برای اتصال این دو بخش به

یکدیگر پیش بینی شده است. در بخش حقیقی اقتصاد، پایگاه اطلاعاتی موسوم به پایگاه اطلاعاتی ۱۶۹ مکرر، احیا می‌شود که شامل تمام اطلاعات معاملات خواهد شد و این شامل هر مبادله‌ای که بین اشخاص حقیقی با یکدیگر مانند خرید خودرو، ملک و ... وجود دارد، خواهد بود و در بخش اسمی اقتصاد، پایگاه اطلاعات تراکنش‌های بانکی کشور با تفکیک حساب‌های تجاری از شخصی ایجاد خواهد شد.

ایجاد و احیای این پایگاه‌های اطلاعاتی، علاوه بر تأثیری که در اجرای این پایه مالیاتی داشته، اثرات مهم دیگری نیز در اقتصاد دارند که ارزش کمتری از اهداف تعیین شده طرح نخواهد داشت. به عنوان مثال زمانی که می‌گوییم پایگاه تراکنش‌های بانکی ایجاد شود، یعنی باید تراکنش‌های تمام بانک‌های کشور، تحت یک استاندارد گدینگ شوند و بانک‌ها دیگر نمی‌توانند براساس سلیقه خود، استاندارد ثبت تراکنش داشته باشند. همچنین فعالین حوزه بانکی می‌دانند که این موضوع تا چه اندازه دارای اهمیت است. در کنار این موضوع، زمانی که می‌خواهیم اطلاعات اسمی را به بخش حقیقی مرتبط کنیم، دیگر بانک‌ها نمی‌توانند تسهیلاتی که به افراد داده‌اند را غیر شفاف نگه دارند. زیرا اطلاعات ورود یک مبلغ به حساب شخصی و یا تجاری افراد، ثبت شده و باید در آن سمت دیگر یک دلیل و توضیح برای آن وجود داشته باشد.

تسهیلات از قواعد مالیاتی معاف است؛ بنابراین برای متقاضی تسهیلات این انگیزه ایجاد می‌شود که حتماً اطلاعات مرتبط به تسهیلات او توسط بانک به سازمان مالیاتی اعلام شود. در این شرایط در کنار شفافیت مهمی که در خصوص دریافت تسهیلات بانکی مشخص می‌شود، نرخ بهره حقیقی اقتصاد نیز کشف می‌شود. به این معنی که دیگر بانک‌ها نمی‌توانند با هر نرخ بهره‌ای که مطابق با سلیقه آنهاست، تسهیلات بدهند.

در بخش دوم که ایجاد یک پایه مالیاتی جدید است، چند نکته مهم لازم به یادآوری است. این طرح در کنار بستر اجرایی که ایجاد خواهد کرد، پایه مالیاتی مهمی را به اقتصاد کشور می‌افزاید؛ مالیات بر سوداگری، مانع نوسانات شدید و شوک‌های قیمتی در بازار دارایی‌ها خواهد شد. از همین روی بر انتظارات تورمی و هم‌چنین حرکت

کلی تورم اثر می‌گذارد. همچنین این پایه مالیاتی، برای افزایش درآمدهای مالیاتی دولت نیست. این پایه، تجربیات مثبتی را در سایر کشورها ایجاد کرده است و دولت و وزارت اقتصاد امیدوار است با اجرای صحیح و به موقع آن در کشور ایران نیز اثرات مثبت خود را نشان دهد.

مالیات بر سوداگری؛ مالیاتی بازدارنده برای تغییر رفتار سوداگران مالیاتی بوده و مالیاتی برای تأمین مالی درآمدی دولت نیست و به عبارت ساده‌تر مالیاتی برای نگرفتن است که هرچه قدر کارآمدتر اجرا شود و نرخ‌ها بازدارنده باشد و سوداگری کمتر ایجاد شود، منفعت آن برای اقتصاد ملی بالاتر خواهد بود. نکته دیگری که در این زمینه باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که بخش کمی از مردم درگیر قانون مالیات بر عایدی سرمایه خواهند بود و کمتر از ۴ یا ۵ درصد مردم درگیر این قانون شده و بیش از ۹۵ درصد مردم اساساً مشمول این قانون نخواهند شد.

ایجاد ساز و کار نظارت هوشمند بر بازارها و شفافیت فروشگاهی

توزیع به عنوان یکی از ارکان سه گانه نظام اقتصادی به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها اطلاق می‌شود که منجر به انتقال کالا یا خدمات از منابع تولید به سمت خریداران و مصرف‌کنندگان می‌شود. نظام توزیع مبتنی بر سازوکار بازار در ایران از سه لایه تأمین کالا، عمده فروشی و خرده فروشی تشکیل شده است. ساماندهی دو لایه اول پیش از این از طریق طرح‌های مختلفی همچون سامانه جامع تجارت از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت مورد توجه بوده است؛ اما توزیع و قیمت‌گذاری در لایه سوم که متشکل از واحدهای غیردولتی سنتی و مدرن هستند، از شفافیت کافی برخوردار نیستند. بیشتر از ۷۰ درصد از توزیع خواروبارفروشی در کشور از طریق واحدهای صنفی سنتی مستقل انجام می‌شود. این گروه از عوامل توزیعی یا بدون مجوز هستند یا اگر دارای مجوز هستند، به صورت غیررئزجیره‌ای فعالیت می‌کنند. این در حالی است که تجربه موفق کشورهایی همچون هندوستان، مالزی، ترکیه و آلمان نشان می‌دهد که نظام بخشی به واحدهای توزیعی و افزایش شفافیت در شبکه توزیع و قیمت‌گذاری و توسعه فروشگاه‌های سازمان‌یافته از اهمیت بسیاری برخوردار است. از طرف

دیگر واحدها و فروشگاه‌های مدرن و زنجیره‌ای نیز در کشور با مشکلاتی برای عرضه درست و قیمت‌گذاری مناسب برخورد دارند. در حالی که مأموریت چنین فروشگاه‌هایی حذف واسطه‌ها و ارائه قیمت پایین‌تر به مشتریان است، به دلیل درگیر شدن این فروشگاه‌ها با مراحل متعدد واسطه‌گری و کاهش حاشیه سود آنها، قیمت‌گذاری شفاف و درستی صورت نگرفته و برخی اقلام با قیمت بالاتر از خرده‌فروشی‌های سنتی عرضه می‌شود.

از طرف دیگر مدیریت بازار و حفظ حقوق مصرف‌کننده همواره یکی از چالش‌های دولت‌ها بوده است. با توجه به گسترش بازارها و تعدد صنف‌های فعال، امکان نظارت بر بازار از طریق روش‌های قدیمی نظیر حضور بازرسی‌نظر تعزیراتی امکان پذیر نبوده و مؤثر نیست. از همین رو اعمال نظارت هوشمند و برخط برای نظارت هر لحظه بر جریان کالاها و بازارهای مختلف، ضروری است. با این حال سال‌ها اهمال در اجرایی کردن یک سامانه هوشمند برای نظارت سیستمی بر جریان کالاها و بازارهای مختلف، فضای سوءاستفاده برای متخلفان و تضییع حقوق مردم و تولیدکنندگان را ایجاد کرد. در چنین شرایطی با بروز هر شوک کوچکی، قیمت‌ها به شکل سرسام‌آوری در بازار افزایش پیدا می‌کرد و در نهایت بیشترین هزینه به مصرف‌کننده نهایی منتقل می‌شد. شرایطی که کشور در طول سال‌های اخیر بیش از همیشه با آن دست به گریبان بود و در میانه همین شرایط ملت‌هت دولت سیزدهم کار خود را آغاز کرد.

دولت سیزدهم بلافاصله پس از شروع به کار، نسبت به حاکم کردن سامانه هوشمند نظارت بر جریان کالاها و بازارها اقدام کرد. در این راستا وزارت صنعت، معدن و تجارت دولت سیزدهم بلافاصله نسبت به تکمیل و پیاده‌سازی سامانه جامع تجارت اقدام کرد. سامانه‌ای که از سال‌ها پیش نسبت به راه‌اندازی آن اقدام شده بود اما هیچ‌گاه به مرحله اجرایی نرسید تا آنکه دولت سیزدهم بر پیاده‌سازی آن اصرار ورزید. از مهم‌ترین اهداف این پروژه، می‌توان به مواردی چون رصد جریان و مدیریت موجودی کالا در تمامی سطوح از استان تا فروشگاه منتخب، امکان توزیع عادلانه کالا، جلوگیری از قاچاق و یا احتکار کالا و اتصال به تمامی سامانه‌های مدیریت توزیع کالا همچون سامانه انبارها اشاره نمود که تنها بخشی از کارکردهای این پروژه پس از اجرایی شدن هستند.

در همین رابطه و در راستای مدیریت دقیق جریان کالا از مرحله واردات و معدن تا تولید، حمل، توزیع و فروش آغاز شده است. دستاوردهای این سامانه به این شرح است:

۱. صدور بیش از یک میلیون شناسه کالا، صدور میلیاردها کد رهگیری، ثبت بیش از صدها میلیون سند که زیرساخت لازم برای مقابله مؤثر با قاچاق و کالاهای تقلبی (از جمله سیگار، لوازم خانگی و قطعات یدکی خودرو) است.

۲. بهبود فرایندهای تجاری از قبیل صدور کارت بازرگانی (با اجرای ۲۵ استعلام از ۲۰ دستگاه، حذف اعمال سلیقه کارشناسی، خطاهای سهوی و عمدی و مفاسد احتمالی، توسعه زمان ارائه خدمات از ساعات کاری و روزهای اداری به ۲۴*۷ و کاهش مدت زمان صدور کارت بازرگانی به کمتر از یک سوم)، کنترل سابقه کالایی و سقف اعتباری بازرگان هنگام ثبت سفارش (که منجر به هوشمندی تعیین تکلیف لحظه‌ای بیش از نیمی از ثبت سفارش‌ها شده است)، استقرار کامل درخواست سیستمی ارز در سامانه جامع تجارت با همکاری بانک مرکزی و تعیین تکلیف زمان اتصال سامانه جامع تجارت به گمرک.

۳. اتصال فروشگاه‌های خرده‌فروشی با اولویت فروشگاه‌های بزرگ و زنجیره‌ای به سامانه جامع تجارت به منظور رصد جریان کالا در کشور، برنامه‌ریزی تأمین کالا در اقصی نقاط کشور و هوشمند شدن تنظیم و نظارت بر بازار که تا مهرماه ۱۴۰۲ بیش از ۱۵ هزار فروشگاه و ۵۰ هزار قلم کالا به این سامانه متصل شده و در حال رصد و پایش بوده است.

۷. صادرات محوری و گسترش بازارهای جهانی

صادرات یکی از عوامل مهم محرک رشد اقتصادی و از مهم‌ترین اهداف اقتصادی کشورها محسوب می‌شود. در این میان، صادرات متکی بر صنایع فناوری محور به علت ارزش افزوده بالا و مؤثر بودن بر دیگر بخش‌های اقتصادی از مهم‌ترین بخش‌های صادراتی است. داشتن مزیت‌های مبتنی بر سطح فناوری برای موفقیت در محیط تجاری بین‌المللی نقشی کلیدی ایفا می‌کند، از طرفی به‌کارگیری فناوری‌های

نوپن در تولید محصولات در چند دهه اخیر توسط کشورهای توسعه یافته، سودآوری بالا و کاهش هزینه های تولید را نیز به دنبال داشته است. این در حالی است که صادرات محصولات با فناوری بالا علی رغم سودآوری بالا، نتوانسته است سهم به سزایی از کل صادرات کشورهای در حال توسعه را پوشش دهد.

حضور موفق در محیط رقابتی بین المللی برای کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران از اهمیت بالایی برخوردار است. به این نکته نیز باید توجه داشت که سهم حداکثری منافع اقتصادی حاصل از خدمات و محصولات با فناوری های پیشرفته در تولید ناخالص ملی و صادرات یکی از شروط لازم برای تحقق اقتصاد دانش بنیان در کشور است.

اهمیت توسعه صادرات دانش بنیان برای کشور صرفاً به دلیل ارزآوری بیشتر این نوع صادرات نیست، بلکه دیگر مزایای صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان این موضوع را برای صنعت کشور به امری راهبردی تبدیل کرده است. بعضی از مزایای صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان فارغ از میزان درآمد ارزی ناشی از آن عبارت اند از:

- در حال رشد بودن تقاضای جهانی برای کالاهای دانش بنیان؛
 - نوسانات کمتر بازار فروش تولیدات دانش بنیان؛
 - آسیب پذیری کمتر در برابر ورود رقبای جدید؛
 - انعطاف پذیری باروند تغییر تقاضای بازار؛
 - سرریز دانش و فناوری برای سایر فعالیت ها؛
 - ایجاد وابستگی به فناوری و تداوم تقاضای محصول از جانب مصرف کننده؛
 - کاهش وابستگی به صادرات منابع طبیعی و محصولات خام؛
- در طول ۴۵ سال اخیر اقدامات خوبی جهت افزایش صادرات غیرنفتی صورت گرفته است، که البته تلاش های بسیاری را برای رسیدن به اهداف اصلی می طلبد.

آمارهای صادرات دانش بنیان

فعالیت نزدیک به ۹ هزار شرکت دانش بنیان در اکوسیستم فناوری و نوآوری ایران سبب عرضه بیش از ۱۸ هزار محصول فناورانه در حوزه فناوری‌های مختلف از جمله مواد شیمیایی، الکترونیک، تجهیزات پیشرفته صنعتی، فناوری اطلاعات، دارو، غذایی و خدمات نرم شده است. این محصولات که دارای کاربرد در حوزه‌های صنعتی و تجاری مختلف هستند، در فرآیند ارزیابی معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری دارای شروطی چون تولید، حداقل در سطح آزمایشگاهی، دارا بودن سطح فناوری بالای محصول و تسلط شرکت بر دانش فنی می‌شود.

بر اساس آخرین آمارها، میزان صادرات شرکت‌های دانش بنیان تقریباً به ۱/۴ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۱ رسید.^۱

صادرات خدمات فنی و مهندسی در نیمه نخست سال ۱۴۰۲ با رشد ۶۳ درصدی در مقایسه سال گذشته به ۱۰ میلیارد دلار رسید.^۲

توانمندی‌های صادراتی شرکت‌های دانش بنیان توسط مرکز تعاملات بین‌المللی علم و فناوری تدوین شده است که شامل محصولات مختلف دانش بنیان کشور در حوزه‌های مختلف مانند تجهیزات پزشکی، محصولات دارویی، مواد پیشرفته، صنایع غذایی و کشاورزی، الکترونیک و مخابرات، ماشین‌آلات پیشرفته، فناوری اطلاعات، هوافضا، تجهیزات آموزشی مهارت‌های بالینی پیشرفته، دندانپزشکی، چشم‌پزشکی، خودروسازی و حمل و نقل، نفت و گاز و پتروشیمی، آب و فاضلاب، ساخت و ساز و ساختمانی، رنگ و رزین و پوشش دهنده، مواد پلیمری و کامپوزیت، نساجی و پوشاک و....^۳

1. isna.ir/xdPpCn.

2. <https://www.iribnews.ir/00GyDa>.

3. <https://economic.mfa.ir/portal/productview/488>.

نمونه‌هایی از صادرات دانش بنیان کشور

نمونه‌هایی از صادرات دانش بنیان کشور در ادامه مطرح می‌شود:

● صادرات شرکت‌های دانش بنیان پزشکی

تعداد و تنوع شرکت‌های دانش بنیان فعال در حوزه پزشکی نوید رشد چشم‌گیر صنعت تجهیزات پزشکی را در کشورمان می‌دهد. دهقانی معاون علمی رئیس‌جمهور می‌گوید: امروز حدود ۳۴۰ شرکت دانش بنیان فعال در حوزه تجهیزات پزشکی داریم و این شرکت‌ها برای حضور در بازارهای بین‌المللی از ظرفیت کافی برخوردارند. بازار تجهیزات پزشکی در جهان حجمی بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار دارد که شرکت‌های ایرانی ظرفیت بهره‌مندی از این بازار را دارند.

در بررسی‌هایی که در باشگاه شرکت‌های دانش بنیان در طرح ارزیابی صادراتی شرکت‌ها انجام شده، خوشبختانه مشخص شده که سطح توانمندی فنی شرکت‌های تجهیزات پزشکی بالاست. در بسیاری از موارد توان فنی شرکت‌ها در بالاترین حد و به‌روزترین سطح دانش در جهان است. این امر با همکاری و هم‌افزایی بین دانشمندان علوم پایه، مهندسی و پزشکی محقق شده که بسیار ارزشمند است.

شرکت‌های ایرانی به خصوص شرکت‌های دانش بنیان تاکنون توانسته‌اند تجهیزات پیشرفته‌ای مثل دستگاه سی‌تی‌اسکن، الکتروشوک‌های قلبی، ونتیلاتور آی‌سی‌یو، ماشین دیالیز، یونیت‌های دندانپزشکی، کیت‌های تشخیصی و ... را تولید کنند. به این لیست انواع لوازم مصرفی مورد نیاز اتاق‌های عمل و بیمارستان‌ها را نیز باید اضافه کرد. تمام تجهیزات تولیدی از لحاظ کیفی هم‌تراز با استانداردهای بین‌المللی هستند. این محصولات کاملاً توان رقابت با نمونه‌های خارجی را از لحاظ قیمت و کیفیت دارند.

بیش از ۴۰ درصد از تجهیزات پزشکی مورد نیاز کشور در داخل تولید می‌شود که این عدد می‌تواند با توجه به ظرفیت‌های داخلی بیشتر شود. این میزان از تولیدات داخلی نیز تاکنون نیازهای حیاتی کشور را به خوبی برطرف کرده است. همین شرکت‌ها هم‌زمان در حال توسعه بازار خود در دیگر کشورها هستند. آنها با حضور در

نمایشگاه‌های بین‌المللی مشتریان خود را پیدا می‌کنند و به عقد قرارداد و تفاهم‌نامه تولید محصولات خود می‌پردازند. جای خوشحالی است که بسیاری از این دستگاه‌ها از طراحی صنعتی حرفه‌ای بهره‌برده‌اند و می‌توانند در نمایشگاه‌های بین‌المللی بین تولیدات دیگر شرکت‌ها بدرخشند.^۱

● صنعت نانو

رشد ۹۶ درصدی سالانه بازار فناوری نانو ایران، صادرات ۳۰ هزار میلیارد ریالی محصولات این حوزه و در اختیار داشتن رتبه چهارم جهان در تولید علم نانو، همگی گویای به نتیجه رسیدن تلاش‌های فعالان این حوزه و حمایت‌ها در سطح سیاست‌های کلان کشوری از این عزم جدی دارد؛ عزمی که صنعت نانو ایران را در مسیر جهانی‌شدن و فتح بازارهای جهانی قرار داده است.^۲

در ۲ سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ وضعیت صادرات محصولات نانو به دلایل تحریم و نوسان نرخ ارز مطلوب نبود اما بعد از آن دوباره به رشد رسیدیم تا جایی که سال ۱۴۰۱ بیش از ۶۹ میلیون دلار از محصولات نانو ساخت ایران به ۴۸ کشور در ۵ قاره دنیا از جمله آمریکا، انگلیس و چین صادر شده است.

۳ محصول نانو داروی ضد سرطان ایران در ۷ سال گذشته حدود ۹ میلیون دلار سهم از بازار صادرات و در همین مدت با تولید این داروها از خروج بیش از ۹۰ میلیون دلار ارز از کشور جلوگیری شده است.^۳

شیرآلات با پوشش PVD، تجهیزات اپتیکی، انواع فرش و گلیم آنتی‌باکتریال، آیینه و شیشه رفلکس و «نانو داروی ضد سرطان از جمله نانو محصولات پرفرمدار ایرانی در بخش صادرات سال ۱۴۰۱ بوده‌اند. صادرات این ۵ حوزه هر یک بالای یک میلیون دلار بوده است.

1. <https://tmcs.ir/news-fa/archive/73155/>

2. <https://irna.ir/xjNV6c>.

3. <http://fna.ir/3feybb>.

● ربات جراح سینا

«سینای ایران جایگزین داوینچی آمریکا می‌شود» این خبری بود که آذرماه ۱۴۰۰ توجه همه را به خودش جلب کرد؛ اندونزی در شرایطی خریدار سینا، ربات جراحی از راه دور ایرانی، شده بود که داشت در بیمارستان‌هایش از ربات داوینچی آمریکایی استفاده می‌کرد. آن روزها این نکته مهم ذهن خیلی‌ها را به خودش جلب کرد که سینای ایرانی چه مزیت‌هایی نسبت به نمونه آمریکایی دارد که جراحان اندونزیایی را شگفت‌زده کرده است؟ و آیا بعد از استفاده طولانی‌مدت از این فناوری ایرانی، هنوز هم مشتری آن خواهند ماند؟ حالا پس از دو سال از ۱۲ بیمارستان در اندونزی به تجهیزات پزشکی ساخت ایران مجهز خواهند شد. ۱۰۰ جراح اندونزیایی برای استفاده از این ربات آموزش دیده‌اند و این ربات در جریان سفر هیئت ایران به اندونزی، تبدیل به یکی از مهم‌ترین محورهای تعاملات دو طرف شد.

سینا درواقع یک سامانه جراحی رباتیک از راه دور است که برای کاهش جراحات و افزایش دقت و کیفیت انواع جراحی‌ها در نواحی شکم، لگن و قفسه سینه طراحی و ساخته شده است. این سامانه دو بخش اصلی کنسول جراحی در اختیار جراح و ربات‌های جراح مستقر بر بالین بیمار دارد.

● استفاده از ظرفیت دانش بنیان صنعت نفت جهت بازسازی ۱۷ پالایشگاه فراسرزمینی

با روی کار آمدن دولت سیزدهم، «بازار سازی نفت» به عنوان راهبرد صادرات نفت ایران در شرایط تحریم تعریف شد. طبق این راهبرد، وزارت نفت ملزم به ایجاد و ساختن بازار جدید برای فروش نفت ایران و سپس صادرات نفت به آن مقصد است.

الگوی فروش نفت ایران در دولت یازدهم و دوازدهم همانند الگوی قرن بیستمی بود، با بازگشت تحریم‌ها با کاهش صادرات نفت مواجه شدیم، الگوی قرن بیستمی یعنی اینکه متولیان امر در وزارت نفت همچنان فکر می‌کردند دست برتر با عرضه‌کنندگان است، در حالی که معادلات بازار نفت تغییر کرده بود.

مدل حضور ایران در پالایشگاه‌های فراسرزمینی در آمریکای لاتین تاکنون بدین‌صورت بوده که با صدور خدمات فنی و مهندسی، ابتدا اقدام به بازسازی و

نوسازی پالایشگاه‌ها کرده و بعد از احیای ظرفیت آنها، به میزان ظرفیت آزادشده، نفت خود را صادر می‌کند.

صنعت نفت ایران در شرایط تحریم به توانمندی بالایی در حوزه ساخت تجهیزات و تعمیرات اساسی دست پیدا کرده است، موضوعی که اغلب کشورهای آسیایی، آمریکای لاتین و آفریقا از آن محروم هستند. این توانمندی بالا به اهرمی برای امضای قراردادهای مختلف بین ایران و سایر کشورها جهت احیای ظرفیت غیرفعال پالایشگاه‌های خارجی و صادرات نفت ایران تبدیل شده است.

* ۱۷ پالایشگاه فراسرزمینی با ظرفیت ۲٫۵ میلیون بشکه در انتظار مهندسان ایران

تاکنون در دو سال گذشته بحث حضور ایران در ۱۷ پالایشگاه فراسرزمینی مطرح شده است. از این ۱۷ پالایشگاه، آمریکای لاتین ۷، آسیا ۴ و آفریقا ۶ سهم را دارند. ضعف کشورهای دارنده پالایشگاه‌های غیرفعال یا نیمه فعال در مسائل فنی و مهندسی صنعت و توانمندی بالای مهندسان ایرانی در احیای آنها، باعث ایجاد این همکاری نفتی شده است.

نام پالایشگاه	کشور	ظرفیت (هزار بشکه در روز)	نام پالایشگاه	کشور	ظرفیت (هزار بشکه در روز)
ال پالینو	ونزوئلا	۱۴۰	فرغانه	ازبکستان	۱۲۰
کارهون	ونزوئلا	۳۱۰	الفرلس	سوریه	۱۴۰
اموی	ونزوئلا	۶۴۵	حمص	سوریه	۱۱۰
پرتولاکروز	ونزوئلا	۱۸۷	هوسا	اوگاندا	۶۰
گرانده	ونزوئلا	۱۶	چورف	افریقای جنوبی	۱۰۰
سینفوتکس	کوبا	۶۵	انوف	افریقای جنوبی	۱۲۰
روپای ارمانی بولیوار	نیکاراگوئه	۱۵۰	نانوف	افریقای جنوبی	۱۰۸
بخارا	ازبکستان	۱۱۰	سارپ	افریقای جنوبی	۱۸۰

انگیزه فعالیت برای ساخت یک پالایشگاه در بورتو پالاسو فعلا شده که جزئیاتی از آن رسدای نشده است

تصویر ۵۹: مجموع ظرفیت این ۱۷ پالایشگاه فراسرزمینی ۲٫۵ میلیون بشکه نفت در روز است که شامل ۱۳ پالایشگاه نیمه فعال به ظرفیت ۲٫۲ میلیون بشکه در روز و ۴ پالایشگاه نیمه ساخته به ظرفیت بیش از ۳۰۰ هزار بشکه در روز است.

اگر اقتصاد ایران بتواند سهم قابل توجهی در تجارت جهانی و رابطه اقتصادی با کشورهای مختلف دنیا پیدا کند، می تواند در پایان مرحله ۸ به نقطه بازدارندگی در برابر تحریم ها برسد و دیگر برای کشورهای دنیا ترک رابطه اقتصادی با ایران هزینه ساز باشد در صورتی که الآن فقط تعداد معدودی از کشورهای دنیا نسبت به ایران در چنین شرایطی هستند.

در طول سال های اخیر برخی از اقدامات جهت افزایش صادرات دانش بنیان کشور انجام شده است که به آن اشاره می شود:

خانه های نوآوری و فناوری ایران در دنیا

یکی از انواع واسطه های صادراتی، مراکز و خانه های نوآوری ایران است. این بخش ها تحت حمایت مراکز تعاملات بین المللی علم و فناوری معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در کشورهای مختلف دنیا راه اندازی شده اند؛ کشورهایی مانند چین، کنیا، ترکیه، سوریه و روسیه.

صنایع زمانی پیشرفت می کنند که ارتباط قوی و مؤثری با دانشگاه ها داشته باشند، فعالیت هر کدام از این ها یعنی دانشگاه یا صنعت به تنهایی نتایج خارق العاده ای برای جوامع و دنیای علم به ارمغان نمی آورد.

وجود مراکزی که باعث ارتباط میان دانشگاه و صنعت هستند یک ضرورت است و در یک برهه این مراکز به وجود آمدند و رشد کردند. مراکز نوآوری حاصل ضرورت همکاری دانشگاه ها، صنایع بزرگ، استارت آپ ها، مراکز تحقیقاتی و نهادهای حمایتی هستند. مراکز و خانه های نوآوری به گونه ای سازمان دهی می شوند تا به جمع آوری، مبادله و پردازش اطلاعات و در نهایت خلق نوآوری برسند. شرکت های کوچک دانش بنیان و شرکت های نوپا نیز نقاط قوت مراکز نوآوری در نظر گرفته می شوند، استارت آپ ها به دلیل انعطاف پذیری و تحرک بالا در مسیر خلق نوآوری گام های بزرگی می توانند بردارند. ایران نیز در ایجاد، رشد و توسعه خانه های نوآوری به خوبی عمل کردند.

این مراکز خدمات گوناگونی را ارائه می دهند و به دستورالعمل های آیین نامه صادراتی

مرکز تعاملات بین‌المللی علم و فناوری جهت ورود به بازارهای بین‌المللی دسترسی دارند. خدمات این مراکز شامل موارد زیر است: فضای کار اختصاصی و اشتراکی، نمایشگاه دائمی محصولات، یافتن شرکای تجاری و سرمایه‌گذاری در کشورهای هدف صادراتی، انجام امور ثبت شرکت، ثبت محصولات، ثبت دارو و تجهیزات پزشکی، علائم تجاری، اعزام و پذیرش هیئت‌های تجاری، استخدام نیروهای بومی (به دلیل حضور مستقیم برای ارائه محصولات و خدمات)

مراکز رشد مکان‌های موقتی هستند که وظیفه حمایت و استقبال از شرکت‌های نوپا را بر عهده دارد و جزئی از مراکز نوآوری است. به‌طور کلی تأمین سرمایه‌های ریسک‌پذیر در چهارچوب قوانین سنتی نمی‌گنجد و علاوه بر حمایت به اعمال قوانین جدید نیز نیازمند است.

این مراکز در جذب سرمایه و حمایت از طرح‌های مربوط به توسعه شرکت‌ها هم فعالیت می‌کنند و به ایجاد شرایط برای توسعه آنها می‌پردازند. خانه‌های نوآوری ایران در کشورهای مختلفی مستقر هستند و در حوزه نمایشگاه دائمی بین‌المللی محصولات و خدمات شرکت‌های دانش‌بنیان، خلاق و نوآوری فعالیت می‌کنند. این مراکز خدمات متنوعی را نیز ارائه می‌کنند؛ برگزاری پوین ملی جمهوری اسلامی ایران در نمایشگاه‌های معتبر و موارد دیگر از جمله این خدمات است.^۱

خدمات صادراتی به شرکت‌های دانش‌بنیان

خدماتی از قبیل: ارزیابی آمادگی صادرات (ERA)، منتورینگ و مشاوره صادرات، آموزش‌های بازرگانی و صادرات، ابزارهای تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی تبلیغات بین‌الملل، حمایت از تحقیقات بازار، حمایت از فعالیت‌های بازاریابی، اخذ گواهینامه‌ها و مجوزهای بین‌المللی محصول، حضور در نمایشگاه‌های خارجی، حمایت از اعزام جهت نشست‌های تجاری عمومی و تخصصی، حمایت از پذیرش هیئت‌های تجاری، حضور در مناقصات بین‌المللی، حمایت از واسطه‌های صادراتی، حمایت از عضویت

1. <https://mstpark.com/library/houses-innovation-technology/>

در مراکز شتاب‌دهی تجارت، حمایت از ایجاد زیرساخت و اجرای پروژه‌های پایلوت در کشور هدف، حمایت از مشاوره قراردادهای تبادل فناوری و...^۱

باشگاه سرآمدان صادرات دانش‌بنیان

در بازارهای بین‌المللی به‌دلیل وجود برندهای معتبر و با سابقه، رقابتی جدی و نفس‌گیر در حوزه محصولات پیشرفته وجود دارد. این قبیل محصولات عموماً به‌دلیل بهره‌گیری از دانش فنی بالا، از پیچیدگی‌ها و به‌تبع آن از قیمت‌های بالاتری برخوردار بوده و معمولاً خریداران به دلیل ریسک کمتر، به سمت انتخاب برندهای معتبر و صاحب‌نام می‌روند. در این میان ایران با توان تولید محصولات هایتک باکیفیت، برای مواجهه با این بازار جدید نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و فعالانه دارد. به‌منظور حضور موفق جمهوری اسلامی ایران در عرصه صادرات، ضروری است علاوه بر شناسایی بهترین محصولات، برنامه‌ریزی جامع و نظیر به نظیر برای مواجهه با رقبای بین‌المللی انجام شود. باشگاه سرآمدان صادرات دانش‌بنیان ایران (IHTECC) با هدف حمایت فعالانه از شرکت‌های دانش‌بنیان برتر صادراتی تأسیس گردیده تا از طریق ارزیابی شاخص‌های صادراتی به تقویت توان صادراتی این شرکت‌ها کمک نماید. اجرای این پروژه تحت حمایت مرکز تعاملات بین‌المللی علم و فناوری معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری به‌کریدور خدمات فناوری تا بازار واگذار شده است. بر همین اساس شرکت‌ها در قالب شرکت‌های ۵ ستاره، ۴ ستاره، ۳ ستاره، ۲ ستاره و مستعد رتبه‌بندی شده‌اند. باشگاه سرآمدان صادرات دانش‌بنیان آماده ارائه خدمات به کلیه متقاضیان در این حوزه بوده و این افتخار را دارد که خدمات خود را به‌صورت تضمین شده ارائه نماید.^۲

ایران حائز رتبه ۵۰ در جهان در رابطه با اعتبار برند تولیدات خود است. تقویت برند ملی و تغییر نگرش کشورها نسبت به ظرفیت محصولات ایرانی با اعطای نشان IQL

1. <https://daneshbonyan.isti.ir/%D8%AE%D9%84%D8%A7%D8%B5%D9%87-%D8%AE%D8%AF%D9%85%D8%A7%D8%AA-%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D8%B8C-%D8%AF%D8%B1-%DB%8C%DA%A9-%D9%86%DA%A-F%D8%A7%D9%87>
2. <https://eracore.ir/ihtecc/>

به محصولات یکی از اهداف مهم باشگاه سرآمدان صادرات دانش بنیان است. این اقدام با اعطای نشان IQL به محصولات دانش بنیان در گام نخست در حال انجام است. با توجه به اینکه بخش زیادی از صادرات محصولات ایران در بخش‌هایی نظیر صنعت، کشاورزی، شیلات و... است، لذا یکی از خدماتی که در ادامه ارزیابی و توانمندسازی شرکت‌ها انجام می‌شود، بررسی وضعیت محصول و اعطای نشان به این محصولات خواهد بود. اعطای این نشان به معنی برندسازی کیفیت محصولات ایرانی در جهان خواهد بود.^۱

در حال حاضر ۲۵ پایگاه و مرکز صادراتی برای ارائه خدمات به شرکت‌های دانش بنیان در کشورهای مختلف مستقر و فعال هستند.^۲

اقدامات جمهوری اسلامی در ۱۴۰۰ به بعد در جهت افزایش صادرات و تجارت جهانی

● الف: تضمین پرداخت‌ها

یکی از مواردی که در زمان تحریم اهمیت دوچندان پیدا کرده است، تضمین پرداخت‌ها است. در این راستا دولت سیزدهم یک تحول جدی در صندوق ضمانت صادرات ایجاد کرد تا ریسک صادرکننده ایرانی را کاهش دهد.

● ب: تسهیل پرداخت‌ها

یکی دیگر از اقدامات مهم در جهت پشتیبانی صادرات، تسهیل پرداخت‌ها است. در شرایط تحریم ضروری است از راه‌هایی شبکه پرداخت رسمی احیا شود. در همین راستا ارتباطات بین شبکه بانکی دو کشور برقرار شد. در برخی موارد هم از صرافی‌ها استفاده شد. اما به طور کلی ایران به احیای شبکه پرداخت‌های رسمی با کشورهای مختلف نیاز دارد تا اثر تحریم نظام بانکی خنثی شود و هزینه مبادله برای تاجر ایرانی کاهش یابد. البته در کنار احیای شبکه پرداخت رسمی، از سازوکار تهاتر هم استفاده

1. <https://eracore.ir/>

2. <https://irna.ir/xjPb3r>

شد. نظام تهاتر در اکثر کشورهای مقصد صادرات ما فعال شده است و البته این روش تنها مختص کشورهای تحریمی هم نیست، بلکه بسیاری از کشورها که تحریم نیستند هم به دلیل منافع اقتصادی روش تهاتر آن را دنبال می‌کنند.

● ج: تکمیل زنجیره تأمین

اقدام بعدی پشتیبان صادرات نیز تکمیل زنجیره تأمین بود؛ این اقدام هم به کاهش قیمت تمام شده منجر می‌شود، کالای ما را رقابت‌پذیرتر می‌کند و از کشور مقصد سهم بازار می‌گیرد. در این خصوص در زمینه کالاهای کشاورزی، در حوزه لوازم خانگی یا حتی در زمینه تجهیزات پزشکی اقدامات خوبی انجام شد و تولیدکننده ایرانی در بعضی از کشورهای هدف، خط مونتاژ تأسیس کرد. این خط مونتاژ می‌تواند باعث کاهش تعرفه‌ها شود؛ وقتی قطعات می‌بریم تعرفه‌اش خیلی متفاوت است نسبت به زمانی که محصول نهایی صادر می‌کنیم. همچنین وقتی مثلاً در عمان خط مونتاژ تأسیس می‌کنیم به کل بازار اتحادیه عرب می‌توانیم دسترسی پیدا کنیم.

این چند مورد، بخشی از اقداماتی بود که در دو سال گذشته انجام شد و باعث شد تجارت به تولید کمک کند؛ رکورد ۵۳ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی در سال ۱۴۰۱ ثبت شد. نکته مهم این است که افزایش صادرات کشور بیش از همه در همان حوزه‌هایی بود که مقاصد صادراتی ما در هدف‌گذاری‌ها بودند؛ به طور مثال صادرات ما به روسیه در این سال‌ها رکورد زد، صادرات ایران به عمان به ۱/۲ میلیارد دلار رسید که پیش‌تر سابقه نداشته یا مثلاً در آفریقا ما به رکورد ۱/۳ میلیارد دلار صادرات رسیدیم که بیش از دو برابر میزان دولت قبل بود.^۱

«فرصت ۱۰۰۰ میلیارد دلاری» در اقتصاد ایران

یک گزارش تحلیلی، با بررسی ظرفیت‌های ایران، معتقد است تا سال ۲۰۳۵، ایران پتانسیل افزایش یک‌هزار میلیارد دلاری در تولید ناخالص داخلی و اشتغال‌زایی ۹

1. <https://dolat.ir/detail/426765>.

میلیون نفری را دارد.^۱ این گزارش که از سوی نویسندگان مؤسسه مطالعاتی معتبر «مک‌کینزی» تدوین شده، برای اقتصاد ایران ۶ نقطه قوت ذکر کرده است. «تنوع اقتصادی»، «آموزش علمی»، «طبقه مصرف‌کننده در حال رشد»، «جمعیتی با نرخ شهرنشینی بالا»، «فرهنگ کارآفرینی» و «موقعیت راهبردی برای جریان‌های بین‌مرزی» این ۶ نقطه هستند. برای فعال شدن این ۶ مزیت، باید چهار موتور محرکه «بهبه شدن بازدهی منابع طبیعی»، «رقابتی شدن صنایع بزرگ»، «نوسازی و گسترش، زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتالی» در کنار «تقویت نقاط قوت برای رشد بخش‌هایی نظیر فناوری اطلاعات و ارتباطات و خدمات مالی» به کار بیفتد. از نظر نویسندگان این گزارش، تحقق پتانسیل رشد اقتصادی یک هزار میلیارد دلاری و حصول ۹ میلیون فرصت شغلی برای ایران، مستلزم بسترسازی عوامل کلیدی رشد سریع، شامل اقداماتی برای «افزایش جذابیت برای سرمایه‌گذاران خارجی»، «تضمین ثبات اقتصاد کلان»، «تقویت و تعمیق نظام مالی و ارتباط بین‌المللی آن» و... است.

مؤسسه مطالعاتی معتبر مک‌کینزی در گزارشی مفصل، به بررسی ظرفیت‌های اقتصادی ایران در دوره پسابرجام پرداخته و با اشاره به ۶ نقطه قوت خاص اقتصاد ایران، پیش‌بینی کرده است که ایران با انجام اقدامات اصلاحی تا دو دهه آینده، به رشد یک تریلیون دلاری در تولید ناخالص داخلی خود و اشتغال‌زایی ۹ میلیون نفری دست پیدا کند. بر اساس تحلیل این مؤسسه، «تنوع اقتصادی»، «آموزش علمی»، «طبقه مصرف‌کننده در حال رشد»، «جمعیتی با نرخ شهرنشینی بالا»، «فرهنگ کارآفرینی» و «موقعیت راهبردی برای جریان‌های بین‌مرزی» ۶ مزیت اقتصاد ایران هستند که دستیابی به یک جهش اقتصادی در عصر بازگشت به اقتصاد جهانی را برای کشور ممکن می‌کنند. بر اساس گزارش مطالعاتی منتشرشده، برای این منظور باید در کنار اصلاح اقتصاد کلان، چهار موتور محرکه نیز فعال شود. نخست؛ بازدهی منابع طبیعی بهینه شود. دوم؛ صنایع بزرگ تولیدی داخلی همچون خودرو، مصالح اصلی و کالاهای مصرفی روزانه، به بخش‌های قابل رقابت در سطح بین‌المللی تبدیل شود. سوم؛ ایران به سمت اقتصاد دانش‌بنیان حرکت کرده و تقویت نقاط قوت برای رشد

1. <http://www.acfile.com/download/wp-content/uploads/other/mckinsey%20En.Persian.pdf>.

بخش‌هایی همچون فناوری اطلاعات و ارتباطات و خدمات مالی را سرعت ببخشد. نهایتاً؛ زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتالی نوسازی و گسترش یابند.

این مطالعه، اضافه می‌کند که بعد از چند ماه تحقیقات عمیق و بررسی مفصل ۱۸ بخش اقتصادی ایران، به این نتیجه رسیده است که ایران ظرفیت افزودن یک تریلیون دلار (یک هزار میلیارد دلار) به تولید ناخالص داخلی و ایجاد ۹ میلیون شغل جدید را دارد. طبق تحلیل مؤسسه سرشناس مک کینزی، برای تحقق این پتانسیل، «شرکت‌های داخلی بیشترین تأثیر را در رشد آتی دارند، اما شرکت‌های بین‌المللی هم نقش به‌سزایی ایفا خواهند کرد. آنها علاوه بر سرمایه‌گذاری، فناوری و دانش مدیریت را نیز وارد می‌کنند که می‌تواند باعث بهبود چشم‌گیر در بهره‌وری شود». بر اساس این متن، تحقق پتانسیل رشد یک تریلیون دلاری اقتصاد ایران؛ مستلزم بسترسازی عوامل کلیدی رشد سریع، شامل اقداماتی برای افزایش جذابیت کشور برای سرمایه‌گذاران خارجی، تضمین ثبات اقتصاد کلان، تقویت و تعمیق نظام مالی و ارتباط بین‌المللی آن، افزایش بهره‌وری و ارتقای زیرساخت‌های صنعتی است. در خصوص این بحث، مطالعه انجام‌شده از سوی مؤسسه مشاوره‌ای مک کینزی اضافه می‌کند که «باوجود اهمیت و تأثیر شرایط سیاسی بر پیامدهای اقتصادی، ما در این گزارش از اظهارنظر در مورد مسائل سیاسی خودداری می‌کنیم».

۸. سهم بالا از بازارهای جهانی و تبدیل شدن واحد پول ملی به ارز ذخیره جهانی

شاید غیرقابل باور و حتی مضحک به نظر برسد که کشوری که دومین واحد پولی کم‌ارزش دنیا را دارد چگونه می‌تواند در رابطه با تبدیل شدن پول ملی خود به ارز ذخیره جهانی صحبت کند. اما این تعجب ناشی از درک نادرست از مفهوم ارزش پول است. مسئله اول این است که رتبه‌بندی ارزش واحدهای پولی کشورها به‌شدت غیرکاربردی و گمراه‌کننده است. بسیاری از کشورهایی که در رتبه‌های بالای ارزش پول دنیا قرار دارند، واحد پولی خود را با حذف صفرهای متعدد تغییر داده‌اند.

به عنوان مثال لیرا کشور ترکیه که تا سال ۲۰۰۶ میلادی، در چند سال متوالی رکورددار کم ارزش ترین واحد پولی دنیا بود با حذف ۶ صفر از پول ملی خود به بیستمین ارزش پولی برتر دنیا رسید.^۲ کشورهای دیگری نیز با حذف صفر از پول ملی خود، جایگاه خود را در رتبه بندی های جهانی ارتقاء دادند ولی این تغییر، صرفاً صوری بود و هیچ تأثیری در وضعیت اقتصادی آنها نداشت. به عنوان مثال کشور آرژانتین در طول قرن بیستم میلادی بارها ابرتورم های چند هزار درصدی را تجربه کرده و برای بهبود ارزش پول خود تقریباً ۱۳ صفر از آن خود حذف کرده بود.^۳ اما هر بار که حذف صفر اتفاق می افتاد دوباره ارزش پول آرژانتین کاهش پیدا می کرد. بار آخر نیز که دولت آرژانتین در سال ۱۹۹۱ میلادی ارزش پول خود را به طور تصنعی به دلار آمریکا با نرخ ۱ به ۱ میخکوب کرد تنها پس از ۱۰ سال یعنی در سال ۲۰۰۱ میلادی پزو^۴ آرژانتین در حالی که نوزدهمین ارزش پولی دنیا را داشت اعلام ورشکستگی کرد.^۵ بنابراین رتبه بندی ارزش پول کشورها به هیچ عنوان بیانگر کارآمدی و وضعیت اقتصادی آنها نمی باشد. مسئله بعدی امکان تبدیل شدن یک واحد پولی کم ارزش به ارز ذخیره جهانی است. برای روشن شدن این موضوع باید تجربه کشور ژاپن را مطالعه کرد. پین ژاپن پس از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۷۰ میلادی پایین ترین ارزش پول را در دنیا داشت. در این دوره ژاپنی ها با اعمال سیاست های درست اقتصادی و با تحمل رنج بسیار توانستند اقتصاد ویران شده خود را پس از شکست در جنگ جهانی بازسازی کنند. کشور ژاپن دقیقاً با طی مراحل ۸ گانه توصیف شده در فصل اول توانست تا در دهه ۱۹۷۰ میلادی به سهم بالایی از تجارت جهانی برسد. تا جایی که دولت ایالات متحده برای حفظ بازار خود از دولت ژاپن درخواست کرد که حجم صادرات خود را به آمریکا کاهش دهد!^۶ از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد پین ژاپن به دلیل معاملات بالای تجاری در سطح جهان به

1. Lira.

2. https://en.m.wikipedia.org/wiki/Tables_of_historical_exchange_rates_to_the_United_States_dollar.

3. <https://en.wikipedia.org/wiki/Redenomination>.

4. Peso.

5. <https://www.wsj.com/articles/SB10001424127887323611604578396893543046644>.

6. Yen.

۷. رجوع کنید به کتاب معجزه تولید از همین نویسنده.

یکی از ارزشهای ذخیره جهانی تبدیل شد، هرچند جزو ده ارزش پول پایین دنیا بود. امروزه نیز هرچند ین ژاپن، سومین ارز پر معامله در سطح جهان - حتی بالاتر از پوند انگلیس - و میانگین حجم روزانه معاملات آن معادل ۵۵۴ میلیارد دلار است و حدود ۵ درصد از ذخایر ارزی جهانی را تشکیل می‌دهد، اما در رتبه‌بندی ارزش واحدهای پولی دنیا در رتبه ۱۰ام قرار دارد!^۲

-
1. Bank for International Settlements (BIS), 2019, <https://www.bis.org/publ/rpfx19.htm>.
 2. https://en.m.wikipedia.org/wiki/Tables_of_historical_exchange_rates_to_the_United_States_dollar.



بخش سوم

افول ابرقدرتها





ظهور و سقوط ابرقدرت‌ها در طول تاریخ تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله قدرت اقتصادی، سیاسی، نظامی و نیز تغییرات اجتماعی و فرهنگی بوده است. جاه‌طلبی، اوج‌گیری و در نهایت افول همه ابرقدرت‌ها، از امپراتوری روم گرفته تا امپراتوری بریتانیا، همه تحت تأثیر یک سری از عوامل نسبتاً مشترک بوده است. می‌توان گفت سه ابرقدرت پانصد سال گذشته یعنی امپراتوری‌های هلند، بریتانیا و آمریکا که از قدرتمندترین امپراتوری‌های تاریخ بودند نیز تحت تأثیر همین عوامل مشترک ظهور کرده، به نقطه اوج رسیدند و در نهایت با افول قدرت و نفوذ خود مواجه شدند. امپراتوری هلند با شبکه تجاری گسترده و قدرت دریایی خود در قرن هفدهم به شهرت رسید. با این حال، در قرن ۱۸ به دلیل جنگ با امپراتوری بریتانیا و بی‌ثباتی اقتصادی، شروع به افول کرد. امپراتوری بریتانیا، که در قرن نوزدهم پدیدار شد، بزرگترین امپراتوری تاریخ بود که در زمان اوج، یک چهارم سطح زمین را در بر می‌گرفت. با این حال، در قرن بیستم به دلیل درگیر شدن با مشکلات اقتصادی و همچنین دو جنگ جهانی و ظهور ابرقدرت‌های جدید شروع به افول کرد. امپراتوری آمریکا نیز که در قرن بیستم ظهور کرد بر پایه قدرت اقتصادی و نظامی بنا شد. با این حال، این کشور هم در سال‌های اخیر با چالش‌هایی از جمله افول اقتصادی، قطبی شدن سیاسی و ظهور قدرت‌های جدید جهانی مواجه بوده است. در این قسمت به جزئیاتی پیرامون عوامل تأثیرگذار در ظهور و سقوط قدرت‌ها پرداخته شده و البته در مورد افول آمریکا به عنوان ابرقدرت معاصر توضیح بیشتری داده خواهد شد. از آنجایی که در سال‌های اخیر نظریه‌های زیادی درباره افول غرب و هژمونی آمریکا مطرح شده است، این موضوع کاملاً مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و استدلال‌های مختلف در مورد آن و همچنین نظریات اندیشمندان مختلف در این زمینه، مرور خواهد شد.

افول امپراتوری هلند

هلندی‌ها در عصر طلایی‌شان، به آفت «اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی» متمایل شدند و همین مسئله به تدریج باعث تضعیف وضعیت مالی آنان گردید. از طرفی دیگر، هم‌زمان قدرت‌های دیگری نیز ظهور کرده بودند که اقتدار امپراتوری هلند را به چالش می‌کشیدند. همچنین هلندی‌ها که در قرن ۱۷ میلادی تبدیل به رهبران بی‌نظیری در نوآوری، تجارت و ثروت شده بودند، نتوانستند در قرن‌های بعد به این روند ادامه داده و در نهایت حفظ و تداوم امپراتوری‌شان که بیش از حد گسترش یافته بود، غیرممکن شد. همچنین برتری آموزشی و فناوریانه هلند دچار تحلیل شد و بعد از افول شرکت هند شرقی هلند، به طور کلی این کشور از دایره رقابت‌های جهانی خارج گردید. در قرن ۱۸ میلادی، انقلاب صنعتی باعث شد تا بریتانیایی‌ها از هلندی‌ها، به عنوان قدرت برتر اقتصادی و مالی در اروپا، پیشی بگیرند و رشد اقتصادی کندتر هلند نسبت به سایر قدرت‌ها منجر به این شده بود که حفظ امپراتوری وسیع آن (به ویژه اینکه امپراتوری هلند تحت کنترل چنین حاکمیت مرکزی کوچکی بود) دشوارتر شود.

بریتانیا به‌طور ویژه از نوآوری‌های هلندی درس گرفته بود و برای افزایش توانایی‌های مردم خود، در امر آموزش سرمایه‌گذاری کرد. به همین خاطر انگلیسی‌ها توانستند تولید و تجارت بیشتری انجام داده و برای خود قدرت نظامی ایجاد کنند. در نهایت، پس از شکست هلندی‌ها در جنگ چهارم مقابل بریتانیا در بازه ۱۷۸۴-۱۷۸۰ میلادی، اوضاع برای آنها بدتر نیز شد. این جنگ که به علت حمایت هلند از مستعمرات خود در انقلاب آمریکا رخ داد، با شکست قابل توجهی برای هلندی‌ها به پایان رسید و به حضور گیلدر به عنوان ارز ذخیره پایان داد. این شکست نظامی، جایگاه ابرقدرتی را از هلند به بریتانیا تغییر داد.

همان‌گونه که انتظار می‌رفت، هلندی‌ها روز به روز بدکارتر شده و جنگ‌های داخلی زیادی را بر سر ثروت تجربه کردند. همچنین، آنها از نظر نظامی نیز ضعیف شده بودند. همه این‌ها، هلندی‌ها را در برابر حمله آسیب‌پذیر کرد. همچنین با کاهش درآمدهای خارج از کشور، سرمایه‌گذاران ثروتمند هلندی پول نقد خود را به بریتانیا

که رشد اقتصادی بیشتر و بازدهی بالاتری داشت، منتقل کردند. با این وجود، گیلدر هنوز به طور گسترده به عنوان یک ارز ذخیره جهانی مورد استفاده بود. سپس، از دهه ۱۷۷۰ میلادی، انگلیسی‌ها به عنوان یک قدرت بزرگ در حال ظهور، قدرت بزرگ موجود را به چالش کشیده و شروع به مداخله در کشتیرانی هلند کردند و پس از تجارت اسلحه، درگیری خود را با هلندی‌ها در مناطق مستعمره آمریکایی، افزایش دادند و در سال ۱۷۸۱ میلادی، ضربات بزرگی به نیروی دریایی هلند در دریای کارائیب وارد کردند.

شرکت هند شرقی هلند با از دست دادن نیمی از کشتی‌ها و عدم دسترسی به مسیرهای تجاری کلیدی خود، مجبور شد برای حفظ خود، از بانک آمستردام، وام زیادی بگیرد. از طرفی قدرت‌های رقیب بعد از شکست هلند، از ناوگان تجارتی کشتیرانی هلند استفاده می‌کردند. محاصره اقتصادی هلند و شرکت هند شرقی آن توسط بریتانیا، باعث بحران نقدینگی برای هلند شد. زیان‌های مالی و بدهی‌های کلان، بانک مرکزی هلند را مجبور به چاپ بیشتر پول بدون پشتوانه کرد. از آنجایی که بانک آمستردام پول کاغذی بیشتری را برای ارائه وام به شرکت هند شرقی هلند چاپ می‌کرد، خیلی سریع مشخص شد که طلا و نقره کافی برای پشتیبانی تمام مطالبات پول کاغذی وجود ندارد. این اتفاق منجر به فرآیند «هجوم بانکی»^۱ شد که در آن سرمایه‌گذاران، پول کاغذی خود را با فلزات گران بها مبادله می‌کردند. از آنجایی که سپرده‌گذاران پول کاغذی خود را با طلا و نقره مبادله می‌کردند، بانک مرکزی هلند ذخایر فلزات گران بهای خود را از دست داد. نرخ‌های بهره افزایش یافت و بانک آمستردام مجبور به کاهش ارزش و اعتبار گیلدر شد. این کار در نهایت مهر پایانی بر امپراتوری هلند و گیلدر به عنوان ارز ذخیره بود. افول امپراتوری هلند و گیلدر، منجر به ظهور امپراتوری بریتانیا و ارز ذخیره آن شد.^۲

۱. اگر سپرده‌گذاران یک بانک به درست یا غلط انتظار داشته باشند که بانک مورد نظر ورشکسته خواهد شد، برای برداشت سپرده‌های خود به طور گسترده به بانک هجوم خواهند آورد که این امر بانک مزبور را با مشکل کمبود نقدینگی مواجه خواهد کرد.

2. Dalio, Ray, Principles for Dealing with THE CHANGING WORLD ORDER, Why Nations Succeed and Fail, New York, Avid Reader Press, 2021, p. 39.

افول امپراتوری بریتانیا

بریتانیایی‌ها در دوران اوج با بدهی‌های کلان و همچنین امپراطوری عظیمی که نگهداری از آن پرهزینه‌تر از سودآوری آن بود، مواجه شده بودند و از طرف دیگر آنها رقبای متعدد سرسخت و جمعیت عظیم با شکاف طبقاتی زیادی داشتند. این مسئله منجر به شکاف‌های سیاسی بزرگ نیز شده بود. به همین خاطر طی مدت فقط ۲۰ سال، پوند انگلیس به طور کامل وضعیت خود را به عنوان یک ارز ذخیره بین‌المللی از دست داد. سال‌های دهه ۱۹۴۰ میلادی سال‌های بحران برای پوند بریتانیا بود. بریتانیا در جنگ جهانی دوم مجبور شد که از متحدان و مستعمرات خود وام‌های زیادی بگیرد و این وام‌ها را باید به پوند پرداخت می‌کرد. وقتی جنگ به پایان رسید، بریتانیا نمی‌توانست بدون افزایش مالیات یا کاهش هزینه‌های دولتی بدهی‌هایش را بپردازد؛ بنابراین به مستعمرات سابق خود الزام کرد که دارایی‌های بدهی‌اش (یعنی اوراق قرضه) تحت هیچ شرایطی فروخته نشود.

ایالات متحده نگران این بود که بریتانیا بتواند پوند را احیا کند؛ زیرا این موضوع بر صادرات ایالات متحده بسیار تأثیر می‌گذاشت. در سال ۱۹۴۶ میلادی، طی توافقنامه‌ای ایالات متحده ۳٫۷۵ میلیارد دلار (حدود ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی بریتانیا) به بریتانیا وام داد تا مانعی برای بالا رفتن دوباره ارزش پوند ایجاد کند. همان‌طور که انتظار می‌رفت، در جولای ۱۹۴۷ میلادی، پوند دچار افت قابل توجهی شد و بریتانیا و کشورهای دیگری که از آن استفاده می‌کردند، برای حفظ پیوند پوند با دلار به صرفه‌جویی و قناعت روی آوردند. در همین راستا محدودیت‌هایی بر واردات کالاهای لوکس اعمال شد، هزینه‌های دفاعی کاهش یافت، ذخایر دلار و طلا نیز کاهش یافت و توافقاتی میان اقتصادهایی که از واحد پوند استفاده می‌کردند، انجام گرفت تا ذخایر خود را به دلار تغییر ندهند. تجربه پس از جنگ جهانی دوم برای ناظران آگاه روشن کرد که دیگر پوند، نقش بین‌المللی سابق قبل از جنگ جهانی دوم خود را نخواهد داشت.

اقدامات متعددی برای تقویت ارزش پوند و حفظ نقش آن به عنوان منبع نقدینگی بین‌المللی صورت گرفت. به عنوان مثال، بریتانیا همه را موظف کرد تا تمام تجارت‌ها

در بازار مشترک را به پوند انجام دهند. نتیجه این بود که در دهه ۱۹۵۰ میلادی و اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی، بریتانیا به عنوان یک قدرت اقتصادی منطقه‌ای و پوند به عنوان ارز ذخیره منطقه‌ای شناخته می‌شد. با این حال، این اقدامات همچنان مشکل را برطرف نکرد. بریتانیا بسیار بدهکار و بیش از حد غیرقابلی بود؛ بنابراین نتوانست بدهی‌های خود را بپردازد و آنچه را که برای واردات نیاز داشت، خریداری کند. پس از آن، حتی کشورهایی با واحد پول پوند نیز، حاضر به نگهداری ذخایر خود به پوند نبودند، مگر اینکه بریتانیا ارزش اصلی آنها را به دلار تضمین می‌کرد. پس از کاهش ارزش پوند، اعتماد کمی به آن باقی ماند. بانک‌های مرکزی شروع به فروش ذخایر پوند خود و خرید دلار، مارک آلمان وین کردند. کشورهایی که پس از سال ۱۹۶۸ میلادی همچنان سهم بالایی از ذخایر خود را به پوند نگه داشته بودند، در واقع عملاً دلار نگهداری می‌کردند و همین موضوع شروعی بر پایان امپراتوری بریتانیا شد.^۱

افول آمریکا و دیدگاه اندیشمندان

نظریه ری دالیو در مورد افول آمریکا با استدلال الگوی ۱۸ مرحله‌ای

ریموند توماس دالیو^۲ مشهور به ری دالیو، مؤسس و مدیر بزرگترین صندوق سرمایه گذاری دنیا [بریج واتر]^۳ در کتابی که تحت عنوان «اصول مواجهه با نظم جهانی در حال تغییر: چرا ملت‌ها پیروز می‌شوند و شکست می‌خورند؟» منتشر نموده، با ترکیب شاخص‌های مربوط به قدرت و ثروت، به بررسی سیر ظهور و افول ابرقدرت‌ها در طول تاریخ پرداخته و بر افول جهان تک‌قطبی با محوریت آمریکا و غرب، صحنه می‌گذارد.^۴ به زعم او هر ابرقدرتی دارای مراحل ظهور، شکوفایی و افول است. نویسنده در این کتاب، ۱۸ مرحله برای ظهور و افول و فروپاشی قدرت‌ها مطرح کرده و اعلام می‌کند که

1. Dalio, Ray, Principles for Dealing with THE CHANGING WORLD ORDER, Why Nations Succeed and Fail, New York, Avid Reader Press, 2021.

2. Raymond Thomas Dalio.

3. Bridgewater.

4. Dalio, Ray, Principles for Dealing with THE CHANGING WORLD ORDER, Why Nations Succeed and Fail, New York, Avid Reader Press, 2021, p. 39.

ایالات متحده هم‌اکنون در مرحله ۱۷ قرار دارد و پس از روی کار آمدن مدیران ضعیف و ایجاد هرج و مرج و جنگ شهری، در نهایت دچار فروپاشی اقتصادی خواهد شد.^۱ در این بخش، به بررسی نشانه‌های افول حاکمیت ایالات متحده آمریکا که در الگوی دالیو مرحله نهم به بعد را تشکیل می‌دهند، می‌پردازیم.



تصویر ۶: نمودار ۶ مراحل ظهور و افول قدرت‌ها از نگاه ری دالیو^۲

● کاهش بهره‌وری

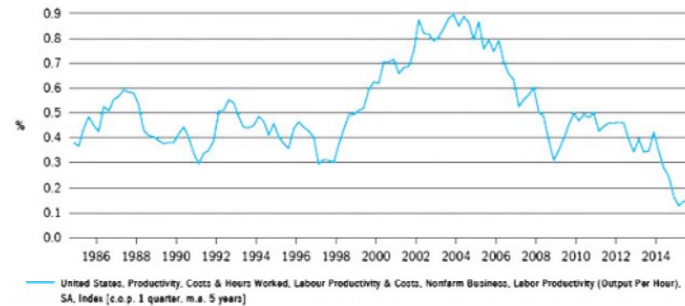
از ۱۸ مرحله‌ای که دالیو در کتابش مطرح می‌کند، ۸ مرحله اول به مراحل ظهور و افزایش قدرت یک کشور مربوط است. اما مرحله نهم که اولین مرحله از مراحل شکوفایی ابرقدرت‌ها است و مربوط به «کاهش بهره‌وری» می‌شود، در تحلیل مراحل افول یک ابرقدرت اهمیت ویژه‌ای دارد. گویی به محض دست یافتن یک ابرقدرت به اوج شکوفایی قدرت، نشانه‌های افول آن نیز ظاهر می‌گردد. در مرحله‌ای که امپراتوری به نقطه اوج قدرت و ثروت رسیده، کشور به موفقیت‌هایی می‌رسد که به رشد روز افزون آن دامن می‌زند، اما در دل این موفقیت‌ها، بذر شکست و سقوط نیز نهفته

1. Principles for Dealing with the Changing World Order: Why Nations Succeed and Fail, Ray Dalio, p. 51.

2. Dalio, Ray, Principles for Dealing with THE CHANGING WORLD ORDER, Why Nations Succeed and Fail, New York, Avid Reader Press, 2021, p. 53.

است. مرحله نهم که به مرحله «کاهش بهره‌وری» نام‌گذاری شده است، به بررسی ترکیبی هزینه‌ها، ساعات کاری و بازده کاری می‌پردازد. کاهش مستمر نرخ بهره‌وری و رسیدن مقدار آن به کم‌تر از ۱/۰ درصد از سال ۲۰۰۴ تاکنون، اولین نشانه پایان نقطه اوج ایالات متحده آمریکا است.^۱

US PRODUCTIVITY



تصویر ۶: کاهش نرخ رشد بهره‌وری در ایالات متحده از سال ۲۰۰۴/منبع: فاینشال ادوایزر^۲

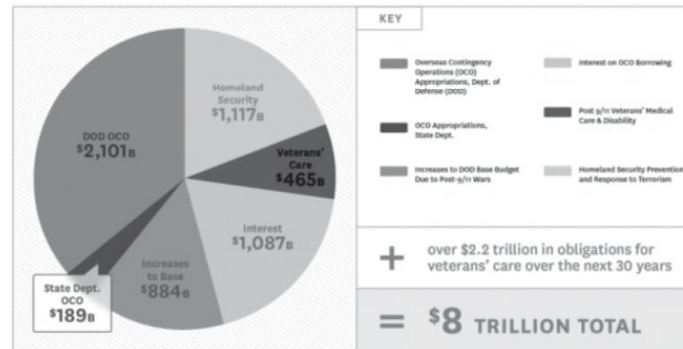
بنا به گزارش دیگری، اشتغال ایالات متحده در بخش تجارت غیرکشاورزی با نرخ سالانه بسیار قوی ۴٫۳ درصد رشد کرده در حالی که تولید با نرخ سالانه ۲٫۳ درصد کاهش یافته است. این بدان معناست که تولید در ساعت که بهره‌وری نیروی کار یا صرفاً بهره‌وری نیز نامیده می‌شود، با نرخ سالانه ۶ درصد کاهش یافته است. این نرخ کاهش بهره‌وری دو برابر بزرگ‌تر از اتفاقی است که در سال ۱۹۴۷ میلادی در این زمینه افتاد.^۳

1. <https://www.fa-mag.com/news/the-productivity-crash-time-to-pay-attention-27310.html?print>.
2. <https://www.fa-mag.com/news/the-productivity-crash-time-to-pay-attention-27310.html?print>.
3. <https://www.piie.com/blogs/realtime-economics/record-us-productivity-slump-first-half-2022-risks-higher-inflation-and>.

● فزون‌گستری بیش از توانایی

بعد از مرحله نهم که کاهش نرخ بهره‌وری بود، مرحله دهم مربوط به «فزون‌گستری بیش از توانایی» است که هم‌زمان خبر از نقطه اوج شکوفایی قدرت یک کشور و همچنین آغاز پایان آن کشور می‌دهد. به گزارش بنیاد واتسون برون،^۱ ایالات متحده حدود ۸ تریلیون دلار در جنگ‌های خارجی و تریلیون‌ها دلار نیز برای عملیات‌های نظامی و تأمین پایگاه‌های نظامی خود در خارج از کشور هزینه کرده که حتی این هزینه‌ها نیز برای حفظ موقعیت رقابتی این کشور در حوزه نظامی با کشور چین کافی نبوده است. این خرج‌های پرهزینه و بدون بازده، برای حفظ این امپراتوری، آمریکا را با کمبود منابع مواجه کرده است.^۲

Estimate of U.S. Post-9/11 War Spending, in \$ Billions FY2001–FY2022



تصویر ۶۲: هزینه‌های مازاد حفظ امپراتوری ایالات متحده آمریکا/منبع: بنیاد واتسون برون^۳

هزینه‌های نظامی و بودجه دفاعی ایالات متحده سال‌ها است که افزایش ۲ تا ۷ درصدی نسبت به سال قبل را ثبت کرده است.^۴ در ۹ مارس ۲۰۲۳ میلادی نیز دولت

1. Watson brown.
2. <https://watson.brown.edu/costsofwar/figures/2021/BudgetaryCosts>.
3. <https://watson.brown.edu/costsofwar/figures/2021/BudgetaryCosts>.
4. <https://www.macrotrends.net/countries/USA/united-states/military-spending-defense-budget>.

بایدن درخواست بودجه پیشنهادی ۸۴۲ میلیارد دلاری برای وزارت دفاع برای سال مالی ۲۰۲۴ میلادی به کنگره ارائه کرد که افزایشی ۲۶ میلیارد دلاری نسبت به سطوح مالی ۲۰۲۳ میلادی و ۱۰۰ میلیارد دلاری بیش از سال مالی ۲۰۲۲ میلادی را نشان می‌دهد. اولین اولویت نظامی ایالات متحده که در درخواست بودجه سال ۲۰۲۴ میلادی نیز ذکر شده است مقابله با تهدید فزاینده چین است.^۱

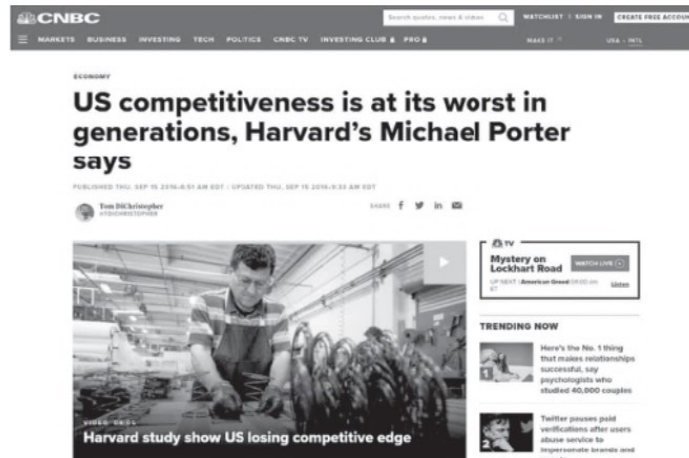
● کاهش رقابت‌پذیری

مرحله یازدهم که به عنوان «کاهش رقابت‌پذیری» نام‌گذاری شده، از مراحل پایانی شکوفایی یک ابرقدرت است. از آنجایی که افراد در کشوری که اکنون ثروتمند و قدرتمند است، درآمد بیشتری دارند؛ لذا این امر باعث می‌شود که آنها گران‌تر زندگی کرده و همچنین رقابت کمتری نسبت به افرادی در کشورهای دیگر که مایل به کار با هزینه کمتر هستند، داشته باشند. در عین حال، مردم کشورهای دیگر به طور طبیعی روش‌ها و فناوری‌های قدرت پیشرو را کپی می‌کنند که باعث کاهش بیشتر رقابت‌پذیری کشور پیشرو می‌شود. به عنوان مثال، کشتی‌سازان بریتانیایی طراحان هلندی را استخدام کردند تا کشتی‌های بهتری را طراحی کنند که توسط کارگران بریتانیایی ارزان‌تر ساخته می‌شد و رقابتی‌تر شدن آنها باعث شد انگلیسی‌ها رشد کنند و هلندی‌ها افول نمایند. مدرسه اقتصاد هاروارد، در گزارشی با عنوان «رقابت‌پذیری آمریکا در بدترین حالت خود در بین نسل‌های مختلف» به تشریح وضعیت ایالات متحده در سال ۲۰۱۹ میلادی پرداخت.^۲ علی‌رغم یک دهه رشد اقتصادی ثابت پس از رکود بزرگ ۲۰۰۸ میلادی، آمریکا تلاش زیادی برای رفع ضعف‌های ساختاری در اقتصاد و جامعه این کشور نکرد. این گزارش، مسیر ناامیدکننده رقابت‌پذیری در ایالات متحده، اختلال در سیستم سیاسی آمریکا که به این مسیر کمک کرده است، نقش سوداگری در ناکارآمدی سیاسی، کار ناتمام ایالات متحده در اصلاحات مالیاتی و

1. <https://www.defense.gov/News/Releases/Release/Article/3326875/departments-of-defense-releases-the-presidents-fiscal-year-2024-defense-budget/>

2. <https://www.cnbc.com/2016/09/15/us-competitiveness-is-at-its-worst-in-generations-harvards-michael-porter-says.html>

سیستم متزلزل آمریکا برای جذب استعداد‌های جهانی را نشان می‌دهد.^۱

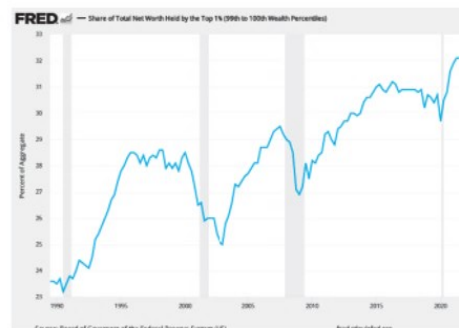


تصویر ۳۳: رقابت‌پذیری آمریکا در بدترین حالت خود در بین نسل‌های مختلف / منبع: سی‌ان‌بی‌سی^۲

● افزایش نابرابری

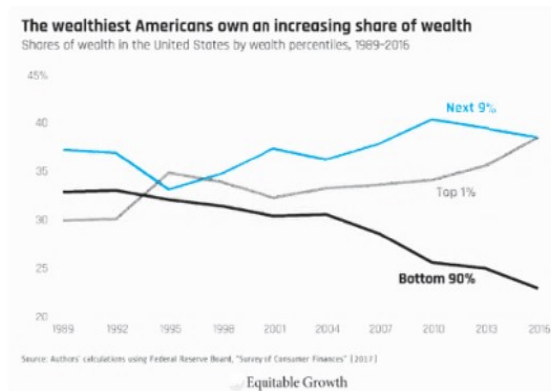
مرحله پایانی شکوفایی یک ابرقدرت نیز مرحله دوازدهم از هجده مرحله ری دالیو است که به ابتلای ابرقدرت به افزایش چشمگیر «شکاف طبقاتی» می‌پردازد. تحلیل‌ها، به خوبی روند افزایشی سهم یک درصد ثروتمند جامعه آمریکا از ثروت کل کشور در برابر روند کاهشی سهم ثروت ۹۰ درصد مردم آمریکا نشان می‌دهند.

1. <https://www.hbs.edu/competitiveness/Documents/a-recovery-squandered.pdf>.
2. <https://www.cnbc.com/2016/09/15/us-competitiveness-is-at-its-worst-in-generations-harvards-michael-porter-says.html>.



تصویر ۶۴: سهم یک درصد ثروتمند جامعه آمریکا از ثروت کل کشور / منبع: FRED

این مسئله باعث ایجاد یک شکاف طبقاتی بی سابقه در این کشور شده است. به نحوی که یک درصد ثروتمند جامعه به گزارش برخی منابع حدود ۴۰ درصد، ۹ درصد بعدی حدود ۴۰ درصد دیگر و ۹۰ درصد پایین دست جامعه کم تر از ۲۵ درصد ثروت کل جامعه را در اختیار دارند.



تصویر ۶۵: افزایش شکاف طبقاتی در ایالات متحده آمریکا / منبع: اکوتیبل گروس^۱

1. <https://equitablegrowth.org/the-distribution-of-wealth-in-the-united-states-and-implications-for-a-net-worth-tax/>

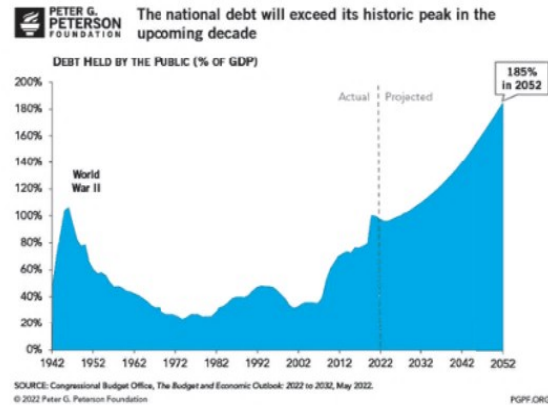
در سیستم‌های سرمایه‌داری، منافع مالی به طور نابرابر به دست می‌آید و منجر به افزایش فاصله طبقاتی می‌شود. افراد ثروتمند از منابع بیشتر خود برای گسترش قدرت خود استفاده می‌کنند، بنابراین فاصله طبقاتی بیشتر می‌شود. آنها همچنین بر سیستم سیاسی به نفع خود تأثیر می‌گذارند و امتیازات بیشتری را به فرزندان خود می‌دهند - مانند آموزش بهتر - که باعث شکاف در ارزش‌ها، سیاست و فرصت توسعه بین ثروتمندان «دارا» و فقرا «ندار» می‌شود. آنهایی که وضعیت رفاهی کمتری دارند احساس می‌کنند که این سیستم ناعادلانه است؛ بنابراین نارضایتی‌ها افزایش می‌یابد. تحلیل‌ها به خوبی روند افزایشی سهم یک درصد ثروتمند جامعه آمریکا از ثروت کل کشور در برابر روند کاهشی سهم ثروت ۹۰ درصد مردم آمریکا را نشان می‌دهند. این مسئله باعث ایجاد یک شکاف طبقاتی بی‌سابقه در این کشور شده به نحوی که یک درصد ثروتمند جامعه حدود ۴۰ درصد، ۹ درصد بعدی حدود ۴۰ درصد دیگر و ۹۰ درصد پایین دست جامعه کم‌تر از ۲۵ درصد ثروت کل جامعه را در اختیار دارند.^۱

● افزایش گسترده بدهی‌ها

پس از اتمام مراحل شکوفایی ابرقدرت‌ها، آنها وارد مراحل افول خود خواهند شد. مرحله ۱۳ که به «افزایش گسترده بدهی‌ها» اشاره دارد، اولین مرحله از مراحل افول یک ابرقدرت است. در دوران اوج، وضعیت مالی کشور پیشرو شروع به تغییر می‌کند. داشتن یک ارز ذخیره به آن «امتیاز گزاف» می‌دهد که بتواند پول بیشتری قرض کند. این مسئله میزان بدهی‌ها را بیشتر و عمیق‌تر می‌کند. این مسئله، قدرت خرج کردن امپراتوری پیشرو را در کوتاه‌مدت افزایش می‌دهد، ولی آن را در طولانی مدت تضعیف می‌کند. به ناچار، این کشور شروع به وام‌گیری بیش از حد می‌کند که این امر به منجر به ایجاد بدهی‌های کلان به وام‌دهندگان خارجی می‌شود. از طرفی تأمین مالی برای مصرف بیش از حد داخلی و نیز درگیری‌های نظامی بین‌المللی برای حفظ امپراتوری لازم و ضروری است؛ اما از طرفی هم هر چند استقراض، قدرت خرج کردن را در کوتاه‌مدت افزایش می‌دهد؛ اما به سلامت مالی کشور آسیب وارد کرده و در بلندمدت پول را

1. <https://equitablegrowth.org/the-distribution-of-wealth-in-the-united-states-and-implications-for-a-net-worth-tax/>

تضعیف می‌کند. به عبارت دیگر، زمانی که استقراض و مخارج قوی باشد، امپراتوری بسیار قوی به نظر می‌رسد، اما منابع مالی آن در واقع ضعیف می‌شود؛ زیرا استقراض قدرت کشور را فراتر از پایه‌های آن حفظ می‌کند. کشورهای ثروتمندتر با استقراض از کشورهایی که ثروت کمتری نسبت به خودشان دارند ولی دارای پس‌انداز بیشتری هستند، بدهکار می‌شوند. این یکی از اولین نشانه‌های تغییر ثروت و قدرت است. این موضوع در دهه ۱۹۸۰ میلادی در ایالات متحده آغاز شد. زمانی که درآمد سرانه آن ۴۰ برابر چین بود و شروع به وام گرفتن از چینی‌هایی کرد که می‌خواستند دلار پس‌انداز کنند؛ زیرا دلار ارز ذخیره جهانی بود. نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی ایالات متحده از سال ۱۹۴۲ تا ۲۰۲۲ میلادی افزایش قابل‌ملاحظه‌ای را داشته و پیش‌بینی می‌شود این روند افزایشی تا سال ۲۰۵۲ میلادی ادامه پیدا کرده و به ۱۸۵ درصد برسد.^۱ میزان بدهی این کشور در حال حاضر ۳۱ تریلیون دلار می‌باشد.^۲

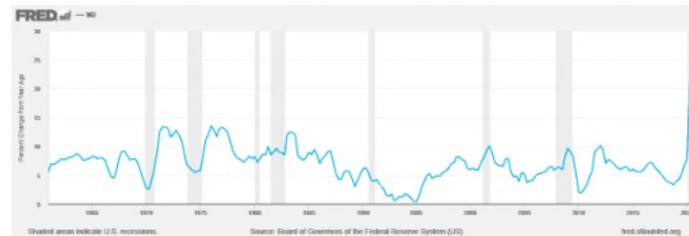


تصویر ۶۶: افزایش بی‌سابقه بدهی ایالات متحده آمریکا و پیش‌بینی آن در آینده؛ منبع: بنیاد پترسون^۳

1. <https://www.pgpf.org/blog/2022/07/national-debt-to-double-in-size-and-other-key-takeaways-from-the-cbo-long-term-outlook>.
2. <https://www.usdebtclock.org/>
3. <https://www.pgpf.org/blog/2022/07/national-debt-to-double-in-size-and-other-key-takeaways-from-the-cbo-long-term-outlook>.

● چاپ پول

به عقیده ری دالیو، مرحله چهاردهم از مراحل افول یک ابرقدرت مربوط به شدت گرفتن «چاپ پول» در آن کشور است. یعنی وقتی که بدهی‌ها بسیار زیاد می‌شود، رکود اقتصادی رخ می‌دهد، امپراتوری، دیگر نمی‌تواند پول لازم برای بازپرداخت بدهی‌های خود را قرض کند و مشکلات داخلی وسیعی ایجاد می‌شود. در این حالت، کشور مجبور می‌شود بین عدم پرداخت بدهی‌ها و خلق نقدینگی یکی را انتخاب کند. همیشه انتخاب چنین کشوری خلق نقدینگی است. در ابتدا به تدریج و در نهایت به طور بی‌رویه اقدام به خلق نقدینگی می‌کند. این باعث کاهش ارزش پول و افزایش تورم می‌شود. مطالعات جدید نشان می‌دهد که چاپ پول جدید سالیانه توسط فدرال رزرو در سال‌های اخیر به شدت اوج گرفته و به میزان چهار هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ رسیده است.^۱ وخامت شدید وضعیت چاپ پول در آمریکا حتی در مقایسه با اتحادیه اروپا نیز قابل ملاحظه است.^۲ ایالات متحده از ژانویه ۲۰۲۰ تا اکتبر ۲۰۲۱ بیش از ۴ برابر گذشته پول چاپ کرده است و ۸۰ درصد نقدینگی در سطح جامعه، ناشی از چاپ پول در این بازه است.^۳



تصویر ۶۷: شدت گرفتن چاپ پول سالیانه فدرال رزرو در ایالات متحده آمریکا/ منبع: مؤسسه فِرد^۴

1. <https://www.aier.org/article/do-these-money-supply-charts-portend-hyperinflation/>
2. <https://twitter.com/winfieldsmart/status/1297605872357715969>.
3. <https://techstartups.com/2021/12/18/80-us-dollars-existence-printed-january-2020-october-2021/>
4. <https://www.aier.org/article/do-these-money-supply-charts-portend-hyperinflation/>



تصویر ۶۸: شدت چاپ پول در ایالات متحده آمریکا در مقایسه با اتحادیه اروپا^۱

● درگیری‌های داخلی

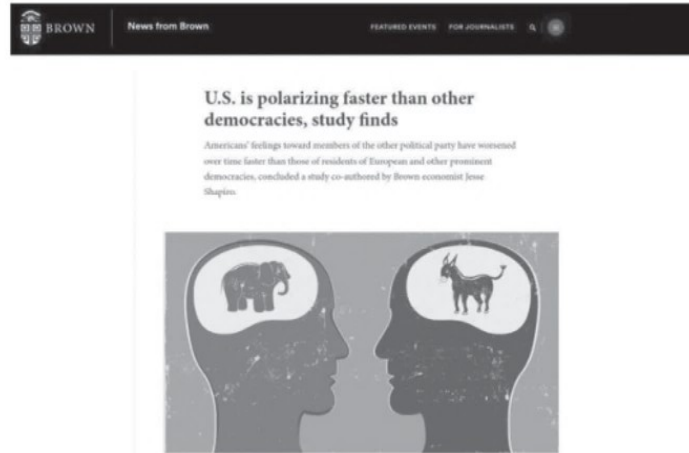
مرحله پانزدهم از مراحل افول یک ابرقدرت مربوط به «درگیری‌های داخلی» است. معمولاً در همان مواقعی که چنین دولتی در تأمین مالی خود با مشکلاتی روبه‌رو است - هم‌زمان با وجود شرایط بد مالی و اقتصادی، ارزش‌ها و شکاف‌های سیاسی زیاد- درگیری‌های داخلی بین گروه‌های مختلف قومی، مذهبی و نژادی و همچنین درگیری بین فقیر و غنی افزایش می‌یابد. این موضوع منجر به افراط‌گرایی سیاسی می‌شود که به عنوان پوپولیسم چپ یا راست خودش را نشان می‌دهد. چپ‌ها به دنبال توزیع مجدد ثروت هستند در حالی که راست‌ها به دنبال حفظ ثروت در دست ثروتمندان می‌باشند. این مرحله «ضد سرمایه‌داری» زمانی است که سرمایه‌داری، سرمایه‌داران و نخبگان به طور کلی مقصر مشکلات قلمداد می‌شوند. معمولاً در چنین مواقعی، مالیات بر ثروتمندان افزایش می‌یابد. زمانی که ثروتمندان می‌ترسند ثروت و رفاه آنها از

1. <https://twitter.com/winfieldsmart/status/1297605872357715969>.

بین برود، به بازارها، دارایی‌ها و ارزهایی پناه می‌برند که در آنها احساس امنیت بیشتری می‌کنند. این موضوع جریان‌های خروجی درآمد مالیاتی کشور را کاهش می‌دهد که در نهایت منجر به یک فرآیند توخالی‌کننده و پوک‌کننده می‌شود. طبق مطالعات انجام گرفته در مؤسسه بین‌المللی پیو، از هر ۱۰ بزرگسال آمریکایی ۹ نفر معتقدند بین افرادی که از احزاب سیاسی مختلف حمایت می‌کنند، درگیری وجود دارد. به طور مشابه، از هر ۱۰ آمریکایی، ۷ نفر می‌گویند که در ایالات متحده درگیری‌هایی بین افراد با پیشینه‌های قومی یا نژادی متفاوت وجود دارد. برای مقایسه، تنها حدود یک چهارم از مردم در سنگاپور و تایوان و یک سوم از مردم در اسپانیا به این موضوع معتقدند. نکته جالب اینجاست که ۵۹ درصد آمریکایی‌ها می‌گویند که مردم نمی‌توانند در مورد حقایق اساسی به توافق برسند و این کشور رتبه بالایی در میان کشورهای جهان از این حیث دارد. در ایالات متحده، اختلافات سیاسی زیادی در مورد بیشتر اقدامات اجتماعی وجود دارد. در این بین دموکرات‌ها و مستقل‌های متمایل به دموکرات، به طور قابل توجهی بیشتر از جمهوری خواهان و مستقل‌های با گرایش جمهوری خواه، معتقدند که درگیری‌های بسیار شدید بین افرادی که از احزاب مختلف سیاسی حمایت می‌کنند، وجود دارد.^۱ بر اساس پژوهش دانشگاه براون، آمریکا بالاترین سرعت دوقطبی شدن جامعه را در میان کشورهای جهان دارد.^۲

1. <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2021/10/13/americans-see-stronger-societal-conflicts-than-people-in-other-advanced-economies/>

2. <https://www.brown.edu/news/2020-01-21/polarization>.



تصویر ۶۹: افزایش سرعت دو قطبی شدن در ایالات متحده آمریکا/ منبع: دانشگاه براون آمریکا^۱

● کاهش ذخایر ارزی

مرحله شانزدهم از مراحل افول یک ابر قدرت مربوط به «کاهش ذخایر ارزی» است. طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، دلار آمریکا، جذابیت خود را به عنوان ارز ذخیره از دست داده است. سهم دارایی‌های دلار آمریکا در ذخایر ارزی جهان برای ششمین سال متوالی در سال ۲۰۲۱ میلادی به ۵۹ درصد کاهش یافت که پایین‌ترین سطح در ربع قرن گذشته است.^۲ دلار در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی سهم ۸۵ درصدی از ذخایر ارزی جهان را داشت. اما در طول ۱۵ سال بعد از آن، سهم دلار از ذخایر ارزی جهان تقریباً به نصف سقوط کرد که ناشی از انفجار تورم بود. یکی از دلایلی که فدرال رزرو اکنون با افزایش نرخ بهره به دنبال سرکوب تورم است، جلوگیری از اتفاقی مشابه است. هر چند افزایش نرخ بهره نیز منجر به ورشکست شدن دومینووار بانک‌ها و ایجاد یک رکود اقتصادی شدید خواهد

1. <https://www.brown.edu/news/2020-01-21/polarization>.

2. https://www.reddit.com/r/wallstreetbets/comments/rtcf2j/us_dollar_loses_attractiveness_as_reserve/

شد. نمودار زیر ارتباط خلق پول و تورم را با کاهش ذخایر دلاری کشورها به خوبی نشان می‌دهد.

US Dollar Share of Global Reserve Currencies

% of allocated reserves, year-end, except 2022 = Q3



تصویر ۷۰: کاهش سهم دلار از ذخایر ارزی جهانی ۲۰۲۲ میلادی / منبع: صندوق بین‌المللی پول^۱

● ضعف در مدیریت و رهبری

مرحله هفدهم از مراحل افول یک ابرقدرت، مربوط به «ضعف در مدیریت» است. شرایط متلاطم بهره‌وری را تضعیف کرده، پای اقتصاد را کوچک و باعث درگیری بیشتر در مورد نحوه تقسیم منابع در حال کاهش می‌شود. رهبران پوپولیست از هر دو طرف ظهور می‌کنند و متعهد می‌شوند که کنترل را در دست بگیرند و نظم را برقرار کنند. در آن زمان است که دموکراسی به دلیل ناتوانی در کنترل هرج و مرج و به این دلیل که در

1. https://www.reddit.com/r/wallstreetbets/comments/rtcf2i/us_dollar_loses_attractiveness_as_reserve/

حال حرکت به سمت یک رهبری پوپولیستی قوی است - که احتمالاً خودش از بین برنده نظم است - بیشتر به چالش کشیده می‌شود. نشریه آمریکایی هیل^۱ در گزارشی با عنوان «ضعف مدیریتی بایدن؛ بزرگ‌ترین تهدید علیه امنیت ملی آمریکا» که توسط کوین بروک^۲، دستیار سابق مدیر FBI نوشته شده، تصریح کرده است که نیاز به یک رهبری قوی در آمریکا هیچ‌گاه به اندازه این روزها احساس نشده و دولت بایدن خود را ناتوان از اتخاذ تصمیمات احتیاطی اساسی نشان داده است. این نشریه می‌گوید که دولت بایدن، حتی از سوی برخی متحدان سنتی، به دلیل محاسبات اشتباه نفس‌گیرش مورد سرزنش قرار می‌گیرد و این سرزنش نیز به حق است.^۳ همچنین روزنامه تایمز^۴ پس از روی کار آمدن ترامپ در گزارشی تصریح می‌کند که اندازه‌گیری مقیاس اختلال ترامپ، دشوار است. او هیچ‌گاه در هیچ‌کدام از مناصب دولتی نبوده و به هیچ چیز جز سود شخصی خودش فکر نکرده است.^۵

● جنگ شهری و فراهم شدن بستری برای انقلاب‌ها

مرحله آخر افول یک ابرقدرت، یعنی مرحله هجدهم نیز به «جنگ شهری و فراهم شدن بستری برای انقلاب» اشاره می‌کند. با تشدید درگیری در داخل کشور، نوعی انقلاب یا جنگ داخلی برای توزیع مجدد ثروت و ایجاد تغییرات بزرگ، بسیار محتمل می‌شود. این می‌تواند صلح‌آمیز باشد و نظم داخلی موجود را حفظ کند، اما اغلب خشونت‌آمیز است و نظم سابق را تغییر می‌دهد. به عنوان مثال، انقلاب روزولت برای توزیع مجدد ثروت نسبتاً صلح‌آمیز بود. در حالی که انقلاب‌هایی که در دهه ۱۹۳۰ میلادی نظم داخلی را در آلمان، ژاپن، اسپانیا، روسیه و چین تغییر داد، بسیار خشن‌تر بودند. در ۴۲ سال گذشته ایالت‌ها و شهرهای مختلف آمریکا بیش از ۲۰ بار برای جدایی از ایالات متحده تلاش کرده‌اند. یک نظرسنجی بین‌المللی در سپتامبر ۲۰۱۷ میلادی نشان داد که ۶۸

1. The Hill.

2. Kevin R. Brock.

3. <https://thehill.com/opinion/white-house/569012-bidens-weak-leadership-is-now-americas-top-national-security-threat/>

4. The Times.

5. <https://www.euronews.com/2016/12/07/time-calls-donald-trump-president-of-the-divided-states-of-america>

درصد از آمریکایی‌ها تمایل به جدایی ایالت‌های ایالات متحده داشتند. نظرسنجی رویترز-ایپسوس^۱ در سال ۲۰۱۴ میلادی نشان داد که ۲۴ درصد از آمریکایی‌ها از جدایی ایالت خود از اتحادیه در صورت لزوم حمایت می‌کنند. پاسخ‌دهندگان از بن‌بست، تسلط بیش از حد دولت و از دست دادن ایمان به دولت فدرال به عنوان دلایل تمایل به جدایی یاد کردند. یک نظرسنجی در سال ۲۰۲۱ میلادی نشان داد که ۵۲ درصد از رأی‌دهندگان ترامپ و ۴۱ درصد از رأی‌دهندگان بایدن از تقسیم ایالات متحده به چندین کشور بر اساس خطوط احزاب سیاسی حمایت می‌کنند. این نظرسنجی ایالات متحده را به پنج منطقه جغرافیایی گروه‌بندی کرد و دریافت که ۳۷ درصد از آمریکایی‌ها طرفدار جدایی منطقه خود هستند.^۲

مراحل ذکر شده در رابطه با ایالات متحده می‌تواند به خوبی جایگاه این کشور را در جهان مشخص کرده و نشان‌دهنده افول این کشور و شروع یک نظم جدید جهانی است.

دیدگاه گراهام آلیسون در مورد افول آمریکا با استدلال برابری قدرت خرید

دکتر گراهام آلیسون^۳ با سابقه پنج دهه تدریس علوم سیاسی در دانشگاه هاروارد، یک تحلیلگر برجسته امنیت ملی است که علاقه خاصی به مطالعه روسیه و چین دارد. لازم است پیش از پرداختن به دیدگاه آلیسون در مورد افول آمریکا کمی درباره جایگاه او در عرصه سیاسی ایالات متحده بیشتر بدانیم. آلیسون مؤسس و رئیس مدرسه دولتی جان اف کندی^۴ هاروارد بود و به عنوان دستیار وزیر دفاع در اولین دولت کلینتون، بالاترین جایزه غیرنظامی وزارت دفاع، مدال ممتاز برای خدمات عمومی را دریافت کرد. او در هیئت‌های مشورتی وزیر امور خارجه، وزیر دفاع و رئیس سیا خدمت کرد و در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی این نهادها نقشی جدی داشته است.

1. Reuters/Ipsos.

2. https://en.m.wikipedia.org/wiki/Secession_in_the_United_States.

3. Graham Allison.

4. John F. Kennedy.

آلیسون در یادداشتی تحت عنوان «چین اکنون بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است» که در ۱۵ اکتبر سال ۲۰۲۰ میلادی توسط نشنال اینترست منتشر گردید، می‌آورد:

بدیهی است که اندازه‌گیری اندازه اقتصاد یک کشور پیچیده‌تر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد. علاوه بر جمع‌آوری داده‌ها، نیاز به انتخاب یک معیار مناسب دارد. به‌طور سنتی، اقتصاددانان از معیاری به نام MER (نرخ ارز در بازار)^۱ برای محاسبه تولید ناخالص داخلی استفاده می‌کردند. در این روش اقتصاد ایالات متحده به عنوان پایه در نظر گرفته می‌شود، سپس همه کالاها و خدمات تولید شده توسط اقتصاد آنها را به واحد پول خود جمع می‌کند و سپس کل آن را به دلار آمریکا با «نرخ ارز بازار» فعلی تبدیل می‌کند. طبق این روش برای سال ۲۰۲۰ میلادی، ارزش تمام کالاها و خدمات تولید شده در چین ۱۰۲ تریلیون یوان پیش‌بینی شده است. با تبدیل به دلار آمریکا با نرخ بازار ۷ یوان به ۱ دلار، چین تولید ناخالص داخلی ۱۴٫۶ تریلیون دلار در مقابل، تولید ناخالص داخلی ایالات متحده ۲۰٫۸ تریلیون دلار خواهد داشت.

اما فرض این مقایسه این است که مقدار کالایی که می‌توان با ۷ یوان در چین خرید با مقدار کالایی که می‌توان با ۱ دلار در ایالات متحده خریداری کرد مساوی است. بدیهی است که این‌طور نیست. برای سهولت درک این نکته، مجله اکونومیست^۲ «شاخص بیگ مک»^۳ را ایجاد کرد. همان‌طور که این شاخص نشان می‌دهد، یک مصرف‌کننده چینی می‌تواند یک ساندویچ بیگ مک کامل را در پکن به قیمت ۲۱ یوان خریداری کند. اگر او این یوان را با نرخ فعلی تبدیل کند، ۳ دلار خواهد داشت. این فرد چینی با ۳ دلار فقط نیمی از همان ساندویچ بیگ مک را در ایالات متحده می‌تواند بخرد. به عبارت دیگر، هنگام خرید بیشتر محصولات از همبرگر و تلفن‌های هوشمند، به موشک و پایگاه‌های دریایی، چینی‌ها تقریباً دو برابر بیشتر دریافت می‌کنند. با درک این واقعیت، در دهه گذشته، سیا و صندوق بین‌المللی پول معیار مناسب‌تری برای مقایسه اقتصادهای ملی ایجاد کرده‌اند که به آن PPP (برابری قدرت خرید) می‌گویند.

1. market exchange rates.

2. The Economist.

3. Big Mac Index.

همان‌طور که گزارش صندوق بین‌المللی پول توضیح می‌دهد، PPP «تفاوت‌های سطح قیمت‌ها را بین اقتصادها حذف می‌کند» و در نتیجه اقتصادهای ملی را از لحاظ اینکه هر کشور چقدر می‌تواند با پول خود با قیمت اقلامی که در آنجا به فروش می‌رسد، مقایسه کند. در حالی که MER به این سؤال پاسخ می‌دهد که چینی‌ها با قیمت‌های آمریکایی چقدر کالا دریافت می‌کنند، PPP به این سؤال پاسخ می‌دهد که چینی‌ها چقدر با قیمت‌های چینی کالا دریافت می‌کنند. در مجموع، در حالی که معیاری که اکثر آمریکایی‌ها به آن عادت دارند هنوز نشان می‌دهد که اقتصاد چین یک سوم کوچکتر از ایالات متحده است، وقتی کسی این واقعیت را تشخیص دهد که با یک دلار در چین تقریباً دو برابر ایالات متحده می‌تواند خرید کند، به این حقیقت خواهد رسید که اقتصاد چین امروز یک ششم بزرگتر از اقتصاد آمریکا است. گزارش صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که اقتصاد چین یک ششم بزرگتر از اقتصاد آمریکا (۲۴/۲ تریلیون دلار در مقابل ۲۰/۸ تریلیون دلار) است. صندوق بین‌المللی پول چشم انداز اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۰ را ارائه و یک مرور کلی از اقتصاد جهانی و چالش‌های پیش رو اعلام نمود. ناخوشایندترین واقعیت در گزارش این است که آمریکایی‌ها نمی‌خواهند بشنوند و حتی وقتی آن را می‌خوانند، از پذیرش آن سرباز می‌زنند. برای اینکه ایالات متحده با چالش چین مقابله کند، آمریکایی‌ها باید از خواب بیدار شوند و این نکته را بفهمند که چین از آنان در رقابت برای کسب رتبه اول اقتصاد جهان عبور کرده است.^۱

دیدگاه فریدمن و هرتز در مورد افول آمریکا با استدلال شکاف طبقاتی

دکتر هرشی فریدمن،^۲ استاد یهودی گروه مدیریت بازرگانی کالج بروکلین^۳ نیویورک و سارا هرتز^۴ عضو گروه تجارت، مدیریت و اقتصاد کالج امپایر استیت^۵ در سال

1. <https://nationalinterest.org/feature/china-now-world%E2%80%99s-largest-economy-we-shouldn%E2%80%99t-be-shocked-170719>.

2. Hershey Friedman.

3. Brooklyn College.

4. Sara Hertz.

5. Empire State College.

۲۰۱۵ میلادی پژوهشی را تحت عنوان «آیا ایالات متحده همچنان بهترین کشور جهان است؟» نوشته و منتشر کردند. نویسندگان در قسمت نتیجه‌گیری این مقاله آورده‌اند:

وقتی کشوری نسبت به فقرای کارگر دلسوزی ندارد، این نشانه آن است که مشکلی جدی وجود دارد. یک مطالعه در سال ۱۳٪ میلادی نشان داد که مدیران تقریباً ۳۳۱ برابر بیشتر از میانگین کارگران شرکت‌های خصوصی و حدود ۸۰۰ برابر حداقل دستمزد فدرال درآمد دارند و نسبت دستمزد مدیر عامل به حداقل دستمزد کارگران خیلی بد بود. این ممکن است یکی از دلایلی باشد که ایالات متحده را در میان کشورهای با بالاترین سطح نابرابری قرار می‌دهد. حدود ۲۵ درصد از کودکان زیر ۵ سال در فقر زندگی می‌کنند. جوزف استیگلیتز^۱ (۲۰۱۴ میلادی) به این سؤال پاسخ می‌دهد که چرا در ایالات متحده نابرابری درآمد تا این حد خارج از کنترل است: نظام سیاسی آمریکا تحت تسلط سرمایه و پول است. نابرابری اقتصادی به نابرابری سیاسی تبدیل می‌شود و نابرابری سیاسی منجر به افزایش مجدد نابرابری اقتصادی می‌شود. در واقع، این موضوع بر لابی صاحبان ثروت برای طراحی قوانین بازی به نفع خود از طریق سیاست استوار است. مثلاً با کاهش رفاه برای فقرا، رفاه شرکت‌ها افزایش می‌یابد. کنگره، یارانه‌ها را برای کشاورزان ثروتمند حفظ می‌کند؛ در صورتی که حمایت‌های تغذیه‌ای برای نیازمندان را کاهش می‌دهد. صدها میلیارد دلار به شرکت‌های دارویی و یا بانک‌هایی که بحران مالی جهانی را به وجود آوردند، داده می‌شود؛ در حالی که پول ناچیزی نصیب صاحبان خانه‌ها و قربانیان شیوه‌های وام‌دهی غارتگرانه همان بانک‌ها می‌شود. ایالات متحده زمین بازی برابر ندارد. همه چیز به نفع افراد بسیار ثروتمند انجام می‌شود و برای فقرای کارگر کاری انجام نمی‌شود. نویسندگان در آخرین جملات این کتاب تأکید می‌کنند که ادامه این مسیر تضمین می‌کند که آمریکا به زودی جایگاه هژمون خود را در عرصه جهانی از دست خواهد داد.^۲

1. Joseph Stiglitz.

2. <https://ssrn.com/abstract=2622722>.

دیدگاه آلفرد مک کوی در مورد افول آمریکا با استدلال عناصر سه‌گانه

آلفرد مک کوی^۱ نویسنده کتاب «در سایه قرن آمریکایی (ظهور و افول قدرت جهانی آمریکا)»، یکی از چهره‌های شناخته شده تاریخ‌نگاری و تحلیل مسئله هژمونی و همچنین از مورخین برجسته دنیا است که در دانشگاه ویسکانسین-مدیسون^۲ آمریکا به مطالعه و تدریس تاریخ اروپا و آسیا می‌پردازد. او اولین کسی بود که نقش سازمان سیا و دولتمردان آمریکایی را در قاچاق هروئین در جنوب شرقی آسیا افشا کرد و موجب بروز جنجال‌های زیادی در این زمینه شد. مک کوی، مسیری را که آمریکا برای هژمونی و ابرقدرت شدنش طی کرده ترسیم می‌کند و روش‌های استعماری این دولت برای دستیابی به این جایگاه را شرح می‌دهد. او در این کتاب توضیح می‌دهد از آنجایی که ایالات متحده تلاش می‌کند تا قدرت خود را که از مدت‌ها پیش رو به زوال رفته به هر قیمتی حفظ کند، سه عنصر مهم در تمامی اقداماتش دیده می‌شود. اول «نظارت بی‌سابقه جهانی» و دوم «جنگ سایبری پیشرفته» است. زیربنای هر دوی اینها سومین عنصر می‌باشد که «سرپیچی از قوانین بین‌الملل» است. مک کوی در پایان نتیجه می‌گیرد که همین سه عنصر ممکن است چیزهایی باشند که هژمونی جهانی آمریکا را تضعیف کند. وی در این کتاب مجموعه‌ای از سناریوها و راه‌هایی را که می‌توانند برای پایان دادن به هژمونی آمریکا مؤثر باشند، توصیف می‌کند؛ از جمله ظهور امپراتوری چین، بلوک‌های قدرت منطقه‌ای که حول کشورهای در حال رشد ساخته شده‌اند، تقویت اختلافات داخلی و کاهش قدرت اقتصادی ایالات متحده، بحران‌های منطقه‌ای، وقوع یک جنگ جهانی تمام عیار به دلیل رویارویی با چین، یک فاجعه جهانی ناشی از تغییرات آب و هوایی و مسائلی از این دست که هر کدام به تنهایی می‌تواند اتفاق بیفتد و منجر به کاهش چشمگیر قدرت جهانی آمریکا تا سال ۲۰۳۰ میلادی شود.^۳

1. Alfred McCoy.

2. Wisconsin-Madison.

3. <https://www.publishersweekly.com/978-1-60846-773-0>.

دیدگاه افکار عمومی آمریکا در مورد فروپاشی ایالات متحده

بر اساس یک نظرسنجی جدید که توسط Axios-Ipsos انجام شده و احساسات آمریکایی‌ها را در مورد وضعیت کشورشان به طور کلی ارزیابی می‌کرد، حدود ۷۹ درصد از پاسخ‌دهندگان با این جمله موافق بودند که «آمریکا در حال فروپاشی است». لذا به نظر می‌رسد اکثریت آمریکایی‌ها موافق این هستند که این کشور در حال «تجزیه» است. در این نظرسنجی اکثریت قریب به اتفاق شهروندان آمریکایی، آینده‌ای تیره و تاریک برای ثروتمندترین و با نفوذترین کشور جهان در قرن بیستم متصور هستند. به عبارت دیگر، آمریکایی‌ها ممکن است در مورد اینکه چرا آمریکا در حال «تجزیه» است، اختلاف نظر داشته باشند؛ اما این احساس تقریباً متفق القول مبنی بر اینکه مادر یک آشفتگی واقعی هستیم، نشانه‌ای ناگوار برای آینده این کشور است.^۱

یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۹ که توسط مرکز تحقیقاتی پیوانجام شد نشان می‌دهد که اکثریت آمریکایی‌ها پیش‌بینی می‌کنند که اقتصاد ایالات متحده در سال ۲۰۵۰ میلادی، ضعیف‌تر از سال ۲۰۱۹ میلادی خواهد بود. همچنین، این نظرسنجی می‌گوید اکثریت مردم معتقدند که ایالات متحده «کشوری با بدهی ملی رو به رشد، شکاف گسترده‌تر بین ثروتمندان و فقرا و نیروی کار در معرض تهدید است».^۲

دیدگاه یوشکا فیشر درباره افول غرب با استدلال ضعف‌های داخلی غرب

یوشکا فیشر،^۳ وزیر اسبق امور خارجه آلمان (۱۹۹۸-۲۰۰۵ میلادی) به عنوان یکی از محبوب‌ترین سیاستمداران مشهور زمان خود در سطح آلمان و اروپا مطرح بود و در جهت پویایی سیاست خارجی آلمان، همگرایی و گسترش اتحادیه اروپایی و ارتقای جایگاه این اتحادیه در سطح جهانی بسیار فعال عمل کرد. اما پس از همه این تلاش‌ها نامیدانه، کتابی تحت عنوان «افول غرب: اروپا در نظم جهانی قرن ۲۱» را

1. <https://www.axios.com/2021/01/14/poli-america-falling-apart>.

2. <https://futurism.com/the-byte/america-falling-apart>.

3. <https://www.pewresearch.org/social-trends/2019/03/21/public-sees-an-america-in-decline-on-many-fronts>.

4. Yushka Fisher.

تألیف و منتشر می‌نماید. فیشر در این تأکید کتاب ضمن بر این موضوع که امور هرگز همانند گذشته به نفع غرب پیش نخواهد رفت و زمان پایان همبستگی فراتلانتیکی رسیده است از موضوعاتی نظیر «مسئله برگزیت»^۱، «ظهور چین»، «رویکرد تهاجمی روسیه» و «ملی‌گرایی روز افزون در اروپا» به عنوان مهم‌ترین دلایل خود درباره افول تدریجی غرب و اروپا نام می‌برد. فیشر در این کتاب می‌نویسد همه می‌دانند که مرکز قدرت در نهایت دوباره به آسیا منتقل می‌شود. نویسنده در این کتاب بیش از هر چیز بر ضعف‌های داخلی غرب تأکید می‌کند تا توضیح دهد که چرا نقش رهبری آن در امور جهانی به پایان رسیده است.^۲

فیشر علاوه بر عوامل خارجی، عوامل داخلی را نیز از جمله عوامل ضعف و شکنندگی سیاست همگرایی اروپایی می‌داند و بر این باور است که اتحادیه اروپا فاقد وزن و انسجام لازم برای اقدام در سطح قاره و جهان است. وی با ذکر برخی عوامل و دلایل داخلی زمینه افول تدریجی اروپا می‌افزاید:

«اروپا با چارچوب‌های امنیتی نظامی ناکارآمد روبرو است. نهادهای تأثیرگذار اروپایی قدرت پیشین خود را از دست داده‌اند. اروپاستیزان در حال ظهور هستند و رژیم‌های تسلیحاتی و هسته‌ای در حال تضعیف شدن است».

وی ضمن اشاره به نقاط ضعف داخلی غرب، به ظهور چین اشاره می‌کند و می‌افزاید ظهور این قدرت جدید، امری اجتناب‌ناپذیر است و دست برتر چین در فناوری‌های نوین، موجب از دست رفتن این مزیت در اروپا شده است. هر چند چین اگر چه به راحتی از قدرت نرم آمریکا عبور نمی‌کند، اما با فهم دقیق نسبت به عوامل مؤثر در ایجاد برتری جهانی یعنی فناوری‌های نوآورانه توانسته گام‌های بزرگی بردارد. این تحول، در حالی صورت گرفته که اروپا بر خلاف قرن بیستم که دست بالای تکنولوژیکی را داشت، در قرن بیست و یکم نه تنها هیچ مزیتی در این حوزه ندارد؛ بلکه شرکت‌های معتبر بین‌المللی برای جذب سرمایه در این حوزه را هم ندارد. در نهایت پیش‌بینی

1. Brexit.

2. <https://www.oliverstuenkel.com/2018/06/04/decline-century-joschka>.

می‌کند که سال‌ها در غرب، بین ملی‌گرایان (ناسیونالیست‌ها) و بین‌المللی‌گرایان (انترناسیونالیست‌ها)، بین آنهایی که نگاه به گذشته دارند و آنهایی که نگاه به آینده دارند و بین مدافعان وضعیت موجود ناپایدار و آنهایی که شجاعت مشارکت در ایجاد یک نظم جدید را دارند، تنش به وجود خواهد آمد و استمرار چنین تنش‌هایی باعث می‌شود تا اتحادیه اروپا به سمت واگرایی و ضعف بیشتر رفته و فروپاشی و تجزیه احتمالی بیشتر از همیشه در دسترس قرار گیرد.^۱

دیدگاه مایکل پمبروک در مورد افول آمریکا با استدلال بی‌توجهی این کشور به حقوق بین‌الملل

مایکل پمبروک،^۲ مورخ و قاضی بریتانیایی فارغ‌التحصیل از دانشگاه کمبریج در کتابی که تحت عنوان «آمریکا در سراسیمگی: افول رهبری ایالات متحده از جنگ جهانی دوم تا کووید-۱۹»، در سال ۲۰۲۱ میلادی منتشر کرد، ایالات متحده را به ناتوانی در انجام مسئولیت‌های خود به عنوان یک رهبر جهانی متهم می‌کند. او استدلال می‌کند که آمریکا از وعده‌اش پس از جنگ جهانی دوم مبنی بر ایجاد یک «نظم مبتنی بر قوانین» بر اساس نهادهای بین‌المللی دست کشیده و دولت‌های قبل از ترامپ استارت فاصله گرفتن ایالات متحده از سازمان‌های بین‌المللی را زده بودند. پمبروک با این استدلال که قدرت جهانی به طور اجتناب‌ناپذیری از آمریکا به آسیا در حال تغییر است، سیاست‌گذاران سیاست خارجی ایالات متحده را به خاطر خصومت بی‌اثرشان در قبال چین مقصر می‌داند و به این موضوع می‌پردازد که چگونه کشورهای آسیایی در حال تقویت قراردادهای تجاری خود با یکدیگر، ایجاد دفاع نظامی و ایجاد روابط با خاورمیانه، آفریقا و آمریکای لاتین هستند.

پمبروک با مروری بر جنگ‌های ویتنام، عراق و افغانستان، مداخلات در ایران، گواتمالا و شیلی عقب‌نشینی آمریکا از تعامل بین‌المللی با سازمان ملل، سازمان جهانی بهداشت و توافق‌های تجاری، و همچنین پشت کردن این کشور به اصول جهانی را

1. <https://www.oliverstuenkel.com/2018/06/04/decline-century-joschka>.

2. Michael Pembroke.

ترسیم و تشریح می‌کند. مایکل پمبروک در نهایت استدلال می‌کند که جهان اکنون وارد دوران پساآمریکا شده است.^۱

دیدگاه جیمز پتراس در مورد افول آمریکا با استدلال صدمات لابی صهیونیسم بر آمریکا

جیمز پتراس،^۲ استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه بیرمنگام، صدها مقاله و ده‌ها عنوان کتاب به رشته تحریر درآورده است. یکی از زمینه‌های تحقیقات پتراس، نقش لابی صهیونیسم در سیاست خارجی آمریکا است و او سیاست‌های تحمیل‌شده از سوی این لابی را عاملی می‌داند که موجب زوال قدرت آمریکا می‌شوند. پتراس در کتابی به نام «صهیونیسم، نظامی‌گری و افول قدرت آمریکا» به تفصیل به روشنگری درباره نقش لابی صهیونیسم در نظامی‌گری‌های آمریکا در منطقه پرداخته و بعد از آن به توضیح درباره عواملی پرداخته که موجب از بین رفتن قدرت آمریکا در دنیا می‌شود. به باور او، بعد از پایان جنگ جهانی دوم، اروپای غربی، ژاپن و اخیراً چین و روسیه به سمت شکوفا کردن قابلیت‌های اقتصادی خودشان حرکت کردند، در حالی که آمریکا با حرکت به سمت منافع لابی صهیونیسم به نظامی‌گری روی آورد. لذا همین عامل باعث زوال قدرت آمریکا خواهد شد.^۳

1. America in Retreat: The Decline of US Leadership from WW2 to Covid-19m, Michael Pembroke,

2. James Petras.

3. Zionism, Militarism and the Decline of US Power, James Petras, Clarity Press.

بخش چهارم

تفاوت‌های پیشرفت اسلامی ایرانی باتوسعه غربی

بدیهی است که الگوی توسعه کشورهای غربی الگوی کاملی برای رسیدن به قله سعادت مادی و معنوی جامعه ایرانی نیست. معضلات عدیده‌ای که مردم را در این کشورها به ستوه آورده و به‌طور مکرر آنها را برای اعتراض به خیابان‌ها می‌کشاند خود گواهی روشن بر این مدعا است. بحران‌هایی مانند شکاف طبقاتی گسترده که مردم آمریکا را در جنبش ۹۹ درصد به وال استریت و مردم فرانسه را در جنبش جلیقه زردها به خیابان‌های پاریس کشاند، فروپاشی نهاد خانواده و شیوع آزار و جرائم جنسی علیه بانوان که مردم اکثر نقاط دنیا را تحت قالب جنبش‌هایی مانند می‌تو (Me Too) به کف خیابان آورد و یا تغییرات شدید آب‌وهوایی که ناشی از رقابت ویرانگر کشورهای جهان در افزایش تولید ناخالص داخلی تحت هر شرایط است، همه و همه نشان می‌دهد الگویی که کشورهای غرب برای تولید ثروت اتخاذ کرده‌اند قابلیت تبعیت محض و بی‌چون و چرا نداشته و در کنار راهبردهای صحیح توسعه آنها بایستی به نکات منفی توسعه غرب نیز توجه جدی داشت.

در این فصل صرفاً به ۴ تفاوت الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی با مدل توسعه کشورهای غربی پرداخته می‌شود.

الف- پایبندی به معنویت و اخلاق

در مسیر طی شده کشورهای هلند، بریتانیا، آمریکا و دیگر کشورهای غربی به سمت توسعه اقتصادی یک مسئله مشترک وجود دارد و آن این است که هر چقدر آنها به قدرت و ثروت بیشتری دست پیدا کردند و هرچقدر طبقات بالای درآمدی قدرت مصرف بیشتری یافتند، زمینه فسادهای اخلاقی و بزه‌های اجتماعی در آن جوامع بیشتر شد.

در اواسط قرن ۱۷ میلادی، زمانی که امپراتوری هلند به اوج قدرت خود در سطح جهان رسیده بود، میزان فساد جنسی و مصرف مشروبات الکلی به قدری گسترش یافته بود که برخی کارشناسان معتقدند شرایط آن از وضعیت امروز هلند که از مراکز اصلی فحشای قانونی در جهان است، نیز بدتر بوده است. بنجامین رابرتز، نویسنده کتاب «روابط جنسی، مواد مخدر و موسیقی راک»، این مسئله را این‌طور جمع‌بندی می‌کند:

«مشروبات الکلی و رابطه جنسی غیرقانونی در عصر طلایی هلند مانند امروز رایج بود، اگر نگوییم بیشتر از امروز بود».

کتاب رابرتز، روایتی متعادلکننده درباره نسل مردان جوانی است که در جمهوری هلند در دوران رونق اقتصادی اوایل قرن هفدهم به بلوغ رسیدند. برخلاف میل والدینشان، نسل جوان در تجمعات بزرگ شدند و لباس‌های مجلل می‌پوشیدند، موهای خود را بلند می‌کردند و وقت خود را با نوشیدن مشروب و سیگار تلف می‌کردند. آنها فرهنگ جدید جوانان هلندی را با افراط و تفریط ایجاد کردند. رابرتز با سبک داستان‌سرایی جذاب و حکایات طنزآمیز خود به‌طور قانع‌کننده‌ای نشان می‌دهد که رفتار انحرافی جوانان مرد در همه زمان‌ها رایج است، به‌ویژه دوره‌هایی که جوانان پول زیادی دارند و وقت آزاد زیادی دارند.^۱

در ایالات متحده نیز در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی که اوج شکوفایی و عصر طلایی اقتصاد این کشور بود، جوانان به سمت روابط جنسی نامشروع رفته و با برگزاری راهپیمایی اعتراضی علناً خواستار آزادی روابط جنسی شدند. ظهور پدیده‌هایی مانند «دختران بد»، مطالبه حق سقط جنین و آزادی روابط مربوط به این دوره تاریخی است.^۲

1. Roberts, Benjamin B. Sex, Drugs and Rock "n" Roll in the Dutch Golden Age. Amsterdam University Press, 2017. <https://doi.org/10.2307/j.ctt1zkjxtj>.
2. Linehan, Mary, 'Sex, Abortion, and Prostitution in the Lives of Gilded Age Chicago Girls', in James Marten (ed.), Children and Youth During the Gilded Age and Progressive Era (New York, NY, 2014; online edn, NYU Press Scholarship Online, 24 Mar. 2016), <https://doi.org/10.18574/nyu/9781479894147.003.0009>, accessed 14 Jan. 2024.

از آنجا که در توسعه غرب، اقتصادمحور است و همه چیز به نفع اقتصاد باید تعدیل شود، حتی اخلاق و معنویت نیز اگر نافی مسائل اقتصادی باشد و یا اگر در جایی با یکدیگر دچار اختلاف و چالش بشوند، اخلاق و معنویت بایستی به نفع اقتصاد تغییر کند. کشورهای غربی، مسئله اخلاق و معنویات مردم در سبک زندگی را به چالش کشیدند و یا برای تأمین بازار مصرف و بالا بردن درصد رشد GDP، فرهنگ مصرف‌گرایی و انواع بی‌بند باری و فسادهای اخلاقی را ترویج دادند.

جوامع غربی با آغاز انقلاب صنعتی به قدرت تولید انبوه دست پیدا کردند. تداوم تولید انبوه برای شرکت‌ها، وابسته به مصرف انبوه، توسط توده‌های مردم بود. مردمی که تاکنون فقط بر اساس نیاز ضروری خود خرید می‌کردند، اکنون می‌بایست به سمت مصرف انبوه‌گرایی پیدا می‌کردند. یکی از شخصیت‌های قرن بیستم آمریکا که نقش جدی و مهمی در این زمینه ایفا کرد، «ادوارد برنایز»^۱، خواهرزاده «زیگموند فروید»^۲ (روانکاو معروف اتریشی) است. او اولین شخصی بود که از ایده‌های فروید برای فریب^۳ توده‌ها استفاده کرد.

فروید معتقد بود که نیروهای اولیه جنسی و خشن^۴ در عمق ذهن همه انسان‌ها پنهان شده است؛^۵ نیروهایی که اگر کنترل نشود موجب تخریب و هرج و مرج در جامعه می‌شود. او آغاز جنگ جهانی اول و خشونت وحشتناک جنگ را به عنوان سندی برای یافته‌های خود در نظر گرفت و گفت از نظر روانکاو این حوادث کاملاً قابل پیش‌بینی بود. فروید باور داشت که دولت‌ها افسار نیروهای اولیه^۶ نوع بشر را آزاد کردند.

برنایز به این مسئله اندیشید که آیا می‌توان با مدیریت افکار عمومی و توده‌های مردم از طریق پروپاگاندا، آنها را به خرید و مصرف ترغیب کرد و برای تولید انبوه صورت

1. Edward Bernays.

2. Sigmund Freud.

3. Manipulation.

4. Primiative sexual and aggressive forces.

5. Cherry, Kendra. *Life and Death Instincts*. About psychology, n.d.

6. Primiative Forces.

گرفته در جامعه صنعتی آمریکا مشتری‌های بیشتری ایجاد کرد؛ لذا وی به ایده دایی خود، زیگموند فروید، روی آورد. به این روش، برنایز به شرکت‌های آمریکایی یاد داد چگونه می‌توانند توده‌ها و مردم را نسبت به کالا یا چیزهایی که تا به حال اصلاً نیازی به آن نداشتند، علاقه‌مند و خواستار کنند؛ یعنی ایجاد پیوند میان کالاهای تولیدشده به صورت انبوه و نیازهای ناخودآگاه مردم. برنایز به این نتیجه رسید که برای ایجاد مصرف انبوه، باید روحیه مردم آمریکا را از فرهنگ نیازا^۱ به فرهنگ میل^۲ تغییر دهد. باید به مردم یاد داد که حتی در مواقعی که نیازی وجود ندارد و یا کالای قبلی همچنان باقی است، میل به مصرف کالای جدید داشته باشند. باید امیال انسان بر نیازهای او^۳ غلبه کند. او این نکته را ارائه کرد که در خرید و مصرف فقط منطق مهم نیست، بلکه مهم این است که شما چیزی را می‌خرید که از خریدن و استفاده‌اش حس خوبی دریافت و بتوانید با کالا یا خدمت ارتباط عاطفی برقرار کنید.

همه چیز فدای اقتصاد

زمانی که اقتصادمحور باشد حتی حاضر شدند، از زن، شیء انگاری جنسی کنند و به تبلیغات جنسی روی آورند در نتیجه اخلاق را در جامعه کشتند تا دچار رکود نشده و فروش محصولاتشان افزایش یابد. یکی از اولین نمونه‌های استفاده از زنان و جذابیت‌های جنسی، تبلیغات شرکت «توباکو پی‌یرل»^۴ در سال ۱۸۷۱ است که تصویر یک زن برهنه را روی بسته محصول خود استفاده کرد. در سال ۱۸۸۵، شرکت دوک و پسران نیز کارت‌های تبلیغاتی حاوی تصاویر تحریک‌آمیزی از بازیگران زن را در پاکت‌های سیگار قرار دادند. شرکت دوک تا سال ۱۸۹۰ به برند پیشرو سیگار آمریکایی تبدیل شد.^۵

1. culture of need.

2. culture of desire.

۳. نیازها به مواردی اطلاق می‌شود که برای بقا ضروری هستند. از سوی دیگر، امیال مواردی محسوب می‌شود که افراد در زندگی می‌خواهند و حتی اگر فرد نتواند به آنها دست پیدا کند، خطری برای بقای او وجود ندارد. آرزوها برای همیشه در فرد رشد می‌کنند زیرا او بیشتر برای تحقق آنها تلاش می‌کند.

4. Pearl Tobacco.

5. https://www.academia.edu/66162450/The_Effect_of_Sexual_Imagery_in_Advertising.

استفاده از عناصر جنسی در تبلیغات برای برانگیختن علاقه جنسی بیننده استفاده می‌شود. تحقیقات نشان داده که تحریک جنسی مخاطب در یک آگهی بر ارزیابی کلی آگهی در ذهن او و شانس خرید آن کالا در آینده تأثیر می‌گذارد.^۱

یکی دیگر از برندهای پیش‌گام در استفاده از چنین جذابیت‌هایی در فروش، توسط شرکت صابون صورت وودبری انجام گرفت. شعار تبلیغاتی آنها که با تصاویر زوج‌های عاشق و وعده عشق و صمیمیت برای کسانی که از این محصول استفاده می‌کنند همراه بود، توسط آژانس جی. والتر تامپسون^۲ طراحی شد. این شعار با عنوان «زنانه که از این صابون استفاده می‌کنند دارای پوستی هستند که دوست دارید لمس کنید»^۳ چنان محبوب شد که وودبری تا دهه ۱۹۴۰ از آن استفاده می‌کرد. همچنین وودبری یکی از اولین شرکت‌هایی بود که در سال ۱۹۳۶ از برهنگی در تبلیغات خود استفاده کرد.^۴ بنا بر گزارش برخی شرکت‌های تحقیقاتی که در حوزه تبلیغات و بازاریابی فعالیت می‌کنند، در بیش از ۵۰ سال آزمایش اثربخشی تبلیغات، استفاده از تکنیک‌های تحریک شهوانی، به عنوان یک تکنیک بسیار بالاتر از حد متوسط در برقراری ارتباط با بازار شناخته می‌شود و نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که «موضوعات جنسی می‌فروشد»^۵ و در طول دهه‌ها به خوبی ثابت شده که استراتژی‌های بازاریابی حول محور رابطه جنسی موفق بوده‌اند.^۶

1. Berger, Arthur Asa (2015). Ads, fads and Consumer culture (Fifth ed.). Rowman & Littlefield. pp. 99-120.

2. JWT.

3. Cross, Mary (2002). A Century of American Icons: 100 Products and Slogans from the 20th-Century Consumer Culture. Greenwood Press. pp. 40-41. ISBN 978-0313314810.

۴. این آگهی که با نام «حمام خورشید» شناخته می‌شود، زنی برهنه را نشان می‌داد که روی پله‌ها به پهلوی دراز کشیده و پششش به دوربین است. این آگهی تبلیغ می‌کرد که صابون وودبری اکنون با فیلتر ضد آفتاب غنی شده است:

Sherrow, Victoria (2001). 'For Appearance' Sake: The Historical Encyclopedia of Good Looks, Beauty, and Grooming. Greenwood Publishing Group. p. 5. ISBN 1-573-56204-1.

5. Sex sells.

6. Streitmatter, Roger (2004). Sex sells!: The media's journey from repression to obsession. Basic Books.

۷. این مسئله به خوبی نشان می‌دهد که بروز و نمایش هرگونه نمادهایی که جاذبه جنسیتی دارند، تأثیر روانی قطعی و غیرقابل انکار اجتماعی دارد. لذا به عنوان مثال این سخن که پوشش و نحوه حضور افراد در بیرون از خانه امری کاملاً شخصی است حرف غیرقابل پذیرش و مخالف پژوهش‌های علمی است.

رشد اقتصادی، ماحصل تجارت جنسی

پس از طی کردن این مسیر، صنایع بزرگ جنسی را تشکیل دادند و از آن در حجم بالایی در حوزه اقتصاد استفاده کردند که منتج به افزایش درصد GDP شد. اکنون صنعت پورن، ۹۷ میلیارد دلار ارزش دارد^۱ طبق برخی گزارش‌های معتبر، تجارت جنسی در ایالات متحده، قانونی و یک صنعت ۱۴/۶ میلیارد دلاری است. بر اساس گزارش اداره آمار فدرال آلمان، تنها در آلمان، ارزش این صنعت ۱۶/۳ میلیارد دلار برآورد شده است. در کشورهایی مانند آلمان و یونان، تجارت جنسی کاملاً قانونی است.

جمهوری اسلامی در مسیر پیشرفت خود هیچ‌گاه معنویت و اخلاق را نه تنها فدای رشد اقتصادی که فدای هیچ چیز دیگری نمی‌کند. آثار تبلیغات ضد اخلاقی غرب در رسانه‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای، فضای مجازی و ... در جامعه ایرانی هم ظهور و بروز پیدا کرده است اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که پس از انقلاب اسلامی قطعاً معنویت در ایران روند فزاینده‌ای داشته است.

در جمهوری اسلامی پاسداشت مناسبات و شعائر مذهبی که بروزی از معنویت است، بی‌نظیر بوده است، مانند:

۱. استقبال گسترده جامعه از انجام شعائر اسلامی و انقلابی؛
۲. تشییع ده‌ها میلیونی پیکر مطهر شهید حاج قاسم سلیمانی در شهرهای اهواز، تهران، مشهد و کرمان و مشارکت گسترده مردمی در برگزاری مراسم سالگرد حاج قاسم؛
۳. حضور سالانه بیش از ۸۰۰,۰۰۰ نفر جهت برگزاری مراسم اعتکاف، در بیش از ۵,۵۰۰ مسجد کشور؛
۴. حضور چند میلیونی مشتاقان ایرانی ابا عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام در اجتماع اربعین حسینی، در کربلا؛
۵. برپایی جشن‌های مردمی، از جمله جشن باشکوه عید غدیر و نیمه شعبان؛
۶. برگزاری مراسمات عزاداری اهل بیت، به ویژه سید و سالار شهیدان عَلَيْهِ السَّلَام، با

1. <https://fightthenewdrug.org/how-does-the-porn-industry-actually-make-money-today/>

جمعیت انبوه میلیونی؛

۷. برپایی مراسم شهادت حضرت زهرا علیها السلام (قبل از انقلاب اسلامی، تقریباً فراموش شده بود)؛

۸. برپایی جشن‌های مردمی دهه کرامت در ۲,۰۰۰ نقطه کشور؛

۹. برگزاری مردمی صدها برنامه وحدت بخش در سراسر کشور در هفته وحدت؛

۱۰. برگزاری ده‌ها میلیون مراسم شب‌های قدر؛

۱۱. حضور میلیونی مادران به همراه کودک شیرخوار در همایش شیرخوارگان

حسینی، در بیش از ۴,۰۰۰ شهر و روستا و ۸۳۹ بقعه متبرک کشور؛

۱۲. حضور ۱۲,۰۰۰ نفر از زنان ورزشکار به صورت محجبه، در مسابقات بین‌المللی، با وجود تبلیغات گسترده بر ضد حجاب.

در انتها باید افزود که مسلماً وضعیت کنونی معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی ایران، با قله مطلوب آن فاصله زیادی دارد اما قطعاً وضعیت ما خیلی بهتر آغاز از انقلاب است. باید به این مهم توجه داشت که وضعیت حیا و عفاف پیش از انقلاب در اوج انحطاط بود. برای بهتر روشن شدن مسیر افزایش معنویت در جمهوری اسلامی بهتر است مواردی از فساد اخلاقی که در جامعه آن روز بیداد می‌کرد، بیان شود.

سران حکومت، طلایه دار فساد اخلاقی

سران پهلوی از سویی بی‌بندوباری و فحشا را ترویج می‌کردند و از سوی دیگر، با معنویت مبارزه جدی می‌نمودند. این مبارزه نه فقط در زمان رضاشاه، بلکه در زمان محمدرضا نیز به شدت ادامه داشت؛ مثلاً فرح کنگره زرتشتیان جهان را در ماه رمضان، در تهران برپا و به همین مناسبت، مجلس پذیرایی مفصلی با شامپاین (شراب فرانسوی)، در کاخ سلطنتی برگزار کرد.^۱

در جشن هنر شیراز، به ریاست فرح پهلوی، در خیابان فردوسی شیراز، برنامه آمیزش جنسی زن و مرد را در ماه رمضان ۱۳۵۶، به صورت زنده و در ملأعام اجرا کردند. این جشن، که به تعبیر فرح، «به منظور بزرگداشت هنر و هنرمند ایرانی، شناساندن

۱. ویلیام سولیوان و آنتونی پارسونز، *خاطرات دو سفیر*، ص ۳۹۰.

هنر قدیم و جدید ایران به ایرانیان و خارجیان و نیز برای پاسداشت هنرمندان خارجی و نمایاندن شیوه کار آنان به ایرانیان» طراحی و اجرا می‌شد، چیزی جز ابتذال و صحنه‌های مستهجن نبود.

آنتونی پارسونز در دیدار با شاه، برای نشان دادن عمق فاجعه‌ای که در جشن هنر شیراز می‌گذشت، به او می‌گوید:

«جشن هنر سال ۱۳۵۶ شیراز، از نظر کثرت صحنه‌های اهانت‌آمیز به ارزش‌های اخلاقی ایرانیان، از جشن هنر پیشین فراتر رفته بود. به عنوان مثال [...] یکی از صحنه‌هایی که در پیاده‌رو اجرا می‌شد تجاوز به عفت بود که به طور کامل، نه به طور نمایشی و وانمودسازی، به وسیله یک مرد کاملاً عریان یا بدون شلوار - درست به خاطر ندارم - با یک زن، که پیراهنش به وسیله مرد متجاوز چاک داده می‌شود، در مقابل چشم همه صورت گرفت. ولی موضوع به شیراز محدود نشد و طوفان اعتراضی که علیه این نمایش برخاست به مطبوعات و تلویزیون هم رسید. من به این خاطر، موضوع را با شاه در میان گذاشته و به او گفتم: «اگر چنین نمایشی به طور مثال، در شهر وینچستر انگلیس اجرا می‌شد، کارگردان و هنرپیشگان آن جان سالم به در نمی‌بردند!» شاه خندید و چیزی نگفت»^۱.

باری روبین، تحلیل‌گر آمریکایی، می‌نویسد:

«در دوران سلطنت پهلوی، در عرضه و معرفی فرهنگ و تمدن غربی به مردم ایران، بدترین و مبتذل‌ترین جنبه‌های این فرهنگ انتخاب شد که ضربه حاصل از آن، برای جامعه مذهبی و سنت‌گرای ایران تحمل‌کردنی نبود. فیلم‌های آمریکایی، که بیشتر از انواع مبتذل آن بودند، بیش از ۳۰ درصد برنامه‌های تلویزیونی و پرده‌های سینماها را اشغال کرده بود و آیت‌الله خمینی با اشاره به همین فیلم‌ها، سینما و تلویزیون را عامل اشاعه فساد و فحشا در ایران معرفی می‌کرد»^۲.

۱. آنتونی پارسونز، غرور و سقوط؛ خاطرات سفیر سابق انگلیس در ایران، ص ۹۱.

۲. باری روبین، جنگ قدرتها در ایران، ص ۱۹۴.

فسادپراکنی رژیم پهلوی فقط به این‌ها ختم نمی‌شود. با مقایسه‌ای ساده این موضوع روشن می‌شود.

— تعداد زنان دانشگاهی (۱۲,۸۸۴ نفر)^۱ کمتر از یک‌سوم تعداد زنان بدکاره (۵۰,۰۰۰ نفر)^۲ بود.

— تعداد کتابخانه‌های کل کشور (۲۹۰ کتابخانه)^۳ کمتر از یک‌سوم تعداد مشروب‌فروشی‌های فقط شهر تهران (۸۰۰ باب مغازه)^۴ بود.

— میزان مصرف آبجو روزانه در شهر تهران، ۴۰۰,۰۰۰ بطری بود و این در حالی بود که تعداد کتاب‌های منتشرشده^۵ کل سال در کشور، تنها ۲۰۰ عنوان کتاب^۶ بود.

— تعداد دانشگاه‌های کشور (۲۲۳ دانشگاه)^۷ کمتر از یک‌پنجم تعداد خانه‌های فساد (۱,۱۲۰ مرکز)^۸ بود که برخی از آنان در جهان سرآمد بودند، مانند کاباره^۹ شکوفه^{۱۰} نو، که یکی از چهار کاباره^{۱۱} معروف جهان بود.

— در دورانی که در ایران، به‌ندرت کارخانه‌ای دیده می‌شد، ۴۰ کارخانه^{۱۲} تولید مشروبات الکلی وجود داشت که در ۸۰۰ مرکز فروش مشروبات عرضه می‌شد.^{۱۳}

نکته مهم در این موضوع این است که خود حکومت با تخصیص بودجه به شکل مستقیم و غیرمستقیم به این ناهنجاری‌ها دامن می‌زد. به شکلی که مراکز و محله‌های بدنام و فاحشه‌خانه‌ها تبدیل به یک معضل اجتماعی شده و به حدی قارچ‌گونه، در سطح شهر پراکنده شده بود. کم‌کم این مراکز به‌عنوان پایگاه‌های جنایت، فساد، قتل و اعتیاد درآمدند. این اقدام که دقیقاً الگوبرداری از خانه‌های جوانان در آمریکا و اروپا

۱. سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

۲. سید جلال‌الدین مدنی، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، ج ۲، ص ۱۴۰.

۳. نهاد کتابخانه‌های کشور.

۴. سید جلال‌الدین مدنی، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، ج ۲، ص ۱۳۹.

۵. البته طبق خوش‌بینانه‌ترین آمار، این عدد ۱/۵۰۰ عنوان هم ذکر شده است (مصاحبه با مسئول اسناد کتابخانه ملی، فروردین ۹۷).

۶. ویلیام شوکراس، *آخرین سفر شاه*، ص ۴۱.

۷. گزارش مقایسه عملکرد وزارت علوم از ۵۷ تا ۹۴، به نشانی: public.msrt.ir/file/download/page/1485695853-1394-1357.pdf.

۸. سید جلال‌الدین مدنی، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، ج ۲، ص ۱۳۹.

۹. ویلیام شوکراس، *آخرین سفر شاه*، ص ۴۱.

به‌ویژه اسرائیل بود، به جهت جذب جوانان تأسیس شد و پس از آن انواع و اقسام نهادهای این‌چنینی در صف راه‌اندازی قرار گرفتند و عموماً سرچشمه شکل‌گیری انحطاط‌های اخلاقی و ایجاد سرگرمی‌های کاذب برای جوانان بودند.

یکی از این مراکز تحت عنوان «کاخ جوانان»^۱ در شمال، جنوب و غرب تهران و پس از مدتی در تبریز، رشت، کرمان، اصفهان، شهرری و سنندج تأسیس شد و ۱۵ شعبه در سراسر کشور ایجاد کرد. از دیگر مراکز فساد، کاباره، دیسکو، و کازینو بود که به مفهوم واقعی در زمان پهلوی شروع به کار کرد و سریعاً تبدیل به بنگاه به‌ظاهر شادی شد. این مراکز فساد تأثیر مخرب و عمیقی بر فرهنگ جاری در آن زمان گذاشت.



تصویر ۷۱: استفاده از تصاویر جنسی در سطح شهرها و نتایج مربوط به آن در دوره پهلوی

1. <https://mashruteh.org/>

حمایت از این رویه از سمت حکومت با موضع‌گیری سران آن زمان، روشن‌تر خواهد شد.

فرخ‌رو پارسا، وزیر آموزش و پرورش در دولت هویدا، در تربیت و پرورش فرزندان ایران، چنین دیدگاهی داشت:

«بکارت برای دختران چه معنا دارد؟! مگر در اروپا و آمریکا دختران باکره هستند؟»^۱

حمید نفیسی از منتقدین جمهوری اسلامی در یکی از برنامه‌های شبکه سلطنتی BBC درباره وضعیت زنان در سینمای دوران پهلوی به آمار عجیبی اشاره می‌کند و می‌گوید: از بررسی تعدادی از فیلم‌های سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۸ میلادی نشان می‌دهد:

«زنان در ۸۴ فیلم خواننده و رقص و فاحشه و کارگر کاباره بوده‌اند در حالی که کمتر از نیمی از آن فیلم‌ها یعنی ۳۳ فیلم، زنان نقش معلم، دانشجو، پرستار، اداری و محصل داشته‌اند و این نشان‌دهنده سیاست‌گذاری حکومت درباره زنان بوده است».^۲

ب- عدالت

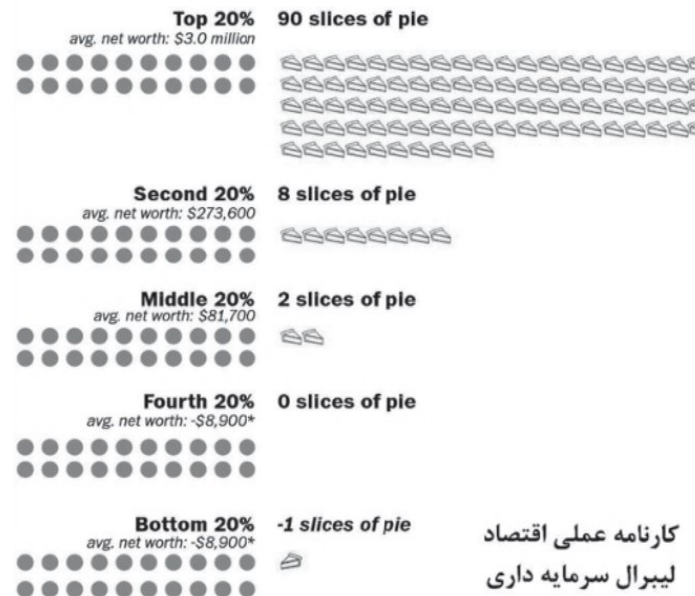
از نگاه انقلاب اسلامی در مسائل اقتصادی، عدالت «آرمان» و اقتصاد «ابزار» است. یعنی آرمان انقلاب اسلامی این است که عدالت در جامعه حکم‌فرما بشود و از پیشرفت اقتصادی به عنوان ابزاری استفاده می‌کند تا فقر را ریشه‌کن نماید و نابرابری را از بین ببرد، اما در مدل توسعه غربی، خود اقتصاد موضوعیت دارد یعنی اقتصاد نه به این معنا که معیشت مردم خوب باشد؛ اقتصاد از نگاه آنها یعنی تولید ثروت مهم‌تر از توزیع ثروت است. به همین دلیل در پارامترهای اقتصاد کلان جایی از توزیع ثروت نیست بلکه فقط رشد اقتصادی است که اولویت دارد. لذا برای افزایش رشد اقتصادی، عدالت را ذبح می‌کنند. با این استدلال که کیک اقتصاد هرچه بزرگ‌تر باشد

۱. محمدحسن طباطبایی، نفوذ فراماسونری در مدیریت نهادهای فرهنگی دهه ۱۳۴۰، ص ۲۰۹.

2. https://ansarclip.ir/wp-content/uploads/2023/12/VID_20231202_030213_639.mp4.

برای کسی که تکه کوچک‌تری از کیک دارد، بزرگ‌تر می‌شود و در تمام این مسیر منتهی به سرمایه‌داری در توسعه اقتصادی این کشورها، ضریب جینی و نابرابری افزایش می‌یابد. اما با بررسی آمارها و اطلاعات مراکز تحلیلی-آماري ایالات متحده آمریکا مشخص می‌شود رفاه عمومی در جامعه آمریکا، نه تنها افزایش نداشته، بلکه همان سهم اندک قشر کم‌درآمد جامعه آمریکا از کیک ثروت کشور نیز از دست آنها رفته است. تصویر ذیل، تقسیم واقعی کیک ثروت در بین مردم آمریکا را نشان می‌دهد.

Actual pie distribution



تصویر ۷۲: گزارش واشنگتن پست از وضعیت توزیع ثروت ایالات متحده آمریکا در میان مردم این کشور

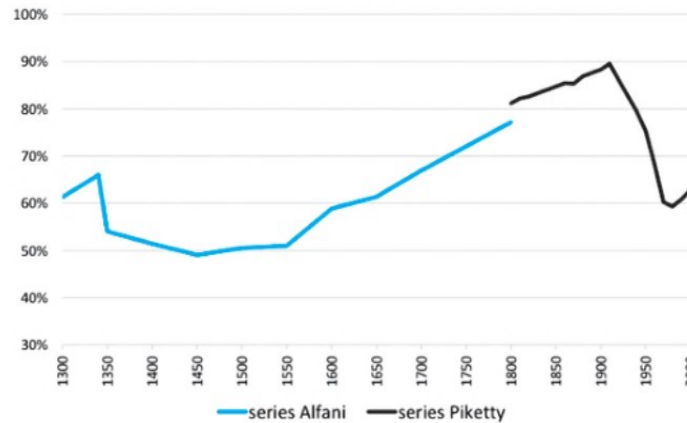
همان‌طور که در تصویر بالا مشاهده می‌شود، بنا بر گزارش واشنگتن‌پست، ۹۰ درصد از یک ثروت آمریکا به ۲۰ درصد ثروتمند جامعه آمریکا می‌رسد؛ ۸ درصد از یک ثروت آمریکا به ۲۰ درصد دوم و دو قسمت باقی‌مانده از کل یک ثروت کشور به ۲۰ درصد سوم جامعه آمریکا رسیده است. این در حالی است که ۴۰ درصد از مردم آمریکا، نه‌تنها سهمی از یک ثروت جامعه آمریکا نبرده‌اند، بلکه بنابراین گزارش، میانگین ثروت آنها، منفی ۸ هزار و ۹۰۰ دلار است؛ یعنی علاوه بر اینکه با بزرگ‌ترشان یک ثروت آمریکا، سهم یک قشر کم‌درآمد جامعه آمریکا بزرگ‌تر نشد، این قشر همان ثروت اندک خود را نیز ازدست‌داده و اکنون، بدهکار دولت و بانک‌ها نیز هست؛ به‌طوری که مطابق تصویر ذیل، سهم ۲۰ درصد کف جامعه آمریکا از یک ثروت کل کشور، منفی یک قسمت است.^۱

نادیده گرفتن عدالت در مسیر توسعه ابرقدرت‌ها

نمودار زیر که از گردآوری داده‌های اصلی در مورد نابرابری اقتصادی در شش کشور اروپایی - بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، هلند و بلژیک - بین سال‌های ۱۳۰۰ میلادی تا ۲۰۰۰ میلادی به دست آمده است، درصد ثروت متعلق به ۱۰ درصد برتر اروپا را در ۷۰ سال گذشته نشان می‌دهد. بسیار جالب توجه است:

۱. متن کامل این گزارش، در نشانی ذیل قابل دسترسی است:

<https://www.washingtonpost.com/news/wonk/wp/2017/12/06/the-richest-1-percent-now-owns-more-of-the-countrys-wealth-than-at-any-time-in-the-past-50-years/>



تصویر ۱:۷۳ سهم ۱ درصد ثروتمند جامعه از کل ثروت کشور/ نمودار آبی‌رنگ حاصل پژوهش آقای گیدو آلفانی، اقتصاددان ایتالیایی، و نمودار مشکی‌رنگ حاصل پژوهش آقای توماس پیکتی، اقتصاددان فرانسوی، است.^۱

این تصویر نشان می‌دهد که ثروتمندان با سرعتی بی‌وقفه بین سال‌های ۱۵۰۰، زمانی که حدود ۵۰ درصد از ثروت جامعه را در اختیار داشتند، و سال ۱۹۱۴، زمانی که حدود ۹۰ درصد را در اختیار داشتند، ثروتمندتر می‌شوند. این تقریباً ۴۰۰ سال نابرابری فزاینده بدون توقف است!

در طول تاریخ غرب، اوج نابرابری در دهه ۱۹۲۰ است که منجر به رکود بیشتری شده و مردم درآمد و توان خرید ندارند. در این دوره، نئوکینزی‌ها و شخص کینز سرکار می‌آیند و بیشتر به عدالت توجه دارند تا بتوانند به مردم خدمت کنند. با این حال این روند تداوم نداشته و به ذات خویش یعنی سرمایه‌داری و نسخه نئولیبرالیسم بازمی‌گردد و در نتیجه باز با افزایش نابرابری همراه است.

در چنین شرایطی جمهوری خواهان، شاخصه فلاکت را مطرح کردند تا آرمان‌های

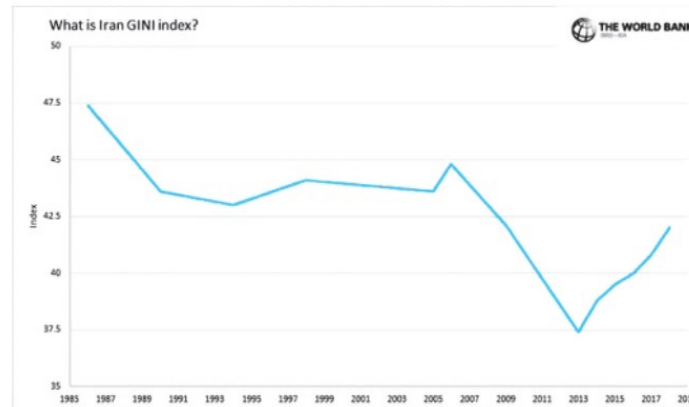
1. 700 years of Western inequality, in one chart - Vox.
<https://www.vox.com/world/2017/1/23/14323760/inequality-europe-chart>.

عدالت خواهانه دموکرات‌ها را رفع کرده و بتوانند مالیات را در هر زمانی دریافت و توزیع کنند. به عبارتی از این شاخص‌ها استفاده ابزاری کردند تا نشان دهند هدف، عدالت نیست بلکه هدف صرفاً رشد اقتصادی است و همچنین بیان نمایند که اگر توزیع ثروت اتفاق افتد، از رشد اقتصادی باز خواهیم ماند.

اقتصاد ابزار عدالت در ایران

ایران پیش از انقلاب اسلامی، مسیر غلطی را برای توسعه اقتصادی انتخاب کرد و به بیراهه رفت. با به‌کارگیری مدل توسعه غلط، ضریب جینی و نابرابری را افزایش داد. همان‌طور که توضیح داده شد هدف مدل غربی توسعه صرفاً تولید ثروت است و به توزیع آن توجهی نمی‌کند. رژیم پهلوی حتی همین مدل غلط را هم به دلایل مختلفی نتوانست اجرایی کند. اما ایران پس از انقلاب به دلیل پایبندی به آرمان عدالت تصمیم گرفت تا از این مسیر فاصله بگیرد. البته در این مسیر با لغزش‌هایی به‌ویژه در دهه ۷۰ روبه‌رو بوده است. در این دهه به دلیل نسخه‌برداری از مدل‌های غربی که نابرابری و له شدن مردم زیر چرخ‌های توسعه را برای پیشرفت کشور اجتناب‌ناپذیر می‌دانند، نابرابری‌ها افزایش یافت. با این حال سطح نابرابری‌ها هیچ‌گاه به سطح پیش از انقلاب بازنگشت. می‌توان گفت روند تغییرات نابرابری در ایران پس از انقلاب همواره کاهشی بوده است. زمانی که پایبندی به آرمان‌های انقلاب بیشتر بود، روند ما رو به کاهش بوده است.

در ایران پس از انقلاب ضریب جینی به‌عنوان شاخصی که نابرابری را نشان می‌دهد، از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۳، ۸٫۶ درصد کاهش داشته است. بر اساس مقاله‌ای که توسط بانک جهانی منتشر گردیده، در سال‌های آخر حکومت پهلوی، تغییرات ضریب جینی رو به افزایش بوده است. با توجه به اطلاعات منتشرشده توسط این مقاله، در سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۷۲، ضریب جینی در مناطق شهری، از ۴٫۰ به ۵٫۰ و در مناطق روستایی از ۳٫۷ به ۴٫۴ افزایش پیدا کرده است. همچنین در این گزارش آمده که بلافاصله پس از انقلاب اسلامی، ضریب جینی هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی، به عدد ۴٫۰ رسیده است.



تصویر ۷۴: روند تغییرات ضریب جینی در ایران، از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۷ شمسی^۱

یرواند آبراهامیان در کتاب خود، دربارهٔ توزیع درآمد حاصل از فروش نفت در اواخر حکومت پهلوی می‌نویسد:

«استراتژی رژیم سرازیر کردن ثروت نفتی به سوی نخبگان وابسته به دربار بود که بعدها کارخانه‌ها، شرکت‌ها و واحدهای کشت و صنعت متعددی را تأسیس کردند. ثروت به لحاظ نظری، به صورت قطره‌ای، به پایین جریان می‌یافت، اما در عمل، در ایران، همانند بسیاری از دیگر کشورها، همچنان به بالا چسبیده بود و مسیرش به رده‌های پایین‌تر نردبان اجتماعی، روز به روز کمتر می‌شد. ثروت، همانند یخ در آب گرم، در فرایند دست‌به‌دست شدن، ذوب می‌شد و نتیجهٔ آن نیز چندان تعجب‌آور نبود. در دههٔ ۱۹۵۰ میلادی (۱۳۳۰ ش)، ایران یکی از مشکل‌دارترین کشورهای جهان سوم به لحاظ توزیع نابرابر درآمدها بود، اما بنا بر گزارش سازمان بین‌المللی کار در دههٔ ۱۹۷۰ میلادی (۱۳۵۰ ش)، به یکی از بدترین کشورهای جهان تبدیل شد».^۲

1. knoema.com/atlas/Iran/topics/Poverty/Income-Inequality/GINI-index.

۲. یرواند آبراهامیان، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، ص ۲۵۲.

پیتر آوری، در گزارش هولناکی از ایران بیان می‌کند:

هنوز در کشور مناطقی وجود داشت که در آنجا، دانش‌آموزان مدارس از فرط گرسنگی، از علف و گل‌وبوته سبزینه‌های وحشی برای خود در حیاط مدرسه صبحانه درست می‌کردند. به عبارتی دیگر، نرخ سالانه رشد اقتصادی در سال ۱۹۵۴م [۱۳۳۲ شمسی] بین ۵ تا ۶ درصد را نشان می‌داد که این رقم نشانگر یک شکاف نسبتاً گسترده میان ثروتمندان و فقرا بود.^۱

ج- پابندی به اصول انسانی در روابط بین الملل و دوری از خوی استعمارگری در ارتباط با کشورهای ضعیف‌تر

استعمار و هژمونی نقش مهمی در شکل دادن به تاریخ کشورهایمانند هلند، انگلستان و ایالات متحده داشته است. همه این کشورها سابقه پیچیده‌ای از مداخله در کشورهای مختلف به انگیزه منافع اقتصادی، سیاسی و استراتژیک خود داشته‌اند. آلمان و ژاپن نیز پس از رسیدن به قدرت اقتصادی قصد داشتند پای استعمارگران سلف خود بگذارند که با شکست در جنگ‌های جهانی از سلطه طلبی خود بازماندند.

واقعیت این است که بسیاری از ثروت هلندی‌ها در دوران «عصر طلایی» از طریق استثمار مردم بومی، از طریق تسخیر و استثمار سرزمین‌شان، و بردگی و فروش مردم تحت سلطه به دست آمده است. تخمین زده می‌شود که در طول ۲۰۰ سال برده‌داری توسط هلندی‌ها، حدود ۵۵۰,۰۰۰ تا ۶۰۰,۰۰۰ آفریقایی به هلند منتقل شدند. این معادل حدود ۵ تا ۷ درصد از کل ۱۲ میلیون آفریقایی است که تخمین زده می‌شود از طریق تجارت برده در اقیانوس اطلس مجبور به بردگی شده‌اند.^۲

خانم شاو میکر، تاریخ‌دان انگلیسی هنگامی که بنا دارد به فقر مردم هلند در عصر طلایی اشاره کند، می‌گوید:

1. Peter Avery, Modern Iran, p483.

2. <https://www.nytimes.com/2019/10/25/arts/design/dutch-golden-age-and-colonialism.html>.

«ما معتقدیم که عصر طلایی هلند به‌نوعی داستان بردگان است و گذشته استعماری کشور را پنهان می‌کند. این نه‌تنها واقعیت بردگی را پنهان می‌کند، بلکه به‌طور کلی فقر خود هلندی‌ها را نیز می‌پوشاند. همه مردم هلند در عصر طلایی سهم نداشتند، هیچ‌گاه»^۱.

تجارت کثیف تا سال ۱۸۵۳ میلادی ادامه پیدا کرده و تا آن زمان، حدود ۱۲ میلیون نفر آفریقایی به‌عنوان برده با کشتی به اروپا منتقل شدند.^۲ از میان این انسان‌ها، تعداد بسیاری در کشتی و در مسیر رسیدن به اروپا جان خود را از دست داده و به دریا ریخته شدند؛ به‌طوری‌که حتی در تاریخ ذکر شده که مسیر حرکت کوسه‌ها در دریای آتلانتیک، به مسیر حمل و نقل برده‌های سیاه‌پوست تغییر پیدا کرده بود.^۳

اما به چه میزان، کشورهای غربی از قبل این حجم از نیروی کار رایگان، منفعت به دست آورده‌اند؟

محاسبه شده است که بین سال‌های ۱۶۱۹ تا ۱۸۵۳ میلادی که برده‌داری ممنوع شد، ایالات متحده آمریکا به‌تنهایی حدود ۲۲۲/۵ میلیون ساعت کار از محل نیروی کار رایگان بزدگان، بهره برده است. ارزش این میزان از کاهش هزینه آمریکا در پرداخت دستمزد کارگران با احتساب حداقل دستمزد، امروزه حدوداً معادل ۹۷ تریلیون دلار تخمین زده می‌شود.^۴

1. <https://glasgowmuseumsslavery.co.uk/2021/11/17/rethinking-the-dutch-golden-age/>

2. Ronald Segal, Black Diaspora, p. 4.

پراکندگی سیاهان، رونالد سگال، ص ۴.

3. Michel Marriott, Remembrance of Slave Ancestors Lost to the Sea, New York Times, June 19, 1994, Section 1, Page 25.

(یادی از بزدگان گم‌شده در دریا، مایکل ماریوت، منتشرشده در نشریه نیویورک تایمز، ۱۹ ژوئن ۱۹۹۴)

متن کامل این مقاله در نشانی ذیل در دسترس است:

<https://www.nytimes.com/1994/06/19/nyregion/remembrance-of-slave-ancestors-lost-to-the-sea.html>.

۴. این ارقام در سال ۱۹۹۳ میلادی توسط مجله هارپر منتشر شده است. نکته قابل توجه این است که در این محاسبه، حداقل دستمزد در سال ۱۹۹۳ میلادی در نظر گرفته شده است و ارقام معادل امروزی، بسیار بالاتر از این خواهد بود. به نقل از گزارش مرکز حقوق و سیاست ملی آمریکا، ص ۱.

Peter Flaherty and John Carlisle, The Case Against Slave Reparations, National Legal and Policy Center, P1.

متن کامل این گزارش در نشانی ذیل قابل دسترسی است:

<https://nlpc.org/wp-content/uploads/files/Reparationsbook.pdf>.

اروپایی‌ها و خصوصاً انگلیسی‌ها برای کشورهایی که تحت استعمار خود قرار دادند، علاوه بر تأمین سرمایه و نیروی انسانی رایگان، دو نقش دیگر را نیز در نظر گرفته بودند؛ تأمین غلات و محصولات کشاورزی و تبدیل شدن به بازار مصرف کالاهای صنعتی جهان غرب.

برای مثال، بریتانیا برای تأمین غلات خود پس از استعمار هند در قرن ۱۹، کشاورزان این کشور را مجبور کرد که محصولات گندم، برنج، کتان و تریاک خود را در عوض پرداخت مالیات و بدهی که خود بر مردم کشور هند تحمیل کرده بودند، به آنها بفروشند؛ اما انگلیسی‌ها علاوه بر اینکه نتوانسته بودند بازار کشور هند را برای فروش محصولات نساجی خود تصرف کنند، برای تصاحب بازار محصولات نساجی و پوشاک دیگر نقاط دنیا نیز با کشور هند چالش جدی داشتند و آن، عبارت بود از صنعت نساجی قدرتمند این کشور که با کیفیت‌ترین پارچه‌های دنیا را تولید می‌کرد. انگلیسی‌ها برای حذف این مانع، از همه ابزارهای قدرت خود استفاده کرده و از هیچ تلاشی برای برچیدن صنعت نساجی هند کوتاهی نکردند. ابتدا، به صنعت نساجی خود، یارانه صادراتی دادند؛ سپس، با اعمال زور و با استفاده از نیروی نظامی خود، تعداد بالایی از ماشین‌های بافندگی هندی‌ها را نابود کرده و با بافندگان و ریسندگان هندی برخورد جدی نمودند و حتی در برخی موارد، انگلستان آنان را نیز خرد کردند. مرحله آخر هم برای محصولات نساجی هند، تعرفه‌های سنگین گمرکی اعمال کردند. همه این تلاش‌ها، در انتها منجر به فروپاشی صنعت نساجی کشور هند شد. قبل از اینکه انگلیسی‌ها هند را تصرف کنند، هندی‌ها بیش از ۲۴ درصد از اقتصاد دنیا را تحت تملک خود داشتند؛ اما پس از اینکه بریتانیا هند را ترک کرد، سهم هند از اقتصاد دنیا به حدود ۴ درصد رسید.^۱

به‌طور مشابه، ایالات متحده مسیر توسعه‌طلبی خود را در طول قرن ۱۹، ۲۰ و ۲۱ میلادی دنبال کرد. ایالات متحده در قرن ۲۰ میلادی در بیش از ۵۰ کشور دنیا مداخله کرده است

1. Angus Madison, The World Economy: Historical Statistics, OECD, P 263.

(اقتصاد جهان: آمارهای تاریخی، آنگوس مدیسون، انتشارات سازمان همکاری و توسعه اقتصادی OECD، ص ۲۶۳)

تا بتواند دولتی حافظ منافع خود سرکار بیاورد.^۱ یکی از اولین قربانیان مداخلات آمریکا نیز کشور عزیزمان، ایران، در سال ۱۳۳۲ هجری شمسی بود که طعم شیرین استقلال با کودتای آمریکا به کام ملت ایران تلخ شد تا منابع کشور در اختیار بیگانگان باقی بماند.

سیاهه جنایات و روش‌های استثمار ایالات متحده بسیار گسترده است اما در این بخش صرفاً به یکی از ابزارهای نوین استعمارگران برای بهره‌کشی از ملت‌های ضعیف‌تر اشاره می‌شود که آن معاهده تریپس^۲ یا جنبه‌های تجاری مالکیت فکری می‌باشد. کشورهای توسعه‌یافته دنیا ادعا می‌کنند که مالکیت فکری تکنولوژی‌های برتر دنیا که اولین بار، توسط این کشورها به وجود آمده، فقط مختص آنها بوده و هیچ کشور دیگری، بدون پرداخت حق مالکیت فکری، اجازه دست‌یابی به این فناوری‌ها را ندارد. به عنوان مثال، اگر کشوری بتواند دارویی را تولید کند که کشورهای توسعه‌یافته، قبلاً آن را تولید کرده‌اند، برای تجاری‌کردن و فروش داروی خود در بازار جهانی، بایستی حق مالکیت فکری آن را به کشوری که زودتر آن را تولید کرده است، بپردازند. محاسبه شده است که سالانه، مبلغ ۶۰ میلیارد دلار توسط کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته، تحت عنوان حق مالکیت فکری از طریق کنوانسیون تریپس پرداخت می‌شود.^۳

برای روشن‌تر شدن موضوع، در ادامه، یک نمونه تاریخی ذکر می‌گردد.

در دهه ۱۹۸۰ میلادی، پس از شیوع بیماری ایدز در کشورهای قاره آفریقا، این کشورها می‌خواستند اقدام به واردات داروی ضد ویروس ایدز از کشور هند کنند. هزینه مصرف سالانه این دارو برای هر نفر، تنها ۳۵۰ دلار بود و کشورهای آفریقایی توان پرداخت این مبلغ را داشتند. مشکلی که برای کشورهای آفریقایی به وجود آمد، این بود که ایالات متحده آمریکا، زودتر از کشور هند به فناوری ساخت این دارو دست پیدا کرده بود و هزینه سالانه مصرف داروی آمریکایی برای هر

۱.

2. TRIPS (Trade Related aspects of Intellectual Properties)

۳. مینا رامان (تحلیل‌گر ارشد شبکه جهان سوم TWN)، سمینار سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) با عنوان «مالکیت فکری و توسعه»، ۱۰ می ۲۰۰۵.

بیمار، ۱۵ هزار دلار بود. قاعدتاً کشورهای آفریقایی توان پرداخت این هزینه را نداشتند. ایالات متحده آمریکا با شکایت از کشور هند، جلوی ورود این داروها به کشورهای آفریقایی را گرفت و در نتیجه، در سال های شیوع بیماری ایدز در این کشورها، میلیون ها انسان بر اثر این بیماری جان خود را از دست دادند.^۱

مدل جمهوری اسلامی در کمک به انسان ها

اما جمهوری اسلامی دقیقاً در نقطه مقابل این تفکر قرار دارد، یعنی نه تنها از علم خود سوء استفاده نمی کند، بلکه علم و حتی تکنولوژی را در مسیر انسانیت برای مردم ستم دیده سایر کشورها قرار می دهد.

مدیرعامل شرکت دانش بنیان خدمات نیروگاهی آهار تعریف می کند:

«آمریکایی ها در اتاق را بستند و اجازه ندادند نیروهای ما، طریقه نصب سیستم را ببینند!»

این، حرف یکی از مهندسين آن نیروگاه عراقی بود.

آن زمان، آوازه سیستم های کنترل نیروگاهی تولید شده توسط ما در جریان حل مشکل نیروگاه شریعتی مشهد بلند شده بود و علاوه بر نیروگاه های داخلی، کشورهای منطقه نیز متقاضی سیستم های ما برای نصب در نیروگاه های شان شده بودند.

یک بار که به درخواست کشور عراق، یکی از نیروگاه های شان را بازدید می کردیم، مهندس آنها، سیستم تحلیل و کنترل توربین نیروگاه را نشان داد و گفت: «نیاز به تعمیر دارد؛ اما ما از پشش برنیامده ایم».

نگاهی به سیستم انداختم. از محصولات پیشرفته جنرال الکتریک آمریکا بود. گفتم: «مگر این را از آمریکایی ها نخریده اید؟ چرا از خودشان، خدمات پس از فروش نمی خواهید تا سیستم را برایتان تعمیر کنند؟»

۱. نک. کشتار با انکار؛ چگونه سودجویی با بیماری ایدز میلیون ها انسان را به کشتن داد؟، نوشته پیتر موگینی.

او حرفم را تأیید کرد و سفرهٔ دلش را برایم گشود. از صحبت‌هایش متوجه شدم که آمریکایی‌ها برای فروش و سپس، نصب این سیستم در نیروگاهشان، پول هنگفتی ازشان گرفته بودند؛ اما به دور از نظارت آنها، سیستم را کار گذاشته بودند؛ جوری که عراقی‌ها حتی قادر به حل یک مشکل کوچک در سیستم کنترل نیروگاهشان نبودند!

ما هم پا کردیم توی کفش غول آمریکایی! به درخواست عراقی‌ها، سیستم جنرال‌موتور آمریکایی را برداشتیم و سیستم آهار ایرانی را برایشان نصب کردیم. اما ما مثل آمریکایی‌ها، اهل بهره‌کشی نبودیم. موقع نصب، مهندس عراقی را که بیرون از اتاق کنترل ایستاده بود، صدا زدم و گفتم: «بیا پیش من، برادر! خوب نگاه کن. این سیستم، مثل ماشین است. تو باید طرز راندنش را یاد بگیری!» و زیر و بم سیستم را برایش توضیح دادم.

رفته‌رفته، سایر نیروگاه‌های عراق هم سیستم ایرانی را از ما درخواست کردند. حالا دیگر، نه فقط عراق و ممالک همسایه، بلکه بسیاری از کشورهای دنیا که سال‌ها از بدرفتاری غول آمریکایی رنج می‌بردند، مشتری محصولات ما شده بودند؛ از جمله فرانسه، دانمارک، اسکاتلند، غنا، تانزانیا، کشورهای آسیای میانه و ... سیستم کنترل نیروگاهی آهار توانسته بود هم محصول پیشرفتهٔ ایرانی را به جهان صادر کند، و هم مشی دوستی و برادری با دنیا را!^۱

ماجرای دیگر درباره خاموش کردن چاه‌های نفت کویت در ماجرای حمله عراق به آنها است:

به گزارش خبرگزاری آمریکایی، یونایتد پرس اینترنشنال^۲؛ در سال ۱۹۹۱ صدام حسین به کویت حمله کرد و ایران در ۲۸ فوریه سال ۱۹۹۱ به کویت پیشنهاد داد که آتش ۵۰۰ چاه نفت کویتی را که در حال سوختن بود، خاموش کند (تقریباً ۶۰۰ تا ۷۳۲ چاه نفت کویتی به آتش کشیده شده بود).^۳

۱. به روایت مهندس محمدرضا هاتف.

۲. United Press International.

۳. <https://www.britannica.com/event/Persian-Gulf-War>.

وزیر نفت ایران این پیشنهاد را در نامه‌ای به همتای کویتی خود ارائه کرد و گفت که ایران در حوزه خاموش کردن آتش چاه‌های نفتی، که عراقی‌ها در طول جنگ ایران و عراق ۱۹۸۰-۱۹۸۸ به راه انداختند، تجربه کسب کرده و می‌تواند به خاموش کردن برخی از چاه‌های نفت در کویت کمک کند.^۱

به هر طریق، با وجود حضور نیروهای ائتلاف آمریکایی در عربستان سعودی و کویت، آمریکایی‌ها در ابتدا به کویتی‌ها جهت خاموش کردن چاه‌های نفت تا آوریل ۱۹۹۱ کمکی نکردند و این وضعیت صدمات زیست محیطی جدی‌ای به منطقه وارد کرد.

برخلاف میل شرکت‌های آمریکایی، در نهایت به مهارگران ایرانی اجازه داده شد که عملیات خاموش کردن چاه‌های نفت را آغاز کنند. مهارت متخصصین ایرانی در خاموش کردن چاه‌های نفت موجبات تعجب طرف‌های غربی را فراهم آورد.

«نمایندگان شرکت نفت کویت و کارشناسان آمریکایی در محل چاه حاضر و از نزدیک مهار اولین حلقه چاه را ناباورانه به تماشا نشستند. مهار اولین حلقه چاه توسط ایرانی‌ها، خط بطلان و نقطه عطفی بود بر انحصار و سلطه‌گری شرکت‌های آمریکایی در مهار چاه‌های نفت و گاز و بازتاب گسترده‌ای در محافل خبری بین‌المللی و داخلی داشت به‌طوری‌که مسئولان شرکت نفت کویت، شرکت‌های آمریکایی را مجبور کردند تا ضمن تأمین امکانات، چاه‌های دیگر را در منطقه بورگان به مهارگران ایرانی واگذار کنند».^۲

در ارتباط با مأموریت مهارگران ایرانی روایت آقای سید کریم تفرشی حسینی (مشاور فنی مدیر مناطق نفت خیز) که یکی از سه نفر اصلی‌ای بود که به دستور وزیر نفت به کویت رفتند برای مذاکره جهت خاموش کردن چاه‌های نفت، بسیار جالب است:

1. <https://www.upi.com/Archives/1991/02/28/Iranians-offer-to-help-douse-Kuwaiti-oil-fires/8367667717200/>

2. <https://www.mizenaft.ir/gallery/16128/1/%d8%b3%d8%a7%d9%84%d8%b1%d9%88%d8%b2-%d8%ae%d8%a7%d9%85%d9%88%d8%b4-%da%a9%d8%b1%d8%af%d9%86-%da%86%d8%a7%d9%87%d9%87%d8%a7%db%8c-%d9%86%d9%81%d8%aa-%da%a9%d9%88%db%8c%d8%aa-%d8%aa%d9%88%d8%b3%d8%b7-%d9%85%d8%aa%d8%ae%d8%b5%d8%b5%d8%a7%d9%86-%d8%a7%db%8c%d8%b1%d8%a7%d9%86%db%8c>

حدود چهارده شرکت از آمریکا و کانادا برای این کار آمده بودند. بعد از ما هم از چین، رومانی، انگلستان و فرانسه هم برای مهار چاه‌های نفت کویت آمدند. من به کویته‌ها پیشنهاد دادم خودشان هم آموزش ببینند و اقدام کنند. حرف من را قبول کردند و دو تا تیم درست کردند و در مجموع حدود بیست و چهار، پنج تیم شدیم.^۱

د- پایبندی به لزوم آگاهی سیاسی مردم و ارتقاء آن

مقام معظم رهبری علیه السلام در یکی از بیانات خود، در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۴، منشأ عقب افتادگی و وابستگی ملت ایران را در دوره پهلوی، ناآگاهی و جهل مردم معرفی کرده، و درباره علت در غفلت نگه داشتن مردم توسط حکومت می‌فرمایند:

«اگر شما می‌بینید ملت ایران در طول یکی دو قرن، از کاروان علم و تمدن عقب افتاد و کشور به دست بیگانگان و دشمنان یا دست نشانده‌گان آنها اداره شد، منشأ این همه، ناآگاهی بود. ملت و جوانان و قشرهای مختلف را در بی‌خبری و ناآگاهی نگه می‌داشتند تا نفهمند بر سر کشور چه دارد می‌آید. کسانی که اگر به نقطه‌ای از دنیا نگاه می‌کنند، جز نگاه طمع‌کارانه نیست (یعنی استعمارگران)، در طول دو قرن، در سرتاسر کشور ما به دنبال منافع و اهداف شیطانی خودشان هر کاری توانستند، کردند و برای اینکه مانعی بر سر راه آنها نباشد، مردم را در غفلت نگه داشتند. خود بیگانگان نمی‌توانند مردم را غافل نگه دارند؛ [بلکه] ابزار آنها در این کار، حکومت‌های وابسته و فاسد بود؛ حکومت قاجار و حکومت پهلوی. این‌ها اگرچه از مردم ایران بودند، اما شریک دزدان راه بودند؛ اگرچه خودشان وابسته به این ملت و مرهون بار سنگین ملت این مردم بودند، اما برای بیگانه کار می‌کردند. بیگانه هم منافع آنها را تضمین کرده

1. <http://www.petro museum.ir/content/12/%D8%A8%D8%A7%D9%86%D8%A9-%D9%85%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%A9-%D9%88-%D8%A7%D8%B3%D9%86%D8%A7%D8%AF/5944/%D8%A7%D8%B2-%D8%A6%D8%A7%D9%87-%D9%87%D8%A7%D8%B8C-%D8%A9%D9%88%D8%B8C%D8%AA-%D8%AA%D8%A7-%D8%AE%D8%B7-%D9%84%D9%88%D9%84%D9%87-%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D9%82>

بود؛ قاجاریه یک‌طور منافعش به وسیلهٔ بیگانگان تضمین می‌شد؛ حکومت منحوس و وابسته و فاسد پهلوی هم یک‌طور دیگر. مردم را ناآگاه نگه داشتند و هر کاری می‌توانستند، با این مردم کردند. انقلاب اسلامی و نهضت وسیع مبارزات اسلامی در ایران، به رهبری امام بزرگوار ما و روحانیون آگاه و مبارز و روشن‌فکران مؤمن و متدین توانست موج بیداری را در این کشور به وجود بیاورد، که منتهی شد به حرکت انقلاب^۱.

یکی از مسائل مهمی که محمدرضاشاه سعی در پنهان کردن آن از مردم داشت و مردم را نسبت به آن، در بی‌خبری و جهل نگه‌داشته بود، رابطه‌اش با رژیم غاصب صهیونیستی و به رسمیت شناختن اسرائیل بود. شاه به دلیل تحت‌فشار بودن و ترس از آمریکا، هرگز نمی‌توانست از ارتباط با اسرائیل سر باز بزند. به همین دلیل بود که حکومت پهلوی در سال ۱۳۲۸، رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت؛ ولی ترس از واکنش مردم مسلمان ایران و منطقه، سبب شد تا این مسئله را علنی نکند؛ اما ماهیت زیاده‌خواه اسرائیل، به این اندازه راضی نمی‌شد و سعی داشت با محوریت مسئولین سیاسی نمایندگی اسرائیل در ایران، اذهان جامعه را آماده و این موضوع را علنی کند. در همین راستا، روش قدیمی تطمیع به کار گرفته شد و پول‌های زیادی بین برخی روزنامه‌نگاران وابسته پخش شد. دکتر دوریل، نمایندهٔ غیررسمی اسرائیل در تهران، فقط در یک هفته، یک صد هزار ریال به روزنامه‌نگاران پول داد^۲ و همین پول‌ها، موتور محرک سرسپردگان و عوامل نفوذی بود.

در اسناد ساواک، به نقل از جعفر زاده، کارمند مجلهٔ «تهران مصور»، آمده است:

«طبق توافقی که بین مدیران جراید «تهران مصور»، «بامشاد» و «امید ایران» به عمل آمده، قرار است در جلسهٔ مصاحبهٔ مطبوعاتی شاهنشاه که روز شنبهٔ آینده خواهد بود، در مورد شط العرب و شناسایی دولت اسرائیل از طرف دولت ایران، از شاهنشاه سؤالاتی به عمل آید. توضیح آن‌که سه نفر مزبور، مرتباً

۱. بیانات در دیدار مردم شهرستان جیرفت، ۱۳۸۴/۲/۱۷.

۲. اسناد لانهٔ جاسوسی (اشغال‌گران قدس)، شماره ۳۶، دانشجویان پیرو خط امام، ص ۱۶.

با مقامات دولت اسرائیل در تهران ارتباط دارند و منظور اصلی آنها، ابراز نظر صریح شاهنشاه در مورد شناسایی اسرائیل می‌باشد و موضوع شط العرب هم حاشیه و به اصطلاح، برای ردگم کردن می‌باشد.^۱

در واقع، مطبوعات مزدور، نقش تکمیلی برای عادی‌سازی رابطه با رژیم اشغالگر قدس را بر عهده داشتند؛ چون کار اصلی و اولی را حکومت پهلوی انجام داده بود.

حکومت پهلوی در حالی خود را در اذهان مردم ایران حامی کشورهای اسلامی و مخالف اسرائیل می‌خواند که مهم‌ترین حامی اقتصادی این رژیم غاصب بود و مردم از این ماجرا کاملاً بی‌خبر بودند.

در سندی سری توسط سفارت آمریکا در ایران آمده است:

ایران مقدار زیادی نفت برای آمریکا و متحدانش صادر می‌کند ۷۰ درصد نفت اسرائیل از ایران تأمین می‌شود.

ایران برخلاف پیمان اعراب در تحریم حمل و نقل نفت به اسرائیل، شرکت نکرده و صدور نفت خود را به این کشور ادامه داده است.

رهبران ایران غالباً اظهار داشته‌اند که ایران در جنبش‌های سیاسی تحریمی [ضد اسرائیل] شرکت نخواهد کرد.^۲

ناآگاهی و جهل سیاسی مردم در آمریکا

آمریکایی‌ها علاوه بر اینکه توسط دست‌نشانندگان خود، مردم نقاط مختلف دنیا را در غفلت و بی‌خبری از جنایات خود قرار داده و می‌دهند، مردم کشور خود را نیز به وسیله روش‌های مختلف در جهل و ناآگاهی نگه داشته‌اند؛ ناآگاهی نسبت به جنایات آمریکا در خارج از کشور و ناآگاهی نسبت به فساد مالی و سیاسی در داخل کشور.

به عنوان مثال، مجلهٔ تایم،^۳ طی گزارشی بدین موضوع پرداخته است که چرا مردم

۱. اسناد ساواک، موضوع پرونده: مجلهٔ باشاد، ص ۴۱، مربوط به تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۷.

۲. سند شماره ۱۹ وزارت امور خارجه - سری - ۲ ژانویه ۱۴۰۷ - ۱۲ دی ۱۳۵۵.

3. Time Magazine.

آمریکا نسبت به طولانی‌ترین جنگ این کشور، جنگ افغانستان، آگاهی و توجه کافی نداشته و سرانجام این جنگ را نمی‌دانند. در این گزارش، علت فقدان اطلاع مردم نسبت به فرجام جنگ آمریکا در کشور افغانستان، بیان شدن موضوعات فرعی توسط رئیس‌جمهور آمریکا در فضای مجازی و به حاشیه راندن موضوعات اصلی کشور معرفی شده است.^۱ هم‌چنین، مرکز تحقیقات رسانه‌ای MRC آمریکا، طی گزارشی مطرح کرد که سه شبکه خبری اصلی آمریکا، یعنی CBS، ABC و NBC در طی ۶ ماه، تنها ۳۲ دقیقه به جنگ افغانستان پرداخته‌اند؛ یعنی فقط ۰٫۳۵ درصد از مجموع اخبار منتشر شده توسط این رسانه‌ها.^۲

TV News Goes AWOL on Afghan War

Amount of evening news airtime, January 1 through June 22

ABC World News Tonight	12 min, 49 sec
CBS Evening News	11 min, 32 sec
NBC Nightly News	7 min, 11 sec
Total Afghan War	32 min, 3 sec
<i>(0.35% all evening news airtime)</i>	

Source: Media Research Center

تصویر ۷۵: جدول منتشر شده توسط مرکز تحقیقات رسانه‌ای MRC که نشان‌دهنده میزان پایین پوشش خبری جنگ آمریکا در افغانستان در رسانه‌های جریان اصلی در این کشور است.

دولت آمریکا طی ۲۰ سال حضور خود در افغانستان ۲/۳۱ تریلیون دلار هزینه کرده است. از این مبلغ، ۲/۰۲ تریلیون دلار مربوط به قراردادهایی است که با این ۵ شرکت تسلیحاتی بسته شده!^۳

۱. متن کامل این گزارش در نشانی زیر قابل دسترسی است:

<https://time.com/5415025/afghanistan-war-social-media/>

۲. متن کامل این گزارش در نشانی زیر قابل دسترسی است:

<https://www.newsbusters.org/blogs/rich-noyes/2018/06/26/tv-news-afghanistan-has-become-forgotten-war>

3. <https://watson.brown.edu/costsofwar/costs/social/corporate>

- Lockheed Martin | لاکهید مارتین
- Raytheon Technologies | ریتون تکنولوژی
- General Dynamics | جنرال دینامیک
- Boeing | بوئینگ
- Northrop Grumman | نورثروپ گرامن

یعنی ۸۷٪ کل هزینه‌ها^۱ در واقع بودجه نظامی آمریکا که از مالیات مردم این کشور تأمین می‌شود، به جیب شرکت‌های اسلحه‌سازی می‌رود! با بهانه‌هایی مثل کمک به بازسازی منطقه، برقراری امنیت و مبارزه با تروریسم، کمک به مردم افغانستان و یا بهبود و توسعه آن! این در حالی است که ۵۱ عضو از کنگره آمریکا به همراه همسرانشان بین ۲/۳ تا ۵/۸ میلیون دلار سهام در این کمپانی‌ها دارند. حدود یک سوم از اعضای سنای آمریکا که عضو کمیته تخصیص بودجه‌های دفاعی می‌باشند، خود سهام شرکت‌های دفاعی را در اختیار دارند.

این‌ها نشان می‌دهد که تعداد زیادی از سیاست‌مداران حاکم در آمریکا، سهام‌دار این شرکت‌ها هستند! طبیعی است کمپانی‌های اسلحه‌سازی که راه تنفس و بقایشان در جنگ‌افروزی است با استفاده از نفوذ سهام‌داران خود در ساختار سیاسی حاکمیت آمریکا در هر زمان جنگی جدید را در جهان کلید می‌زنند و با استفاده از قدرت تبلیغات و بهانه‌های حقوق بشری از مالیات مردم آمریکا ارتزاق کنند.^۲

بنابر نظرسنجی دانشگاه پنسیلوانیا،^۳ فقط ۳۶ درصد مردم آمریکا، نام ۳ قوه حکومت خود را دانسته و ۳۵ درصد حتی نام یک قوه را هم نمی‌دانستند.^۴ طبیعی است زمانی

1. <https://watson.brown.edu/costsofwar/figures/2021/human-and-budgetary-costs-date-us-war-afghanistan-2001-2022>.

2. <https://www.globaltimes.cn/page/202109/1233772.shtml>.

3. University of Pennsylvania.

۴. بنا بر گزارش شبکه خبری CNN تحت عنوان «آمریکایی‌ها به معنای واقعی کلمه، هیچ چیز از قانون اساسی خود نمی‌دانند»، منتشرشده در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۷ میلادی.

که ۶۴ درصد مردم نتوانند نام سه قوه حکومت خود را نام ببرند، یقیناً نسبت به وظایف و عملکرد آنها نیز اطلاعات کافی در اختیار نداشته باشند. سرمایه‌داران آمریکایی نیز از غفلت مردم، از نمایندگان کنگره سوءاستفاده نموده و به وسیله لابی کردن با آنان، طرح‌های تخفیف مالیاتی و یا اعطای تسهیلات به کمپانی‌های خود را در کنگره به تصویب می‌رسانند.

طبق گزارش بنیاد آمریکایی Sunlight که بر ارتقاء شفافیت و بررسی نقش پول در سیاست‌های حکومت ایالات متحده آمریکا تمرکز دارد، ۲۰۰ کمپانی بزرگ آمریکایی در بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ میلادی، با صرف ۵/۸ میلیارد دلار برای لابی کردن و حمایت انتخاباتی از نمایندگان کنگره توانسته‌اند بیش از ۴ تریلیون دلار از طریق تسهیلات حکومتی و تخفیف مالیاتی، ثروت به دست بیاورند.^۱ بنا بر گزارش نیویورک تایمز، نمایندگان کنگره آمریکا نیز ۳۰ تا ۷۰ درصد از وقت کاری خود را در دوران تصدی سمت نمایندگی برای تأمین هزینه‌های کمپین انتخاباتی در دوران آینده انتخابات صرف می‌کنند.^۲ همه این فسادها، به این دلیل رخ می‌دهد که مردم نسبت به مسائل سیاسی کشوری اطلاع هستند و بر عملکرد مسئولان کشور خود نظارت ندارند.

پروفسور ایلینا سامین^۳ در کتاب «دموکراسی و چهل سیاسی»، نمونه‌های بسیاری را از عدم آگاهی مردم نسبت به مسائل مهم سیاسی آمریکا و جهان، حتی در دهه‌های گذشته آورده است که نشان از سبقت تاریخی چهل سیاسی مردم آمریکا دارد. دو نمونه ذیل، بخشی از نظرسنجی‌هایی است که پروفسور سامین بدان اشاره می‌کند.

بنا بر نظرسنجی انجام شده در سال ۱۹۶۴ میلادی و در اواسط جنگ سرد میان شوروی و آمریکا، فقط ۳۸ درصد از آمریکایی‌ها می‌دانستند که شوروی یکی از کشورهای عضو ناتو به رهبری آمریکا نیست؛ در حالی که آمریکا، پیمان ناتو را برای مقابله با اتحاد

۱. متن کامل این گزارش در نشانی ذیل در دسترس است:

<https://sunlightfoundation.com/2014/11/17/fixed-fortunes-biggest-corporate-political-interests-spend-billions-get-trillions/>

۲. متن کامل این گزارش در نشانی ذیل در دسترس است:

<https://www.nytimes.com/2011/11/17/opinion/in-campaign-financing-more-money-can-beat-big-money.html>

3. Ilya Somin.

جماهير شوروی تأسیس کرده بود. این مسئله، مانند آن است که امروز اکثر مردم ایران ندانند که رژیم غاصب صهیونیستی، یکی از کشورهای عضو محور مقاومت نیست؛ محور مقاومتی که به جهت مقابله با رژیم صهیونیستی تشکیل شده است!

هم‌چنین، بنا بر نظرسنجی انجام شده در سال ۱۹۸۶ میلادی، اکثریت مردم آمریکا نمی‌دانستند که رهبر مهم‌ترین دشمن آمریکا، یعنی اتحاد جماهیر شوروی، میخائیل گورباچوف است. این مسئله نیز مانند آن است که اکثریت مردم ایران در زمان هشت سال جنگ تحمیلی، صدام را که رهبر حزب بعث عراق بود، نشناسند.^۱

پروفسور سامین، جهل سیاسی مردم آمریکا را کاملاً منطقی دانسته و معتقد است مردم نسبت به کسب اطلاعات سیاسی کاملاً منطقی برخورد می‌کنند. بنا بر نظر وی، مردم آمریکا، اثرگذاری نظرات خود را در تغییر سیاست‌های عمومی کشور ناچیز دانسته و از طرفی، چنان درگیر تأمین هزینه‌های مسکن خود و سلامت و آموزش فرزندان‌شان هستند که وقت گذاشتن برای کسب اطلاعات و آگاهی‌های سیاسی را پرهزینه و کم‌فایده می‌دانند.

1. Ilya Somin, Democracy and Political Ignorance, Stanford University Press, 2013, p. 19.

(ایلیا سامین، دموکراسی و جهل سیاسی، انتشارات دانشگاه استنفورد، ۲۰۱۳، ص ۱۹).

پیوست

بـیـر اـهـای به نام خام فروشی



عربستان

عربستان سعودی؛ یک کشور با منابع سرشار نفتی و درآمد بسیار که با تصاویر ابرپروژه‌های خاص، اتومبیل‌های خاص، برج‌های خاص و... در ذهن بسیاری از مردم جهان به عنوان یکی از ثروتمندترین کشورهای دنیا شناخته می‌شود. کشوری که نرخ ارز را حدود ۳۵ سال در یک قیمت نگه داشته و در آمارهای جهانی همواره تومی زیر ۵ درصد دارد. در ادامه ابتدا به راز تثبیت نرخ ارز در عربستان پرداخته و سپس به پیامدهایی که این سیاست برای عربستان داشته و این کشور را در مارپیچ مشکلات گرفتار کرده می‌پردازیم. در نهایت به برخی از واقعیت‌های عربستان که توسط مؤسسات اقتصادی بین‌المللی و اندیشکده‌های مهم جهانی روایت شده، اشاره می‌کنیم.

نرخ ارز ثابت؛ مکانیزم اجرا و پیامدها

کشورها برای تعیین و مدیریت نرخ ارز بنا به شرایط و منابع داخلی و خارجی و افق دید حکمرانان یکی از دو رویکرد اصلی نظام ارزی نرخ ثابت یا نظام ارزی نرخ شناور را در دستور کار قرار می‌دهند و برخی نیز از رویکردی مابین این دو یعنی نظام ارزی دونرخی- نرخ ثابت برای کالاهای خاص و نرخ شناور برای سایر کالاها- استفاده می‌کنند. نرخ ارز ثابت یا میخکوب شده برخلاف نرخ شناور که توسط مکانیزم عرضه و تقاضا مدیریت می‌شود، معمولاً به یک ارز اصلی جهانی مانند دلار آمریکا متصل می‌شود و به صورت دستوری روی یک نرخ میخکوب می‌گردد. برخی کشورها مانند عربستان سعودی از این روش استفاده می‌کنند. در این روش دولت موظف است تا تمام تقاضاهایی که برای ارزهای خارجی می‌شود را از ذخایر ارزی خود پوشش داده و به هر شخصی که

درخواست ارز می‌کند، ارز مورد نیازش را تأمین و تخصیص دهد. به عبارتی باید بازار ارز را به دقت زیر نظر بگیرد و هر گاه تعادل عرضه و تقاضا به هم خورد با برداشت از ذخایر ارزی و تزریق فوری به بازار مجدداً عرضه و تقاضا را متعادل کند. یکی از ویژگی‌های کلیدی برای حفظ یک نظام ارز ثابت، اطمینان به این نکته است که کشور دارای ذخایر ارزی کافی باشد. یعنی این سیستم وقتی خیلی خوب کار می‌کند که به نسبت روند فزاینده تقاضا، حجم ذخایر ارزی نیز افزایش پیدا کند. اما رویکردی که حدود ۳۵ سال در عربستان پیگیری می‌شود، به گونه‌ای است که نرخ هر دلار در عدد ۳/۷۵ ریال می‌خکوب شده و دولت از محل دلارهای نفتی که به نسبت تقاضا تقریباً روی یک عدد ثابت مانده، تمام تقاضاها را پوشش می‌دهد. لذا از آنجایی که ذخایر نفتی حجم نسبتاً ثابتی دارد ولی تقاضاها به دلایل مختلف به شدت رو به افزایش می‌باشد، چندین سال است که نشانه‌های تضعیف این سیاست آشکار گردیده است.

روند فزاینده تقاضای ارز و حجم نسبتاً ثابت درآمد ارزی

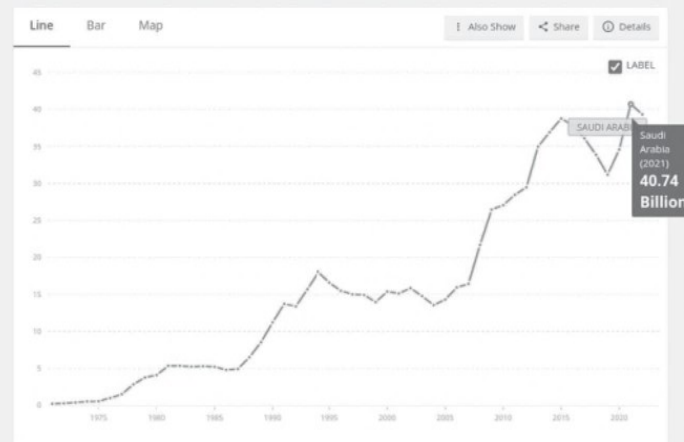
قرارداد دولت عربستان با شرکت‌های خارجی که در این کشور سرمایه‌گذاری کردند، بر مبنای ریال سعودی است. سود شرکت‌ها در این است که درآمد حاصله را تبدیل به دلار کرده و از کشور خارج کنند که این خود عاملی برای افزایش تقاضا نسبت به ارز و نیز کاهش ذخایر ارزی عربستان است. راه درمان این مسئله، آن است که مالیات خروج ارز از کشور از شرکت‌های خدماتی دریافت شود لیکن کشور عربستان به دلیل نیاز و وابستگی به این کشورها، دریافت مالیات را صفر کرده و این شرکت‌ها بدون هیچ‌گونه محدودیتی می‌توانند ارز را از کشور عربستان خارج کنند.

کارگران خارجی نیز که با هدف کسب درآمد و نه زندگی، به کشور عربستان آمده‌اند حقوق خود را به دلار تبدیل کرده و برای خانواده‌های خود در کشورهای دیگر می‌فرستند. این نیز برای کشور عربستان هزینه‌ساز است چرا که تقاضا نسبت به ارز ایجاد می‌کند و در نهایت منتج به کاهش ذخایر ارزی خواهد شد. طبق آمار منتشر شده مقدار ارزی که به وسیله کارگران خارجی از عربستان خارج می‌شود، ۴۳ میلیارد دلار است.

Personal remittances, paid (current US\$) - Saudi Arabia

World Bank staff estimates based on IMF balance of payments data.

License: CC BY-4.0



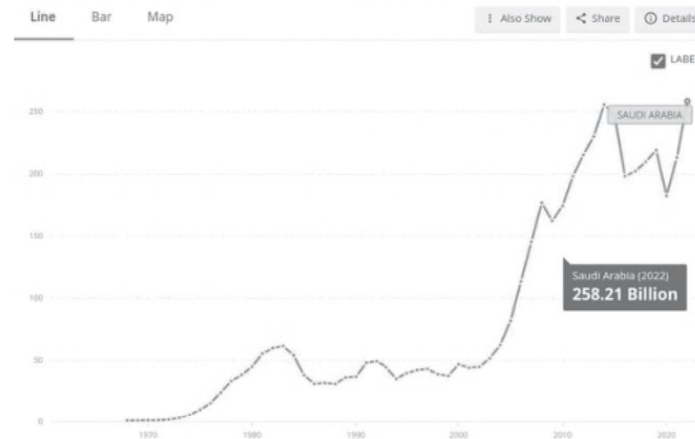
تصویر ۷۶: روند افزایشی خروج ارز از عربستان بابت پرداخت دستمزد کارگران خارجی^۱

همچنین تقاضا برای ارز در عربستان سعودی به دلیل وابستگی این کشور به واردات و عوامل دیگری مانند رشد جمعیت و افزایش رفاه و ... به شدت در حال افزایش است.

1. <https://data.worldbank.org/indicator/BM.TRFPWKR.CD.DT?locations=SA>.

Imports of goods and services (current US\$) - Saudi Arabia

World Bank national accounts data, and OECD National Accounts data files.
License: CC BY-4.0



تصویر ۷۷: روند افزایشی واردات کالا و خدمات در عربستان سعودی^۱

در اینجا به چند نمونه دیگر از مواردی که نشان می‌دهد این تقاضا افزایش یافته اشاره می‌شود:

الف) اتکای شدید به واردات مواد غذایی: عربستان سعودی شدیداً به واردات مواد غذایی به ویژه گندم و سایر غلات اصلی وابسته است. با افزایش جمعیت ساکنان عربستان (شهروندان + کارگران خارجی) نیاز به مواد غذایی بیشتر و در نتیجه تقاضای ارز نیز بیشتر می‌شود. به گزارش سرویس کشاورزی خارجی وزارت کشاورزی ایالات متحده، عربستان سعودی وابستگی ۸۰ درصدی به واردات

1. <https://data.worldbank.org/indicator/NF.IMPG.NFS.CD?end=2022&locations=SA&start=1961&view=chart>.

مواد غذایی دارد. این عدد برای امارات ۸۵ درصد، قطر ۹۰ درصد و کویت ۹۶ درصد گزارش شده است.^۱

ب) ماشین آلات و وسایل نقلیه: ماشین آلات و وسایل نقلیه جزو کالاهای وارداتی عربستان هستند. در سال ۲۰۲۱، این کشور ۱۲٫۱ میلیارد دلار خودرو و ۱۴٫۸ میلیارد دلار ماشین آلات وارد کرد در حالی که این عدد در سال ۲۰۰۰ بسیار کمتر از این میزان بود. لذا تقاضای ارز برای واردات ماشین آلات و وسایل نقلیه نیز به شدت افزایشی است.

ج) کالاهای مصرفی: عربستان همچنین مقدار قابل توجهی از کالاهای مصرفی مانند لوازم الکترونیکی، پوشاک و لوازم خانگی را وارد می‌کند. با افزایش رفاه مردم و همچنین افزایش جمعیت، نیاز به کالاهای مصرفی افزایش پیدا کرده است.

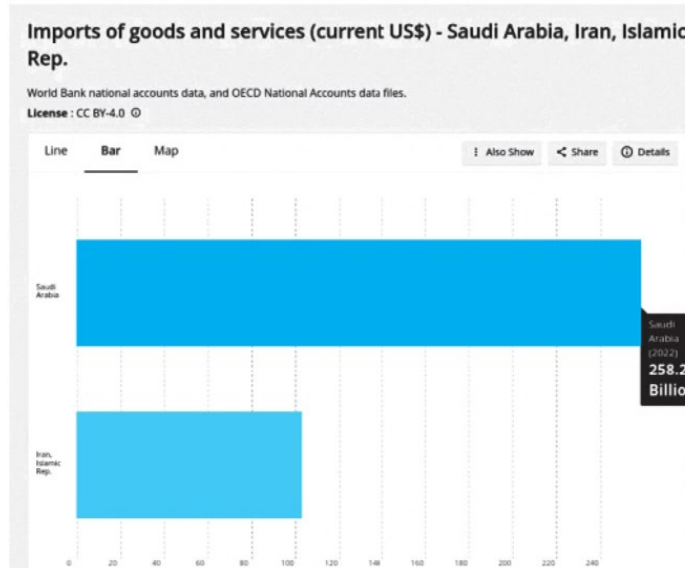
د) مصالح ساختمانی: عربستان سعودی سرمایه‌گذاری زیادی در توسعه زیرساخت‌ها انجام داده است که منجر به افزایش تقاضا برای مصالح ساختمانی مانند فولاد، سیمان و شیشه شده است.

هـ) تجهیزات پزشکی و دارویی: عربستان سعودی مقدار قابل توجهی تجهیزات پزشکی و دارو وارد می‌کند که در طول بحران‌های پزشکی نظیر همه‌گیری‌های مختلف نظیر انواع آنفلوآنزا و COVID-۱۹ و ... اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

و) تجهیزات نظامی: وابستگی نیروهای امنیتی سعودی به تجهیزات آمریکایی و آموزش نظامی از سوی ایالات متحده دهه‌ها در جریان بوده است. در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ عربستان سعودی دریافت‌کننده نزدیک به ۱۰ درصد از کل صادرات تسلیحات ایالات متحده بود. ماجرایی‌های عربستان در منطقه نیاز این کشور به واردات انواع سلاح و تجهیزات نظامی را افزایش داده و در نتیجه نیاز به ارز نیز افزایش پیدا می‌کند.

1. united states department of agriculture (usda), foreign agricultural service, Saudi Arabia food retail report, June 27, 2023.

لذا با این توضیحات، از آنجایی که درآمد ارزی عربستان همواره تقریباً ثابت بوده و متکی به خام‌فروشی است و تقاضای ارز نیز همواره سیری صعودی داشته است، به راحتی می‌توان سرانجام چنین وضعیتی را پیش‌بینی نمود.



تصویر ۷۸: مقایسه میزان واردات کالا و خدمات در ایران و عربستان^۱

تلاش‌های ناکام برای کاهش وابستگی به نفت

میزان وابستگی عربستان به درآمدهای نفتی در بین پانزده کشور نخست صادرکننده نفت که عمده‌ترین صادرکنندگان نفت را تشکیل می‌دهند، از همه بیشتر است. مبنای برنامه چشم‌انداز منتشرشده عربستان برای سال ۲۰۳۰ کاهش وابستگی به

1. <https://data.worldbank.org/indicator/NE.IMP.GNFS.CD?end=2022&locations=SA-IR&start=2022&view=bar>.

درآمدهای نفتی و متنوع ساختن درآمدهاست اما هدف‌های یادشده در آن به دلایل متعددی بلندپروازانه است. عربستان از چندین دهه گذشته به درآمدهای نفتی وابستگی داشته و در این مدت تغییر فاحشی روی نداده است. صادرات نفت خام در سال ۲۰۲۲ بیش از ۸۰ درصد صادرات عربستان را تشکیل داده است.^۱ این کشور در این سال با صادرات بیش از ۱۳۸ میلیارد دلاری بزرگ‌ترین صادرکننده نفت خام در دنیا بوده است.^۲ هم‌اکنون نیز بر اساس روندهای گذشته می‌توان ادعا کرد که تغییر ساختار به صورت ضربتی، بلندپروازانه و غیرواقع‌بینانه است. یک دلیل مهم در این رابطه این است که عربستان برای متنوع‌سازی درآمد خویش با توجه به وابستگی‌های درآمد به نفت، نیازمند است این تغییرها را بر اساس تکانه‌هایی به وضعیت رفاهی و معیشتی مردم به پیش برد. یکی از راه‌های توسل به درآمدهای غیرنفتی رو آوردن به مالیات یا کاهش هزینه‌های رفاهی است اما ساختار فعلی جامعه عربستان که از جوامع جوان منطقه به‌شمار می‌آید، انتظاریهایی چون اشتغال جوانان دارد که در سال‌های اخیر برآورده نشده است؛ پس یکی از راه‌های کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، به‌کارگیری سیاست‌های ریاضتی در برابر خواسته‌های فزاینده است اما از نظر منطق سیاسی احتمال این امر پایین است؛ بنابراین دولتی که در سال‌های اخیر در برابر انتظارات عمومی، میزان هزینه‌های رفاهی خویش را افزایش داده است، اکنون قادر نیست که مسیر معکوسی را در پیش بگیرد. از سوی دیگر، درگیر بودن عربستان در چالش‌های منطقه‌ای مانند تجاوز نظامی به یمن، دخالت در جنگ‌های داخلی سوریه و عراق، ایجاد تنش با ایران دلایل مهمی هستند که برای قطع وابستگی آل‌سعود به نفت مشکل‌ساز خواهند شد.

از طرفی واضح و مبهره است که مهم‌ترین راه کاهش وابستگی به نفت، توجه به تولید و صادرات غیر نفتی است. در این زمینه باید گفت در شرایطی که فعالیت اقتصادی در عربستان با قیمت غیرواقعی ارز صورت می‌گیرد، واردات به‌صرفه‌تر و ارزان‌تر است که خود سرآغاز مشکلات اقتصادی است چراکه مردم نسبت به کالا و

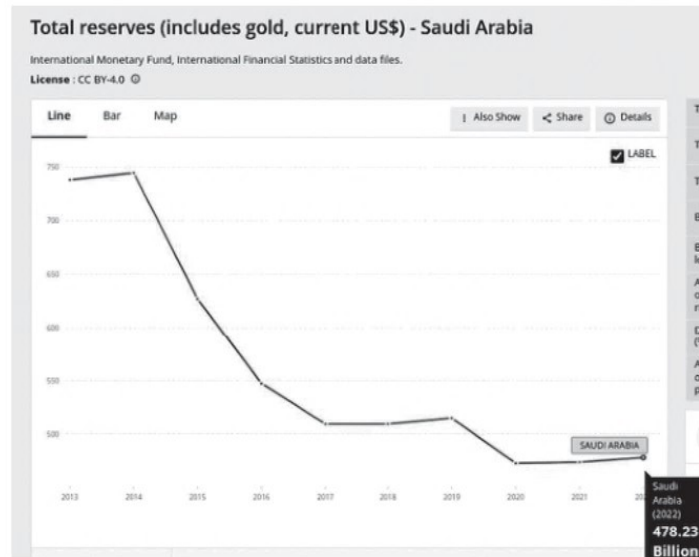
1. <https://www.stats.gov.sa/sites/default/files/ITR%20Q32022E.pdf>.

2. <https://oec.world/en/profile/bilateral-product/crude-petroleum/reporter/sau>.

خدمات وارداتی ارزان، اقبال بیشتری نشان داده و تولیدات داخلی توان رقابت با کالا و خدمات ارزان قیمت خارجی را نداشته و تولیدات مقرون به صرفه نمی‌باشند. در این شرایط عربستان سعودی، که حتی نیروی کار خارجی نیز به صرفه‌تر از موارد مشابه داخلی است، دولت به این سمت می‌رود تا تمام موارد اعم از کالا، خدمات و نیروی انسانی را وارد کند.

آرژانتین ۱۹۹۰؛ سرانجام قطعی روند فعلی عربستان

همان‌طور که گفته شد مهم‌ترین عامل موفقیت کشور میخکوب کننده ارز در حفاظت از نرخ تثبیت شده، باید پشته‌ای محکم و پایدار ذخایر ارزی باشد تا در تنگناها و بحران‌های مختلف کوچک‌ترین آسیبی نبیند و بتواند به راحتی در بازار مداخله کرده و قیمت را مجدداً به نقطه تعادلی برساند. اما سیاست نامطلوب ارز میخکوب که ناشی از تک‌محصولی بودن اقتصاد عربستان است، در بحران‌های مختلف که با کاهش قیمت نفت روبه‌رو شده، هزینه‌های بزرگی بر دوش اقتصاد این کشور تحمیل کرده است. از سال ۲۰۱۴ میلادی. ذخایر ارزی عربستان روند سقوط خود را به دلیل کاهش قیمت جهانی نفت، آغاز کرده است. ذخایر ارزی عربستان از ۷۴۴/۴۴ میلیارد دلار به ۴۷۸ میلیارد دلار رسید.



تصویر ۷۹: روند کاهشی ذخایر عربستان سعودی^۱

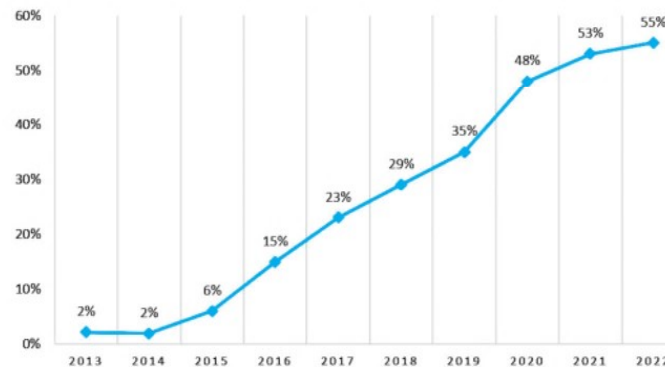
در چنین مواقعی که ذخایر ارزی عربستان تحت فشار قرار گرفته، حکمرانان سعودی ناچار به اخذ وام از کشورها و نهادهای اقتصادی بین‌المللی شده‌اند. بحران مالی ۲۰۰۸، بحران مالی ۲۰۱۴، بحران کرونا و نوسانات کوچک و بزرگ دیگر موجب شده تا عربستان مرتباً اقدام به اخذ وام کند. این فرایند نیز سبب افزایش نسبت بدهی خارجی این کشور به ذخایر ارزی از ۲ درصد در سال ۲۰۱۳ به ۵۵ درصد در سال ۲۰۲۳ شده است.

در چنین شرایطی کشورها و نهادهای بین‌المللی وام دهنده به تدریج با تردید به اعتبار کشور وام‌گیرنده می‌نگرند. کما اینکه برخی مؤسسات اعتبارسنجی بین‌المللی نظیر فیچ ریتینگز^۲ اخیراً اعلام کرده‌اند که عربستان سعودی قادر به بازپرداخت وام‌هایی

1. <https://data.worldbank.org/indicator/FIRESTOTL.CD?end=2022&locations=SA&start=2013&view=chart>.
2. Fitch Ratings.

که می‌گیرد نخواهد بود.^۱ وقتی نسبت بدهی خارجی این کشور به ذخایر ارزی که طی ده سال گذشته با افزایشی بی‌سابقه مواجه بوده و از دو درصد در سال ۲۰۱۳ به ۵۵ درصد در سال رسیده، به عدد ۱۰۰ درصد و بیشتر برسد به این معنی است که قدرت کشور برای بازپرداخت بدهی‌های خود بسیار کاهش یافته است. افزایش مالیات، کاهش خدمات حمایتی دولت از مردم، فرار کارگران خارجی و... از نشانه‌های این اتفاق در عربستان سعودی است. انتهای این مسیر نیز همان اتفاقی است که برای سایر کشورهای درگیر بدهی خارجی نظیر افتاد. در چنین شرایطی ناچاراً اعلام ورشکستگی کرده و بحران‌های بی‌شماری را به مردم کشورش تحمیل می‌کند.

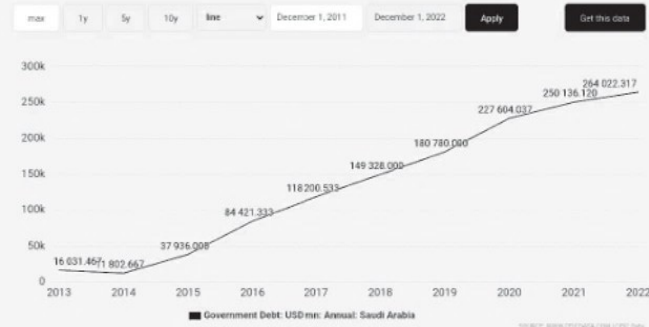
SAUDI ARABIA TOTAL DEBT AS SHARE OF TOTAL RESERVE



تصویر ۸۰: نسبت بدهی عربستان به ذخایر ارزی^۲

- <https://www.fitchratings.com/research/sovereigns/fitch-revises-saudi-arabia-outlook-to-negative-affirms-at-a-09-11-2020>.
- <https://data.worldbank.org/indicator/FI.RES.TOTL.CD?locations=SA>.

View Saudi Arabia's National Government Debt from 2004 to 2022 in the chart:



تصویر ۸۱: روند افزایشی بدهی عربستان از سال ۲۰۱۳ تا سال ۲۰۲۲^۱

بقای عربستان در گرو بقای آمریکا

مشکل دیگری که عربستان با آن دست و پنجه نرم می‌کند، کاهش ارزش دلار آمریکا است. ایالات متحده برای تأمین بدهی‌های خود، دلار چاپ می‌کند و عربستان با چیزی اقتصاد خود را می‌خکوب کرده که ذخیره ارز جهانی است و اکنون دنیا تمایل ندارد تا آن ارز را به عنوان ذخیره جهانی بپذیرد؛ لذا اقتصاد عربستان هم با او سقوط می‌کند.^۲

تغییر راهبرد عربستان از واشنگتن به پکن

عربستان برای جلوگیری از سقوط خود، تصمیم گرفت با چین که در حال جهانی کردن اقتصاد خود است وارد مذاکره شود. عربستان از سال ۲۰۱۴ با چین وارد مذاکره

1. <https://www.ceicdata.com/en/indicator/saudi-arabia/national-government-debt#:~:text=Saudi%20Arabia%20National%20Government%20Debt%20reached%20253.6%20USD%20bn%20in,Dec%202004%20to%20Dec%202023.>
2. [https://iiste.org/Journals/index.php/IJEDS/article/viewFile/37980/39064.](https://iiste.org/Journals/index.php/IJEDS/article/viewFile/37980/39064)

شد و اکنون در حال بررسی فروش نفت به یوان به جای دلار است.^۱ در این راستا، عربستان حاضر است تا امتیازات و هزینه‌های اقتصادی و سیاسی زیادی بدهد.^۲ یک تصمیم اشتباه برای ارزان نگه داشتن نرخ ارز، این چنین عربستان را به ورطه سقوط کشانیده است. عربستان برای پیشرفت مسیری را انتخاب کرد که هموار و بدون مانع بود ولی درواقع بیراهه‌ای است که مقصد آن دره است.

ملتی ثروتمند، مردمی فقیر

● اختلاف طبقاتی در عربستان

عربستان سعودی با ثروت عظیم نفتی خود، یکی از بالاترین غلظت خانوارهای فوق ثروتمند در جهان را دارد. اما تخمین زده می‌شود که حداقل ۲۰ درصد از جمعیت، در فقر فلج‌کننده زندگی می‌کنند. گدایان در سایه مراکز خرید مجلل ریاض دست و پا می‌زنند و تنها چند کیلومتر دورتر خانواده‌ها برای گذراندن زندگی در محله‌های فقیرنشین جنوبی پایتخت تلاش می‌کنند. نکته اینجاست که دنیای فقیران سعودی تا حد زیادی از دیدگان پنهان است.^۳

همچنین مجله بورگن بیان می‌کند: در نتیجه این فقر فزاینده در عربستان سعودی، گدایی در محله‌های فقیرنشین در حال حاضر به شدت توسط زنان رایج شده است. شرایط زاغه‌ها ویرانگر است. زنان و کودکان در فاضلاب راه می‌روند و می‌خواهند و کودکان نیز مجبورند هرچه می‌توانند بفروشند، زیرا نمی‌توانند تحصیل کنند. جدیدترین و به روزترین یافته‌های سایت بانک جهانی نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۱۴، بیش از ۸۰ هزار کودک در مدرسه ابتدایی شرکت نمی‌کردند.^۴

1. <https://www.al-monitor.com/originals/2022/03/saudi-considering-chinas-yuan-oil-purchases>.

2. <https://www.wsj.com/articles/saudi-arabia-consider-accepting-yuan-instead-of-dollars-for-chinese-oil-sales-11647351541>.

3. <https://time.com/3679537/rich-nation-poor-people-saudi-arabia>.

4. <https://www.borgenmagazine.com/poverty-in-saudi-arabia>.

● کمپین توییتری فقر در عربستان

سی ان ان در گزارشی از کمپین توییتری فقر در عربستان سعودی در سال ۲۰۱۳ می‌گوید: چند هفته پیش، یک کمپین عربی در توییتر منفجر شد. هشتگ عربی — #الراتب-مايكفی-الحاجة (که به معنای «حقوق جوابگوی نیازهای من نیست») — در دو هفته اول به ۱۷ میلیون توییت رسید. در اوج خود، روزانه ۱٫۲ میلیون توییت ثبت می‌کرد و نه تنها محبوب‌ترین هشتگ در زبان عربی بود، بلکه به شانزدهمین هشتگ محبوب رسید.^۱

● فقرا پنهان کنید!

مؤسسه Quincy for Responsible Statecraft بیان کرده که مقامات سعودی تلاش زیادی برای سرپوش گذاشتن بر بحران فقر در پادشاهی با توجه به افزایش ثروت خانواده حاکم و گسترش فساد انجام می‌دهند.

مؤسسه کوئینسی اعلام کرد که فقر در میان شهروندان سعودی به میزان بالایی تشدید می‌شود، اما این واقعیتی است که در پس ثروت خاندان سلطنتی پنهان است. بانک جهانی نیز اعلام کرد که «عربستان سعودی با مشکل فقر قریب‌الوقوع» و همچنین نابرابری درآمد مواجه است. پادشاهی سعودی یکی از بدترین کشورها از نظر مقابله با بحران فقر است.^۲ رزی بشیر، محقق سعودی که مطالب زیادی در مورد توسعه و فقر نوشته است، می‌گوید: «دولت به خوبی فقرا را پنهان می‌کند. نخبگان رنج فقرا را نمی‌بینند. مردم گرسنه هستند».^۳

● درآمد نفتی فوق‌العاده

اندیشکده بورگن بیان می‌کند: با وجود درآمد نفتی سالانه بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار، اکثر سعودی‌ها فاقد مسکن، مراقبت‌های بهداشتی، بهداشت و آموزش کافی هستند.

1. <http://edition.cnn.com/2013/09/05/world/meast/twitter-campaign-highlights-poverty/index.html>.

2. <https://www.aljazeera.com/opinions/2019/12/23/vision-2030-and-poverty-in-saudi-arabia>.

3. <https://www.theguardian.com/world/2013/jan/01/saudi-arabia-riyadh-poverty-inequality>.

نویسنده کارن هاوس در کتاب خود درباره عربستان سعودی به این موضوعات اشاره می‌کند. بیشتر درآمد نفت مستقیماً به دست خانواده سلطنتی می‌رسد. حداقل ۸۰ درصد از درآمد خزانه‌داری عربستان از نفت می‌شود، اما شهروندان عادی عربستان سعودی از این دستاوردها سود نمی‌برند.^۱

● کووید ۱۹ و اثرات آن^۲

از زمان شروع کووید-۱۹ اوضاع در عربستان بدتر شده است، نابرابری ثروت به‌طور قابل توجهی در کشورهای عربی افزایش یافته است، به‌طوری‌که ۱۰ درصد ثروتمندان بیش از ۸۰ درصد از کل ثروت منطقه را در اختیار دارند. این منطقه اکنون میلیون‌های بیشتر ثروتمندتری دارد که میانگین ثروت آنها از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲، ۲۰ درصد افزایش یافته است، در حالی که نیمه پایینی جمعیت شاهد کاهش یک‌سوم ثروت خود بودند. این‌ها برخی از یافته‌های کلیدی یک گزارش جدید در مورد «افزایش نابرابری ثروت در منطقه عرب در بحبوحه COVID-۱۹» است که توسط کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای غرب آسیا (ESCWA) منتشر شد. در نتیجه، ۶ کشور عربی (بحرین، امارات متحده عربی، یمن، عربستان سعودی، عمان و کویت) در بین ۲۰ کشور اول نابرابر در سراسر جهان قرار گرفتند. در مقایسه با سال ۲۰۱۹ که تنها ۲ کشور عربی در این فهرست وجود داشتند.

1. <https://borgenproject.org/economic-inequality-in-saudi-arabia>.

2. <https://www.unescwa.org/news/escwa-historic-rise-wealth-concentration-arab-region-richest-10-control-more-80-wealth>.

جمع بندی



پس از بررسی مسیر صعود کشورهای قدرتمند اقتصادی دنیا دریافتیم که ۸ مرحله برای صعود از حوض و وابستگی تا اوج اقتدار و استقلال اقتصادی وجود دارد. این مراحل به ترتیب عبارتند از:

۱. انقلاب برای استقلال؛

۲. تقویت نظامی و عبور از بحران‌سازی‌های دشمن؛

۳. گسترش علم‌آموزی و پیشرفت علمی؛

۴. تولید محصولات فناورانه در جهت جایگزینی واردات؛

۵. حمایت از تولید داخلی؛

۶. مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها به نفع تولید؛

۷. صادرات محوری و ورود به بازارهای جهانی؛

۸. سهم بالا از تجارت جهانی و تبدیل شدن پول ملی به ارز ذخیره جهانی؛

این مسیری طی شده با همه فراز و فرودهایش برای کشورهای مختلفی که به قله اقتدار اقتصادی دنیا رسیده‌اند از جمله ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، هلند، آلمان و ژاپن مشترک بوده و سایر کشورهایی که بخواهند به موفقیت پایدار در حوزه اقتصاد برسند راهی جز این مسیر متصور نیست.

کشورهای مختلفی تلاش داشتند با استفاده از میانبرهایی مانند خام‌فروشی منابع خدادادی و یا تکیه به یک منبع درآمد ارزی مثل وابستگی به جذب گردشگر بین‌المللی یا وابستگی به سرمایه‌گذاری خارجی، از راهی غیر از تولیدات داخلی و از خارج از کشور نیازمندی‌های خود را تأمین کنند، اما تجربه تاریخ اقتصادی این کشورها همگی بر

شکست مدل‌های اقتصادی وابسته و برون‌زا حکایت دارد. در واقع آنها راهی را رفتند که هموارتر بود و هیچ‌گاه راه هموار، یک کشور را به سمت صعود به قله بالا نمی‌برد بلکه یا به بن‌بست و یا به پرتگاه منتهی می‌شود. کشورهایی مانند آرژانتین، روسیه، مکزیک، ترکیه و... همگی دارای این تجربه مشترک تاریخی هستند^۱ و متأسفانه امروزه کشورهای دیگری نیز مانند کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، برخی از کشورها در آمریکای لاتین و همین‌طور آسیا در حال طی همین مسیر اشتباه هستند که در نهایت در صورت عدم اصلاح مسیر به همان سرنوشت محتوم منتهی خواهند شد.

کشور عزیز ما، ایران، نیز در دو قرن گذشته تجربه‌های مشابهی را از سر گذرانده است. در دوره قاجار با خام‌فروشی منابع طلا و نقره و در دوره پهلوی با خام‌فروشی منابع نفتی برای تأمین مایحتاج مردم از خارج کشور، به نقطه‌ای از وابستگی اقتصادی رسیدیم که حتی به تبع آن استقلال سیاسی کشور نیز از دست رفته بود و هزینه‌های متعدد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از طرف بیگانگانی که مسلط بر امور بودند بر کشور تحمیل شده بود. وابستگی اقتصادی زمینه‌ساز دخالت خارجی‌ها در همه امور کشور حتی انتخاب نمایندگان مجلس شده بود و سفارت‌های بریتانیا و ایالات متحده آمریکا در همه تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشور برای حفظ منافع خود مداخله می‌کردند. کاپیتولاسیون یا حق توحش تنها یکی از هزینه‌های سیاسی وابستگی روزافزون اقتصادی به آمریکا در دوران پهلوی بود.

اما پس از انقلاب اسلامی، جامعه ایرانی تصمیم گرفت مسیر استقلال را برای صعود به قله‌های مطلوب خود اتخاذ کند و هزینه‌ها و سختی‌های شیب تند بالارفتن از قله‌های شرف و آزادی را به جان بخرد. ایران اسلامی همانند همه کشورهای موفق اقتصادی دنیا برای خروج از وضعیت غیرقابل تحمل وابستگی، انقلاب کرد و نظام سیاسی مستقلی را ایجاد نمود. مانند همه این کشورها با بحران‌سازی‌هایی از طرف قدرت‌های اقتصادی که شریان‌های منافعشان در کشور در حال قطع شدن بود مواجه شد و از آنها عبور کرد. پیشرفت علمی را برای قطع زمینه وابستگی به بیگانگان با قدرت دنبال

۱. برای مطالعه تجربه این کشورها به کتاب معجزه تولید از همین نویسنده مراجعه کنید.

کرد. در شرایط تحریم، محصولات فناوری‌های را برای جایگزینی واردات، بومی‌سازی و تولید نمود که برخی از آنها مانند غنی‌سازی ۲۰ درصد اورانیوم، شبیه‌سازی موجودات زنده، درمان ناباروری با سلول‌های بنیادی، بومی‌سازی ۹۶ درصدی همه اقلام دارویی، پرتاب موجود زنده به فضا، قطعات پیچیده صنایع نفتی، نیروگاهی و ... جهانیان را به اعجاب واداشته است. در دهه ۱۳۹۰ شمسی با حمایت‌های مستقیم مقام معظم رهبری علیه السلام و شکل‌گیری معاونت علمی ریاست جمهوری علی‌رغم کوتاهی مسئولین دولتی، از ایجاد بیش از ۸۰۰۰ شرکت دانش‌بنیان برای تولید انبوه محصولاتشان حمایت شد که حجم فروش سالیانه‌شان به بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان و ارزآوری صادراتی‌شان به حدود ۲ میلیارد دلار رسیده است. حال نیز با تلاش دولت سیزدهم، کشور در جهت مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها به نفع تولید قدم برداشته که نتیجه آن سامان‌بخشی به بازارهای مختلف و احیای ۶۵۰۰ واحد تولیدی تعطیل یا نیمه‌تعطیل بوده است. محصولات صادراتی کشور عزیزمان اکنون به چنان قدرت رقابت‌پذیری در محصولات صادراتی خود رسیده که مقصد اصلی داروهای صادراتی آن، کشور پیشرفته‌ای چون آلمان است و خدمات فنی مهندسی آن در حوزه‌های مختلف پالایشگاهی و نیروگاهی برای کشورهای در حال توسعه مزیت قیمتی دارد. «و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت»^۱.

نباید فراموش کنیم که ورود به هر یک از مراحل ۸ گانه مذکور به معنای اتمام مرحله قبل نیست. مسلماً وقتی ایالات متحده در حال تولید محصول فناوری‌ها در مرحله چهارم بود اگر قدرت نظامی خود را هم‌زمان تقویت نمی‌کرد، از پس جنگ داخلی تحمیل شده از طرف بریتانیا بر نمی‌آمد و ادامه حیات نمی‌یافت. یا وقتی که ایالات متحده در حال مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها در مرحله ششم صعود بود هنوز همه دستاوردهای فناوری‌ها خود را به دست نیاورده بود و همچنان به حمایت از

۱. مقام معظم رهبری علیه السلام، بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

تولیدات داخلی ادامه می‌داد. ما نیز هر چند مرحله ششم، یعنی مدیریت نقدینگی و اصلاح ساختارها به نفع بخش تولید را آغاز کرده‌ایم اما هنوز با قله مطلوب مرحله پنجم یعنی حمایت از تولید داخل فاصله بسیاری داریم و هنوز بسیاری از کالاهای فئاورانه‌ای را که از طریق واردات تأمین می‌کنیم در داخل بومی‌سازی نکرده‌ایم و همچنان نیز باید با سرعت تمام در مرحله سوم یعنی پیشرفت علمی به پیش برویم تا عقب ماندگی ۲۰۰ ساله کشور در مسابقه علمی دنیا را جبران کنیم.

اما نکته آخر و به عبارتی مهمترین نکته؛ آن مسئله اساسی که در هر یک از این مراحل باعث موفقیت ایران اسلامی شده، حضور مردم در صحنه بوده است. رهبران انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی رحمه الله و حضرت امام خامنه‌ای مد ظله، با درک درست و مبتنی بر آموزه‌های الهی نسبت با نقش اساسی مردم در تأمین پیشرفت پایدار برای کشور، هر یک از این مراحل را با تفویض امور به دست مردم راهبری کرده‌اند. در پیروزی انقلاب و کنار زدن سلطنت منحوس پهلوی، امام خمینی رحمه الله هیچ‌یک از گروه‌های سیاسی و مخالفین مسلح داخلی را خطاب قرار ندادند و با در میان گذاشتن اهداف خود با مردم، زمینه‌ساز حضور مردم در صحنه و پیروزی انقلاب شدند. در عبور از بحران‌های پس از انقلاب و جنگ تحمیلی، این مردم بودند که در لبیک به فرمان امام رحمه الله به صحنه آمده و عراق و همه ابرقدرت‌های حامی او را در جنگ شکست دادند.

در مسئله پیشرفت علمی نیز ابتدائاً در دهه ۱۳۶۰ شمسی نیاز به گسترش سوادآموزی و جبران عقب‌ماندگی شرم‌آور در توزیع عادلانه امکانات آموزشی در دوران پهلوی بود، حضرت امام رحمه الله، دولت و مسئولین را مورد خطاب قرار ندادند بلکه مستقیماً با مردم طرح دغدغه کرده و درخواست خیزش مردمی از سوی بی‌سوادها برای یادگیری و از سوی باسوادها برای آموزش دادن کردند و بدین ترتیب نهضت سوادآموزی در کشور بنا شد. مقام معظم رهبری مد ظله نیز با مخاطب قرار دادن مستقیم اساتید و دانشجویان کشور از آنان خواستند برای جبران عقب‌ماندگی علمی که زمینه‌ساز عقب‌ماندگی اقتصادی گشته قیام کنند و نهضت نرم‌افزاری و جنبش تولید علم را ایجاد نمایند. با به میدان آمدن آنان سرعت رشد علمی ایران به رتبه نخست جهان و ۱۱ برابر متوسط جهانی رسید و در مرحله بعد با پیگیری‌های مجدانه

رهبری برای ایجاد معاونت علمی و ستادهای توسعه فناوریهای گوناگون از جمله نانو، سلولهای بنیادی، موشکی و ... زمینه‌سازی بومی‌سازی اقلام مهم وارداتی در کشور انجام شد. در مرحله پنجم نیز مقام معظم رهبری علیه السلام تنها مسئولین سه قوه را مخاطب حمایت از تولید قرار ندادند بلکه با دیدارهای مستقیم با تولیدکنندگان تلاش آنان را مصداق جهاد فی سبیل الله دانسته و از آنان به عنوان سربازان خط مقدم جهاد اقتصادی نام بردند. اکنون نیز این تولیدکنندگان داخلی هستند که با از خودگذشتگی و جهاد به معنای واقعی کلمه چرخ صنعت کشور را در حال حرکت نگه داشته و با بی‌اعتنایی به سودهای کلان در بخش‌های غیرمولد در حال تأمین مایحتاج مردم هستند.

در حال حاضر نیز اگر مردم پای کار نظام نباشند، هیچ کدام از این اهداف محقق نخواهد شد. لذا مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب و در بیانات اخیر خود بارها بر نقش مردم و لزوم حضور آنان در صحنه سخن گفته‌اند. ایشان خطاب به جوانان برای ادامه مسیر در مرحله تولید علم و فناوری فرموده‌اند:

«ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. این جانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است ناکام سازید»^۱.

و همچنین نسبت به مسیر طی شده تا کنون ادامه مسیر تا رسیدن به قله‌ها بیان داشته‌اند:

«اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام

۱. مقام معظم رهبری علیه السلام، بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.^۱

اکنون که بحران‌سازی‌های دشمنان برای جلوگیری از پیشرفت‌های ایران اسلامی و تسلط دوباره بر آن، وارد مرحله جنگ ترکیبی شده نقش و اهمیت حضور مردم نیز اهمیتی مضاعف پیدا کرده است. دشمنان دریافته‌اند که مهم‌ترین عامل پیشرفت ایران، پشتوانه مردمی آن است لذا درصدد بیرون کشاندن مردم از صحنه هستند. این جا است که مقام معظم رهبری علیه السلام دوباره از مردم مسلمان و انقلابی ایران استمداد و آنان را به جهاد تبیین، پرهیز از دو قطبی‌ها و حضور گسترده در صحنه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دعوت کرده‌اند.

امید است تا با ایستادگی و حضور مردم و اقدام و عمل دولت انقلابی مراحل پیش روی ایران تا رسیدن به قله پشت سر گذاشته شده و جامعه ایران در رفاه و عدالت و آرامش لذت زندگی عزتمندانه و مستقل را هر چه بیشتر بچشند. به امید رسیدن به قله‌ها...

۱. همان.

منابع فارسی

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، ج. ۱ و ۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۵ و ۱۷، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۴. امام خمینی رحمه الله، کلمات قصار: پندها و حکمت‌ها، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ یازدهم، ۱۳۹۱.
۵. امام خامنه‌ای مد ظله العالی، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، (قابل دسترسی در: www.khamenei.ir)

اسناد بالادستی

۶. قانون اساسی
۷. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴
۸. سند نقشه جامع علمی کشور
۹. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

کتاب

۱۰. آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۹.
۱۱. آبراهامیان، یرواند، تاریخ ایران مدرن، محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۱۲. آبراهامیان، یرواند، کودتا، محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۱۳. احمدی، سیروس، جامعه‌شناسی صنعتی، تهران: جامعه‌شناسان، ۱۳۹۲.
۱۴. آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲.
۱۵. اشرف، احمد، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجار، تهران: زمینه، نوبت اول، ۱۳۵۹.
۱۶. باری‌یر، جولیان، اقتصاد ایران، تهران: مؤسسه حسابرسی، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۱۷. بزرگر، شبنم، اندیشه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی در عصر ناصرالدین‌شاه، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، سال اول، بهار ۱۳۸۰، ش ۱.

۱۸. بینا، علی اکبر، *تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۱۹. پارسونز، آنتونی، *غرور و سقوط: خاطرات سفیر سابق انگلیس در ایران*، حسن پاشاشریفی، مشهد: راه نو، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۲۰. پهلوی، محمدرضا، *پاسخ به تاریخ*، حسین بوتربیان، تهران: شهرآب، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۲۱. پیردیگار، ژان و برنارهور کاد و یان ریشار، *ایران در قرن بیستم: بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در یک صد سال اخیر*، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۲۲. جمال زاده، سید محمدعلی، *گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران*، تهران: سخن، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲۳. چنگ، هاجون، *نیکوکاران نابه کار: افسانه تجارت خارجی آزاد و تاریخچه پنهان سرمایه داری*، ترجمه مهرداد (خلیل) شهابی و میرمحمود نبوی، تهران: اختران، ۱۳۹۵.
۲۴. حسین زاده، محمدحسن، *الزامات دستیابی جمهوری اسلامی ایران به مرجعیت علمی و فناوری جهان*، رساله دکتری، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۵.
۲۵. رحمانیان، داریوش، *ایران بین دو کودتا*، تهران: همت، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
۲۶. روبین، باری، *جنگ قدرت ها در ایران*، محمود مشرقی، تهران: آشتیانی، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
۲۷. زرگر، علی اصغر، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلستان در دوره رضاشاه*، کاوه بیات، تهران: پروین، ۱۳۷۲.
۲۸. سولیان، ویلیام، پارسونز، آنتونی، *خاطرات دو سفیر: اسراری از سقوط شاه و نقش پنهان آمریکا و انگلیس در ایران*، تهران: علم، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۲۹. سیف، احمد، *نگاهی با دوربین به اقتصاد ایران (از مشروطه تاکنون)*، تهران: کرگدن، چاپ دوم، ۱۳۹۸.
۳۰. سیوری، راجر، *ایران عصر صفوی*، احمد صبا، تهران: مرکز، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.
۳۱. شوکراس، ویلیام، *آخرین سفر شاه: سرنوشت یک متحد آمریکا*، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: پیکان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱.
۳۲. صوفی آبادی، محمود، *بررسی جایگاه تحقیق، پژوهش و مطالعه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، اندیشه صادق، بهار و تابستان ۱۳۸۱، شش، ۶ و ۷.
۳۳. طباطبایی، محمدحسن، *نقوذ فراماسونری در مدیریت نهادهای فرهنگی دهه ۱۳۴۰*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳۴. عیسوی، چارلز، *تاریخ اقتصادی ایران*، یعقوب آژند، تهران: گستره، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۳۵. فوران، جان، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال های پس از انقلاب اسلامی ایران*، احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۴.
۳۶. فوران، جان، *یک قرن انقلاب در ایران*، حسن اسدی، تهران: مولی، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۳۷. کاتوزیان، محمدعلی همایون، *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*،

- محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۳۸. کاوشی، حسین، مجلس سیزدهم و بحران اقتصادی پس از شهریور ۱۳۲۰، فصلنامه پیام بهارستان، تابستان ۱۳۹۰، ش ۱۲.
۳۹. کدی، نیکی، ریشه‌های انقلاب ایران، عبدالحسین گواهی، تهران: علم، چاپ سوم، ۱۳۹۸.
۴۰. گراهام، رابرت، ایران: سراب قدرت، فیروز فیروزی، تهران: صاحب کتاب، چاپ اول، ۱۳۵۸.
۴۱. گل محمدی، احمد، اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضاشاه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۴۲. مجد، محمدقلی، پل پیروزی، سرزمین قحطی: ایران در جنگ جهانی دوم (۱۳۲۴-۱۳۲۰)، علی فتحعلی آشتیانی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۴۳. مجد، محمدقلی، قحطی بزرگ، محمد کریمی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۴۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۱۱۰ جلد، تهران: اسلامی، ۱۳۸۶.
۴۵. مدنی، سید جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۴.
۴۶. مشرف نفیسی، حسن، زندگانی گران: علت گرانی چیست و چاره آن کدامست، تهران: بانک ملی ایران، ۱۳۲۱.
۴۷. مصدق، محمد، افشار، ایرج، خاطرات و تآلمات دکتر محمد مصدق، تهران: علمی، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
۴۸. معاونت سیاست‌گذاری و توسعه؛ [برای] ستاد فرهنگسازی اقتصاد دانش بنیان معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، ریاست جمهوری معاونت علمی و فناوری، ۴ سال علم، فناوری و نوآوری: نگاهی به چهار دهه توسعه علم، فناوری و نوآوری در جمهوری اسلامی ایران، تهران: ریاست جمهوری، معاونت علمی و فناوری، مرکز ارتباطات و اطلاع‌رسانی، دانش بنیان فناور، ۱۳۹۷.
۴۹. میلانی، عباس، معمای هویدا، تهران: اختران، چاپ ششم، ۱۳۸۰.
۵۰. هالیدی، فرد، ایران: دیکتاتوری و توسعه، علی طلوع و محسن یلفانی، تهران: علم، چاپ اول، ۱۳۵۸.

نشریات و روزنامه‌ها

۵۱. روزنامه جمهوری اسلامی.
۵۲. روزنامه اطلاعات.
۵۳. تهران اکونومیست.
۵۴. تهران اکونومیست.
۵۵. تهران اکونومیست.
۵۶. مجله زن روز

منابع انگلیسی

Book

57. Avery, Peter, *Modern Iran*, London: Ernest Benn Ltd, 1965.
58. Bairoch, Paul, *Economics and World History: Myths and Paradoxes*, Chicago: University of Chicago Press, 1993.
59. Barth, Jonathan, *THE CURRENCY OF EMPIRE: MONEY AND POWER IN SEVENTEENTH-CENTURY ENGLISH AMERICA*, New York: CORNELL UNIVERSITY PRESS, 2021.
60. Berger, Arthur Asa, *Ads, Fads, and Consumer Culture: Advertising's Impact on American Character and Society*, Maryland: Rowman & Littlefield, 2015.
61. Brisco, Norris A., *The economic policy of Robert Walpole*, Michigan: University of Michigan Library, 1907.
62. C. Issawi, *The Economic History of Iran 1800-1914*, London: University of Chicago Press, 1971.
63. Carnes, Mark C. *American destiny: narrative of a nation*, London: Pearson, 2012.
64. Chang, Ha - Joon, *Kicking away the ladder: Development Strategy in Historical Perspective*, London: Anthem Press, 2002.
65. Chang, Ha-Joon, *Bad Samaritans: The Myth of Free Trade and the Secret History of Capitalism*, London: Bloomsbury Publishing, 2009.
66. Chernow, Ron, *Alexander Hamilton*, London: Penguin Books, 2005.
67. Cooper, Andrew Scott, *The Fall of Heaven: The Pahlavis and the Final Days of Imperial Iran*, New York: Henry Holt and Company, 2016.
68. Cross, Mary, *A Century of American Icons: 100 Products and Slogans from the 20th-Century Consumer Culture*, California: Greenwood Press, 2002.
69. Dalio, Ray, *Principles for Dealing with THE CHANGING WORLD ORDER, Why Nations Succeed and Fail*, New York: Avid Reader Press, 2021.
70. Defoe, Daniel, *A Plan of the English Commerce 1728*, Hoboken: Blackwell, 1927.
71. Entner, M. L., *Russo-Persian Commercial Relations, 1828-1914*, Gainesville: University of Florida Press, 1965.

72. Findlay, Ronald and Kevin H. O'Rourke, *Power and Plenty: Trade, War, and the World Economy in the Second Millennium*, New Jersey: Princeton University Press, 2007.
73. Foran, John, *Fragile Resistance Social Transformation in Iran from 1500 to the Revolution*, San Francisco and Oxford and Boulder, Colorado: Westview Press, 1992.
74. Halliday, Fred E., *Iran: Dictatorship and Development*.
75. Hamilton, Alexander, *Writings*, Joanne B. Freeman, New York: Library of America Founders Collection, 2001.
76. Israel, Jonathan, *The Dutch Republic: Its Rise, Greatness, and Fall 1477-1806*, Oxford: Oxford University Press, 1995.
77. Jasanoff, Maya, *Liberty's Exiles: American Loyalists in the Revolutionary World*, New York: ALFRED A. KNOFF, 2011.
78. Katouzian, Homa, *the Political Economy of Modern Iran- Despotism and Pseudo Modernism, 1926-1979*, London: Palgrave Macmillan UK Press Ltd, 1981.
79. Katouzian, Homa, *THE POLITICAL ECONOMY OF MODERN IRAN, Despotism and Pseudo- Modernism, 1926-1979*, London: Palgrave Macmillan UK Press Ltd, 1981.
80. Kennedy, Paul, *The Rise and Fall of the Great Powers*, London: Fontana, 1969.
81. Kindleberger, Charles P., *World Economic Primacy: 1500-1990*, Oxford: Oxford University Press, 1996.
82. List, Friedrich, *The National System of Political Economy*, translated by Sampson S. Lloyd, 1885.
83. Mayhew, N. J., "Population, money supply, and the velocity of circulation in England, 1300-1700", *Economic History Review*, XLVIII, 2(1995).
84. Millsbaugh, Arthur C., *Americans in Persia*, Washington: The Brookings Institution, 1946.
85. Mohammad Gholi Majd, *Britain & Reza Shah: The Plunder of Iran, 1921-1941*, Gainesville: University Press of Florida, 2001.
86. Motley, John L, *The Rise of the Dutch Republic*, Harper & Brother, Publishers, 1856.

87. Parsons, Anthony, The pride and fall: Iran 1974-1979, London: Jonathan Cape, 1984.
88. Pembroke, Michael, America in Retreat: The Decline of US Leadership from WW2 to Covid-1, London: Oneworld Publications, 2021.
89. Percivale Taylor, Alan John, Bismarck: The Man and the Statesman, OXFORD: Oxford University. 2002.
90. Petras, James, Zionism: Militarism and the Decline of US Power, United state: Clarity Press, 2009
91. Prak, Maarten, The Dutch Republic in the Seventeenth Century: The Golden Age, Cambridge: Cambridge University Press, 2005.
92. Ramsey, Peter Herbert, The price revolution in sixteenth-century England, London: Methuen, 1971.
93. Rose, Susan, The Wealth of England the Medieval Wool Trade and its Political Importance 1100-1600, Oxford & Philadelphia: Oxbow Books and the individual contributors, 2018.
94. Shawcross, William, The Shah's Last Ride: The Story of the Exile, Misadventures and Death of the Exile, New York: Simon and Schuster, 1988.
95. Sherrow, Victoria, For Appearance' Sake: The Historical Encyclopedia of Good Looks, Beauty, and Grooming, Greenwood Publishing Group, 2001.
96. Stempel, John D, Inside the Iranian Revolution, Washington: The Clark Group, 2009.
97. Streitmatter, Roger, Sex sells!: The media's journey from repression to obsession, Basic Books, 2004.
98. Tilly, Richard H. and Michael, Kopsidis, From Old Regime to Industrial State, Chicago: University of Chicago Press Economics Books, University of Chicago Press, 2020.
99. Tracy, James D., Holland Under Habsburg Rule, 1506-1566 The Formation of a Body Politic, Berkeley: University of California Press, 1990.
100. Trebilcock, Clive, The industrialization of the continental powers 1780-1914, London: Routledge, 2013.
101. Van Zanden, Jan Luiten and Milja van Tielhof, Roots of growth and productivity change in Dutch shipping industry, 1500-1800, Explorations in Economic History, 2009.

102. Vicqu ry, Roger H., *The Rise and Fall of Global Currencies Over Two Centuries*, London: London School of Economics, 2021.
103. Walton, Gary M. and Hugh Rockoff, *History of the American Economy*, Boston: South-Western, Cengage Learning, 11th edition, 2010
104. Wang, Dong, *China's Unequal Treaties: Narrating National History*, Lanham: Lexington Books, 2005.
105. Wood, Gordon S., *The American Revolution: A History (MODERN LIBRARY CHRONICLES)*, New York: THE MODERN LIBRARY, 2022.
106. Yeganegi, Esfandiar, *Recent Financial and Monetary History of Persia*, New York: Columbia University, 1934.
107. Zonis, Marvin, *Majestic Failure: The Fall of the Shah*, Chicago: University of Chicago Press, 1991.

Article

108. Bakhash, Shaul, "Iran: Monarchy, Bureaucracy and Reform Under the Qajars 1858-1896", *Iranian Studies*, Volume 12, Issue 1-2, Spring Winter 1979, pp. 114 - 119.
109. Carus-Wilson, E. M., "Trends in the Export of English Woollens in the Fourteenth Century", *The Economic History Review*, New Series, Vol. 3, No. 2.
110. Davis, Ralph, "The Rise of Protection in England", *The Economic History Review*, vol. 19, no. 2, 1966.
111. Fishlow, Albert, "Trends in the American Economy in the Nineteenth Century", *The Journal of Economic History*, Vol. 22, No. 1, Mar 1962.
112. UNESCO SCIENCE REPORT, *The race against time for smarter development*, 2021.
113. Wellington Independent, 17 October 1872.
114. Wilson, Arnold T., "Persia and the Oil Dispute", *Nineteen Century*, No.113, January 1933.

منابع اینترنتی

115. <https://american-history.net>
116. <https://chomsky.info>
117. <https://data.worldbank.org>

118. <https://dolat.ir>
119. <https://en.wikipedia.org>
120. <https://equitablegrowth.org>
121. <https://eracore.ir>
122. <https://fightthenewdrug.org>
123. <https://futurism.com>
124. <https://glimpseshistory.com>
125. <https://ifs.org.uk/inequality>
126. <https://interestingengineering.com>
127. <https://irna.ir>
128. <https://ldhi.library.cofc.edu>
129. <https://lmo.gov.ir>
130. <https://mashruteh.org>
131. <https://nationalinterest.org>
132. <https://nsarchive2.gwu.edu>
133. <https://ourworldindata.org>
134. <https://prussianhistory.com>
135. <https://sage-answer.com>
136. <https://ssrn.com>
137. <https://techstartups.com>
138. <https://thehill.com>
139. <https://twitter.com>
140. <https://watson.brown.edu>
141. <https://wikileaks.org>
142. <https://www.academia.edu>
143. <https://www.aier.org>
144. <https://www.axios.com>
145. <https://www.bankofengland.co.uk>
146. <https://www.battlefields.org>

147. <https://www.bbc.co.uk>
148. <https://www.britannica.com>
149. <https://www.brown.edu>
150. <https://www.clevelandfed.org>
151. <https://www.cnbc.com>
152. <https://www.defense.gov>
153. <https://www.dw.com>
154. <https://www.encyclopedia.com>
155. <https://www.fa-mag.com>
156. <https://www.globalhungerindex.org/pdf/en/2018.pdf>
157. <https://www.globalhungerindex.org/pdf/en/2020.pdf>
158. <https://www.globalsecurity.org>
159. <https://www.hbs.edu>
160. <https://www.history.com>
161. <https://www.imf.org>
162. <https://www.investopedia.com>
163. <https://knoema.com>
164. <https://www.lseg.com>
165. <https://www.macrotrends.net>
166. <https://www.masshist.org>
167. <https://www.measuringworth.com>
168. <https://www.monticello.org>
169. <https://www.msrt.ir/fa>
170. <https://www.nps.gov>
171. <https://www.nps.gov>
172. <https://www.oliverstuenkel.com>
173. <https://www.oxfordreference.com>
174. <https://www.pbs.org>
175. <https://www.pewresearch.org>



176. <https://www.pgpf.org>
177. <https://www.piie.com>
178. <https://www.public.msrt.ir>
179. <https://www.publishersweekly.com>
180. <https://www.pwc.com>
181. <https://www.reddit.com>
182. <https://www.smithsonianmag.com>
183. <https://www.statista.com>
184. <https://www.studocu.com>
185. <https://www.thoughtco.com>
186. <https://www.usdebtclock.org>
187. <https://www.us-iran.org>
188. https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo_pub_2000_2022/ir.pdf
189. https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo_pub_2000_2023/ir.pdf
190. <https://www.wipo.int/edocs/statistics-country-profile/en/ir.pdf>
191. <https://www.worldatlas.com>
192. <https://www.worldwater.org>